تصویر: ابوعبدالرحمن الکردی

فتاوی دار العلوم دیوبند فارسی

مدلل و مکمل



تألیف

مفتی اعظم العارف باللّٰه حضرت مولانا الشیخ
عزیزالرحمن عثمانی دیوبندی رحمة الله علیه

دوهم

تصیح ترجمه و ترتیب جدید

مولانا الحافظ محمد احمد الحقانی الأفغانی غفرالله



مکتبہ حنفیہ کانسی روڈ، کوئٹہ، فون ۲۶۶۲۵۱۰

فتاوی دار العلوم دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمَّد أحمد الحقانی الأفغانی غفرالله له

جلد دوم (۲)

مکتبه حنفیه

کاسی روڈ ، کوئٹه . فون: 2662510 - 081

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah Publishing Organization	مکتبہ حنفیہ مؤسسه انتشارات
AL - ILM Computers Composing Organization	العلم کمپیوترز کمپوزنگ مرکز

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 :کاسی رود، حاجی غیبی چوک، کوئته ، شمارهٔ تلیفون

AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 :العلم کمپیوترز ، کوئته ، پاکستان ، شمارهٔ تلیفون

فهرست فتاوى دار العلوم ديوبند جلد دوم

فتاوی
دار العلوم
دیوبند

مدلل و مکمل

فارسی

تألیف

مفتی اعظم العارف بالله حضرت مولانا الشیخ عزیز الرحمن عثمانی دیوبندی رحمه الله

تصحیح ترجمه وترتیب جدید

مولانا الحافظ محمَّد أحمد الحقانی الأفغانی غفر الله له

جلد دوم (۲)

مکتبه حنفیه

کاسی روڈ ، کوئٹه . فون: 081-2662510

al-ilmcorp@hotmail.com

چاپ اوّل

حوت ۱۳۸۸ \ ربیع الأوّل ۱۴۳۱ \ مارچ 2010

Maktabah Hanafiyah	مکتبۂ حنفیہ
Publishing Organization	مؤسسه انتشارات
AL – ILM Computers	العلم کمپیوترز
Composing Organization	کمپیوزنگ مرکز

Kasi Road, Quetta, Pakistan . Phone : 0812662510 :کاسی رود، حاجی غیبی چوک، کوئته ، شمارهٔ تلیفون
AL-ILM Computers, Quetta. Mob: 03218016371 :العلم کمپیوترز ، کوئته ، پاکستان ، شمارهٔ تلیفون

فهرست فتاوی دار العلوم ديوبند جلد دوم



بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

الحمد لله وكفى وسلام على عباده الذين اصطفى:

اين يک سخن پوشيده نيست که دنيا بسيار به سرعت پيش روان است هر دور وزمان براي خود خصوصيات جداگانه دارد دور موجوده يک حقيقت معلوم است که به نزد خاکسار پاليدن دريافت عاجل حتى الإمكان اساني وسهولت است با اين همه تلاش وجستجو هر شخصي خواه به فقه وفتاوى اشنائي داشته باشد ويا نه تنقيد وتبصره بر هر حكم حق أول وفريضه او ست دريافت اساني وسرعت کردن در طبيعت انساني چنين ممزوج ومخلوط گرديد که هيچ کدام لفظ را بدون آن خوش ندارد هر شخص وهر جاي را که مشاهده نمائيد ميدانيد که از راه ورسم ورفتار زمانه بسيار مرعوب است از همين سبب تفکر، تدبر، دور انديشي ومعامله فهمي رو به اختتام است، غور وفکر بالکل سطحي مانده است وقتيکه من فکر ميکنم که نتيجه وانجام اين نظر سرسري دين آخري، مکمل وخوش کرده خداوند است وهيچ کدام انسان آئين وقوانين اين دين مقدس را نساخته بلکه خالق کائنات أصول وقوانين اين دين را به حکمت کامله خود ساخته است که تشريح وتوضيح آن را رحمت عالم ﷺ در دور بيست وسه ساله نبوت خود کرده واصحاب کرام رضي الله عنهم به عملي ساختن آن را روشن وصفا کرده اند، وهيچ قسم صعوبت را درآن باقي نمانده وبعد از آن أئمۀ مجتهدين وعلماء أمت در پرتو کتاب الله وسنت رسول الله ﷺ اين دفعات ومراحل را مدون ساختند که تفصيل آن در حصۀ اول اين کتاب من حيث مقدمه بيان شده مگر مطابق نشر ووسعت حالات درآن زيادت رخ ميداد وقتيکۀ مسائل نو وجديد پيدا مي شد، علماء راسخين في العلم راجع به آن تلاش ميکردند وعوام را ازآن خبردار مي ساختند ودر آينده نيز مطابق احوال همين قسم خواهد شد واين سلسله به هيچ منزل استاد ومتوقف نميشود مگر بسيار جاي تعجب است که با وجود شناخت ومشاهده همه اين چيزها به علماء امت اتهام والزام تنگ نظري، کم مايگي وبي خبري زده ميشود واين پروپاگند مکروه به زبان خاص وعام جاری است بلکه زيادتر از اين يک طبقه حضرات تعليم يافته که صلاحيت دور بيني ودين فهمي درآنها نيست به دنبال وعقب آن کسي روان ميشوند که آنها دين حق خداوند را مطابق ذوق وخواهش غلط خود من حيث حلقه منسوخ شده پيش ميکنند وبه تحريف معنوي گرفتار لعنت شده اند حالا

براي عوام وخواص امت چه قسم یقین داده شود که طبقه علماء ذمه دار امت از زمانهٔ وتیز قدمي
زمانه یک لحظه هم غافل وبي خبر نیستند وانگشتان این علماء همیشه به نبض رفتار زمانه ونظر
دور بینانه ایشان به رخ زیباي دور جدید مانده شده است وآنها میدانند که در عملی ساختن امور
دیني مطالبه کسالت به شدت جاري است واین گیله وشکایت عام است که گویا علماء دین
مطابق تقاضاي زمانه رفتار نمیکنند وشکایات ما را نمیشنوند ازاین جهت دنیا روز به روز درباره
ما بر گمان میشود با وجود این شکایات والزامات پیشنهاد این طبقه را مثل پیشنهاد پیروان
مسحیان وپیروان مذاهب دیگري میدانند که از علماء وپیشوایان خود میکردند وعلماء امت
محمدي ﷺ آن تاریخ مختل را ثبت کرده اند ونمیخواهند که آن تاریخ مختل ضد کتاب وسنت
در امت محمد ﷺ تکرار شود وعلماء این امت میدانند که علماء بني اسرائیل وغیره چه قسم
براي خوش ساختن عوام نقشه دین ومذهب خود را مختل وویران کردند وبالاخره دین خداوند را
به چه چیز مبدل ساختند آیا علماء این امت احساس آن ذمه واري عظیم الشان را ندارند که از
طرف خداوند خداوند جل جلاله ورسول پاک ﷺ بدوش شان مانده شده نتیجه همین احساس است
که علماء دین به مردانگي کامل به مقام خود استاد مانده اند واین اعمال را محکم کرده اند که
درکتاب الله وسنت رسول ﷺ براي شان مناسب دیده ودر روشني این کتابٌ مقدس وسنت مطهر
آن حضرت ﷺ زنگي خود را بدون ترس وهراس فساق وفجار بسر مي برند رحمة الله علیهم
واز خداوند پاک تمنا داریم که در این استقامت ومردانگي ایشان بقدر موي سر فرق پیش نشود
این سخن از این جهت به زبانم میاید که اگر از مطالبه عوام کدام ترس وهراس کرده شود ومطابق
تقاضاي عوام کدام قدم برداشته شود ممکن است که، دین به ملعبه اطفال مبدل شود وشیشه
تقدس ووقار او میده، میده خواهد شد راپور کمیشن پاکستان اجتهاد مسخ کننده منکرین حدیث
وتعبیرهاي غلط جماعات دیگر روشن فکر دیني وانجام لرزه خیز آنها در نظر چشم ما موجود
ومحسوس است این یک سخن جدا است که انقلاب زمانه کدام ذمه واري جدید را بدوش
علماء قائمین بالحق وراسخین في العلم انداخته است ایشان بجا اوردن آن را فرض خود میدانند
ودر این سلسله که برای ایشان کدام عمل مناسب است انشاء الله همیشه آن را دوام خواهد داد
خوب یاد داشته باشید که (الدین یسر) اساني نام دوم دین اُست که نه درآن کمبود است نه سخن
نه تنگي ونه زیادت بلکه در ریشه آن برابري ومساوات است ومطابق گذارشات وروزگار هر دور

قوت بي فناء است دين در ذات خود بسيار صفائي وجاذبيت دارد از طرف پيغبر اكرم ﷺ به مصلحين دين هدايت وارشاد شده: كه اساني كنيد سختي نكنيد خوش خبري دهيد ونفرت آور نباشيد كدام همه گيري، رفق وسهولت كه در احكام دين موجود است هر كس آن را ميداند در باب طهارت حكم استعمال آب است مگر در حال نبودن آب ويا در صورت عدم قدرت به استعمال آب خاک پای قائم مقام آن شده است كه هم برای وضوء وهم براي جنابت كفايت ميكند كه به خاک يا آن چيز يک در حكم دو دفعه دست خود را ميزند بار أول دستها را به روي خود وبار دوم هر دو دست را تا ارنجها مسح ميكندكدام مناسبت كه در بين خاک واب مرموز است شايد به آن افراد معلوم باشد كه علم داردند كه اين هر دو يعني آب وخاک در پيدائش ونشو ونموی اساني، ومخلوق ديگري چه سهم دارد نماز در تمام عبادات يک عبادت عظيم المرتبه است وآن قدر عام است كه براي هيچ مسلمان عاقل وبالغ معاف نيست، يا اينكه قيام در نماز فرض است مگر وقتيكه قدرت قيام را كسي نداشته باشد برايش اجازه است كه به قاعده نماز خود را اداء كند وبه قاعده نيز قدرت ندارد دراز يافته ونماز خود را اداء نمايد هم چنين نماز به جماعت سنت مؤكده بلكه واجب است مگر وقتيكه عذر شرعي برايش پيش آيد اجازه ترک جماعت برايش داده شده هم چنين براي مقيم ضرور است كه تمام نماز فرض وسنت خود را اداء كند مگر براي مسافر در اين باره اساني اختيار شده كه در فرض چهار ركعتهي صرف دو ركعت بخواند وسنت برايش معاف است، ودر هيئت تركيبي نماز، شرائط وصفات آن هيچ كدام مشكل ودشواري وجود ندارد وچيزي را كه دائما ضرور گردانيده تمام آن نافع وزندگي ايشان را زيبا وپاكيزه ميسازد، مختصر اينكه دين هم آسان است وهم در وقت كم اداء ميشود واين سهولتها كم وبيش در تمام عبادات حاصل است كاشكی تمام مسلمانان بطريقه كامل از دين واقف باشند تا بدانند كه اسلام بكدام اندازه دين اساني وسهولت است وبكدام اندازه به خواهشات ونفسيات انسان نزديک است در ترتيب اين حصه نيز لحاظ تمام آن امور نگاه شده كه تفصيل آن در حصه اول آمده است در اول اراده بود كه تمام كتاب الصلاة در يک جلد ويا دو جلد ترتيب شود مگر براي سهولت واساني مردم در جلدهاي متعدد تهيه كرده شد در حذف مسائل تكراري دراين جلد هم اهتمام شده است مگر در بعض مسائل از جهت اهميت واختلاف نوعيت سوالات مطابق ضرورت تكرار صرف براي نام است مطلب تكرار اين

نیست که گویا یک سوال وجواب تکرار شده بلکه سائل هم شخص دیگري است والفاظ سوال وجواب نیز بدل ومتفاوت است ودر دو وقت نوشته شده آیا از نسیان بشري کسي محفوظ است که این خاکسار از آن محفوظ بماند ودعواه کند که از غلطي ونسیان بشري مصئون ومحفوظ است فکر تا حدیکه میتوانستم در جد وجهد، محنت وخواري خود هرگز کوتاهي نکرده ام کامیابي بدست رب العزت است دعاء است که الله تعالی خدمت این حقیر را قبول کند واین خدمت را در نظر علماء وقیع وپسندیده وبراي عوام قابل استفادۀ عظیم بگرداند وبه معیت آن براي مرتب این مجموعه را ذریعه فلاح ونجات دنیا وآخرت ثابت کند.

به امید دعا محمد ظفیر الدین غفر له پوره نودیهاري

دار الافتاء دار العلوم دیوبند ١٥ ربیع الثاني سنة ١٣٨٣ هـ



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وعلى آله واصحابه أجمعين.

كتاب الصلاة

أهميت نماز وفضائل آن

سوال: (۱) **برای مسلمانان هر طبقه صورت پابندی نماز چیست**؟ پابندي هر طبقه مسلمانان به نماز چه قسم شده میتواند؟

جواب: الله تعالى فرموده است: وإنها لكبيرة إلا على الخاشعين الذين يظنون أنهم ملاقوا ربهم وانهم إليه راجعون، [۱] ترجمه: وبیشک نماز وزمین است مر به آن مردم نیبست که عاجزي میکنند کسانیکه یقین دارند که ایشان به الله ﷻ ملاقات میکنند وایشان به خدا باز میگردند، پس معلوم شد که اول فکر خوف خداوند بر خوف قیامت وأحوال قیامت وپیش شدن به بارگاه إلهي را در دل خود پیدا کنند ودر آن فکر کنند وبازآن بشارت وثواب که در أحادیث پیغمبر اکرم ﷺ براي نماز گذاران ثابت شده مطالعه نمایند ویا بشنوند وفضائل نماز را در حضور مشاهده کنند امید است که به این طریق شوق نماز برایش پیدا خواهد شد واگر به این حدیث شریف غور وفکر کند که "أحب الاعمال الى الله ادومها" [۲] یعني عمل محبوبترین به نزد الله تعالی آن است که بر آن مداومت کرده شود وهم چنین در این حدیث شریف غور وفکر کنند که رسول پاک ﷺ گفته: أرأيتم لو أن نهرا بباب احدكم يغتسل فيه كل يوم خمسا هل يبقى من درنه شيء قالوا لا يبقى من درنه قال فذلك مثل صلاة الخمس يمحو الله بهن الخطايا، رواه البخاري ومسلم [۳] ، حاصل این حدیث شریف این است که نبي کریم ﷺ از اصحاب کرام رضي الله عنهم سوال کرد که اگر پیش روي دروازه کسي یک نهر باشد که در یک روز پنج دفعه درآن غسل کند آیا به بدن او کدام چرک باقي خواهد ماند اصحاب رضي الله عنهم گفتند که باقي نخواهد ماند حضور ﷺ فرمود که همین مثال پنج وقت نماز است که به آن انسان ازگناه پاک میشود پس ان شخص نمازگذار پخته ومحکم خواهد شد ووقتاً فوقتاً یعني همیشه در تحقیق

---

(۱) البقرة رکوع ۳ آیت : ۴۵\۴۶. ظفير

(۲) مشكوٰة باب القصد فى العمل، الفصل الاول ص ۱۱۰. ظفير

(۳) مشكوٰة كتاب الصلوٰة ص ۵۷. ظفير

مسائل نماز مشغول خواهد بود وبه حکم: من جد وجد، ضرور در کوشش خود کامیاب خواهد شد، پس ضرور شد که کدام احادیث در بلندي مقام وفضلیت نماز وارد شده ان را درکتاب الصلاة مشکوة شریف مطالعه کند ویا ازکسي دیگري بشنود واگر این شخص به زبان عربي نمیداند در این صورت کتاب (مظاهر حق) ترجمۀ مشکوة مذکوره بهره ومنفعت خواهد رسید وشوق نماز در دلش پیدا خواهد شد وکسیکه به این قسم مطالعه وغیره توان ندارند مردم دیگري که در این مسائل واقف اند براي شان توضیح دهند ومسائل خوف وبشارت را از ترجمه آیات وأحادیث براي شان بیان کنند پس ضرور است که به حکم: وذکر فإن الذکری تنفع المؤمنین، [۱] براي آنها این نصائح نافع وممد شود این نصایح نه تنها در مسائل وفضائل نماز بلکه به اتباع تمام احکام نافع است.

سوال: (۲) **کسیکه به پابندی نمازها را اداء نمیکند برای او ثواب داده میشود یا نه؟** کسیکه بعض نمازها را ترک میکند وبعض نمازها را اداء میکند براي او ثواب نمازهاي اداء شده داده میشود یا نه؟

جواب: ثواب نمازهاي اداء شده برایش داده میشودوبراي نمازترک شده برایش عذاب است. [۲]

سوال: (۳) **آیا نماز شخص رشوت خور مقبول است؟** یک شخص علاوه از معاش ماهانه رشوت میگیرد نماز او مقبول است یا نه؟

جواب: نمازش مقبول است وثواب نماز برایش حاصل میشود وگناه رشوت به گردن او است، قال تعالی: وآخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحًا وآخر سیئًا. [۳] الآیة

سوال: (٤) **اگر متعلقین نمازگذار نماز نخوانند آیا به این سبب بالایش کدام جرم عائد است؟** (الف) مسلمانان یک محله چنین انتظام کرده اند که کسي کدام نماز را ترک کند جرمانه را اداء کند وهمراه تارک نماز قطع تعلقات میکنند در این محله زید نماز میخواند مگر متعلقین او تارک الصلاة اند وقتیکه به زید گفته شد زید در جواب گفت که آنها نماز نمیخوانند من چه کنم مجبوري است باز برایش گفته شد که تعلقات را با آنها قطع کن زید در جواب گفت

---

(۱) الذاریات رکوع ۲ . ظفیر

(۲) وتارکها عمدًا مجانة ای تکاسلا فاسق یحبس حتی یصلی وقیل یضرب حتی یسیل منه الدم وعند الشافعی بصلاة واحدة حدًا وقیل کفر (الدر المختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۲٦، ط.س. ج۱۰ ص۳۲٦). ظفیر

(۳) سورة التوبة، رکوع ۱۳. ظفیر

که این قسم هم کرده نمیتوانم مجبوري أست.

(ب) این گفتار زید که مجبوري است قابل عفوه است یا نه؟

سوال: (۵) (۱) **امامت این قسم شخص جائز است یا نه**؟ وقتیکه زید همراه تارک الصلاة تعلقات داشته باشد پیش به عقب زید نماز خواندن جائز است یا نه؟

سوال: (٦) (۲) **همراه این قسم شخص تعلقات نگاه شود یا نه**؟ همراه زید تعلقات نگاه شود یا نه؟

سوال: (۷) (۳) **کسی که نماز نخواند جرمانه مالی از او جائز است یا نه**؟ به خاطر به نماز آوردن مردم از این قسم أثر کار گرفتن در شریعت جائز است یا نه؟

جواب: (۱) اگر زید به متعلقین خود نصیحت کرد وانها قبول نکردند بر ذمه زید مؤاخذه نیست، قال الله تعالی: ولا تزر وازرة وزر اخرٰی [1] وقال تعالی: لا تکلف إلا نفسک وحرض المؤمنین. [2]

جواب: (۲) امامت زید در این صورت مکروه نیست به عقب او نماز جائز است.

جواب: (۳) در تعلقات داشتن با زید هیچ گناه نیست.

جواب: (٤) در باره نماز موافق قوت خوب نصیحت کامل لازم است مگر جرمانه مالي در این باره جائز نیست واین عمل را ترک کنند یعني جریمه مالي را نگیرند. [3]

تنبیه: وترساندن تارک الصلاة به هر قسم مناسب است واگر نصیحت را قبول نکنند در این صورت قطع تعلقات ومقاطعه با او مناسب است بلکه ضرور است. [4]

سوال: (۸) **آیا ذکر الله از نماز فرض بهتر است**؟ یک گروه از صوفیان میگویند که ذکر الله تعالی از نماز پنجگانه وفرائض دیگر افضل واولی است اگر کسي در ذکر مشغول باشد ونماز

---

(۱) سورة بنی اسرآئیل، رکوع ۲. ظفیر (۲) سورة النسآء رکوع ۱۱. ظفیر

(۳) لا یاخذ مال فی المذهب بحر، وفیه عن البزازیة قیل یجوز ومعناه ان یمسکه مدة لینزجر ثم یعیده له فإن أیس من توبته صرفه إلی ما یری، وفی المجتبی انه کان فی ابتداء الاسلام ثم نسخ (درمختار) قوله: لا یاخذ مال قال فی الفتح وعن ابی یوسف یجوز التعزیر للسلطان باخذ المال وعندهما وباقی الائمة لا یجوز آهـ ومثله فی المعراج فظاهره ان ذلک روایة ضعیفة عن ابی یوسف قال فی الشرنبلالیة ولا یفتی بهذا لما فیه من تسلیط الظلمة علی اخذ مال الناس الخ (ردالمحتار باب التعزیر مطلب فی التعزیر باخذ المال ج ۳ ص٢٤٦، ط. س. ج۱ ص۲٦۱). ظفیر

(٤) وتارکها عمداً مجانة ای تکاسلا فاسق یحبس حتی یصلی الخ وقیل یضرب حتٰی یسیل منه الدم (الدر المختار علٰی هامش رد المحتار، کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۲٦، ط.س. ج۱ ص۳٥۲). ظفیر

فرض از او فوت شود قضائي نماز بر او لازم نيست وگناهكار نميشود واز آية مباركه: إن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر ولذكرالله اكبر استدلال ميكنند آياقول وزعم ايشان صحيح است يا نه؟

جواب: اين قول آنها باطل است چنانكه در حديث صحيحين ذكر شده: وعن ابن مسعود ﷺ قال سألت النبي ﷺ أي الاعمال أحب إلى الله قال الصلاة بوقتها قلت: ثم ايّ؟ قال: برّ الوالدين؟ قلت: ثم اي؟ قال الجهادفي سبيل الله [1] وقال الله تعالى: حافظوا على الصلوات والصلاة والوسطى [2]، وباتفاق امّت نماز فرض قطعي است وذكر الله تعالى بدون نماز وغيره از جمله مستحبات است، واتفاق بر آن است كه فرض از مستحب بهتر وافضل است ومعناى آية مباركه اين است چون كه نماز متضمن ذكر الله است لهذا از غير ان بهتر است قال في الكمالين: فالصلاة لما كان كلها مشتملة بذكر الله تعالى تكون اكبر الخ [3].

سوال: (۹) **<u>از جهت تجربات ساينسى فوت كردن نماز جائز است يا نه</u>**؟ اگر در تجربه خانه ساينسي در تجربه مشغول باشد ووقت نماز هم باشد آيا اين شخص انقدر مجبور است كه نماز را فوت كند وهمراه نمازهاي ديگر قضائي آن را ببرد؟

جواب: از اين سبب فوت كردن نماز جائز نيست. [4]

سوال: (۱۰) **<u>نمازها چه وقت فرض شده</u>**؟ آيا نماز خاص در شب معراج فرض شده؟

جواب: نماز خاص در شب معراج فرض شده مثلي كه در احاديث صحيحه ثابت شده در اين قسمت ترجمۀ اردوي مشكوة شريف يعني مظاهر حق را مطالعه فرمائيد. [5]

---

(۱) مشکوٰة کتاب الصلٰوة فصل اول ص ۵۸ . ظفیر

(۲) سورة البقرة رکوع ۳۱. ظفیر

(۳) برحاشیه تفسیر جلالین ص۳۳۹: وفی عبارة ابی السعود: ولذکر الله اکبر ای الصلٰوة اکبر من سائر الطاعات (ایضاً ۳۳۸). ظ

(٤) وتارکها عمداً مجانة ای تکاسلا فاسق یحبس حتی یصلی الخ (الدر المختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصّلٰوة ج۱ ص۳۲٦، ط.س. ج۱ ص۳۵۲) ولا جمع بین فرضین فی وقت بعذر الخ فان جمع فسد لو قدم الفرض علی وقته وحرم لوعکس ای اخره عنه الا لحاج بعرفة ومزدلفة (ایضا ج۱ ص۳۵۵، ط.س. ج۱ ص۳۸۲). ظفیر

(۵) هی فرض عین علی کل مکلف بالاجماع فرضت فی الاسراء لیلة قبل السبت سابع عشر رمضان قبل الهجرة بسنة ونصف وکانت قبله صلاتین قبل طلوع الشمس وقبل غروبها، شمنی (در المختار) انهم اختلفوا فی ای سنة کان الاسراء بعداتفاقهم علی انه کان بعد البعثة الخ (ردالمحتار کتاب الصلٰوة ج ۱ ص۳۲۵، ط.س. ج۱ ص۳۵۲) به متعلق معراج در آخر یک حدیث دراز میاید: ثم فرضت عليّ الصلاة خمسين صلاة كل يوم فرجعت فمررت على موسى فقال: بما أمرت ؟ قلت : أمرت بخمسين صلاة كل يوم . قال : إن أمتک لا تستطع خمسين صلاة كل يوم وإني والله قد جربت الناس قبلک وعالجت بني إسرائيل أشد المعالجة فارجع إلى ربک فسله التخفيف لأمتک فرجعت فوضع عني عشرا فرجعت إلى موسى فقال مثله فرجعت فوضع عني عشرا فرجعت إلى موسى فقال مثله فرجعت فوضع عني عشرا فرجعت =

الباب الاول فی المواقیت وما یتصل بها

فصل أول در بیان أوقات نماز

سوال: (۱۱) **أذان صبح وجمعه**: جماعت نماز صبح باید به کدام مقدار وقت پیش از طلوع آفتاب استاد شود ودیگر اینکه أذان صبح به کدام مقدار وقت از جماعت صبح پیش اداء شود؟

جواب: در شامي ذكر شده: قال ابو حنيفة: يؤذن للفجر بعد طلوعه [۱] یعني بعد از صبح صادق آذان کردن بهتر است اگر فوراً بعد از صبح اذان نگوید پس ان بگوید غرض این است تمام وقت نماز وقت أذان هم است کما في الشامي: ولعل المراد بيان الاستحباب وإلا فوقت الجواز جميع الوقت الخ [۲] وجماعت صبح در وقت اسفار بهتر است یعنني کدام وقت که خوب روشني شود مقدار این را در الدر المختار چنین نوشته است که از طلوع آفتاب آنقدر پیش نماز را شروع کند که چهل آیات به ترتیل خوانده شود فرضاً اگر به دوباره خواندن نماز ضرورت پیش گردد که پیش از طلوع آفتاب إعاده شده بتواند [۳] غرض این است که نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب جماعت کننده. فقط

سوال: (۱۲) **در قطب شمالی وجنوبی طریقه پابندی أوقات نماز**: پابندئ أوقات نماز در قطب شمالي وجنوبي چه قسم شده میتواند در این ممالک تا سه ماه آفتاب نمي خیزد على هذا القياس تا سه ماه غروب آفتاب نمیشود در این جاها نماز چه قسم اداء گردد؟

جواب: احکام این قسم جاها رانیز فقهاء بیان ونوشته کرده اند که درآن جاها باندازه کردن وقت نماز اداء گردد [۴] مثلیکه در حدیث آمده که در وقت ظهور دجال یک روز به اندازه یک سال خواهد بود در این باره پاک حضرت محمد ﷺ در جواب سوال أصحاب کرام رضي الله عنهم گفت که

= إلى موسى فقال مثله فرجعت فوضع عني عشرا فأمرت بعشر صلوات كل يوم فرجعت إلىٰ موسى فقال مثله فرجعت فأمرت بخمس صلوات كل يوم الخ متفق عليه (مشكوٰة باب فى المعراج فصل اول ص ۵۲۸). ظفير

(۱) رد المحتار، باب الاذان ص ۳۵۷، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفير

(۲) ايضًا، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفير

(۳) والمستحب لرجل الابتداء فى الفجر باسفار والختم به هو المختار بحيث يرتل اربعين اية ثم يعيده بطهارة ولو فسد (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوٰة ج ۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳۶۶). ظفير

(٤) وفاقد وقتهما كبلغار فإن فيها يطلع الفجر قبل غروب الشفق في أربعينية الشتاء مكلف بهما فيقدر لهما ولا ينوي القضاء (در المختار) وقد وجد وهو ما تواطنت عليه اخبار الاسراء من فرض الله تعالى الصلوٰة خمسا بعد ما امر اولا بخمسين ثم استقر الامر على الخمس شرعًا عاما لاهل الافاق لا تفصيل بين قطر وقطر. ظفير

باندازه کردن وقت نمازها را اداء کنید [۱] مطلب حدیث شریف این است که در هر بیست چار ساعت پنج نماز را اداءکنید بان مقدار وقت که در ممالک عادي نمازها اداء میگردد یعني در بین یک نماز تا نماز دیگر آن قدر وقفه شود مثلیکه در ممالک عادي وقفه میشود یعنی درممالک عام که کدام فاصله وقت در بین نمازها مراعت میشود در ممالک قطب شمالي وقطب جنوبي همان فاصله را عملي کند ودر بیست وچهار ساعت نماز پنجگانه را اداء نمایند ودر کدام ممالک که شش ماه روز وشش ماه شب میباشد به نزد محققین نیز همین حکم است که به اندازه کردن وقت وفاصله بین نمازها در بیست وچهار ساعت نماز پنجگانه را اداء نمایندد. [۲]

سوال: (۱۳) **وقت مستحب نماز صبح:** درباره نماز صبح دربین یک تعداد مردم اختلاف است در حیدرآباد طلوع آفتاب در ساعت پنج بجه وچهل وپنج دقیقه میباشد وغروب آفتاب به چهار دقیقه کم هفت بجه میباشد از این جهت در این جا شب وروز برابر میباشد مگر مردم اکثر این جا به أثر اختلاف نماز صبح را در تاریکي یعني چهار ونیم بجه نماز میخوانند وبعض مردم نماز صبح را در روشني بعد از پنج بجه مبخوانند لهذا کدام وقت که در مذهب حنفي اصح ومتفق علیه باشد آن را به ما معرفي وتحریر فرمائید.

جواب: در نماز صبح به نزد احناف اسفار مستحب است واز لفظ مستحب معلوم میشود که در تاریکي نیز جواز دارد مگر در روشني مستحب است معناي اسفار این است که بعد از أذان صبح روشني پیدا وتاریکي دور شود وقتیکه آفتاب به پنج بجه وچهل وپنج دقیقه طلوع میکند در این وقت بعد ازپنج بجه وقت مناسب وعمده اسفار یعني روشني است [۳] وکسانیکه چهار ونیم بجه

---

(۱) روى انه ﷺ صلى الرعد وسلم وذكر الدجال قلنا ما لبثه فى الارض قال اربعون يوما، يوم كسنة ويوم كشهر ويوم كجمعة وسآئر ايامه كايامكم قلنا يا رسول الله فذلك اليوم الذى كسنة اتكفينا فيه صلاة يوم قال لا، اقدروا له، رواه مسلم الخ (رد المحتار، كتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۳۷، ط.س. ج۱ ص۳٦۲). ظفير

(۲) قال الرملي في شرح المنهاج ويجري ذلک فيما لو مكثت الشمس عند قوم مدة اهـ ح، قال في إمداد الفتاح قلت وكذلک يقدر لجميع الآجال كالصوم والزكاة والحج والعدة وآجال البيع والسلم والإجارة وينظر ابتداء اليوم فيقدر كل فصل من الفصول الأربعة بحسب ما يكون كل يوم من الزيادة والنقص كذا في كتب الأئمة الشافعية ونحن نقول بمثله إذ أصل التقدير مقول به إجماعا في الصلوات الخ (رد المحتار، كتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۳۷، ط.س. ج۱ ص۳٦۲). ظفير

(۳) عن رافع بن خديج قال قال رسول الله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذى وابو داؤد والدارمى (مشكوٰة، باب تعجيل الصلوٰة ص٦١). ظفير

صبح نماز میخوانند قابل ملامتي نیستند چرا که خواندن نماز در تاریکی نیز از احادیث ثابت شده [(۱)] اختلاف صرف در افضلیت وعدم افضلیت است در جواز وعدم جواز کدام اختلاف نیست: والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به هو المختار "در المختار" وفي ائشامي قوله باسفار اي في وقت ظهور النور وانكشاف الظلمة [(۲)] الخ. فقط

سوال: (۱٤) **مقياس الظل**: در دائره، هندیه اندازه کردن سایه از سر مناسب است ویا از بیخ وسایه أصلي درکدام صورت میباشد؟

جواب: مقیاس سایه که در وقت زوال میباشد آن را سایه اصلي گفته میشود در هر دو صورت یک اندازه را نشان میدهد باقي دائرهٔ هندیهٔ وفيء الزوال یعني سایه زوال وسایه مثل ومثلین که درشرح وقایه تشریح شده آیان وبه حق نزدیک است. [(۳)] فقط

سوال: (۱٥) **وقت پیشین وامام صاحب**: آیا رجوع امام ابوحنیفة ازمثلین وقت پیشین، والشفق هو البیاض، واز جواز مسح جراب که منعل یا مجلد باشد ثابت است یا نه؟

جواب: در باره وقت پیشین از سایه مثلین ودر وقت شام ازشفق ابیض ثابت نیست ودر این باره قول امام صاحب أصح واحوط است کما حققه العلامة شامي [(٤)] وبه جراب منعل یا مجلد جواز مسح ثابت ومسلم است [(٦)] فقط

سوال: (۱٦) **آیا اوقات وقت نماز در قرآن کریم ثبت است**؟ زید استدلال میکند که نماز صبح، شام وخفتن به آیت کریمه: اقم الصلاة طرفي النهار وزلفا من الليل، ثابت شده آیا از کدام آیت قران شریف اوقات نماز پنجگانه صریحا ثابت میشود یا نه؟

---

(۱) وعن عآئشة قالت كان رسول الله ﷺ ليصلى الصبح فتنصرف النساء متلفعات بمروطهن مايعرفن من الغلس، متفق عليه (ايضا ص ٦٠). ظ

(۲) ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳٦٦. ظفير

(۳) شرح وقاية، كتاب الصلٰوة ص ۱٤٤ و۱٤٥. ظفير

(٤) الشفق وهو الحمرة عندهما وبه قالت الثلاثة وإليه رجع الإمام كما في شروح المجمع وغيرها فكان هو المذهب (درمختار) قوله: و إليه رجع الإمام أي إلى قولهما الذي هو رواية عنه أيضا الخ ورده المحقق في الفتح بأنه لا يساعده رواية ولا دراية وقال تلميذه العلامة قاسم في تصحيح القدوري إن رجوعه لم يثبت الخ فثبت أن قول الإمام هو الأصح الخ (ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص۳۳٤ – ۳۳٥، ط.س. ج۱ ص۳٦۱). ظفير

جواب: در آیة کریمه: أقم الصلاة طرفي النهار وزلفاً من الليل [۱] فرضیت پنج نماز ثابت میگردد به این قسم که در یک طرف روز نماز صبح است ودر طرف دوم یعني از أول آفتاب تا غروب آفتاب نماز پیشین ونماز دیگر ونماز شام مراد است وازكلمۂ: زلفا من الليل، نماز خفتن مراد است چرا که حصۂ أول روز تا زوال است وحصۂ دوم روز بعد از زوال تا غروب آفتاب است واگر در حصۂ دوم یعني از زوال تا غروب آفتاب وقت نماز پیشین ووقت نماز دیگر مراد شود در این صورت مراد از زلفاً من الليل نماز شام وخفتن مراد میشود ومفسرین کرام از آیت کریمۂ: فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السماوات والارض وعشيا وحين تظهرون [۲] اوقات نماز پنج گانه را مراد کرده اند.

سوال: (۱۷) **وقت آخر پیشین به نزد احناف:** به نزد احناف وقت نهائي نماز پیشین ازکدام وقت تا کدام وقت است تا یک مثلي سایه ویا تا دو مثلي سایه یعني نماز پیشین درکدام وقت فوت میشود که بقسم قضائي خوانده شود ونماز دیگر تا کدام وقت خوانده شود؟

جواب: قال في الدر المختار: وقت الظهر من زواله الخ إلى بلوغ الظل مثليه وعنه مثله وهو قولهما وزفر والائمة الثلاثة قال الامام الطحاوي وبه نأخذ وفي غرر الاذكار هو المأخوذ به وفي البرهان وهو الاظهر الخ وفي الشامي قوله إلى بلوغ الظل مثليه هذا هو ظاهر الرواية عن الامام نهاية وهو الصحيح بدائع ومحيط وينابيع وهو المختار غياثيه واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة تصحيح قاسم واختاره اصحاب المتون وارتضاه الشارحون، فقول الطحاوي وبقولهما نأخذ لايدل على انه المذهب الخ ثم قال وقد قال في البحر لا يعدل عن قول الامام إلى قولهما الخ [۳] پس معلوم شد که راجح به نزد احناف قول امام اعظم است ووقت پشین تا دو چند شدن سایه است بدون سایه أصلي یعنی سایه چاشت ووقت دیگر بعد از مثلین است.

سوال: (۱۸) **سبب ممانعت نماز دروقت طلوع وغروب:** دروقت طلوع آفتاب وغروب آفتاب

---

(۱) أو جوربيه ولو من غزل أو شعر الثخينين الخ والمنعلين ما جعل على أسفله جلدة والمجلدين (درمختار) ما ذكره المصنف من جوازه على المجلد والمنعل متفق عليه عندنا (ردالمحتار باب المسح على الخفين ج۱ ص۲٤۹، ط.س. ج۱ ص۲٦۹). ظفير

(۱) سورة هود ركوع : ۱۰ . ظفير

(۲) سورة الروم ركوع : ۲ . فسبحان الله حين تمسون الخ قيل المراد بالتسبيح هنا الصلوات الخمس فقوله حين تمسون صلاة المغرب والعشاء وقوله وحين تصبحون صلاة الفج وقوله وعشيا صلاة العصر وقوله حين تظهرون صلاة الظهر كذا قال الضحاک وسعيد بن جبير وغيرهما الخ (فتح القدير للشوكاني ج٤ ص۳۱۱). ظفير

(۳) رد المحتار، كتاب الصلوة ج ۱ ص ۳۳۲ ، ط.س. ج۱ ص۳٥۹. ظفير .

چرا خواندن نماز ممنوع است؟

جواب: در حدیث شریف آمده که در این اوقات کافران به أفتاب عبادت میکنند از این جهت در این اوقات نماز نخوانید. [۱]

سوال: (۱۹) **نماز دیگر در وقت غروب نیم آفتاب جائز است یا نه**؟ نماز فرض دیگر در وقت غروب آفتاب که نصف آفتاب غائب شده باشد ونیم آن بیرون باشد جائز است یا نه؟

جواب: نماز دیگر در این وقت جائز است یعني اگر آفتاب در حال مذکوره هم باشد نماز دیگر در آن روا است وباید نماز را اداء کند [۲] مگر قصداً این عمل را نکند که گناه است.

سوال: (۲۰) **وقت نماز پیشین ونماز جمعه**: أذان پیشین وأذان جمعه همیشه پاو بالا دوازده بجه وجماعت این دو نماز به دوازده ونیم بجه جائز است یا نه؟

جواب: در اوقات وموسمهاي مختلف حکم مختلف میشود پیش از زوال وقت نماز پیشین ووقت نماز جمعه نیست در موسم گرمي در نماز پیشین تأخیر مستحب است ودر نماز جمعه در هر موسم تعجیل مستحب است مگر متوجه باشند که وقت داخل شود پیش از دوازده ونیم بجه اذان جمعه گفته نشود وجماعت نماز جمعه به یک بجه اداء شود ودر موسم گرمي در نماز پیشین تأخیر عمل نیک است [۳] اذان پیشین موسم گرمی یک ونیم بجه یا دو بجه ونماز پیشین موسم گرمي پاو بالا دوبجه یادونیم بجه اداء شود ونماز پیشین موسم زمستان یک ونیم بجه اداء شود

سوال: (۲۱) **وقت نماز شام از چه وقت تا چه وقت دوام میکند**؟ وقت شام در رمضان شریف وغیره صرف به غروب آفتاب میشود یا تاریک شدن ضرور است؟

جواب: وقت نماز شام همیشه به غروب آفتاب داخل میشود ووقت افطار روزه رمضان وغیره نیز به غروب آفتاب داخل میشود در کتاب الصوم درمختار ذکر شده: هو امساک من المفطرات الخ في وقت مخصوص وهواليوم (الدرالمختار) اي اليوم الشرعي من طلوع الفجر إلى الغروب والمراد

---

(۱) قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ولا تحينو بصلوتكم طلوع الشمس ولا غروبها فإنها تطلع بين قرني الشيطان، متفق عليه، وفي رواية قال ثم اقصر عن الصلاة حتى تطلع الشمس حتى ترتفع فإنها تطلع حين تطلع بين قرني شيطان وحينئذ يسجد لها الكفار (مشكوة باب اوقات النهى ص۹٤). ظفير

(۲) لا تجوز الصلوة عند طلوع الشمس ولا عند قيامها ولا عند غروبها الخ الآ عصر يومه عند الغروب (هدايه فصل فى الاوقات التى تكره فيها الصلوة ص ۸۰ ج ۱). ظفير

(۳) والمستحب في الفجر باسفار الخ وتاخير ظهر الصيف بحيث يمشى فى الظل مطلقا الخ وجمعة كظهر اصلا واستحبابا فى الزمانيس لانها خلفه. (درالمختار) لكن جزم في الاشباه انه لا يسن لها الابرار الخ (ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦٦). ظفير

بالغروب زمان غیبوبة جرم الشمس بحیث تظفر الظلمة في جهة الشرق الخ ج۲ ص۸۰، شامي [۱] حواله این صفحات شامي است که مطبعۂ مجتبائي دهلي آن را چاپ کرده ودر حاشیه مطبعۂ شامي است فقط دار الخلافه مکتبه عثمانیه است.

سوال: (۲۲) **در انتظار هیچ کس وقت مستحب ضائع نشود:** در نزدیک خانه یک شخص یک مسجد است ودر محله مردمي مسلمان دیگري نیز زیاد اند مگر همان شخص که نزدیک مسجد سکونت دارد میگوید که تا من به مسجد حاضر نشوم امام مسجد جماعت را شروع نکند در اکثر جاها این عمل دیده شده که به خاطر انتظار یک شخص جماعت در وقت مکروه اداء شده حالا امام در وقت مقرره جماعت کند یا براي أن شخص انتظار نماید؟

جواب: در وقت مستحب نماز مناسب است انتظار شخص مذکور کرده نشود اگر خوف فساد وفتنه باشد در این صورت فقهاء اجازه انتظار را داده است. [۲] فقط

سوال: (۲۳) **وقت خفتن در نیني تال:** در علاقه نین تال وقت نماز شام مطابق وخت مدارس به هفت بجه وبیست دقیقه میشود حالا به همین اعتبار وقت نماز خفتن به چند بجه میشود ووقت انتهائي صلاة وتر وپس شبي کدام خواهد بود؟

جواب: اگر آفتاب به هفت بجه وبیست دقیقه غروب کند در این صورت وقت خفتن به هشت بجه وپنجا وچهار دقیقه داخل خواهد شد واگر آفتاب به پنج بجه و۲۲ دقیقه یا چهل ونه دقیقه صبح صادق خواهد بود، وهمین وقت براي پس شبي وقت آخري است.

سوال: (۲٤) **وقت ظهر إلی المثلین:** ما قولکم فی وقت الظهر عند الحنفیة هل هو باق الی المثلین او خرج مع ظل واحد امامنا ابو حنیفة رحمه الله تعالی هل رجع الی قول الصاحبین یعنی الی المثل والی هذا القول مال وافتی مولانا الفاضل عبد الحی اللکنوی رحمه الله تعالی فی مجموع فتاواه فان رجع بای قول یعمل وما حکم قوم احناف یصلون عند ختم المثل هل یجوز فان جاز فلا کراهة او معها وما حکم اقتداء غیر المقلد هل یجوز، وترجمة الخطبة بغیر العربی وبجوازه افتی بعض علمآء مدراس هل هو بلا کراهة او معها ؟

الجواب: قال فی الدرالمختار: ووقت الظهرمن زواله الی بلوغ الظل مثلیه وعنه مثله وهوقولهما الخ

---

(۱) رد المحتار کتاب الصوم جلد ثانی ص ۱۱۰، ط.س. ج۱ ص۳۷۱. همین ردالمحتار به نام شامی مشهور است. ظفیر

(۲) رئیس المحلة لا ینتظر مالم یکن شریرا والوقت متسع (الدر المختار باب الاذان ص۳۷۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۰). ظفیر

وفی رد المحتار: قوله: (إلى بلوغ الظل مثليه) هذا ظاهر الرواية عن الامام. نهاية، وهو الصحيح بدائع ومحيط وينابيع، وهو المختار غياثية. واختاره الامام المحبوبي وعول عليه النسفي وصدر الشريعة. تصحيح قاسم. واختاره أصحاب المتون، وارتضاه الشارحون، فقول الطحاوي: وبقولهما نأخذ، لا يدل على أنه المذهب، وما في الفيض من أنه يفتى بقولهما في العصر والعشاء مسلم في العشاء فقط على ما فيه، وتمامه في البحر. الخ وفيه ايضاً: قال فی البحر لا يعدل عن قول الامام الى قولهما او قول احدهما الا بضرورة من ضعف دليل او تعامل بخلافه الخ وقد قال قُبيله: ان الادلة تكافئت ولم يظهر ضعف دليل الامام بل ادلته قوية ايضاً الخ [۱] فالحاصل ان وقت الظهر ضعف يبقى الى المثلين والامام ابو حنيفة رضی اللہ عنہ ما رجع فی هٰذا الى قول الصاحبين بل يروى عنه كقولهما ولكن ظاهر الرواية خلافه فما يروٰى بعد المثل فهو اداء والاحسن الاحوط ما فی السراج عن شيخ الاسلام: ان الاحتياط ان لا يؤخر الظهر الى المثل وان لا يصلى العصر حتٰى يبلغ المثلين ليكون مؤديا للصلٰوتين فی وقتهما بالاجماع الخ شامی [۲].

وفی اقتداء غير المقلد قيلٌ وقالٌ وتفصيلٌ واجمالٌ فالاحوط تركه الا بضرورة داعية.

وترجمة الخطبة بغير العربی مكروهة علی التحقيق صرح به فی المسوٰی والمصفٰی شرح الموطاء وجوازه بغير العربی مختلف فيه فالحذر كل الجذر من اختلاف فانه خلاف الاحتياط. فقط

سوال: (۲۵) **فاصله در بين اذان واقامت شام:** زيد مطابق معمول اذان شام را اداء كرد وبعد ازآن دعاء أذان را قرآئت نمود ومطابق مسلک حنفي تأخير كرد وبعد ازآن اقامت نمود بعد از وضوء تازه به نماز تيار وآماده بود وخادم امام مسجد يعنی بكر ونماز گذاران ديگر بعد از نماز به زيد گفت كه شما يک اندازه انتظار هم نميكنيد فوراً به نماز استاد ميشويد در حاليكه زيد بعد از وقفه جائزهِ اقامت كرده بود زيد ويک نماز گذار ديگر در جواب گفتند چونكه وقت كم است لٰذا تأخير خوب نيست گوش نميگرفت سوال اين است كه در بين اذان واقامت نماز شام چه مقدار تأخير وفصل مناسب است ويا تعجيل ووصل مناسب است ودر زمان رسول اكرم ﷺ در بين اقامت وأذان كدام نماز ازكدام حديث صحيح فيصل ثابت شده ويا نه؟

جواب: اقول وبالله التوفيق قال فی در المختار: وقبل صلٰوة مغرب لكراهة تاخيره الا يسيراً [۳] الخ

---

(۱) رد المحتار، كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۲ – ۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۶۹. ظفير

(۲) رد المحتار، كتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۶۹. ظفير

وفيه ايضاً ويجلس بينهما بقدر ما يحضر الملازمون مراعيا لوقت الندب الا في المغرب، فيسكت قائماً قدر ثلث آيات قصار ويكره الوصل اجماعاً الخ [۱] وفى الشامي ويستحب التحول للاقامة الى غير موضع الاذان وهو متفق عليه [۲] وايضاً فى الشامي قوله وقبل صلٰوة مغرب عليه اكثر اهل العلم منهم اصحابنا ومالک واحد الوجهين عن الشافعى لما ثبت فى الصحيحين وغيرهما مما يفيد انه ﷺ كان يواظب على صلٰوة المغرب باصحابه عقب الغروب ولقول ابن عمر رضي الله عنهما ما رأيت احداً على عهد رسول الله ﷺ يصليهما، رواه ابوداؤد وسكت عنه والمنذرى فى مختصره واسناده جسن وروى محمد عن ابى حنيفة عن حماد انه سئل ابراهيم النخعى عن الصلٰوة قبل المغرب قال فنهى عنها وقال ان رسول الله ﷺ وابا بكر وعمر لم يكونوا يصلونها وقال القاضى ابوبكر بن العربى: اختلف الصحابة فى ذٰلک ولم يفعله احد بعدهم فهذا يعارض ما روى من فعل الصحابة ومن امره ﷺ بصلاتهما، لانه إذا اتفق الناس على ترک العمل بالحدٰيث المرفوع لا يجوز العمل به لانه دليل ضعفه على ما عرف في موضعه، ولو كان ذٰلک مشتهرا بين الصحابة لما خفي على ابن عمر، أو يحمل ذٰلک على أنه كان قبل الامر بتعجيل المغرب، وتمامه في شرح المنية وغيرهما. الخ [۳] از اين روايات كتابهاي فقه معلوم شد كه در بين أذان واقامت نماز شام هيچ قسم نماز خواندن مناسب نيست واين هم معلوم شد كه كدام وقفه بعد از اذان در خواندن دعاء مأثوره وتحول من الاذان الى موضع الاقامة ميگذرد همين فاصله كفايت ميكند ودافع وصل مكروه است واين سخن واضح است كه خواندن سه آيات كوتاه در وقت كم از نيم دقيقه خوانده ميشود غرض اين است كه در عبارات مذكوره جواب تمام سوالات واضح ميشود. فقط

سوال: (۲۶) **وقت نماز خفتن**: در اين زمان در رمضان المبارک اكثر مردم در نماز خفتن بسيار تعجيل ميكنند بطور عام مطابق ساعت ريل كه شفق سرخ هنوز باقي باشد اذان ميكنند وپيش از ۹ نه بجه نماز ميكنند دريافت طلب اين امور است: آيا اذان خفتن پيش از وقت يعني پيش از داخل شدن وقت جائز است؟ در بين أذان شام وخفتن كدام اندازه فاصله ضرور ومحتاط است؟ در مذهب حنفي كه أذان شام به هفت ونيم بجه كرده شود در اين صورت أذان خفتن چه

---

(۳) الدر المختار على هامش رد المحتار، كتاب الصلوة ص۳۴۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۷۶. ظفير

(۱). و(۲). رد المحتار، باب الاذان ج۱ ص۳۶۲ ، ط.س. ج۱ ص۳۸۹. ظفير

(۳) رد المحتار، كتاب الصلٰوة، ج۱ ص۳۴۹، ط.س. ج۱ ص۳۷۶. ظفير

مقدار وقت بعد از اذان شام کرده شود؟

جواب: در روز پانزده وبیست ماه جون آفتاب به هفت بجه وبیست وهفت دقیقه غروب میکند وقت نماز خفتن موافق مذهب حنفي به ۹ نه بجه وچهار دقیقه داخل میشود پس معلوم شد که فاصله بین اذان شام وأذان خفتن یا داخل شدن وقت خفتن در تاریخهاي مذکوره یک ساعت وسی هفت دقیقه موافق مذهب حنفي محسوب شده در تاریخهاي مذکوره أذان خفتن پیش او ۹ بجه به نزد احناف جواز ندارد البته به قول صاحبین جائز است ویک قول دیگري امام را نیز نوشته کرده مگر در شامي گفته شده که احتیاط درآن است که به قول امام صاحب عمل کرده شود واز غروب شفق ابیض پیش نماز خفتن خوانده نشود [1] واذان خفتن در هیچ مذهب پیش از دخول وقت خفتن جائز نیست. [2]

سوال: (۲۷) **دروقت نماز پیشین ونماز جمعه تفاوت است یا نه**؟ وقت نماز جمعه چه وقت شروع میشود وبه حساب ساعت مدارس چند بجه وقت نماز جمعه داخل میشود در حال موجوده وقت زوال تا کدام وقت میباشد ایا نماز جمعه پیش از دخول وقت شده میتواند وقت نماز پیشین ووقت نمار جمعه به یک حساب است یا در بین این هر دو کدام تفاوت میباشد؟

جواب: وقت نماز جمعه ووقت نماز پیشن باهم کدام تفاوت ندارد، وقت این دو نماز بعد از زوال آفتاب شروع میشود پیش از زوال آفتاب نه نماز جمعه جائز است ونه نماز پیشین [3] در این جا به ساعت مدارس تقریبا دوازده ونیم بجه زوال میشود وقت زوال آنجا را نظر کنید غالباً درآنجا هم زوال به همین وقت ویا نزدیکتر به این وقت خواهد بود وبعد از زوال نماز جمعه جائز میگردد وپیش ازآن جواز ندارد. فقط

سوال: (۲۸) **آیا وقت نماز جمعه تا دو نیم بجه میباشد یا نه**؟ آیا وقت نماز جمعه تا دو نیم بجه میباشد ویانه؟ اکثر مردم پنجاب اعتراض میکنند که براي نماز جمعه وقت دو نیم بجه صحیح نیست؟

---

(۱) فثبت ان قول الامام هو الاصح ومشی علیه فی البحر (رد المحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص۳۳۵، ط.س. ج۱ ص۳۶۱). ظفیر

(۲) فیعاد اذان وقع قبله کالاقامة خلافا للثاني في الفجر (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۵۸، ط.س. ج۱ ص۳۸۵). ظفیر

(۳) وجمعته کظهر اصلا واستحبابا فی الزمانین لانها خلفه (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص۳۴۰، ط.س. ج۱ ص۳۶۷). ظفیر

جواب: وقت نماز جمعه مانند وقت نماز پيشين است كه از زوال آفتاب شروع ميشود وبنا بر اختلاف قولين تا يک چندي ويا دو چند شمار سايه هر چيز باقي ميباشد لكن در نمازجمعه تعجيل مستحب وبهتر است مثلا به وقت ريلوي دوازده ونيم بجه زوال آفتاب ميشود پس تا يک بجه ويا يک ونيم بجه خواندن نماز جمعه مناسب است مگر قصدا تأخير كردن آن همه وقته تا دونيم بجه عمل پسنديده ومشروع نيست [1] در شامي ذكر شده: لكن جزم الاشتباه أنه لا يسن لها الابراد الخ [2]. فقط

سوال: (۲۹) **وقت مستحب نماز خفتن**: وقت بهتر نماز خفتن كدام است كه براي عوام درآن تكليف نباشد؟

چواب: در حصهٔ سوم أول شب نماز خواندن خفتن مستحب است اگر به أثر كدام ضرورت پيشتر از آن خوانده شود هيچ خرج نيست. [3]

سوال: (۳۰) **در ابر احاطه كننده اندازه اوقات نماز**: در موسم بانها در قريه ها ودهات چنين واقعه پيش ميشود كه چندين روز افتاب ديده نميشود ونه درآنجاها ساعت ووسيله ديگري است كه ذريعه آن وقت معلوم گردد در اين حالت براي معلوم كردن وقت نماز مردم بسيار به تكليف ميباشند خصوصا در نماز پيشين وديگر پس در اين حالت مردم نماز پيشين وديگر را چه قسم اداء كنند واگر يک نماز را اداء كردند وبعدا آفتاب معلوم شد ونماز را كه به فكر وتحري خوانده بودند بي وقت بود در اين صورت اعاده آن ضرورت يا نه؟

جواب: در اين قسم حالت وقت را به فكر خود تخمين وأندازه وموافق ظن غالب نماز را اداء نمايند اگر خطائي آن ظاهر نشد نماز صحيح است واگرخطائي آن ظاهر وثابت شد دراين صورت اعاده نماز ضرور ولازم است. [4] فقط

---

(۱) وجمعته كظهر اصلا واستحبابا في الزمانين لانها خلفه (درمختار) أصلا أي من جهة أصل وقت الجواز وما وقع في آخره من الخلاف، قوله واستحبابا في الزمانين أي الشتاء والصيف ح، لكن جزم في الأشباه من فن الأحكام أنه لا يسن لها الإبراد الخ وقال الجمهور وليس بمشروع لأنها تقام بجمع عظيم فتأخيرها مفض إلى الحرج ولا كذلک الظهر (ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷). ظفير

(۲) رد المحتار كتاب الصلوٰة جلد اول ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷. ظفير

(۳) وتاخير عشاء الى ثلث الليل قيده في الخانية وغيرها بالشتاء اما الصيف فيندب تعجيلا (درمختار) قوله: في الخانية الخ وفي الهداية وقيل في الصيف يعجّل كيلا تقلل الجماعة (ردالمحتار كتاب الصلاة ج۱ ص۳٤۱ ، ط.س. ج۱ ص۳٦۸) ويستحب تعجيل المغرب في كل زمان كذا في الكافي وكذا تاخير العشاء الى ثلث الليل الخ وفي يوم الغيم ينور الفجر الخ ويعجل العشاء كيلا يمنع مطر اوثلج عن الجماعة هكذا في محيط السرخسي هذا في الازمنة كلها (عالمكيري مصري الباب الاول في المواقيت فصل ثاني ج۱ ص٤۸، ط. ماجدية ج۱ ص۵۱). ظفير =

سوال: (٣١) **خواب شدن پیش از نماز خفتن که جماعت فوت نشود:** اگر شخص بعد از نماز شام خواب شود ودر وقت نماز خفتن بیدار شد ونماز را اداء نمود آیا در نماز خفتن اوکدام خلل پیش نخواهد شد؟

جواب: درنماز خفتن اوکدام نقصان پیش نمیشود مگر پیش ازنماز خفتن خوابیدن خوب نیست. [١]

سوال: (٣٢) **فاصله بین أذان شام واذان خفتن:** در بین أذان شام وخفتن چه مقدار فاصله ضرور است ایا در کدام جا که به حساب.ساعت آفتاب نماز شام به هفت بجه وپانزده دقیقه أداء میشود اگر در همان جا به هشت بجه نماز بخوانند صحیح است یا نه وشنیده ایم که در بین اذان شام واذان خفتن یک ساعت وبیست وپنج دقیقه فاصله ضرور است حکم آن چیست؟

جواب: بعد از غروب آفتاب به نزد امام أبو حنیفة وقت نماز خفتن در آن وقت داخل میشود که شفق سفید غائب شود [٢] مقدار فاصله بین أذان شام وخفتن دربعض موسمها یک ساعت وبیست وچهار دقیقه یا بیست وپنج دقیقه میباشد ودر بعض موسمها یک ساعت وبیست وهفت دقیقه ودر بعض موسمها زیادتر از این هم میباشد پسی در بین أذان شام وخفتن کمتر از یک نیم ساعت فاصله مناسب نیست وبرای احتیاط پاو کم دوسا عت فاصله خوب است وطلوع آفتاب وغروب آن وصبح صادق وغیره در هر وقت وزمان در جنتري معلوم شده میتواند. فقط

سوال: (٣٣) **وقت أول نماز دیگر به نزد امام صاحب:** به نزد امام اعظم صاحب وقت نماز دیگر روایت یک مثل شدن سایه معتبر ومفتی به است یا رؤیت دو چند شدن سایه یا در هر دو فتوی عمل به یک درجه صحیح ومعتبر است؟

جواب: به نزداحناف فتوی به هر دوقول صحیح ومعتبر است [٣] احتیاط زیاد دران است که سایه

---

(٤) واذا كان اليوم يوم غيم فالمستحب فى الفجر والظهر والمغرب تاخيرها يعنى بالتاخير عدم التعجيل اول الوقت لا التاخير الشديد الذى يشک بسببه فى بقآء الوقت وذلک لان التعجيل فى الفجر يؤدى الى تقليل الجماعة بسبب الظلمة وربما تقع قبل الوقت وكذا فى الظهر والمغرب لا يؤمن بالتعجيل من وقوعهما قبل الزوال والغروب، قال فى المحيط المراد من تاخير المغرب قدر ما يحصل التيقن بالغروب الخ (غنية المستملى شرط خامس ص٢٣٤). ظفير

(١) قال في البرهان ويكره النوم قبلها والحديث بعدها لنهي النبي صلى الله عليه وسلم عنهما الخ وقال الطحاوي إنما كره النوم قبلها لمن خشي عليه فوت وقتها أو فوت الجماعة فيها وأما من وكل نفسه إلى من يوقظه فيباح له النوم (ردالمحتار كتاب الصلاة تحت قول وتاخير عشاء الى ثلث الليل ج١ ص٣٤١، ط.س. ج١ ص٣٦٨). ظفير

(٢) وأول وقت المغرب إذا غربت الشمس وآخر وقتها مالم يغب الشفق الخ ثم الشفق هو البياض الذي في الأفق بعد الحمرة عند أبي حنيفة رحمه الله تعالى وعندهما هو الحمرة (هدايه كتاب الصلاة باب المواقيت ج١ ص٧٧ – ٧٨). ظفير

=

دو چند شود بعدا نماز دیگر خوانده شود ومشائخ ما نیز به همین فتوی عمل میکنند. فقط

سوال: (۳٤) **نماز صبح کدام وقت اداء شود؟** بعد از نماز صبح چه اندازه وقت مناسب است؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفة این است که نماز صبح در اسفار بهتر ومستحب است. [1] یعني تأخیر خوب است به این معنی که بعد از اداء کردن نماز آن قدر وقت باقي باشد که ضرورت اعاده کردن نماز پیش از طلوع آفتاب درآن شده بتواند، وبعد از اعاده نماز تا طلوع آفتاب مقدار بیست ویا پانزده دقیقه وقت هم باقي بماند. فقط:

سوال: (۳۵) **اوقات نماز در لندن:** در کدام منطقه که سه بجه روز میاید ودر ۹ بجه شب میشود یعني در لندن شب وروز به همین حساب است که از این جهت درآن هجده ساعت روز وشش ساعت شب میباشد آیا در این جا نماز شام را بعد از غروب آفتاب اداء کند ویا به حساب دوازده ساعت اداء شود وهم نماز خفتن بکدام ترتیب وکدام وقت اداء شود؟

جواب: نماز شام را به غروب لندن بخواند وتمام نمازها را به حساب همان جاي اداء کند. فقط

سوال: (۳٦) **اوقات مستحب در روزهای باران:** وقت مستحب براي نمازهاي پنجگانه در روزهاي باراني به حساب ساعت به چند بجه میشود؟

جواب: در اوقات شرعا وسعت زیاد است از این جهت به ساعت ودقیقة معین کردن وقت آن ضرور نیست وشرعا کدام وقت خاص براي آن مقرر نشده که گویا با این ساعت واین دقیقه خاص نماز فلان وفلان خوانده شود حکم شریعت این است که نماز آنقدر مؤخر نشود که وقت مکروهه داخل شود وبه فکر خود وقت مستحبه را مراعت کند مثلا نماز پیشین را از یک بجه تا سه بجه که نماز گذاران در آن حاضر شوند صحیح است مگر از یک بجه تأخیر واز سه بجه تقدیم بهتر است مثلا در این عصر وزمان اگر در موسم باران دو بجه یا دو نیم بجه یا کمي بعد از ان نماز پیشین خوانده شود بهتر است ونماز دیگر در روز باران از ساعت پنج بجه تا شش بجه خوانده شود یعني در میان پنج وشش بجه بخوانند واگر نماز صبح را به پنج بجه وپانزده

---

(۳) ووقت الظهر من زواله الى بلوغ الظل مثلیه وعنه مثله وهو قولهما الخ وبه یفتی (درمختار) قوله إلى بلوغ الظل مثلیه هذا ظاهر الروایة عن الإمام وهوالصحیح بدائع ومحیط وینابیع وهو المختار غیاثیة واختاره الإمام المحبوبي الخ وفي روایة عنه أیضا أنه بالمثل یخرج وقت الظهر ولا یدخل وقت العصر إلا بالمثلین ذکرها الزیلعي وغیره الخ (ردالمحتار کتاب الصلاة ج۱ ص۳۳۲، ط.س. ج۱ ص۳۵۰). ظفیر

(۱) والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والختم به هو المختار بحیث یرتل اربعین اية ثم یعیده بطهارة لو فسد (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳٦٦). ظفیر

دقیقه یا پنج ونیم بجه بخوانند کدام حرج نیست چرا که آفتاب نزدیک فرا رسیدن شش بجه طلوع میکند اگر به ساعت پنج ونیم بجه نماز خوانده اعاده نماز ضرور شود، (١) در همین نیم ساعت اداء شده میتواند غرض اینکه در نماز صبح خوب تاخیر واسفار بهتر است قال ﷺ (اسفروا بالفجر فإنه اعظم للاجر). (٢) کتبه بنده عزیز الرحمٰن عفي عنه

سوال: (٣٧) **اگر نماز در رمضان در وقت اول خوانده شود بدی ندارد:** اگر در رمضان شریف بعد از پس شب نماز صبح در اول وقت خوانده شود جائز است ویا نه؟

جواب: جائز است هیچ کدام حرج در آن نیست (٣). فقط

سوال: (٣٨) **برای افطار در نماز شام گنجایش تأخیرات است یا نه؟** اگر مردم به مسجد طعام بیاورند وپیش از اداء نماز آن را بخورند ودر نماز کمي تأخیر بیاید جائز است یا نه اگر یک شخص به این معمول اعتراض کند وبه مردم بگوید که طعام را بعد از نماز بخورید وروزه را بعد از أذان به خرما افطار نمائید وفورا به نماز استاد شوید واین شخص ناراض شود ونماز خود را به تنهائي بدون جماعت بخواند در این صورت شرعا چه حکم است؟

جواب: به سبب افطار کردن روزه شرعا یک اندازه تأخیر جائز است در این عمل کدام حرج نیست مردم به اطمینان روزه را افطار کنند آب را بنوشند وطعامیکه به پیش شان موجود است آن را بخورند وبعدا نماز خوانند وشخصیکه از این معمول ناراض شده وبدون جماعت به تنهائي نماز خواند او خطائي کرده براي او لازم است که در جماعت شریک شود واین تأخیر اندک که به سبب افطار روزه معمول است به خلاف شرع نداند (٤) واین عینا حکم شریعت است. فقط

---

(١) این اوقات به حساب منطقد دیوبند وما حول دیوبند است ودر مقامات دور وبعید المسافة تفاوت میکند لهذا ضرور است که در هر حال وهر موسم این فرق وتفاوت مراعت شود.

(٢) مشکوٰة شریف، کتاب الصلوٰة. ظفیر

(٣) وقت صلوٰة الفجر الخ من اول طلوع الفجر الثانی الخ الی قبیل طلوع ذکاء (الدرالمختار علی هامش رد المحتار، کتاب الصلوٰة ج١ ص٣٣١ – ٣٣٢، ط.س. ج١ ص٦٩ [illegible] عن قتادة عن انس ان النبی ﷺ وزید بن ثابت تسحرا فلما فرغا من سحورهما قام نبی الله ﷺ الی الصلوٰة فصلی قلنا لانس رضي الله عنه کم کان بین فراغهما من سحورهما ودخولهما فی الصلوٰة قال قدر مایقرء الرجل خمسین آیة، رواه البخاری (مشکوٰة باب تعجیل الصلوٰة. فصل اول ص ٦٠). محمد ظفیر الدین غفر له

(٤) اگر در وقت گنجایش باشد وبه سبب یک کار ضرروري کمي وتاخیر بیاید در این عمل قطعاً کدام بدي نیست: ووقت المغرب الی غیبوبة الشفق (عالمگیری کشوری اوقات الصلوٰة ج١ ص٤٩، ط. ماجدیة ج١ ص٥٠) عن ابی ایوب قال قال رسول الله ﷺ لا یزال امتی بخیر او قال علی الفطرة مالم یؤخروا المغرب الی ان تشتبک النجوم، رواه ابوداؤد (مشکوٰة باب تعجیل الصلوٰة فصل ثانی ص٦١) از این حدیث نیز معلوم شد تا وقتیکه ستاره هاي زیاد در اسمان پیدا ونشر نشود در تأخیر هیچ بدي نیست: وفی القنیة یکره تاخیر المغرب عند =

سوال: (۳۹) **مقدار فاصله در بین شام وخفتن**: در مذهب حنفي بعد از غروب آفتاب یعني بعد ازنماز شام تا وقت اول خفتن کدام اندازه وقفه ضرور است که به نزد احناف متفق علیه باشد دوم اینکه در روزهاي تابستان وزمستان فاصله بین وقت شام وخفتن به یک مقدار معین است یا از روي ساعات ودقیقها کم وزیاد میشود؟

جواب: وقت خفتن بعد از غائب شدن شفق شروع میشود ودرباره شفق امام اعظم وصاحبین اختلاف دارند به نزد صاحبین به غائب شدن شفق احمر وقت خفتن داخل میشود وبه نزد امام اعظم صاحب به غائب شدن شفق ابیض وقت خفتن شروع میشود [۱] ظاهر است که عمل به قول امام اعظم احوط واولی است کما في الشامي: وقوله أحوط [۲] بعد از این واضح باشند که شفق ابیض بعد از غروب آفتاب تقریبا یک ونیم ساعت بعد غائب میشود ودر این باره در زمستان وتابستان چند دقیقه تفاوت میباشد، مثلا در جنتري طلوع وغروب که مطابق مذهب حنفي ترتیب شده درج میباشد که در روز أول اگست سال ۱۹۲۱ طلوع افتاب به هفت بجه وهفده دقیقه میشد ووقت خفتن مطابق مذهب امام اعظم صاحب به هشت بجه وچهل هفت دقیقه میباشد از این عبادت معلوم میشود که فاصله بین شام وخفتن یک ونیم ساعت است وبتاریخ ۳۱ اگست سال ۱۹۲۱ غروب آفتاب به شش بجه وچهل وهشت دقیقه ووقت خفتن ۸ بجه وسیزده دقیقه میباشد در این وقت فاصله بین شام وخفتن یک ساعت وبیست وپنج دقیقه است غرض این است که همیشه در بین غروب آفتاب وغروب شفق تقریبا همین قدر فاصله میباشد، پس در این صورت تقریباً یک ونیم ساعت بعد از غروب آفتاب وقت خفتن داخل میشود وموافق مذهب صاحبین نظر به قول امام اعظم صاحب دوازده دقیقه پیشتر وقت خفتن داخل میشود یعني کدام وقت که به نزد امام صاحب وقت خفتن داخل میشود به نزد صاحبین دوازده دقیقه پیشتر از آن وقت خفتن داخل میشود چرا که فاصله در بین شفق أحمر وشفق أبیض دوازده دقیقه میباشد کما في الشامي: ذکر العلامة المرحوم الشیخ خلیل الکاثلي الخ: إن التفاوت بین الفجرین وکذا بین الشفقین الاحمر والابیض إنما هو ثلث درج [۳] الخ ویک درجه چهار دقیقه است پس سه درجه

= محمدؒ وفی روایة عن ابی حنیفةؒ ولا یکره فی روایة الحسن عنه ما لم یغب الشفق والاصح انه یکره الا من عذر کالسفر والکون علی الاکل ونحوهما الخ والذی اقتضته الاخبار کراهة التاخیر الی ظهور النجوم وما قبله مسکوت عنه فهوعلی الاباحة (غنیة المستملی ص۲۳۳). ظ

(۱) ثم الشفق هو البیاض الذی فی الافق بعد الحمرة عند ابی حنیفه وعندهما هو الحمرة (هدایه، باب المواقیت جلد اول ص ۷۸). ظفیر

(۲) رد المحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۳۵، ط.س. ج۱ ص۳۶۱. ظفیر

به دوازده دقيقه مساوي شده است.

سوال: (٤٠) **مسئله فیء الزوال:** بعض مردم غیرمقلد میگویند که مسئله فیء الزوال هیچ اصل ندارد چرا که در مدینه منوره فیء الزوال نبود؟

جواب: گرفتن مثل یا مثلین بدون سایه اصلي یعني فیء الزوال یک مسئله متفق علیه وتحقیق این مسئله در کتابهاي فقه موجود است من شاء فلیراجع إلیها یعني کسي که وضاحت این مسئله را خواسته باشد به کتابهاي فقه مراجعه کند.[1]

سوال: (٤١) **مقدار وقت شام وقرائت دراز:** امام مسجد سورت دواز را که مردم ازآن به تنگ میشود خوانده میتواند یا نه؟

جواب : به مذهب امام اعظم صاحب از غروب آفتاب تا غائب شدن شفق ابیض وقت شام باقي میباشد که مقدار آن تقریبا یک ساعت وپانزده دقیقه ویا کمي زیاتر یعنئ چند دقیقه زیاتر است[2] وبه نزد صاحبین تاغائب شدن شفق أحمر وقت شام باقي میباشد که از مقدار ذکر شده دوازده دقیقه کم میباشد[3] ودر نماز شام وخواندن قصار شام مستحب است واز سوره لم یکن تا آخر قرآن شریف هر سورت قصار مفصل است پس خواند صورت بسیار دراز در نماز شام خوب نیست وخلاف سنت است.[4]

سوال: (٤٢) **وقت نماز صبح بعد از صبح صادق:** اگر چهار بجه صبح شود پس وقت أصلي جماعت صبح کدام خواهد بود؟

جواب: مثلا اگر صبح صادق به چهار بجه داخل شود جماعت صبح به پنج بجه وپانزده دقیقه یا ازاین هم تاوقت بعدي صحیح شده میتواند غرض این است که ازطلوع آفتاب ده ویا پانزده دقیقه

---

(٣) رد المحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص٣٣٢، ط.س. ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(١) ووقت الظهر من زواله الى بلوغ الظل مثليه سوى فيئ يكون للاشياء قبيل الزوال ويختلف باختلاف الزمان والمكان (در المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوٰة ج١ ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفير

(٢) ثم الشفق هو البياض الذى فى الافق بعد الحمرة عند ابى حنيفة وعندهما هو الحمرة (هدايه، باب المواقيت جلد اول ص ٧٨). ظفير

(٣) ووقت المغرب منه الى غروب الشفق وهو الحمرة عندهما (در المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوٰة جلد اول ص٣٣٤، ط.س. ج١ ص٣٦١). ظفير

(٤) ويسن فى الحضر لامام ومنفرد والناس عنه غافلون طوال المفصل من الحجرات الى أخر البروج فى الفجر والظهر ومنها الى اخر لم يكن اوساطه فى العصر والعشآء وباقية قصاره فى المغرب اى فى كل ركعة (ايضاً، فصل فى القرآنة جلد اول ص٥٠٣، ط.س. ج١ ص٥٣٩ – ٥٤٠). ظفير

پیشتر از نماز فارغ شوند.[۱] فقط

سوال: (۴۳) **تاخیر درنماز:** امام مسجد این جا در نمازها تأخیر میکند تا اینکه زردي آفتاب ظاهر میشود ودر نماز پیشین تا دو چندي سایه تأخیر میکند ونماز دیگر را درآن وقت میکند که به شام یک ساعت مانده باشد ومیگوید که در نمازها تأخیر لازم است حال آنکه در قرآن شریف تأکید اول اوقات وارد شده است.

جواب: امام صاحب مسجد شما که درکدام اوقات نماز صبح، پیشین ودیگر را ادا کند موافق مذهب حنفي وموافق کتابهاي فقه میباشد در نماز صبح خوب اسفار کردن ودر نماز دیگر آن مقدار تأخیر که یک ساعت ویا پاو کم یک ساعت وقت به شام مانده باشد مستحب است ودر موسم گرمي در نماز پیشین سردي کردن وتأخیر مستحب است مگر پیش از دو چند شدن سایه اشیاء نماز را بخواند[۲] حکم وفضلیت اسفار در نماز صبح وتأخیر در نماز دیگر وسردي کردن در نماز پیشین موسم گرمي در أحادیث شریف وارد شده است ووقت أول وآخر هر نماز معروف ومشهور است، مگر اوقات بهتر آن است که مذکور شده.[۳]

سوال: (۴۴) **وقت نماز شام:** آیا بمجرد تاریکي وقت نماز شام داخل میشود یا به زوال سرخي شرقي ودر بلاد ما به فاصله شش کروه یک کوه در جانب مغرب بسیار بلند واقع است پس در این چه قسم وقت نماز شام معلوم میگردد؟

جواب: وقت مغرب بغروب آفتاب شروع میشود وبه مجرد غروب تاریکي شرقي محسوس میگردد وبه همین اعتبار افطار روزه نماز شام از شارع علیه السلام ثابت شده است وشما باید

---

(۱) وقت صلٰوة الفجر الخ من طلوع الفجر الثانی الخ الی قبیل طلوع ذکاء الخ والمستحب للرجل الابتداء فی الفجر باسفار والختم به هو المختار بحیث یرتل اربعین أیة ثم یعیده بطهارة لو فسد (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۱، ط.س. ج۱ ص۳۵۹). ظفیر

(۲) ویستحب فی صلٰوة الفجر الاسفار بها بان نصلی فی وقت ظهور النور وانکشاف الظلمة والغلس الخ لقوله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذی وقال حدیث حسن الخ ثم استحباب الاسفار عندنا عام فی الازمنة کلها الا فی صلٰوة الفجر یوم النحر بمزدلفة فان المستحب فیها التغلیس اجماعًا الخ ویستحب ایضا عندنا الابراد بالظهر فی الصیف لما تقدم من الحدیث اذا اشتد الخ فابردوا بالصلٰوة الخ وهو عام فی جمیع البلاد بجمیع الناس لاطلاق الحدیث ویستحب ایضا عندنا تاخیر العصر فی کل الازمنة الآ یوم الغیم مالم تتغیر الشمس الخ کما ورد عنه ﷺ فی حدیث بریدة رضی الله عنه انه ﷺ صلی العصر والشمس مرتفعة بیضآء نقیة (غنیة المستملی ص۲۳۰). ظفیر

(۳) والمستحب للرجل الابتدآء فی الفجر باسفار والختم به الخ وتاخیر ظهر الصیف مطلقًا الخ وتاخیر عصر صیفا وشتاء توسعة للنوافل ما لم یتغیر ذکاء الخ وتاخیر عشآء الی ثلث اللیل الخ (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳۶۶). ظفیر

نقشه طلوع وغروب را که مجرب اکثر بلاد است داشته باشید هرگاه موافق ان نقشه غروب معلوم شود وعلایم تاریکي شرقي محسوس گردد نماز مغرب را باید اداء کنید وانتظار زوال سرخي را باید نکنید.[۱] فقط

سوال: (٤٥) **نماز ظهر درمثل دوم**: دیده ودانسته اداء کردن نماز ظهر را درمثل دوم چه قسم است؟

جواب: وفي الشامي عن الطحاوي عن الحموي عن الخزانة: الوقت المکروه في الظهر ان یدخل في الاختلاف[۲] پس معلوم شد که درنماز ظهر آنقدر تأخیر کردن که در حد اختلاف داخل شود یعني سایه هر چیز به یک مثل برسد مکروه است وفیه قبیله: والاحسن ما في السراج عن شیخ الاسلام أن الاحتیاط أن لا یؤخر الظهر إلی المثل الخ.[۳] فقط

سوال: (٤٦) **فاصله بین اذان وجماعت نماز خفتن**: بعد از اذان خفتن چه قدر وقت بعد از جماعت کردن مناسب است؟

جواب: در نماز خفتن تأخیر مستحب است وبعد از أذان کدام حد واندازه وقت نیست بلکه بعد از اذان که به هر اندازه وقت بگذرد ونماز خوانان حاضر شوند نماز جماعت در همان وقت اداء شود یا جماعت را در آن وقت بخوانند که باتفاق نماز خوانان به غرض سهولت تعین شده باشد مثلا هشت ونیم بجه یا نه ۹ بجه یا چه قدرکم وزیاد جماعت کرده شود.[٤]

سوال: (٤٧) (١) **نماز دیگر در روز ابر الود**: اگر آفتاب در ابر پوشیده وپنهان باشد که اندازه مثلین سایه شده نمیتواند واختلاف ساعتهاي مساجد هم ظاهر است در این صورت نماز دیگر به کدام اندازه وچه قسم خوانده شود؟

سوال (٤٨) (٢) **اندازه فاصله در بین نماز دیگر وشام**: فاصله مفتٰی به واتفاقي در بین شام ودیگر به کدم اندازه است؟

سوال: (٤٩) (٣) **اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از نماز شام خوانده شود چه حکم است؟**

---

(١) واول وقت المغرب اذا غربت الشمس بالاجماع. (غنیة المستملی ص٢٢٦). ظفیر

(٢) رد المحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص٣٤٠، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(٣) رد المحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(٤) ویجلس بینهما (ای بین الاذان والاقامة) بقدر ما یحضر الملازمون مراعیا لوقت الندب الاّ فی المغرب فیسکت قائمًا قدر ثلاث ایات قصار ویکره الوصل اجماعا (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص٣٦٢، ط.س. ج١ ص٣٨٩). ظفیر

اگر نماز دیگر دو ساعت پیش از شام خوانده شود آیا اعاده دوباره آن لازم است یا نه؟

جواب: (۱ تا ۳) نظر به اختلاف موسم اوقات نماز هم مختلف میگردد چونکه حالا روزها بسیار کلان است لهذا خواندن نماز دیگر دو ساعت پیش از شام جائز است چرا که در روزهاي کلان وقت دیگر از دو ساعت پیش از شام داخل میشود یعني دو ساعت پیش از شام سایه دو چند میشود وعینا وقت دیگر داخل میگردد وغروب آفتاب به هفت بجه وبیست وهشت ویا بیست ونه دقیقه میباشد از این عبارت معلوم شد که در موسم گرمي درین دو مثل شدن سایه ودر بین مغرب از دو ساعت زیاد است وبه همین قسم در ماه مئ وجون هم در بین دو مثل شدن سایه ودر بین مغرب فاصله به دو ساعت نزدیک است، واختلاف بین ساعتها یا دو یا چهار دقیقه میباشد لهذا در روز ابر احتیاط لازم است مثلا در نقشه وقت دو چند شدن سایه به پنج وبیست وسه دقیقه میباشد یعني وقت دیگر داخل میشود لهذا در این باره احتیاط کرده شود که از پنج ونیم بجه تا پاو کم شش بجه نماز دیگر اداء شود. فقط

سوال: (۵۰) **نماز خفتن درآخر شب بعد از خواب کردن جائز است یا نه؟** اگر یک شخص نماز خفتن را بعد ازخواب در وقت دو بجه یا سه بجه اداء کند این عمل شرعا چه قسم است؟

جواب: در حدیث شریف امده که پاک حضرت ﷺ پیش از نماز خفتن خواب کردن را مکروه مي گفت ودرکتابهاي فقه واضح بیان شده که بعد از نیم شب نماز خواندن خفتن مکروه است لهذا این عادت آن شخص خوب نیست بلکه این عادت مکروه وممنوع است وبهتر این است که نماز خفتن را پیش از خواب اداء کند [1].

سوال: (۵۱) **تأخیر در جماعت از وقت مقرره:** در مساجد اوقات نمازها تعین شده ومتصل زنگ ساعت جماعت استاد میشود اگر کدام مقتدی پیش از زنگ ساعت نیت سنت را بسته کرده باشد ودر این وقت آواز زنگ شنیده شود در این وقت امام مسجد تا فراغت آن شخص انتظارکند یانه اگر انتظارکند ممکن است که شخص دیگري هم براي نفل ویاسنت نیت بسته کند

---

(۱) ویستحب تعجیل المغرب الخ وتاخیر العشاء الی ما قبل ثلث اللیل الخ والتاخیر الی نصف اللیل مباح لان دلیل الکراهة وهو تقلیل الجماعة عارضه دلیل الندب وهو قطع السمر بواحد فیثبت الاباحة الی النصف والی النصف الاخیر مکروه (هدایه، باب المواقیت جلد اول ص۷۹) وتاخیرها الی ما بعده ای بعد نصف اللیل الی طلوع الفجر مکروه اذا کان بغیر عذر الخ اما اذا کان بعذر فالضرورات تُبیح المحظورات (غنیة المستملی ص ۲۲۳، ردالمحتار ط.س. ج۱ ص۳۶۸). ظفیر

وبه همین طرز این عمل جاري خواهد بود در این باره شرعا چه حکم است؟

جواب: این مسئله واضح براي تمام مردم معلوم است که اوقات نماز شرعا وسیع وفراخ است در وقتهاي نماز تنگي تیست وقتیکه نماز در وقت مستحب اداء شود بهتر است، واستحباب تأخیر وتعجیل در کتابهاي فقه مفصل ذکر شده که در فلان نماز تأخیر مستحب است ودر فلان نماز تعجیل اگر بعد از آن براي انتظام وسهولت کدام وقت مقرر ومعین میگردد در این صورت شرعاً کدام تنگي وحرج نیست لکن وقت مقرر شده ومعین را آنقدر حتمي ولازمي نگردانند که از جهت کدام ضرورت امکان دو یا سه دقیقه تأخیر هم در آن میباشد چرا که این کدام حکم شرعي نیست که گویا در فلاني ساعت وفلاني دقیقه ضرور جماعت استاد شود این سخن به نظام ومصالح خود بناء شده [١] اگر براي آن شخص که نیت بسته کرده دو یا سه دقیقه انتظار شود در این قسمت ممانعت شرعي وجود ندارد بلکه أولی وبهتر است تا اینکه ان شخص هم واجد فضیلت جماعت شود ومراعت مقتدیان شرعًا ستایش وبهتر بیان شده لکن ان قسم رعایت نیست که درآن براي مردم زیاد حرج باشد غرض این است که در این قسم امور به هر قسم که مصلحت ومقتضاي غلام باشد موافق شریعت به آن عمل کنند از روي شریعت هر طرف گنجایش میسر است. [٢]

سوال: (٥١) **وقت نماز دیگر وبحث ومثلین**: در این جا امام یک مسجد که خود را حنفي میگوید نماز دیگر را بعد از دو چندي سایه اداء میکند چونکه اکثریت مقتدیان شوافع اند آنها میخواهند که جماعت را به یک چندي سایه اداء کنند لهذا به درخواست مقتدیان توجه امام بطرف قول صاحبین مبذول گردید امام صاحب مسجد درخواست آنها را قبول نمیکند آیا به مذهب امام أبو حنیفة وقول صاحبین وقت دیگر از چه وقت شروع میشود وبه نزد احناف نماز دیگر به یک چندی سایه صحیح میشود یا نه؟

---

(١) ینتظر المؤذن الناس ویقیم للضعیف المستعجل ولا ینتظر رئیس المحلة وکبیرها کذا في معراج الدرایة ینبغي أن یؤذن في أول الوقت ویقیم في وسطه حتی یفرغ المتوضئ من وضوئه والمصلي من صلاته والمعتصر من قضاء حاجته کذا في التتارخانیة (عالمگیري مصري الباب الثاني في الاذان فصل ثاني ج١ ص٥٣، ط. ماجدیة ج١ ص٥٧). ظفیر

(٢) رئیس المحلة لا ینتظر مالم یکن شریرا او الوقت متسع (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج١ ص٣٧٢، ط.س. ج١ ص٤٠٠) ویجلس بینهما بقدر ما یحضر الملازمون مراعیا لوقت الندب الا في المغرب فیسکت قائما ثلاث آیات (ایضا ج١ ص٣٦٢، ط.س. ج١ ص٣٨٩). ظفیر

جواب: مذهب صاحبین این است که وقت دیگر به یک چندي سایه شروع میشود ودر یک روایت از امام أبو حنیفة نیز همین قول نقل شده ومذهب أئمه ثلاثه دیگر نیز همین است ودر الدر المختار گفته است که مأخوذ به مفتی به ومعمول به همین قول است [۱] مگر علامه شامي در رد المحتار نقل کرده در ظاهر الروایة از امام صاحب این است که وقت دیگر به دوچندي سایه شروع میشود ودر بدائع وغیره نوشته است که همین قول صحیح میباشد. قوله: إلی بلوغ ظل کل شيء مثلیه الخ هذا ظاهر الروایة عن الامام نهایة وهو الصحیح بدائع ومحیط وینابیع وهو المختار غیاثیه واختاره الامام المحبوبي وعول علیه النسفي وصدر الشریعة الخ [۲] عرض این است که بدون شک احتیاط زیاد در قول ومذهب امام صاحب است واگر نماز دیگر به یک چندي سایه خوانده شود خوف آن است که نماز پیش از دخولی وقت اداء شده باشد مگر وقتیکه سایه دو چندي برسد باتفاق تمام امامان نماز درآن صحیح است وبه مذهب شوافع نیز در این وقت کدام کراهیت نیست لهذا براي شوافع مناسب نیست که امام حنفي را به نماز خواندن در یک مثلي سایه مجبور کنند چرا که به نزد شوافع هم تا دو چند شدن سایه تاخیر نماز کراهیت نمیآید وبه اتفاق نماز درآن صحیح است وآنها از این جهت به یک مثلي تأکید واز دو مثلي مخالفت میکنند که البته به قول ظاهر الروایة امام اعظم نماز صحیح نمیشود: قال فی الشامی والاحسن ما فی السراج عن شیخ الاسلام ان الاحتیاط ان لایؤخر الظهر الی المثل وان لا یصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیکون مؤدیا للصلاتین فی وقتهما بالاجماع الخ شامی جلد اول ص ٤٤٠. فقط

سوال: (٥٣) **ابتداء وقت شام**: وقت شام از غروب آفتاب شروع میشود یا چه وقت در این باره قول مفصل کدام است؟

جواب: وقت أول شام بعد از غروب آفتاب شروع میشود به اتفاق علماء کما نقل في السوال من الدلائل وهذا لاخفاء فیه ولا خلاف. [۳] فقط

سوال: (٥٤) **اگردرمقتدیان احناف باشند وهم شوافع دراوقات نماز کدام مذهب مراعات**

---

(١) ووقت الظهر من زواله الخ إلی بلوغ الظل مثلیه وعنه مثله وهو قولهما وزفر والأئمة الثلاثة قال الإمام الطحاوي وبه نأخذ وفي غرر الأذکار وهو المأخوذ به وفي البرهان وهو الأظهر لبیان جبریل وهو نص في الباب وفي الفیض وعلیه عمل الناس الیوم وبه یفتی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلاة ج١ ص٣٣٢ – ٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفیر

(٢) رد المحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفیر

(٣) ووقت المغرب منه ای بعد الغروب الی غروب الشفق (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلٰوة ج١ ص٣٣٤، ط.س. ج١ ص٣٦١). ط

شود؟ فی بلدة کثیر الاحناف ودونهم الشوافع وامام اهل المذهبین حنفی ففی هذه الصورة هل یعین وقت الظهر وانتهائه وشروع وقت العصر علی مذهب الحنفی او علی مذهب الشافعی وکیف الفتوٰی ؟

الجواب: وفی المسئلة الثانیة ینبغی ان یراعی الامام فی اوقات الصلٰوة مذهب الامام الاعظم رضی الله عنه فان الاحتیاطُ فی صلٰوة الظهر والعصر فی مذهبه رضی الله عنه کما فی رد المحتار: والاحسن ما فی السراج عن شیخ الاسلام ان الاحتیاط ان لا یؤخر الظهر الی المثل وان لا یصلی العصر حتی یبلغ المثلین لیکون مؤدیا للصلاتین فی وقتهما بالاجماع الخ. [1] فقط

سوال: (۵۵) **وقت نماز شام وخفتن**: کدام وقت شام میشود ووقت خفتن از چه وقت شروع میشود یک صاحب میگوید که وقت خفتن ۹ بجه میشود ویک صاحب میگوید که وقت خفتن هشت ونیم بجه میشود آیا سوال به موسم گرمي جون وجولای متعلق است یا نه؟

جواب: مذهب امام ابو حنیفه رحمة الله علیه این است که بعد از غائب شدن سفیدي وقت خفتن شروع میشود وسفیدي بعد از سرخي میباشد غائب شدن سفیدي در زمان موجوده به ۹ بجه نزدیک است لهذا وقتیکه نماز شام هفت ونیم بجه باشد وقت خفتن به ۹ بجه نزدیک میباشد چرا که در این زمان فاصله بین شام وخفتن تقریبا یک ونیم ساعت است پس قول ان شخص که وقت خفتن را به ۹ بجه میداند صحیح است در این زمان وقت خفتن به مذهب صحیح امام ابو حنیفة به هشت ونیم بجه داخل نمیشود البته صاحبین که شفق را سرخي میدانند موافق مذهب ایشان هشت ونیم بجه وقت خفتن داخل میشود مگر به هشت ونیم بجه نفر به اصل مذهب امام أبو حنیفة وقت خفتن داخل نمیشود اگر چه به قول صاحبین که از امام صاحب هم روایت شده مگر قول صحیح آن است که شفق به نزد امام صاحب سفیدي است که بعد از سرخي ظاهر میشود مطابق آن وقت خفتن در آن وقت داخل میشود که سفیدي غائب گردد واین وقت به ۹ بجه نزدیک میباشد یعني چهار دقیقه به ۹ بجه باقي میباشد این سخن صحیح است که دربین شام وخفتن کدام وقت دیگري نیست مگر هر وقت که وقت شام تا غائب شدن سفیدي است ووقت خفتن بعد از سفیدي داخل شود بعداً ازآن هیچ اشکال باقي نمي ماند. [2]

---

(۱) رد المحتار کتاب الصلٰوة ج۱ ص۳۳۳، ط.س. ج۱ ص۳۵۹. ظفیر

(۲) در الدر المختار آمده: ووقت المغرب منه (ای الغروب) الی غروب الشفق وهو الحمرة عندهما وبه قالت الثلاثة ووقت العشآء والوتر =

سوال: (٥٦) **وقت نماز پیشین عندالاحناف کدام است:** وقت پیشین که بدون سایه اصلي به دو چندي سا یه است این موضوع را باحادیث صحیحه تحریر فرمائید؟

جواب: علامه شامي گفته: أن الادلة تكافأت ولم يظهر ضعف دليل الامام، بل أدلته قوية أيضا كما يعلم من مراجعة المطولات وشرح المنية. [1] اقول: وقد استدل شارح المنية لقول الامام بحديثين صحيحين حيث قال وله حديث ابى هريرة رضی اللہ عنہ عنه ﷺ اذا اشتد الحر فابردوا بالصلٰوة فان شدة الحر من فيح جهنم، رواه الستّة. وعن ابى ذر رضی اللہ عنہ قال كنا مع النبى ﷺ فى سفر فاراد المؤذن فقال له ابرد ثم اراد ان يؤذن فقال له ابرد حتٰى ساوى الظل التلول فقال النبى ﷺ ان شدة الحر من فيح جهنم رواه البخارى، [2] ثم بين وجه الاستدلال بالحديثين [3] فراجعه. فقط

سوال: (٥٧) **وقت دیگر:** در این جا بعض مردم نماز را به یک مثلي سایه میکنند ومیگویند که وقت أول همین است وحصهٔ دوم آن مردم اند که در جماعت شریک نمیشوند مي نشینند وبسیار وقت بعد جماعت میخوانند در این صورت سخن صحیح کدام است؟

جواب: احتیاط در این است که نماز دیگر پیش از دو چند شدن سایه خوانده شود وهمین مذهب امام أبو حنیفة است واز أحادیث ثابت شده مثلیکه در شرح منیه أحادیث صحیحه را راجع به مذهب امام صاحب براي دلیل نقل کرده در شامي ذکر شده: فيه انّ الادلة تكافئت ولم يظهر ضعف دليل الأمام بدلالته قوية أيضا كما يعلم من مراجعة المطولات وشرح المنية الخ [4] پس بنده نیزآن عمل میکند مثل کساني که به یک مثلي سایه نماز دیگر را نمیخوانند بلکه به دومثلي سایه

= منه الى الصبح (در المختار على هامش رد المحتار ج١ ص٣٧٣، ط.س. ج١ ص٣٦١) در ردالمحتار آمده: قال فى الاختيار الشفق البياض وهو مذهب الصديق ومعاذ بن جبل وعآئشة رضی اللہ عنہم مخ ته ليكى: قال العلامة قاسم فثبت ان قول الامام هو الاصح (ج١ ص٣٧٦، ط.س. ج١ ص٣٦١) واول وقت صلوة المغرب اذا غربت الشمس بالاجماع ايضا وأخر وقتها مالم يغب الشفق اى الجزء الكائن قبيل غيبوبة الشفق من الزمان وهو اى المراد بالشفق هو البياض الذى فى الافق الكآئن بعد الحمرة التى تكون فى الافق عند ابى حنيفة " وقالا اى ابويوسف" ومحمد" وهو قول الائمة الثلاثة رواية اسد بن عمر وعن ابى حنيفة" ايضًا المراد بالشفق هو الحمرة نفسها لا البياض الذى بعدها الخ ولا وقت مهمل بينهما فبخروج وقت المغرب يدخل وقت العشاء اتفاقا (غنية المستملى ص٢٢٦ – ٢٢٧). ظفير

(١) رد المحتار كتاب الصلٰوة ج١ ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفير

(٢) غنية المستملى ص٢٢٦. ظفير

(٣) شارحِ منيه نوشته است: وجه الاستدلال بالحديث الاول ان شدة الحر فى ديارهم اذا كان ظل الفيئ وبالثانى بانه صرح بان الظل قد ساوى التلول ولا قدر يدرک لفيئ الزوال ذلک الزمان فى ديارهم فثبت انه ﷺ صلّى الظهر حين صار ظلّ الشيء مثله (غنية المستملى ص٢٢٦ ردالمحتار ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفير

(٤) رد المحتار كتاب الصلٰوة ج١ ص٣٣٣، ط.س. ج١ ص٣٥٩. ظفير

انتظار میکنند چرا که در عبادات احتیاط لازم است اگر در یک مثلي سایه نماز دیگر خوانده شود احتمال دارد که نماز را پیش از دخول وقت خوانده باشد واگر در دو مثلي سایه نماز دیگر خوانده شود بدون شک واحتمال شبه در وقت اصلي خود نماز خوانده میشود پس معلوم است که یک عمل اشتباهي به خلاف احتیاط است خصوصا در أمور عبادات وبتأخیر نماز عصر أحادیث متعدد وارد شده اگر نماز دریک مثلي سایه خوانده شود آن فضائل که در احادیث بیان شده نیز ترک میشود لذا کساني که در یک مثلي جماعت فهماندن انها مناسب است که انها نیز نماز دیگر را در دو مثلي بخوانند براي اینکه در این وقت همه شان شریک شوند [1]. فقط

سوال: (۵۸) تحقیق وقت پیشین: جواب جناب در لفافه به ما رسید مگر از جهت عدم کفایت جواب شک به جای خود باقي مانده بنده سوال کرده بود که حدیث أبو هریرة مرویه موطاء امام: صل الظهر إذا کان ظلک مثلک بصراحة النص مثبت إلى المثلین وقت ظهر است یا نه شما به حواله ایضاح الادلة ما را موقوف ومحول کردید لهذا ایضاح الادلة را مطالعه کردم پس مفهوم نص دلالة حدیث مذکور یعني دلالة النص بقاء وقت ظهر بعد از یک مثلي سایه نشان داده شده به این عبارت ص۳۳۳: صل الظهر إذا کان ظلک مثلک که از این عبارت به شرط انصاف این مطلب مفهوم میشود که بعد از یک مثلي سایه نیز وقت ظهر باقي میباشد انتهٰی ص۱۳٤. مگر تحدید وقت ظهر به مثلین از حدیث مذکور مراد نیست، ص۱۳۸، وقت نماز پیشین اگر چه بطور یقینی تا یک مثلي سایه است مگر به أثر ضرورت یا کدام غفلت اگر براي کسي در این وقت یقیني اداء نماز باتفاق نه افتد براي او لازم است که در مابین مثلین نماز را اداء کند اگر چه مثلین وقت احتمالي است مگر باز هم از اوقات دیگري عمده است، ص۱٤٦، مطلب این نیست که وقت مذکوره بالیقین وقت ظهر است مثلیکه بقاء وقت ظهر یک مثلي یقیني نمیگوئیم که این مذهب صحیح نیست ما به صحت این قول اقرار میکنیم، ص۱٤۷، وآن را روایت أبو هریرة وأبو ذر رضي الله عنهما وغیره میدانم از احادیث معلوم میشود که در وقت ظهر زیادت شده است وبه همین قسم مولانا مدظله در تقریر درس ترمذي در منقوله مولوي اصغر حسین میفرماید که از این احادیث سخن روشن ومیداني بدست نمیاید بدون حدیث جبرئیل که او سخن را میداني کرده

---

(۱) قال المشائخ ینبغی ان لا یصلی العصر حتٰی یبلغ المثلین ولا یؤخر الظهر الی ان یبلغ المثل لیخرج من الخلاف فیهما الخ (غنیة المستملی ص ۲۲۵). ظفیر

لهذا سخن عمده این است که وقت ظهر تا یک مثلي است وبه همین قسم مولانا تهانوي در (الاقتصار) میفرماید ص۷۱: که از حدیث ابو ذر ثابت میشود که وقت ظهر بعد از یک مثلي هم باقي میباشد وحضرت گنگوهي قدس سره سه در مکاتیب رشیدیه ص۲۲ بنام مولوي صدیق أحمد صاحب تحریر نموده که مثل به نزد بنده بسیار قوي است از روایت حدیث ثبوت مثل میشود ثبوت مثلین در حدیث نیست، در فتاوی رشیدیه جلد دوم ص۱٤: الجواب: این عبارت از بستان المحدثین وتفسیر مظهري از مثلین بطور قطعي وصریح نفي میشود. لهذا مذهب مثلین مرجوح است ومذهب یک مثلي قوي ومعمول به اکثر فقهاء است وبه همین قسم قطب الدین خان صاحب مرحوم در تنویر الحق در زیر حدیث ابو هریرة رضي الله عنه میفرماید: که از این حدیث ثابت شد که وقت ظهر تا دو مثلي دلالت میکند ومولوي ارشاد حسین صاحب رامپوري در (انتصار الحق) میفرماید وهم این کلام حضرت ثناء الله پاني پتي را ذکر میکند و: وآخر وقت الظهر فلم یوجد في حدیث صحیح ولا ضعیف أنه لا یبقی بعد ظل کل شيء مثله ولهذا خالف أبا حنیفة في هذه المسئلة صاحباه ووافقا الجمهور، اگر معناي ان این باشد که در یک حدیث هم بطور صراحت این لفظ نیست که بعد از یک مثلي وقت ظهر باقي میباشد مسلم است وبراي ما مضر نیست چرا که عدم ذکر صراحت نه برای ثبوت ضرور است ونه مدعاء ما آن است ومولانا عبد الحي صاحي مرحوم در تعلیق الممجد علی موطاء امام محمد میفرماید: والانصاف في هذا المقام أن احادیث المدثل صریحة وأخبار المثلین لیست بصریحة انتهی، حاصل این است که از کلام حضرات اکابر ثابت میشود که حدیث مذکور وهیچ یک حدیث در باره مثلین وقت ظهر بصراحت النص موجود نیست اگرچه از طرق ثلاثة یعني اشارة النص، دلالة النص، واقتضاء النص حضرات فقهاء استشهاد واستنباط کرده اند واین توجیه در کلام حضرت مولانا گنگوهی رحمه الله ازمکاتب رشیدیه ص۲٤ منقول شده که ثبوت دو مثل از حدیث ثابت نیست.

و از فتاوی رشیدیه جلد سوم ص ۹٤ بطور قطعي وصریحي نفي مثلین شده لهذا قول زید که حدیث مذکوره در باره توقیت ظهر إلی المثلین بصراحت النص است به نزد شما وبه نزد مولانا محمود الحسن صاحب مدظله العالي صحیح است ویا نه؟

جواب: در فتاوی رشیدیه جلد سوم ص ٦٤ در جوابات سوالات عشرة این تحقیق شده است که مسئله (۹) را بخاري روایت کرده: عَنْ أَبِي ذَرّ قَالَ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي سَفَرٍ فَأَرَادَ

الْمُؤَذِّنُ أَنْ يُؤَذِّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُؤَذِّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُؤَذِّنَ فَقَالَ لَهُ أَبْرِدْ حَتَّى سَاوَى الظِّلُّ التُّلُولَ، اگر دل کسي ميخواهد مشاهده کند که آنها بعد از یک مثلي نماز خوانده اند يعني بعد از یک مثلي وقت ظهر باقي بود لهذا آنها نماز خوانده اند بعد از اين روايت صحيح طعن کردن جهالت است از اين تقرير مولانا گنگوهي رحمة الله عليه صفا ظاهر ميگردد که بعد از یک مثلي سايه وقت ظهر باقي ميباشد وبعدا از أحاديث ديگرى ثابت ميگردد که تا دخول وقت نماز ديگر وقت ظهر باقي ميباشد ودر بين وقت ظهر وديگر حد فاصل ووقت مهمل نيست لهذا باقي ماندن وقت ظهر تا دو مثلي سايه ثابت شد وبعد از اينکه از حديث بخاري باقي ماندن وقت ظهر تا دو مثلي ثابت شده به اين معنى که بعد از یک مثلي هم وقت ظهر دوام دارد بعد از اين قسم سوال کردن که اين ثبوت صراحة يا دلالة يا اشارة است بي فائده ميباشد چرا که هر کدام آنها وجوب را افاده ميکند کدام حکم که باشاره ويا دلالت نص ثابت شود در حکم آن است که بصراحت ثابت شده باشد وافاده وجوب را ميکند شما نظر کنيد که زدن ودشنام کردن والدين را که درآية مبارکه: و لا تقل لهما أف، به دلالت نص ثابت شد مگر حکم حرمتش به مثل حرمت (أف) است يعني هر قسم تکليف آوردن به مادر وپدر آن قسم حرام است مثليکه گفتن أف در مقابل آنها حرام است اگر چه ضرب وشتم وغيره در آيه مبارکه ذکر هم نشده مگر حرمت آن از اف هم سخت واشد است پس اين قسم تحقيق کردن که اين ثبوت باشاره است يا به دلالت بي فائده ميباشد الخ وتمام أقوال، عبارات وروايات اين مسئله پيش نظر شما است به جستجوي وپاليدن مکرر آن چه حاجت است همين قدر بدانيد که اين مسئله ثابت است کفايت ميکند مگر کوبيدن ديگران به آن جهالت است کما قال المحقق الگنگوهي قدس سره العزيز، فقط والله تعالى اعلم.

سوال: (۵۹) **ثبوت پنج وقت نماز از قرآن کریم**: نماز پنج وقته درکدام آيه قرآن کريم ذکر شده است؟

جواب: قال الله تعالى: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ، فى الجلالين [1] طرفى النهار الغداة والعشيّ: أي الصبح والظهر والعصر وَزُلَفًا

(۱) جلالين مطبوعه مجتبائى.

جمع زلفة. أي طائفة مّنَ الليل أي المغرب والعشاء. وقال تعالى: فَسُبْحَانَ الله حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ، قال فى الجلالين: حين تمسون وفيه صلاتان: المغرب والعشاء وحين تصبحون وفيه صلاة الصبح وعشيًّا وفيه صلاة العصر وحين تظهرون وفيه صلاة الظهر. [۱] وفى الحديث عن عبادة بن الصامت رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خمس صلٰوة افترضهن الله تعالى من احسن وضوئهن وصلاهن لوقتهن واتم ركوعهن وخشوعهن كان له على الله عهد ان يغفر له الحديث رواه احمد وابوداؤد وغيرهما [۲] وعن ابى امامة رضي الله عنه قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوا خمسكم وصوموا شهركم وادوا زكوٰة اموالكم واطيعوا أُملائكم تدخلوا جنة ربكم رواه احمد والترمذى. [۳]

از این آیات واحادیث فرضیت پنج نماز واضح است وبه همین قسم أيات وأحاديث ديگري به فرضيت پنج نماز نصوص يقيني ميباشد ورکعتهای هر نماز نیز معروف ومشهور وقطعي است وانكار ازآن كفر است. فقط

سوال: (۶۰) **حکم بلغاریا:** در فتاوی محمدي مع شرح ديوبندی تصنيف مولانا أصغر حسين صاحب نوشته است که بلغاريا یک شهر است نوشته شده در مختار وشامي که کتابهاي معتبر فقه است این مسئله در آن نوشته شده معلوم نیست که آن شخص چرا انکار میکند اگر انکار میکند که در بلغاریا این قسم نمیشود پس واضح باشد که بلغاریا ومربوطات آن یک منطقه بسیار فراخ است شاید درآن مناطق یک حصه ومنطقه باشد که این حالت در آن پیش میاید فقهاء کرام نیز بنابر تجربه ومشاهده این حالت را نوشته کرده که انکار کردن از ان جهالت ونادانی است باقي میماند این سخن که درکدام جا که وقت خفتن نباشد در ان جا نماز خفتن لازم است یا نه مذهب بعض فقهاء این است که نماز خفتن در آن جا فرض نیست چرا که درآنجا وقت خفتن نیست مثلیکه مولوي اصغر حسین صاحب در فتاوی محمدي نیز همین قسم نوشته است مگر فقهاء محققین مثل ابن الهمام وغیره میگویند که نماز خفتن درآن جا فرض است اگر چه وقت خفتن هم در آن جا نباشد ذلیل شان این است که خداوند پاک جل جلاله بر تمام بندگان خود پنج نماز را

---

(۱) جلالین ص۳۴۲. ظفیر

(۲) و(۴) مشکوٰة، کتاب الصلوٰة ص ۵۸. ظفیر

فرض کرده است پس این پنج نماز بر هر مسلمان هر جا که باشد فرض است مثلیکه در حدیث دجال وارد شده که در وقت ظهور دجال یک روز باندازه یک سال دراز خواهد بود اصحاب کرام رضی الله عنهم عرض نمودند که در این وقت خواندن نمازها بکدام حال خواهد بود رسول پاک ﷺ فرمود که در این وقت نماز باندازه وقت خوانده میشود یعني در وقت مقدر شده باندازه یک شب وروز پنج نماز خوانده شود که در بیست وچهار ساعت باید پنج نماز خوانده شود. [1]

سوال: (٦١) (١) **وقت نماز ومقدار قرات درآن:** یک شخص نماز صبح را در آن وقت میخواند که از صبح صادق تا طلوع آفتاب نیم وقت گذشته ونیم وقت مانده باشد ودر نماز چهل آیات ویا زیاتر از آن میخواند وشخص دیگر سنت صبح را میخواند ومي نشنید ودر جماعت شریک نمیشود وقتیکه جماعت ختم شود بعد از آن جماعت جدا میکند آیا در آین دو نوع عمل کدام شان موافق مذهب امام اعظم است؟

سوال: (٦٢) (٢) **در اقتداء شافعی نماز صبح را در اول وقت بخواند یانه؟** اگر مردم شافعي مذهب بعد از أذان صبح در وقت أول صبح به جماعت استاد شوند ایا اشتراک احناف در این جماعت لازم است یا نه؟

سوال: (٦٣) (٣) شخصي که به تقاضای خواهش نفساني خود در وقت آخر جماعت دوم میکند آیا همان شخص در حکم آیتهاي ذیل میاید یا نه: ومن یعص الله ورسوله، ومن لم یحکم بما أنزل الله، الآیة.

سوال: (٦٤) (٤) آیا این سخن صحیح است که در هر موسم به شروع حصه هفتم شب صبح صادق میشود.

جواب: (١) در مذهب امام اعظم صاحب نماز صبح در روشني مستحب است ودر حدیث شریف نیزاین استحباب تأکید وتحکیم شده: اسفروا بالفجر فإنه اعظم للاجر [2] موافق این حدیث شریف از طلوع آفتاب نیم ساعت پیش شروع کردن جماعت سحر کافي است دوم وقتیکه با این عمل

---

(١) وفاقد وقتهما كبلغار فإن فيها يطلع الفجر قبل غروب الشفق في أربعينية الشتاء مكلف بهما فيقدر لهما ولا ينوي القضاء لفقد وقت الأداء به أفتى البرهان الكبير واختاره الكمال وتبعه ابن الشحنة في ألغازه فصححه فزعم المصنف أنه المذهب وقيل لايكلف بهما لعدم سببهما وبه جزم في الكنز والدرر والملتقى وبه أفتى البقالي ووافقه الحلواني والمرغيناني الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار مطلب في فاقد وقت العشاء كاهل بلغار ج١ ص٣٣٦، ط.س. ج١ ص٣٦٢) وانظر تحقيق المسائل في ردالمحتار. ظ

(٢) مشكوٰة، باب تعجيل الصلوٰة ص ٦١. ظفير

در بین نماز خوانان تفرق وجدائی پیدا میشود وقتیکه مسلمانان در جماعت اول شریک نمیشوند ودر بر پاکردن جماعت دوم مرتکب کراهیت میشوند چرا این قسم عمل میکنند که خلاف مذهب هم باشد وبه سبب آن دربین مسلمانان تفرق وجدائي ایجاد میگردد ومقتدیان کدام جماعت که احناف نباشند ضرور است که براي آن امام شافعي مذهب ویا امام غیر مقلد مقرر شود شخصي که عملي او خلاف مذهب حنفي است.

جماعت دوم به نزد احناف خواه نخواه مکروه است، مگر وقتیکه اهل محله ونماز گذاران احناف باشند در این صورت بخلاف ایشان برای شافعي وشخص غیر مقلد عجله پسندي مناسب نیست واین آیتها که سائل آن را در سوال سوم درج کرده در باره کفار ومعاندین اسلام است اگر مسلمانان مصداق این آیات قرار داده شود این هم در ذات خود یک گمراهي است در هر موسم در حصه هفتم شب صبح صادق شروع نمیشود واین مقرره غلط است در شبهاي زمستان که شب تقریبا چهارده ساعت میباشد در این وقت ازصبح صادق تا طلوع آفتاب یک ساعت وبیست ودو دقیقه وقت میباشد اگر حصۀ هفتم شب همیشه صبح صادق شود در این صورت لازم است که از صبح صیادق تا طلوع آفتاب دو ساعت وقت باشد در حالیکه چنین نیست أهل تجربه ومشاهده عامه وقواعد حسابیه مخالف این قول است ونسبت دادن این سخن به مذهب حنفي نیز غلط است که گویا نماز جماعت در وقت اندر میانه بین صبح صادق وطلوع آفتاب اداء گردد این سخن نه در مذهب امام صاحب است ونه به نزد محققین احناف قابل اعتبار است در الدر المختار ذکر شده: والمستحب للرجل الابتداء في الفجر بالإسفار والختم به هو المختار بحیث یرتل أربعین آیة ثم یعیده بطهارة لو فسد وقیل یؤخر جدا لأن الفساد موهوم، قوله: قیل یؤخر جدا الخ قال في البحر وهو ظاهر اطلاق الکتاب ای الکنز لکن لا یؤخرها بحیث یقع الشک في طلوع الشمس الخ. [1] فقط

سوال: (۶۵) <u>وقت نماز خفتن بدل از غروب آفتاب بعد از چه مقدار داخل میشود</u>؟ وقت نماز خفتن بعد از غروب آفتاب بعد از چند ساعت داخل میشود ودرکدام کتاب فقه وقتي تخمیني خفتن موافق مذهب احناف نوشته شد؟ بعض مردم میگویند که بعد از یک ونیم ساعت وقت خفتن داخل میشود وبعض مردم از این مقدار انکار میکنند.

---

(۱) مطالعه کنید: رد المحتار کتاب الصلوٰة ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳۶۶ بعد مطلب طلوع الشمس من مغربها. ظفیر

جواب: در کتابهاي فقه این قدر نوشته شده که به غائب شدن شفق ابیض به نزد امام صاحب وقت خفتن داخل میشود [۱]، حساب دقیقه وساعت در کتابهای فقه نیست، این سخن به مشاهده تعلق دارد که آیا بعد از غروب آفتاب چند ساعت پس سفیدي شفق غائب میشود وحالا مقدار این وقت موافق نوشته أهل تجربه ماهای دسمبر، جنوري وفروري تقریبا یک ونیم ساعت است ودر تابستان بعض اوقات دو سه یا چهار دقیقه زیاد میشود ودر بعض موسم کم میشود.

سوال: (٦٦) **وقت سحر ودیگر کدام است وعمل حضرت گنگوهی چه بود؟** اوقات نماز گنگوهي صاحب یعني پیش از طلوع آفتاب در کدام وقت سحر ونماز دیگر را چه مقدار وقت پیش از غروب آفتاب اداء میکرد این اوقات را به حساب ساعت ودقیقه به ما تحریر فرمائید اگر به انتظار جماعت نماز صبح نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب خوانده شود بهتر است یا اینکه در اول وقت آن را بخواند وبعدا در جماعت شریک شود در مشارق الانوار یک حدیث شریف ذکر شده که یک زمان خواهد آمد که مردم در نا وقتي نماز میخوانند درآن وقت شما نمازهاي خود را اداء کند وبعدا در جماعت هم شریک شوید آیا حالا همان زمانه است یا نه واین حدیث قابل عمل است؟

جواب: براي اوقات نماز مقرر کردن ساعت ودقیقه نیست در نماز سحر ودیگر به نزد احناف تأخیر بهتر است در نماز دیگر آنقدر تأخیر کرده شود که در حد کراهیه داخل نشود یعني وقت مکروهه داخل نشود مثلا یک ساعت یا پاو کم یک ساعت باید به غروب آفتاب مانده باشد ونماز دیگر اداء شود بهتر است [۲]، ودر نماز سحر اسفار مستحب است ودر حدیث نیز همین قسم آمده است بناء اگر نماز صبح را نیم ساعت ویا پاو کم یک ساعت پیش از طلوع آفتاب بخواند این عمل بیسار خوب ووقت ثواب است خصوصا درآن صورت که منتظر جماعت باشد تا اینکه نیم ساعت به طلوع آفتاب مانده باشد جماعت اداء شود این عمل بسیار خوب است [۳]،

---

(۱) واول وقت العشاء اذا غاب الشفق وأخر وقتها ما لم يطلع الفجر الثانى (هدايه باب المواقيت) ثم الشفق هو البياض الذى = = فى الافق بعد الحمرة عند ابى حنيفة رضي الله عنه (ايضا، ط.س. ج۱ ص۳٦۱). ظفير

(۲) وتاخير عصر صيفا وشتاء توسعة للنوافل مالم يتغير ذكاء بان لا تحار العين فيها فى الاصح (در المختار على هامش رد المحتار ج۱ ص۳٤۱، ط.س. ج۱ ص۳٦۷). ظفير

(۳) والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به هو المختار بحيث يرتل اربعين آية ثم يعيده بطهارة لو فسد (درمختار) قوله وفي الفجر اى صلاة الفرض، باسفار اى في وقت ظهور النور وانكشاف الظلمة الخ لقوله ﷺ اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذي وحسنه (ردالمحتار ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۳۵۵). ظفير

حضرت مولانا رشید احمد صاحب گنگوهی نیز همین قسم میکرد وکدام حدیث را که شما از مشارق الانوار نوشته کرده اید مطلب این حدیث چنین نیست که تأخیر نماز صبح باسفار وتأخیر نماز دیگر تا وقت مستحب ممنوع است بلکه مطلب حدیث شریف این است که کدام وقت مردم آنقدر تأخیر کنند که وقت مکروهه داخل شود از این صورت، حکم این است که شما تنها نماز بخوانید این حکم براي آن نیست که نیم ساعت پیش نماز خوانده شود بلکه این عمل موافق حدیث است.

سوال: (۶۷) **نماز صبح در تاریکی بهتر است یا در روشنی:** یک نفر نماز صبح را در تاریکي به مردم جماعت داد یک مولوي صاحب گفت که همان صبح در روشني بهتر است وجماعت دهنده براي دلیل این آیت را بیان کرد: فسبحه وادبار النجوم، مطلب ومراد این آیه کریمه چیست؟

جواب: در حدیث شریف آمده که: اسفروا بالفجر فإنه اعظم فی للاجر، الحدیث [1]، یعني نماز صبح را در روشني بخوانید از جهت اینکه درآن بسیار ثواب است ومذهب امام أبو حنیفه نیز همین است که خواندن نماز در روشني بهتر است وبه قول بعض مفسرین ازآیه مبارکه: فسبحه وادبار النجوم، دو رکعت سنت صبح مراد است وضحاک میگوید که مراد از آیه مذکور نماز فرض صبح مراد است، معالم التنزیل.

سوال: (۶۸) **وقت ظهر درتابستان کدام است:** در این عصر در موسم تابستان وقت نماز ظهر به چند بجه مناسب است؟

جواب: در زمستان وتابستان ویا هر موسم وقت ظهر بعد از زوال آفتاب شروع میشود وتا دو مثل شدن سایه باقي میباشد وزوال آفتاب تقریبا دوازده ونیم بجه میشود، در این صورت وقت نماز ظهر از دوازده ونیم بجه شروع وتا بعد از سه بجه باقي میباشد ودر "جیت هار" از این هم تا ناوقت ظهر خواهد بود حاصل این است که باید در نماز ظهر وقت مستحب یعني تأخیر مراعت شود اگر چه نماز همیشه بعد از دوازده ونیم بجه نیز جائز است در این عصر از دو بجه تا سه بجه وقت خوب ومناسب نماز ظهر است، اگر دو نیم بجه یا پاو کم سه بجه ویا تا سه بجه موافق وقت ریلوي نماز ظهر کرده شود بسیار وقت خوب ومناسب است در این کدام حرج نیست وپاو

---

(۱) رواه الترمذی عن رافع بن خدیج (مشکوٰة باب تعجیل الصلوٰة). ظفیر

بالا دو بجه ودو نیبم بجه نیز وقت خوب است غرض این است که ازدو بجه تاسه بجه همه خوب وقت است کدام وقت که میخواهید نماز بخوانید به جنگ وجدال هیچ حاجت نیست. فقط

سوال: (۶۹) **درموسم زمستان جماعت صبح چه وقت مناسب است:** درموسم زمستان که طلوع آفتاب هفت بجه میشود جماعت صبح چه وقت مناسب است به حساب ساعت ودقیقه براي ما نوشته فرمائید؟

جواب: اگر جماعت صبح از طلوع آفتاب نیم ساعت پیش کرده شود بسیار خوب است مثلا در این وقت که افتاب پاو بالا هفت بجه طلوع میکند اگر جماعت صبح به پاو کم هفت بجه خوانده شود بسیار سخن عمده است ووقت سحر از طلوع صبح صادق شروع وبه طلوع آفتاب ختم میشود تا وقتیکه گنجایش نماز وجماعت باشد تأخیر کردن جائز است ش ودر ما بین این وقت که در هر وقت آن نماز خوانده شود خوب است مگر مذهب امام أبو حنیفه این است که خوب روشني شود بعد از آن جماعت صبح اداء شود ودر تعین ایت وقت به حد خاص تعین ساعت ودقیقه ضرور نیست [1]. فقط

سوال: (۷۰) **وقت ظهر وجمعه:** نماز ظهر ونماز دیگر به موجب مذهب مختار امام اعظم صاحب د رکدام وقت مناسب است وقت اول کدام ووقت آخر کدام است ووقت نماز جمعه از کدام وقت تا کدام وقت میباشد؟

جواب: وقت ظهر به نزد امام ابو حنیفة تا دومثل شدن سایه است وقت نماز دیگر بعد ازدو مثل شدن سایه شروع میشود واداء کردن نماز ظهر پیش از دو مثل شدن سایه مناسب است ونماز دیگر بعد از دو مثل شدن سایه مناسب است مگر بهتر این است که بعد از شروع شدن وقت تأخیر زیاد نکنید تا یک مثل شدن سایه نماز ظهر رابخوانید وبعد از دو مثلي سایه کمي بعد نماز دیگر را بخوانید، وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر است که بعد از زوال آفتاب شروع میشود وتا کدام وقت که وقت ظهر است وقت نماز جمعه نیز تا همان وقت میباشد. فقط

سوال: (۷۱) **در لاپ لیند نماز وروزه چه قسم اداء شود؟** درجزیرهٔ لاپ لبند که شش ماه روز

---

(۱) في الدر المختار والمستحب للرجل الابتداء في الفجر باسفار والختم به وهو المختار وقال في ردالمحتار ای وقت ظهور النور وانكشاف الظلمه سمی به لانه یسفر ای یكشف عن الاشياء والحاصل انه حد الاسفار ان یمكنه اعادة الطهارة ولو من حدث اكبر واعادة الصلاة على الحالة الاولى قبل طلوع الشمس (ردالمحتار ج۱ ص۳۳۹، ط.س. ج۱ ص۲۶۶). ظفير

ومدة شش ماه شب ميباشد درآن جا نماز پنج وقته چه قسم اداء گردد ودر ماه مبارک رمضان روزه چه قسم گرفته شود ودر گرفتن روزه رمضان شرط ماه رمضان است ويا نه اگر شرط باشد ماه رمضان چه قسم معلوم گردد؟

جواب: نمازها را باندازه كردن اوقات بخواند مثلا در بيست وچهار ساعت نمازهاى شب وروز باندازه مقرره جدا كند وپنج نماز را تكميل نمايد ودرباره روز رمضان بلاد اقرب خود را مراعت كند از اين لحاظ ماه رمضان براي شان معلوم خواهد شد.

فصل ثاني اوقات مكروهه

يعني آن وقتهاي كه اجازه نماز در آن نيست

سوال: (٧٤) **در روز جمعه در وقت چاشت نفل جائز است يانه؟** ان الصلوٰة النافلة نصف النهار يوم الجمعة هل تباح او تكره ؟

جواب: اقول وبالله التوفيق ان الاحتياط فى عدم التنفل فى ساعة الزوال يوم الجمعة كما عليه الشروح والمتون ومذهب الامام راجح من حيث الدليل فينبغى عليه التعويل. [1]

سوال: (٧٣) **در وقت استواء آفتاب نماز جائز است يا نه؟** نوافل چاشت در وقت دوازده بجه جائز است يا نه؟ ودر جنتري اسلامي وقت زوال يا وقت نماز قضائي را دوازده بجه وبيست وچهار دقيقه نوشته است؟

جواب: در وقت زوال نوافل وهيچ قسم نماز جواز ندارد ونه در آن وقت نماز جائز است كه وقت زوال در ما بين نماز بيايد پس دركدام ساعت كه زوال به دوازده بجه وبيست وچهار دقيقه ميشود مطابق آن اگر نوافل يا نماز قضائي را به اين قسنم بخواند كه از زوال پيشتر از نماز فارغ شود جائز است مگر هر وقت كه وقت زوال نزديک شود درآن وقت هيچ نماز را شروع نكند براى اينكه در ما بين نماز وقت زوال عارض نشود [2]. فقط

---

(١) لا تجوز الصلوٰة عند طلوع الشمس ولا عند قيامها فى الظهيرة ولا عند غروبها لحديث عقبة بن عامرؓ الخ (هدايه باب المواقيت جلد اول ص٨٠). وكره تحريماً الخ صلوٰة مطلقا الخ مع شروق الخ واستوآء الاّ يوم الجمعة على قول الثانى المصحح المعتمد كذا فى الاشباه (در المختار) رواه الشافعى فى مسنده نهى عن الصلوٰة نصف النهار حتى تزول الشمس الا يوم الجمعة. قال الحافظ بن حجر فى اسناده انقطاع الخ قوله المصحح المعتمد اعتراض بان المتون والشروح على خلافه الخ شراح الهداية انتصروا لقول الامام واجابوا عن الحديث المذكور الخ (رد المحتار كتاب الصلوٰة ج١ ص ٢٤٣ — ٢٤٥، ط.س. ج١ ص٣٧٠ — ٣٧١). ظفير

(٢) وكره تحريما وكل ما لا يجوز مكروه صلاة مطلقا ولو قضاء او واجبة او نفلا او على جنازة وسجدة تلاوة وسهو لا شكر مع شروق الخ =

سوال: (٧٤) (١) **در وقت صبح بدون سنت ونماز قضائی نوافل جائز نیست:** براي من معلوم است که در وقت سحر علاوه ازنماز مقرره صرف نماز قضائي که فرض وواجب یعني وتر هم شده میتواند دراین باره اطمینان مزیدي رامیخواهم که بعض جاهلان دراین وقت نفل میخوانند وبعد از نماز فرض سنت هم میخواند که در وقت جماعت آن را کرده نمیتوانست.

سوال: (٧٦) (٢) **بعد ازنماز دیگر خواندن نفل جائز نیست:** بعد ازنماز دیگر مثل بعد ازنماز صبح نفل ممنوع است درباره هم آن چیزها را سوال میکنم که درباره نماز صبح کرده ام اگر حکم بعد از نماز دیگر با حکم وقت بعد از نماز صبح تفاوت داشته باشد راجع به آن اطلاع میخواهم؟

جواب: (١) بعد از طلوع صبح صادق بدون سنت صبح ونماز قضائي اقسام نوافل دیگري به هیچ صورت جائز نیست وبعد از اداء فرض صبح اعاده دو رکعت سنت صبح هم جائز نیست در در المختار ذکر شده: وکره نفل الخ ولو سنة الفجر بعد صلاة الفجر وصلاة العصر الخ ولایکره قضاء فائتة ولو وترا الخ [1]، ومراد از این کراهیت کراهیت تحریمي است: قال في الشامي والکراهیة ههنا تحریمیة أیضا کما صرح به في الحلیة ولذا قال في الخانیة والخلاصة بعدم جواز والمراد عدم الحل لا عدم الصحة کما لایخفی. [2]

جواب: (٢) بعد از نماز دیگر نیز بدون خواندن نماز قضائي اقسام دیگري نوافل جائز نیست [3].

سوال: (٧٧) **آیا وقت بعد ازظهر مثل بعد ازنماز دیگر وصبح است؟** مثلیکه بعد العصر وبعد الفجر خواندن هر قسم نوافل ممنوع است آیا هم چنین بعد از نماز ظهر هم هیچ کدام نفل جائز نیست واگر جائز باشد جواز آن درکدام کتاب فقه ثابت است ویا نه؟

جواب: نه اینطور نیست، بعد از عصر وبح نوافل درست نیست.

= واستوآء (الدرالمختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة ج١ ص ٣٤٣ – ٣٤٤ ، ط.س. ج١ ص٣٧٠) لما روی مسلم وغیره من حدیث عقبة بن عامر ثلث ساعات کان رسول الله ﷺ ینهانا ان نصلی فیهن او نقبر موتانا حین تطلع الشمس بازغة حتي ترتفع وحین یقوم قائم الظهیرة حتی تمیل الشمس وحین تضیف للغروب حتی تغرب (غنیة المستملی ص٢٣٥). ظ

(١) الدر المختار علی هامش رد المحتار کتاب الصلٰوة ص ٣٤٧ ج١، ط.س. ج١ ص٣٧٤. ظفیر

(٢) رد المحتار کتاب الصلٰوة ص ٣٤٨ ج١، ط.س. ج١ ص٣٧٥. ظفیر

(٣) واما الوقتان الاخران الخ فانه یکره فیهما التطوع فقط ولا یکره فیهما الفرض الخ وهما أی الوقتان المذکوران ما بعد طلوع الفجر الی ان ترتفع الشمس فانه یکره فی هذا الوقت النوافل کلها الا سنة الفجر الخ وما بعد صلٰوة العصر الی غروب الشمس لحدیث ابن عباس الخ (غنیة المستملی ص٢٣٧ ج١). ظفیر

سوال: (٧٨) **آيا پيش از سنت نوافل جائز است يا نه؟** پيش از دوركعت سنت صبح خواندن نوافل جائز است يا نه؟

جواب: بعد از طلوع صبح صادق پيش از دوركعت فرض بدون دو ركعت سنت ديگر جواز ندارد [(١)].

سوال: (٧٩) (١) **در نصف روز جمعه خواندن نفل جائز است ويا نه؟** آيا در نيم روز جمعه خواندن نوافل جائز است يا نه؟

سوال: (٨٠) (٢) **آيا سنت جمعه در نيم روزى روز جمعه جائز است يا نه؟** ايا سنت جمعه را در نصف النهار كرده ميتواند يانه؟

جواب: (١) به مذهب امام اعظم صاحب جائز نيست وامام ابو يوسف آن را جائز ميگويد مگر احتياط زياد در قول امام اعظم صاحب است. [(٢)] فقط

جواب: (٢) كرده نميتواند. [(٣)] فقط

سوال: (٨١) **به اثر پركالى وضوء نه شكست لهذا به اعاده نماز ضرورت نيست؟** بعد از نماز تهجد تسبيحات خواندم بر سر پاي نشسته بودم كه پركالي بر سرم آمد بعد از وقت كم ديدم كه وقت سنت است ويقين داشتم كه وضوء من نه شكسته سنت خواندم وبه مسجد رفتم بعدا شك برايم پيدا شد كه وضوء ام شكسته خواهد بود يا نه لهذا دوباره وضوء نمود بعدا دو ركعت سنت را نيز اعاده كردم ودر جماعت فرض شريک شدم شرعاً جائز است يا نه؟

جواب: كدام سنت را كه قبلا خوانده بوديد صحيح بود واعاده آن ضرور نبود [(٤)] وجائز هم نبود لكن از جهت بي علمي كه چيزي شده است درآن كدام مؤاخذه وعذاب نيست [(٥)]. فقط

---

(١) وكذا الحكم عن كراهية نفل وواجب لغيره لافرض وواجب لعينه بعد طلوع فجر سوى سنته لشغل الوقت به تقديرا (ايضا ج١ ص٣٤٨، ط.س. ج١ ص٣٧٥) لما روى مسلم عن حفصة رضي الله عنها قالت كان رسول الله ﷺ اذا طلع الفجر لا يصلى الا ركعتين خفيفتين (غنية المستملي ج١ ص٣٣٧). ظفير

(٢) وكره تحريما الخ صلاة مطلقا ولو قضاء او واجبة او نفلا الخ مع شروق الخ واستواء الآ يوم الجمعة على قول الثانى المصحح المعتمد كذا فى الاشباه (در المختار) لكن شراح الهداية انتصروا لقول الامام واجابوا عن الحديث المذكور باحاديث النهى عن الصلٰوة وقت الاستوآء (ردالمحتار ط.س. ج١ ص٣٧٠ – ٣٧١). ظفير

(٣) وجمعة كظهر اصلا واستحبابا في الزمانين لانها خلفه (الدر المختار على هامش ردالمحتار كتاب الصلاة ج١ ص٣٤٠، ط.س. ج١ ص٣٦٧). ظفير

(٤) از اين جهت كه وضوء اش نشكسته بود: وفى الخانية النعاس لا ينقض الوضوء وهو قليل نوم (رد المحتار نواقض الوضوء ج١ ص١٣٢) چونكه وضوء او باقي بود لهذا كدام نماز را كه به آن وضوء اداء نموده جائز شد اعاده آن ضرور نيست والله اعلم. =

سوال: (٨٢) **در قضائی سنت ظهر از چه جهت فرق است؟** این چه سبب است که قضائي سنت ظهر بعد از فرض ظهر متصل خوانده میشود وقضائي سنت صبح بعد از فرض صبح متصل خوانده نمیشود وبعد از طلوع افتاب خواندن آن جائز است واگر این دو رکعت بالکل ترک شود نیز کدام عذاب ومؤاخذه نیست؟

جواب: فرق آن از این جهت است که وقت ظهر باقي است ووقت نماز صبح بعد ازطلوع آفتاب باقي[٥]نمیماند. [١] فقط

سوال: (٨٣) **در وقت زوال وچاشت حکم نفل وتلاوت چیست؟** در عین وقت زوال وچاشت نفل وتلاوت قرآن شریف چیست؟

جواب: در وقت زوال واستواء تلاوت قران شریف جائز است ونوافل به نزد امام ابو حنیفة جائز نیست وامام ابو یوسف صاحب در این وقت نوافل را جائز میگوید، در الدر المختار ذکر گردیده: وکره صلاة مطلقا تحریما ولو قضاء او واجبة أو نفلا الخ مع شروق الخ واستواء إلا یوم الجمعة على قول الثاني المصحح المعتمد الخ وفي الشامي لكن شراح الهداية انتصروا لقول الامام [٢] واحتیاط در قول امام اعظم میباشد وقول وسیع وفراخ قول امام ابو یوسف است. فقط

سوال: (٨٤) **بعد از طلوع آفتاب متصل نماز جائز نیست:** به متصل طلوع آفتاب نماز خواندن جائز است ویا نه آیا وقت اشراق آن است که آفتاب یک نیزه بالا شود؟

جواب: متصل طلوع آفتاب خواندن نماز جائز نیست مناسب است در کن وقت نماز خوانده شود که آفتاب به مقدار یک نیزه ویا دو نیزه بلند شود. [٣]

سوال: (٨٥) **بعد از نیم شب خواندن نماز مکروه تحریمی است یا نه؟** خواندن نماز خفتن بعد از نیم شب مکروه تحریمي است ویا نه واگر بعد از نیم شب خوانده شود واجب الاداء است ویا نه یعتي نماز او اداء میشود یا نه مولانا عبد الحي صاحب در مجموعه فتاوی ص٣٣ جلد اول

---

(٥) چرا که در این وقت بدون سنت صبح براي هیچ قسم نفل اجازه نیست: وکذا الحکم من کراهة نفل الخ بعد طلوع فجر سوٰی سنته (الدرالمختار على هامش رد المحتار کتاب الصلوٰة ج١ ص٣٤٩، ط.س. ج١ ص٣٧٥). ظفیر

(١) وقت صلاة الفجر الخ من اول طلوع الفجر الثاني الخ الى قبيل طلوع ذكاء ووقت الظهر من زواله الخ الى بلوغ الظل مثليه (الدر المختار على هامش ردالمحتار کتاب الصلاة ج١ ص٣٣١، ط.س. ج١ ص٣٥٩). ظفیر

(٢) رد المحتار کتاب الصلوٰة جلد اول ص ٣٤٣، ط.س. ج١ ص٣٧٠. ظفیر

(٣) مکروه تحریما الخ مع شروق الخ واستواء (درمختار) قوله مع شروق الخ ما لم ترتفع الشمس قدر رمح (رد المحتار کتاب الصلاة ج١ ص٣٤٤، ط.س. ج١ ص٣٧٠ – ٣٧١). ظفیر

فرموده است که مکروه تحریمي است وخواندن نماز خفتن بعد از نیم شب واجب الاداء است واگر آن را اعاده نکند گناهکار خواهد بود ومولانا أشوف علي صاحب در زیور بهشتي نوشته کرده است که وقت نماز خفتن تا صبح صادق باقي میباشد وبعد از نیم شب مکروه است وثواب آن کم میشود پس در این دو تحریر کدام تحریر صحیح است؟

اگر نماز خفتن بعد از نیم شب خوانده شود اعاده آن لازم است یا نه واگر اعاده آن واجب نباشد پس مطلب فتوی مولوي عبد الحي صاحب چیست؟

جواب: بعد ازنیم شب خواندن نماز خفتن مکروه است بعض علماء آن را مکروه تحریمي وبعض علماء آن را مکروه تنزیهي میگویند: فإن أخرها إلى ما زاد إلى النصف کره لتقليل الجماعة، الدر المختار، قوله: کره أي تحريما كما يأتي تقييده في المتن أو تنزيها وهو الاظهر كما نذكره عن الحلية شامي، [1] ثم قال تحت قول الماتن تحريما كذا في بحر عن القنية لكن في الحلية أن كلام الطحطاوي يشير إلى أن الكراهة تأخير العشاء تنزيهية وهو الاظهر، [2] شامي. پس کدام علماء که آن مکروه تحریمي میگویند به نزد انها واجب الاداء است وکسانیکه ان را مکروه تنزیهي میگویند به نزد انها واجب الاداء نیست چرا که میلان مکروه تنزیهي به طرف خلاف اولی است از فول علامه شامي وروایت حلیه معلوم شد که کراهیة تنزیهي آن ظاهر است وسبب آن کراهیة این است که در آن تقلیل جماعت خفتن به میان میاید یعني کسي که نماز خفتن را در نیم شب بخواند از این جهت مکروه است که در جماعت خفتن تعداد نماز گذاران کم میشود وإین از این تنها خواندن ترک جماعت است وهم یک تفریق اندازي نه اینکه در این وقت کدام خرابي است، پس معلوم شد که مولانا عبد الحي صاحب آن را به این سبب واجب الاداء میگوید که مکروه تحریمي است ودر اعاده آن احتیاط است اشرف علي صاحب که آن را مکروه تنزیهي میگوید آنها قول دوم را اختیار کرده که واضح وظاهر است وهمین قول به حق هم نزدیک است که گویا مکروه تنزیهي است واعاده آن ضرور نیست.

سوال: (٨٦) **<u>وقت ابتدائی ظهر کدام است آیا در ساعت یازده نماز ظهر جائز است یا نه؟</u>** وقت اول ظهر کدام است اگر کسي به أثر شدت ضرورت نماز ظهر را در یازده بجه بخواند

(١) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص ٣٤١، ط.س. ج١ ص٣٦٨. ظفير

(٢) رد المحتار کتاب الصلوة جلد اول ص٣٤٢ ، ط.س. ج١ ص٣٦٨. ظفير

نمازش صحیح خواهد بود یا نه؟

جواب: وقت اول ظهر یعني ابتداء وقت ظهر بعد از زوال آفتاب است که در این زمان مطابق وقت ریلوي تقریبا دوازده ونیم بجه زوال میشود وخواندن نماز ظهر یازده بجه به هیچ صورت نماز ظهر اداء اشده نمیتواند [۱]، بعد از گذشتن وقت نماز بطریقه قضائي نماز جواز دارد مگر پیش از وقت خواندن نماز به هیچ صورت جواز ندارد. [۲]

سوال: (۸۷) **تحقیق خواندن دو نماز دریک وقت:** زید خرد را اهل حدیث میگوید وبکر حنفي است هر دوي شان باتفاق سفر میکنند زید در وقت ظهر هم نماز ظهر را خواند وهم نماز دیگر بکر بالاي زید اعتراض کرد که وقت نماز دیگر داخل نشده وشما نماز دیگر را اداء کردید زید در جواب گفت که جمع کردن نماز ظهر ونماز دیگر در اکثر احادیث آمده وحضور سرور عالم ﷺ در سفر وخانه نماز ظهر ونماز دیگر را در وقت ظهر اداء میکرد به لحاظ اینکه به امت من آسانی باشد وبراي دلیل حدیث مسلم را پیش میکند که براي ملاحظه ارسال خدمت است ومیگوید اگر به یک حدیث قناعت وتسلي شما حاصل نمیشود احادیث دیگري را هم پیش کرده میتوانم ویا اینکه شما دربارۂ عدم جواز آن از کتابهاي معتبر کدام حدیث را به من پیش کنید که گویا رسول الله ﷺ جمع بین صلاتین را نکرده وآنرا منع کرده زید میگوید: که در جمع کردن دو نماز در یک وقت قول حضور ﷺ موجود است وقول امام صاحب این است که دو نماز را در یک وقت جمع نکنید وقتیکه حدیث موجود باشد چرا به قول امام صاحب عملا کرده شود حال آنکه إمام صاحب میگوید که درصورت دریافت حدیث که قول من ازآن مخالف باشد قول مرا ترک کنید در این وقت براي بکر که حنفي مذهب است چه عمل مناسب است اگر در باره عدم جواز آن احادیث باشد آن را به حوالۂ کتابهاي معتبر مفصل تحریر فرمائید حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله ﷺ در مدینه منوره نماز ظهر؟ نماز دیگر را در یک وقت اداء کرد در حالیکه وقت خوف وسفر هم نبود ابو الزبیر گفته که من از سعید رضی الله عنه سوال کردم که رسول الله ﷺ به چه سبب دو نماز را در یک وقت اداء کرد سعید گفته

---

(۱) ووقت الظهر من زواله ای میل ذکاء عن کبد السمآءالی بلوغ الظل مثلیه (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار کتاب الصلٰوة جلد اول ص۳۳۲، ط.س. ج۱ ص۳۵۹). ظفیر

(۲) وشرط فی ادائها الخ دخول الوقت واعتقاد دخوله (در المختار) لوقت ای وقت المکتوبة واعتقاد دخوله او ما یقوم مقام الاعتقاد من غلبة الظن فلو شرع شاکا فیه لا تجزیه (رد المحتار باب شروط الصلٰوة ج۱ ص۴۲۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۱). ظفیر

که من از ابن عباس سوال کردم مثلیکه شما ازمن سوال کردید ابن عباس برایم گفت که حضرت پیغمبر ﷺ در این عمل خود اراده کرده بود که در امت من برای کسی حرج پیش نشود، رواه مسلم.

جواب: نحمده ونصلي على رسوله الكريم، جمع کردن دو نماز باین شکل که نماز دیگر را در وقت ظهر اداء کند ویا نماز ظهر را در وقت عصر اداء کند این عمل نه در سفر جائز است ونه درخانه از رسول ﷺ در سفر وحضر خواندن دو نماز در یک وقت باین شکل ثابت نشده حضرت عبدالله بن مسعود رضي الله عنه که همیشه درخدمت آن حضرت ﷺ حاضر میبودکه مسواک، تکیه وغیره آن حضرت ﷺ بدست او بود وآب وضوء آن حضرت ﷺ را هم در اکثر اوقات تیار میکرد از همین جهت لقب صاحب السواک والوسادة والطهارة بر او مانده شده بود او فرموده است: قال ما رایت رسول الله ﷺ جمع بين الصلاتين إلا بجمع، رواه البخاري ومسلم، ترجمه من ندیده ام که آن حضرت ﷺ دو نماز را در یک وقت خوانده باشد مگر در مزدلفه که نماز شام وخفتن را در یک وقت خوانده است رواه البخاري ومسلم [1] ودر روایت نسائي ذکر شده عن عبد الله قال: كان رسول الله ﷺ يصلي الصلاة لوقتها إلا بجمع وعرفات، ترجمه: از حضرت عبد الله ابن مسعود روایت شده که رسول ﷺ همیشه نماز را در وقت خود میخواند مگر در مزدلفه وعرفات واز خود ابن عباس رضي الله عنه که روایت او برای جوار بین الصلاتین پیش کرده شده روایت کرده من جمع بين الصلاتين من غير عذر فقد أتیٰ بابا من الكبائر رواه الترمذي [2] ترجمه: کسی که جمع کرد دو نماز را بدون عذر گناه کلان کرده رواه الترمذي، البته در اسناد این حدیث ضعیف است که ترمذي آن را بیان کرده واین سخن را هم پیوسته با او نوشته کرده که عمل جمهور امت با وجود ضعف این حدیث به همین حدیث عمل میکنند یعني جمع بین الصلاتین را بدون عذر جائز نمیدانند که از این سبب به ضعف این حدیث جبیره مانده شد یعني در جبیرهٔ پوشیده شده علاوه ازین خاتم الحفاظ حافظ ابن حجر عسقلاني شافعي در تلخیص تخریج زیلعي ص١٣١ میفرماید: واخرجه البيهقي عن عمر مرفوعاً، ترجمه واین روایت را بیهقي از حضرت عمر به قسم مرفوع روایت کرده وبعد از همین قدر گفتار مختصر سکوت کرده در

---

(١) نصب الراية للزيلعي ج٢ ص١٩٤. ظفير

(٢) نصب الراية للزيلعي ج٢ ص١٩٣. ظفير

اسناد وغیره این حدیث هیچ بحث نکرده پس معلوم شد که اگر در اسناد این حدیث شریف کدام نقص مي بود ضرور آن را بیان میکرد بعد ازنقل اسناد ترمذي ان را ضعیف گفته است وبه همین قسم از ابن عباس بنا بر اسناد صحیحه روایت شده عن طاؤوس عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: لا یفوت صلاة حتی یجيء وقت الاخری رواه الطحاوي واسناده صحیح [۱] ترجمه طاووس از ابن عباس رضي الله عنهما روایت کرده که فرموده است که هیچ کدام نماز فوت نمیشود تا وقتیکه وقت نماز دیگري نیاید رواه الطحاوی. این حد یث را طحاوي روایت کرده پس معلوم شد که هر گاه وقت نماز دیگري داخل شود نماز ترک شده وقت قبل از فوت شده یاد میشود اگر جمع بین صلاتین جائز باشد دراین صورت براي نماز فوت شده هیچ معنی نیست، معناي اعاده نماز فوت شده همین است که نماز در وقت خود خوانده نشود ووقت آن تمام شود در این صورت نماز ترک شده بنام نماز فوت شده یاد میگردد نه اینکه آن را بکدام نماز غیره ضم کند وبنام جمع بین صلانین آن را یاد کند کسانیکه جمع بین صلاتین را عملي میکنند معلوم نیست که نماز فوت شده به نزد آنها کدام نماز خواهد بود از حضرت أبو هریرة رضي الله عنه روایت شده عن عبد الله بن موهب قال: سئل أبو هریرة رضي الله عنه ما التفریط في الصلاة قال أن تؤخر حتی یجيء وقت الاخری رواه الطحاوي [۲]، ترجمه: از حضرت عبد الله بن موهب روایت است که از حضرت أبو هریره رضي الله عنه سوال کرده شد که تفریط در نماز چیست او فرمود که در نماز تأخیر شود تا آنکه وقت نماز دیگر داخل شود طحاوي ص۹۸، از این دلائل وآحادیث معلوم شد که تأخیر کردن نماز از وقت خودش تفریط وتقصیر است.

واز أبو قتاده مرفوعا روایت است ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: أما أنه لیس في النوم تفریط إنما التفریط علی من لم یصلي حتی یجيء وقت الاخری رواه مسلم وغیره [۳] ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است اگر به سبب خواب کدام نماز اتفاقا بماند درآن تقصیر نیست البته تفریط وقصور بر آنکس است که بیدار باشد وتا آن وقت نماز نخواند که وقت نماز دیگري بر آن داخل شود مسلم وغیره این حدیث را روایت کرده است، وامام طحاوي فرموده است که حضور صلی الله علیه وسلم این سخن را

(۱) شرح معانی الاثار باب الجمع بین الصلوتین ج۱ ص۹۸. ظفیر
(۲) شرح معانی الاثار باب الجمع بین الصلوتین ج۱ ص۹۸. ظفیر
(۳) نصب الرایة للزیلعی جلد دوهم ص ۱۹۴. ظفیر

درآن وقت فرموده بود که در سفر بود ومخاطبين اين حکم هم مسافرين بودند از اين حديث شريف واضح شد که در اين حکم صرف حضر داخل نيست بلکه در سفر نيز همين حکم است از اين جهت در سفر نيز تأخير کردن يک نماز از وقت خود وخواندن آن در وقت نماز ديگري تفريط وتقصير است آيا براي آن مردم شرم نيست که به رسول الله ﷺ نسبت ميکدند که گويا آن حضرت ﷺ يک نماز را از وقت خود کشيده ودر وقت نماز ديگري آن را اداء کرده است ومرتکب تفريط وتقصير شده است: تعالى شان النبوة عنه، علاوه از اين بسيار شهادات قرآن کريم واحاديث بر اين حقيقت موجود است که شارع عليه السلام براي هر نماز وقت جدا را مقرر کرده است که تأخير کردن هر نماز از آن وقت مقرره هرگز جائز نيست قال الله تبارک وتعالى: إن الصلاة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا [1] ترجمه: محافظت کنيد بر تمام نمازها وبر نماز ميانه در تفسير اين آيه مفسرين بسيار چيزها را بيان کرده اند که درآن جمله اين معنى را نيز روشن ساخته اند که نماز را در وقت خود اداء کنيد، واز حضرت ابن عمر رضي الله عنهما روايت شده: أن رسول الله قال: الوقت الأول من الصلاة رضوان الله والاخر عفو الله رواه الترمذي [2] ترجمه: بيشک رسول الله ﷺ فرموده است که وقت أول نماز رضاء الله تعالى است، ووقت آخر نماز معافي الله تعالى است اين حديث را ترمذي روايت کرده يعني کسي که در وقت اول مستحب نماز ميخواند الله تعالى براي او معافي ميکند واو را مأخوذ نميکند از اين حديث واضح معلوم ميشود که اگر نماز را بالکل از وقت خود بکشد باز براي او در قانون شرعي معافي نيست الله تعالى او را مأخوذ ميکند اين يک مسئله جدا است که الله به رحمت خود مثل گناهان ديگري اين گناه را نيز معاف کند مگر به استناد حديث شرعا مرتکب جرم شده، از اين چند آيات قرآن عظيم الشان واحاديث نبوي به حمد الله تعالى به نهايت وضاحت ثابت شد که جمع کردن دو نماز به اين معنى که يکي را در وقت ديگري بخواند نه در حضر جائز است ونه در سفو در اين وقت به همين چند ايات واحاديث اکتفاء ميکنيم چرا که براي اهل انصاف اين هم ازکفايت بالا تر است واگر بعد از اين هم به اسناد ودلائل ضرورت پيدا شود شايد گذارشات ديگري ارائه خواهد شد آيا کدام حضرت است که بعد از اين روايات صحاح وحسان به اين گفتار تيار وآماده

---

(١) سورة النساء رکوع ١٥. ظفير

(٢) مشکوة باب تعجيل الصلوة ص ٦١. ظفير

شود که گویا بر عدم جواز جمع بین الصلاتین هیچ دلیل نیست بلکه این صرف قول امام صاحب است وآن حدیث شریف مسلم را که ابن عباس رضی اللہ عنہما آن را روایت مذکور متروک العمل مثلیکه امام ترمذي در علل صغری خود ص۲۵۷ فرموده است که این روایت حضرت ابن عباس را در امت هیچ کس نگرفته که علت آن هم درکتاب ترمذي بیان شده وآن روایات که از خود حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہما به خلاف جمع الصلاتین ذکر شده شاهد آن است که خود ابن عباس رضی اللہ عنہما نیز جمع بین الصلاتین را به معناي مذکوره جائز نمیگوید، واین عمل چه قسم جایز دیده خواهد شد در حالیکه پاک حضرت صلی اللہ علیہ وسلم آن را تفریط وتقصیر گفته است از این بیان معلوم شد که در حدیث مذکوره ابن عباس از جمع کردن دو نماز این مطلب نیست که گویا یک نماز در وقت نماز دیگري اداء شود بلکه مطلب این است که به غرض سهولت یک نماز را در وقت آخرش ونماز دوم را در وقت أولش اداء کند براي اینکه صورة در بین جمع کردن دو نماز سهولت پیدا شود وبکشیدن نماز از وقت خود به حکم حدیث شریف مرتکب تفریط وتقصیر هم نشود وبه مراعت این شکل در بین هر دو قسم احادیث تعارض نیز مدفوع ومرفوع خواهد شد واین سخن اجتهاد وقیاس خود ساخته ما نیست بلکه در مسلم نیز در بعض طرق روایت خود ابن عباس تصریح آن موجود است که از روایت مذکوره چند سطر بعدتر است، وهي هذه عن جابر بن زید عن ابن عباس رضی اللہ عنہما قال صلیت مع النبي صلی اللہ علیہ وسلم ثمانیا جمیعا وسبعا جمیعا، قلت: یا ابا الشعثاء اظنه اخر الظهر وعجل العصر اخر المغرب وعجل العشاء قال وانا أظن ذلک رواه مسلم [۱]، ترجمه: از حضرت جابر بن زید روایت است وأو از حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہما روایت کرده او میگوید که من نماز خواندم همراه رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم هشت رکعت در یک جا وهفت رکعت را در یک جا یعني نماز شام وخفتن را من عرض کردم که اي ابو الشعثاء (اسم کنیه حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہما است) من گمان میکنم که شما این نمازها را دریک وقت جمع نکرده اید بلکه نماز ظهر را مؤخر ونماز دیگر را مقدم کرده اید وبه همین قسم نماز شام را مؤخر ونماز خفتن را مقدم کرده اید حضرت ابن عباس رضی اللہ عنہما گفت که من هم به همین گمان هستم این روایت واضح بیان کرد که در روایت ابن عباس رضی اللہ عنہما بدون جمع بین الصلاتین دیگر هیچ مراد نیست که یک نماز رادرآخروقت خودش ونماز دیگر را دراول وقت خودش به این قسم اداء کرده شدکه صورة

---

(۱) مسلم شریف باب الجمع بین الصلوتین فی السفر جلد اول ص۲٤٦. ظفیر

جمع شده است.

از همين جهت حافظ الدنيا حافظ ابن حجر عسقلاني با وجود اينكه يک شخص شافعي مذهب است وجمع بين الصلاتين را جائز ميگفت مگر در اين روايت قبول كرد كه مراد از جمع بين الصلاتين به آن شكل صحيح است كه احناف آن را توجيه وتوضيح كرده اند كه عبارت از جمع صوري است به همين قسم در كدام روايات ديگري كه جمع بين الصلاتين ثابت شده مراد ازآن جمع صوري است براي اينكه در ميان احاديث ثبوت عدم جواز جمع بين الصلاتين واحاديث ثبوت جمع بين الصلاتين كدام تعارض ومخالفت پيش نشود وهر دو اقسام احاديث مذكوره عملي شود وترک عمل ومخالفت هيچ كدام كرده نشود از همين جهت قاضي شوكانى كه از جمله اهل ظواهر است به ظاهر حديث عمل ميكند ومقلد هيچ كدام امام نيست ومردم غير مقلد ازكتابهاي او تقليد ميكنند ومغز تقرير وتحرير آنها از كتابهاي قاضي شوكاني است قبلا در نيل الاوطار جمع بين الصلاتين را جائز ميگفت مگر وقتيكه نوبت غور وتتبع روايات به پيش آمد از آن قول وعمل خود بازگشت ورجوع نمودند وبعدا يک رساله را بنام تشنيف السمع في ابطال ادلة الجمع تصنيف كردند كه در آن تصنيف ادلۀ جمع بين الصلاتين را باطل كرده اند وحقيقت عدم جواز بين الصلاتين را ثابت كرده اند اميد است كه به نظر انصاف وتأمل آن را ملاحظه فرمايند واز فكر وتصور سابقه خود رجوع نمايند در اين وقت به همين قدر گذارش اكتفا ميكنيم واگر به اين گذارش وادله قناعت وتسلي حاصل نشود ان شاء الله بعد از اين راجع به اين موضوع خدمت زياد وادلۀ فراوان تقديم خواهد شد به شرط اينكه.مقصود آن تحقيق حق باشد نه كدام معارضه ومجادله، والله يهدي من يشاء إلى سواء السبيل. فقط

سوال: (۸۸) **آيا خواندن نماز ظهر وديگر در يک وقت جائز است:** آيا خواندن نماز ظهر وعصر در يک وقت جائز است ويا نه؟ اگر بخواهد كه تمام وقت نماز عصر براي كاروبار دنيائي فرصت زياد برايش پيدا شود، پس دركدام وقت جمع كردن نماز ظهر ونماز عصر جائز است؟

جواب: اداء كردن نماز ظهر ونماز عصر تنها در وقت ظهر جائز نيست واگر اين عمل را انجام داد صرف نماز ظهر او اداء گرديده ونماز عصر او فوت شده واعاده آن به ذمه او باقي است به نزد احناف صرف در عرفات أيام حج براي حج كننده جمع كردن نماز ظهر ونماز عصر در وقت

ظهر جائز أست در غير آن در هيچ جا ودر هيچ وقت خواندن نماز ظهر ونماز عصر در وقت ظهر جائز نيست وهمين قسم نماز شام وخفتن بدون مزدلفه در هيچ جا وهيچ وقت جمع شده نميتواند [۱]، وشرط جمع كردن اين دو نماز آن است كه شخص مشغول اداء احكام حج باشد واگر كسي مشغول اداء فريضه حج نباشد براي او جائز نيست.

الباب الثاني في الاذان

سوال: (۸۹) **بر فرش مسجد اذان دادن جائز است يا نه؟** اگر به فرش مسجد استاد شود وأذان گويد حكم آن چيست؟

جواب: أذانهاي پنجگانه به فرش مسجد جائز است مگر بهتر آن است كه در بيرون مسجد به كدام جاي بلند استاد شود واذان گويد. [۲]

سوال: (۹۰) **حكم آن مؤذن چيست كه در نظافت وألفاظ أذان احتياط نميكند؟** كدام مؤذن كه نظافت بدن ولباس خود را مراعت نميكند وألفاظ اذان او بكلي غلط باشد مقرر كردن اين قسم مؤذن جائز است يا نه؟

جواب: مقرر كردن اين مؤذن جائز نيست وأذان او دوباره اعاده شود. [۳]

سوال: (۹۱) **اگر اذان را در يک مسجد ونماز در مسجد ديگر بخواند حكم آن چيست؟** اگر مؤذن مؤظف در يک مسجد اذان بگويد وبه خانه، خود برود ونماز را در مسجد ديگري بخواند اين عمل جائز است يا نه؟

جواب: اين عمل خوب نيست. [۴]

سوال: (۹۲) **اگر دريک مسجد اذان بگويد ودرمسجد ديگري امامت كند اين عمل جائز است يا نه؟** بكر در يک مسجد امام ودر مسجد ديگري مؤذن است وقتيكه در يک مسجد

---

(۱) ولا جمع بين فرضين في وقت بعذر سفر ومطر خلافا للشافعي وما رواه محمول على الجمع فعلا، لا وقتا فان جمع فسد ولو قدم الفرض على وقته حرم لوعكس اي اخره عنه وان صح بطريق القضاء الا لحاج بعرفة ومزدلفة (الدر المختار على هامش رد المحتار كتاب الصلوة جلد اول ص۳۵٤، ط.س. ج۱ ص۳۸۱ – ۳۸۲). ظفير

(۲) وينبغي ان يؤذن على المئذنة او خارج المسجد ولايؤذن في المسجد كذا في فتاوى قاضي خان والسنة ان يؤذن في موضع عال يكون اسمع لجيرانه يرفع صوته (عالمگيري كشورى الباب الثاني في الاذان جلد اول ص٥٤، ط. ماجدية ج۱ ص٥٥). ظفير

(۳) ويستحب ان يكون المؤذن عالما بالسنة تقيا فيكره اذان الجاهل والفاسق الخ (غنية المستملي ص۳٥۹). ظفير

(٤) والافضل ان يكون المؤذن هوالمقيم (عالمگيري كشورى الباب الثاني في الاذان جلد اول ص٥۲، ط. ماجدية ج۱ ص =

= ٥٤) اي لحديث من اذن فهو يقيم (ردالمحتار جلد اول ص۳٦۷). ظفير

اذان بگوید میرود در مسجد دیگري نماز میدهد آیا این عمل جائز است ودر اذان او کدام حرج نیست؟

جواب: در اذان هیچ نقص نیست وامامت او هم در مسجد دیگري جائز است [1]. فقط

سوال: (۹۳) **در وقت دفن مرده وقحط ومرض وباء أذان ثابت است یا نه**؟ در زمان عروض قحط ومرض وباء ودفن مرده وبعض حوادث غیره اذان گفتن چه قسم است؟

جواب: در عروض این حوادث از شارع علیه السلام واز افعال وأقوال سلف صالحین ثابت نشده لهذا این عمل بدعت است [2].

سوال: (۹٤) اذان پسر نابالغ جائز است یانه؟ اذان پسر نابالغ جائز است ویانه؟

جواب: اگر بچه مراهق یعني به بلوغ نزدیک باشد پس أذان او بدون کراهیت جائز است [3]. فقط

سوال: (۹۵) **در مابین مسجد أذان جائز است یا نه**؟ أذان پنج وقته وأذان جمعه در مابین مسجد جائز است یا نه؟

جواب: هیچ کدام اذان در مسجد مکروه نیست خصوصاً أذان خطبه در مسجد پیش روي خطیب مسنون است [4]. فقط

سوال: (۹٦) **حکم أذان پسر هشت ساله چه قسم است**؟ أذان گفتن پسر چند ساله جائز است یک پسر هشت ساله نماز هم میخواند ومراعت نظافت یعني پاکي ونا پاکي را نیز میکند أذان این قسم پس نابالغ جائز است یا نه؟

جواب: اگر بچه مراهق وقریب البلوغ باشد در این صورت أذان او بدون کراهیة باتفاق صحیح است وغیر مراهق که عاقل باشد بازهم در ظاهر الروایت در اذان اوکراهیت نیست ودر بعض روایات مکروه است در الدر المختار ذکر شده: ویجوز بلا کراهیة اذان صبي مراهق وفي الشامي

---

(۱) وان اذن رجل واقام آخر إن غاب الاول جاز من غیر کراهة وان کان حاضرا یلحقه الوحشة باقامة غیره یکره وان رضی به لایکره عندنا کذا في المحیط (عالمگیري کشوری الباب الثاني في الاذان الفصل الاول جلد اول ص۵۲، ط. ماجدیة ج۱ ص۵٤. ظفیر

(۲) في الاختصار علی ماذکر من الوارد اشارة الی انه لایسن الاذان عند إدخال الیت في قبره کما هو المعتاد الآن وقد صرح ابن حجر في فتاویه بانه بدعة ومن ظن انه سنة قیاسا علی ندبهما للمولود الحاقا لخاتمة الامر بابتدائه فلم یصب آهـ (ردالمحتار باب صلاة الجنائز ص۸۳۷ ج۱، ط.س. ج۲ ص۲۳۵). ظفیر

(۳) ویجوز بلا کراهة اذان صبي مراهق (الدرالمختار علی هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۹۱). ظفیر

(٤) ویوذن ثانیا بین یدیه اي الخطیب. ظفیر

قوله: صبي مراهق، المراد به العاقل وإن لم يراهق كما هو ظاهر البحر وغيره وقيل يكره لكنه خلاف ظاهر الرواية الخ شامي.[۱]

سوال: (۹۷) **اگر به جماعت حاضر نشود ودرخانه اذان کند چه حکم است**؟ اگر به اثر عذر شرعي به جماعت حاضر شده نتواند يا درأذان وجماعت مسجد تأخير باشد واو به اثر مرض يا کدام عذر ديگر عجله باشد پس در اين صورت أذان او در خانه جائز خواهد بود يا نه؟ اگر تا آذان وجماعت مسجد معطل نميکند وخود او هم اذان نميکند ونماز ميخواند پس از ثواب محروم ميشود پس در اين موقع چه کند اذان بگويد يا نه يا تا اذان مسجد معطل کند اگر به أثر عذر جماعت از نزدش فوت شد واو در مصر است پس اذان هم ساقط ميشود شامي ج۱ ص۲۸۳: لكن لا يكره لمصلي تركه في بيته في المصر لأن أذان الحي يكفيه.[۲]

سوال: (۹۸) **براى شخص جنب جواب دادن اذان جائز است يا نه**؟ در حالت جنابت جواب دادن اذان جائز است يا نه؟

جواب: في الدر المختار من سمع الاذان ولو جنبا الخ يعني کسي که اذان بشنود آن را جواب دهد اگر چه جنب هم باشد: وعلله في الشامي إجابة الاذان ليست بأذان بحر عن الخلاصة.[۳] فقط

سوال: (۹۹) **اگر مغموم اذان شخص ديگرى را بشنود چه حکم است**؟ يک واعظ صاحب ميگفت اگر غم وخفگان براي کسي رسيده باشد کسي را بگويد که درگوش او اذان کيد واو بشنود؟

جواب: در اين عمل هيچ حرج نيست در شامي نقل کرده که در گوش مغموم ومهموم اذان کردن مستحب است.[٤]

سوال: (۱۰۰) **اقامت کننده در کدام جا استاد شود** ؟ براي اقامت گفتن نماز فرض اقامت

---

(۱) ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۹۱. ظفير

(۲) بخلاف مصل ولو بجماعة في بيته بمصر او قرية لها مسجد فلا يكره تركهما إذ اذان الحي يكفيه (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الأذان جلد اول ص۳٦٦، ط.س. ج۱ ص۳۹۵). ظفير

(۳) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳٦۷ – ۳٦۸، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفير

(٤) وفي حاشية البحر لغير الرملي رأيت في كتب الشافعية انه قد يسن الاذان لغير الصلوة كما في اذان المولود والمهموم والمصروع الخ (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳٦۷ – ۳٦۸، ط.س. ج۱ ص۳۹٦). ظفير

گوینده درکدام جا استاد شود آیا در برابر امام استاد شود یا بطرف راست ویا چپ آن؟

جواب: شرعاً کدام حد تعین نشده یعني براي اقامت هیچ کدام جاي در برابر امام یا طرف راست وچپ آن معین نشده بنا بر ضرورت وحسب موقع که به هر جا وهر طرف استاد شود وتکبیر بگوید جائز است فقهاء روي همین دلیل براي اقامت گوینده هیچ طرف را تعین نکرده اند درهیچ کدام کتاب فقه راست یا چپ یا در بین ومحاذ براي اقامت گوینده تعین نشده وکدام سخن که در بین عوام مشهور است که گویا اذان بطرف چپ مسجد واقامت بطرف راست محراب گفته شود این سخن بي بنیاد است. فقط

سوال: (۱۰۱) **إجابت أذان قولا واجب است یا فعلا؟** إجابت أذان قولا وفعلا واجب است یا أول واجب است ودوم مستحب یا بعکس آن؟

جواب: إجابت اذان قولا مستحب است وبراي رفتن مسجد واجب است قال في الشامي أي قال الحلواني ان الإجابة باللسان مندوبة والواجبة بالقدم الخ [۱] والتحقيق في الشامي وقد ذكر اشكالا في وجوبها ثم اجاب عنه فلينظر ثمه. [۲]

سوال: (۱۰۲) **در وقت ضرورت یک شخص در دو مسجد اذان داده میتواند؟** براي یک نفر در یک وقت در دو مسجد اذان دادن جائز است یا نه اگر جائز باشد نماز را در کدام مسجد بخواند؟

جواب: اگر ضروت باشد جائز است [۳]، هر جا که بخواهد نماز را بخواند مگر بدون ضروت اذان یک نفر در دو مسجد را فقهاء مکروه گفته اند: ویکره أن یؤذن في مسجدین لانه یکون داعیا إلى ما لا یفعل غنیة المستملي ج۱ ص۳٦۱.

---

(۱) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷ – ۳٦۸، ط.س. ج۱ ص۳۹٦). ظفير

(۲) قال في النهر وقوله بوجوب الإجابة بالقدم مشكل لانه يلزم عليه وجوب الاداء في اول الوقت وفي المسجد اذ لا معنى لإيجاب الذهاب دون الصلاة وما في شهادات المجتبي سمع الاذان وإنتظر الاقامة في بيته لاتقبل شهادته مخرج على قوله كما لايخفي وقد سئلت شيخنا الاخ، عن هذا فلم يبد جوابا أقول وبالله التوفيق ماقاله الامام الحلواني مبني على ما كان في زمن السلف من صلاة الجماعة مرة واحدة وعدم تكرارها كما هو في زمنه صلى الله عليه وسلم وزمن الخلفاء بعده وقد علمت ان تكرارها مكروه في ظاهر الرواية الافي رواية عن الامام ورواية عن ابي يوسف كما قدمناه قريبا وسياتي ان الراجح عند اهل المذهب وجوب الجماعة وانه يأثم بتفويتها اتفاقا وحينئذ يجب السعي بالقدم لا لأجل الاداء في اول الوقت او في السجد بل لاجل إقامة الجماعة والا لزم فوتها اصلا، او تكرارها في مسجد إن وجد جماعة اخرى وكل منهما مكروه فكذا بوجوب الاجابة بالقدم، لايقال يمكنه ان يجمع باهله في بيته فلا يلزم شيئ من المحذورين، لانانقول ان مذهب الامام الحلواني انه بذلك لاينال ثواب الجماعة وإنه يكون بدعة ومكروها بلاعذر، وسياتي في الامامة ان الاصح انه لو جمع باهله لايكره وتنال ثواب فضيلة الجماعة لكن جماعة المسجد افضل (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۸، ط.س. ج۱ ص۳۹٦). ظفير

=

سوال: (۱۰۳) أذان کردن بطرف چپ وإقامت گفتن بطرف راست هیچ حقیقت ندارد:
أذان کردن بطرف چپ مسجد وإقامت گفتن بطرف راست مسجد ودست راست امام مشهور است واکثر أهل علم به این عمل دیده میشود بلکه این قید را ضرور وشرعي میگویند ومخالفین این عمل را ملامت وگناهکار میگویند ودر دعاء روي گشتاندن امام ونشستن او را بطرف چپ نهایت بد میگویند در این صورت شرعا چه حکم است؟

جواب: براي اذان در طرف چپ واقامت بطرف راست هیچ دلیل شرعي ئیست ودر کتب احادیث وکتابهاي فقه این حکم موجود نیست این سخن غلط مشهور است کسي که این قسم عمل میکنند ویا میگویند براي آنها دلیل ضرور است بدون دلیل زیادت این قسم قید از طرف خود در شریعت جائز نیست وروي گشتاندن امام بعد از فراغ نماز در وقت دعاء طرف راست وبطرف چپ هر دو صورت در حدیث شریف ذکر شده وبراي هر دو طرف در شریعت اجازه میباشد وحضرت عبد الله ابن مسعود رضي الله عنه فرموده است که هیچ کدام شما در نماز خود براي شیطان حصه ندهد که روي گشتاندن امام را بطرف راست ضرور بداند من بسیار دیده ام که رسول ﷺ روي خود را بطرف چپ میگشتاند [1] انتهی واین سخن هم در حدیث آمده که در اکثر اوقات رسول الله ﷺ بطرف راست میگشت [2]، لهذا مناسب است که دراکثر اوقات روي خود را بطرف راست ودر بعض اوقات بطرف چپ هم بگردانند. [3]

سوال: (۱۰٤) در أذان از جهت باران صلوا فی رحالکم گفتن: در وقت زیادت باران که مؤذن در عوض حي علی الصلاة وحي علی الفلاح صلوا في رحالکم بگوید جائز است ویا نه درآن وقت که مردم به مسجد رفته نتوانند؟

---

(۳) یکره له ان یوذن في مسجدین (درمختار) لانه اذا صلی في المسجد الاول یکون متنفلا بالاذان في المسجد الثاني الخ (ردالمحتار باب الاذان ص۳۷۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۰) از این معلوم شد که مکروه است مگر در صورت مسؤله چون ضرورت است بعد از آن هیچ ضرور نیست که او در کدام مسجد به نیت نفل بطور لازمي در جماعت شریک شود.

(۱) عن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه قال لایجعل احدکم للشیطان شینا من صلاته یری ان حقا علیه ان لا ینصرف الاعن یمینه لقد رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم کثیراً ینصرف عن یساره متفق علیه (مشکوة باب الدعاء في التشهد ص ۸۷). ظفیر

(۲) عن انس رضي الله عنه قال کان النبي ﷺ ینصرف عن یمینه رواه مسلم (ایضاً). ظفیر

(۳) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخیر ان شاء انحرف عن یساره وجعل القبلة عن یمیه وان شاء انحرف عن یمینه وجعل القبلة عن یساره وهذا اولی لما في مسلم من حدیث البراء کنا اذا صلینا خلف النبی صلی الله علیه وسلم احببنا ان نکون عن یمینه حتی یقبلی علینا بوجهه فان مفهومه ان وجهه عند الاقبال علیهم کان یقابل من هو عن یمینه و ذالک انما یکون اذا کان المسجد عن یمینه والقبلة عن یساره الخ (غنیة المستملی ص ۳۳۰ ج۱). ظفیر

جواب: مؤذن حي علی الصلاة وحي علی الفلاح بگوید واز جهت زیادت باران که مردم به مسجد آمده نتوانند براي شان جائز است وترک جماعت به علت باران جائز است [۱]، مگر در أذان هیچ قسم تغیر آوردن ضرور نیست وعلماء احناف در اذان هیچ قسم تغیر را اختیار نکرده اند.

سوال: (۱۰۵) **در إقامت گشتاندن روی بطرف راست وچپ:** آیا در إقامت گفتن در وقت حی علی الصلاة وحی علی الفلاح مثل اذان روی خود را بطرف راست وچپ بگرداند ویا نه؟

جواب: از کتابهاي فقه شریف ظاهر شده که إقامت مثل اذان است [۲]، ودر مواضع اختلاف فقهاء ومحققین روي گشتاندن را نوشته نکرده اند بلکه در روی گشتاندن اقامت را مثل اذان گشتانده اند لهذا راجح این است که در اقامت هم روي گشتانده شود مگر چونکه بعض علماء به سبب اینکه اقامت اعلام حاضرین است ازاین جهت روي گشتاندن را در وقت حي علی الصلاة وحي علی الفلاح سنت نگفته اند مگر کدام علماء که تحویل روی را ضرور نمیگویند پس به این لحاظ عمل روي گشتاندن اولی وبهتر است نظر به ترک آن لهذا مناسب است که تحویل روي در اقامت عملي شود.

سوال: (۱۰۶) **بوسه کردن انگشت کلان در وقت شهادتین:** در وقت اذان بوسه کردن آنگشت کلان در وقت شهادتین اذان وبه چشم مالیدن آن وقرة عیني بک یا رسول الله گفتن چه حکم دارد؟

جواب: علامه شامي از کنز العباد نقل کرده که در اذان در وقت شهادتین این عمل مستحب است وبعدا از جراحي نقل کرده: ولم یصح في المرفوع من کل هذا شيء [۳]، یعني در حدیث مرفوع گفته شده که این عمل ویا مانند این در أذان صحیح نیست پس معلوم شد که به نیت سنت عملي کردن آن صحیح نیست یعني این عمل سنت نیست چونکه در این زمانه اکثر مردم این عمل را به نیت عمل سنت اداء میکند وتارک این عمل را ملامت وگناهکار میگویند از این

---

(۱) فلا تجب (اي الجماعة) علی مریض الخ ولا علی من حال بینه وبینها مطر وطین (درمختار) اشارة بالحیولة الی ان المراد المطر الکثیر (رد المحتار باب الامامة ص۵۱۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۵۵). ظفیر

(۲) والاقامة کالاذان فیما مر (درمختار) واراد بما مر احکام الاذان العشرة المذکورة في المتن وهي انه سنة للفرائض وانه یعاد ان قدم علی الوقت وانه یبدأ باربع تکبیران وعدم الترجح وعدم اللحن والترسل والالتفات والاستدارة وزیادة الصلاة خیر من النوم في اذان الفجر واصبعه في اذنیه ثم استثنی من العشر ثلاثة احکام لاتکون في الاقامة فابدل الترسل بالحد الصلوة والصلوة خیر من النوم بقد قامت الصلوة وذکر انه لایضع اصبعیه في اذنیه فبقیت الاحکام السبعة مشترکة الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۶۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸). ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۷۰، ط.س. ج۱ ص۳۹۸. ظفیر

جهت علماء محققين آن را ترک كرده اند.

سوال: (۱۰۷) **در جمعه وخفتن تثویب کردن:** در بعض شهرها معمول است كه أول براي نماز جمعه أذان ميكنند وبعد از ان به اواز بلند دو دفعه الصلاة، الصلاة ميگويند ويا اين اواز مردم را به نماز دعوت ميدهند وبعدا اذان خطبه اداء ميشود ودر رمضان شريف بعد از نماز فرض خفتن نيز دو دفعه الصلاة، الصلاة را باواز بلند ميگويند در اين باره شرعاً چه حكم است؟

جواب: اين اواز يا تثويب مختلف فيه است ودر احاديث اطلاق بدعة برآن شده است يعني در احاديث با اين عمل بدعت گفته شده وبعض علماء آن را جائز گفته اند وامام أبو يوسف رحمة الله عليه براي قاضي، مفتي وغيره آن را جائز گفته وفتاوی قاضي خان نيز سخن امام ابو يوسف را اختيار كرده لهذا احتياط زياد درآن است كه متروک شود. [1] فقط

سوال: (۱۰۸) **جواب دادن به اذان دو جمعه:** آذان دوم كه در روز جمعه روبروي منبر گفته ميشود جواب دادن آن را در مختار مكروه گفته است مگر حاشيه آن رد المحتار يعني شامي وطحطاوي وغيره فقهاء محققين جواز آن را ترجيح داده به خلاف آن استحباب جواب دادن آن را ثابت كرده وجواب دادن اذان دوم را تائيد وترجيح داده؟

جواب: اقول لكن في الشامي باب الجمعة والظاهر ان مثل ذلک يقال ايضا في تلقين المرقي الاذان للمؤذن والظاهر أن الكراهية دون المرقي لان سنة الاذان الذي يين يدي الخطيب تحصل باذان المرقي فيكون المؤذن مجيبا لاذان المرقي وإجابة الاذان حينئذ مكروهة الخ ص۵۵۱ شامي جلد اول، وفيه أيضا وذكر الزيلعي أن الاحوط الانصات فقط، حاصل اين است كه جواب دادن اذان دوم مكروه است. [2]

سوال: (۱۰۹) **اذان شخص بی وضوء جائز است يا نه؟** براي شخص بي وضوء اذان دادن جائز است يانه آيا به ساكنين محله كدام گناه است يا نه؟

---

(۱) والتثويب في الفجر حي على الصلوة حي علي الفلاح مرتين بين الاذان والاقامة حسن لانه وقت نوم وغفلة وكره في سائر الصلوة ومعناه العود الى الاعلام وهو على حسب ما تعارفوه وهذا تثويب احدثه علماء الكوفة بعد عهد الصحابة لتغير احوال الناس وخصوا الفجر به لما ذكرنا والمتاخرون استحسنوه في الصلوات كلها لظهر التوالى في الامور الدينية وقال ابو يوسف رحمه الله لا ارى باسا ان يقول الموذن للامير في الصلوات كلها السلام عليک ايها الامير الخ واستبعده محمد لان الناس سواسية في امر الجماعة وابو يوسف خصهم بذلک لزيادة اشتغالهم بامور المسلمين كيلا تفوتهم الجماعة وعلى هذا القاضي والمفتي (هدايه باب الاذان جلد اول ص۸٤). ظفير

(۲) ردالمحتار باب الجمعة، مطلب في حكم المرقي بين يدي الخطيب جلد اول ص۷٦۹، ط.س. ج۲ ص۱٦۹. ظفير

جواب: اذان دادن شخص بي وضوء جائز است در اين باره مؤاخذه ووبال به كسي نيست البته بهتر وافضل آن است كه براي اذان وضوء كرده شوذ [۱]، از اين جهت علماء أذان شخص بي وضوء را مكروه گفته است: ويرى أنه يكره الاذان أيضا أي على غير وضوء هداية. وقيل يكره أي الأذان على غير الوضوء لحديث الترمذي عن أبي هريرة رضى الله عنه قال قال رسول الله ﷺ لا يؤذن إلا متوضئ، البحر الرائق باب الاذان ج۱ ص۲۷۷.

سوال: (۱۱۰) **اگر امام كر باشد بدون اقامت نماز را شروع كند چه حكم است**؟ امام مسجد در محراب استاد شد وباندازه وقت اقامت انتظار كرد در إقامت به أثر كدام عذر تأخير آمد چونكه امام مسجد كر بود وفكر ميكرد كه البته اقامت خوانده شده نماز را بدون اقامت شروع كرد دراين صورت يه فضيلت جماعت ويافضيلت نمازكدام نقصان پيش خواهد شد يا نه؟

جواب: در اين صورت نماز صحيح شده ودر ثواب جماعت نقصان پيش نميشود واقامت مسنونه ترک شده [۲]، چونكه به علت عدم سماع ونه شنيدن امام اين قسم صورت به پيش امد از اين جهت به هيچ كس هيچ گناه نيست [۳]. فقط

سوال: (۱۱۱) **در وقت عروض طاعون وخشک سالی اذان ثابت است يا نه**؟ در وقت عروض وباء يا قحط يا خشک سالي يا طاعون وغيره بعد از نماز اذان گفتن روا است يا نه؟ اگر جائز باشد دليل شرعي آن چيست واگر ممنوع باشد براي دفع بلاهاي بياباني يما وباء جنيات، حديث شريف، واذا تغولت الغيلان نادى بالاذان، وحديث شريف: وإذا رأى الجيراتي فليطفئه بالتكبير سند جواز ان شده ميتواند يا نه؟

جواب: در وباء اذان منقول نشده وكدام اذان كه در وقت تغول غيلان مستحب است مطلب از آن اين است كه غيلان جنيات محسود مثلا دركدام جنگل، بيابان وغيره براي كسي احساس جنيات واقع شود دران صورت حكم استحباب اذان است درامراض وباء قحط وغيره اذان وارد نشده وحالات وباء قحط، طاعون وغيره به حالت جنيات قياس كرده نميشود چرا كه دراين قسم

---

(۱) ويكره اذان جنب واقامته واقامة محدث لا اذانه على المذاهب (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤). ظفير

(۲) ويكره اداء المكتوبة بالجماعة في المسجد بغير اذان واقامة كذا في فتاوى قاضي خان (عالمكيري مصري الباب الثاني في الاذان جلد اول ص۵۰، ط.س. ط. ماجدية ج۱ ص۵۳). ظفير

(۳) والاقامة كالاذان فيما مر (درمختار) واراد بما مر احكام الاذان العشرة المذكورة في المتن وهي انه سنة للفرائض الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸). ظفير

امور قیاس مجتهدین معتبر است نه قیاس خود ما مردم امروزه واین قیاس مع الفارق که قیاس این حالات برتغول غیلان جواز ندارد غیلان درامراض وبائي محسوس کرده نمیشود وتغول محسوس میشود. [۱]

سوال: (۱۱۲) **اگر دروقت تلاوت قرآن کریم اذان را بشنود چه کند؟** اگر کسی مشغول تلاوت قرآن کریم باشد واذان را بشنود در این صورت جواب اذان رآ بدهد ویا تلاوت خود را دوام دهد؟

جواب: جواب دادن اذانِ مستحب است اگر قرآن کریم را بند کند وبه اذان جواب دهد بهتر است واگر تلاوت قرآن کریم دوام دهد واذان را جواب ندهد هیچ گناه ندارد [۲] فقط

سوال: (۱۱۳) (۱) **بحث ترجیع در اذان:** بعض مردم شهادتین را دو دفعه باواز پائین ودو دفعه باواز بلند میخوانند این عمل جائز است یا نه؟

سوال: (۱۱٤) (۲) **دروقت محمد رسول الله، لفظ صلی الله علیه وسلم چی قسم است؟** در وقت اذان واقامت بعد ازلفظ محمد رسول الله صلی الله علید وسلم گفتن چه حکم دارد؟

سوال: (۱۱۵) (۳) **اذان حضرت بلال ﷺ:** اذان حضرت بلال کدام است؟

جواب: (۱) این ترجیح که به نزد احناف در اذان سنت نیست این ترجیح در حدیث أبو محذوره ﷺ وارد شده است براي او پاک حضرت ﷺ بغرض تعلیم حکم دوباره شهادتین فرموده بود ودراذان حضرت بلال واذان ملائکه نازل شده از آسمان ترجیع نبود ودرعمل احناف ترجیع عملي نمیگردد. [۳]

جواب: (۲) این قسم گفتن در اذان ثابت نیست. [٤]

---

(۱) وهو سنة الخ للفرائض الخ لا يسن لغيرها الخ (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الاذان ص۳۵۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۸٤) . ظ

(۲) ويجب وجوبا وقال الحلواني ندبا والواجب الاجابة بالقدم من سمع الاذان ولو جنبا لا حائضا و نفساء وسامع خطبة الخ بخلاف قران (درمختار) لانه لا يفوت ولعله لان تكرار القرائت انما هو للاجر فلا يفوت بالاجابة بخلاف التعلم فعلى هذا يقرء تعليما او تعلما لا يقطع (ردالمحتار باب الاذان ص۳٦۷ – ۳٦۸ ج۱) . ظفير

(۳) ولا ترجيع فانه مكروه (درمختار) الترجيع ان يخفض صوته بالشهادتين ثم يرجع فيدفعه بهما لاتفاق الروايات على ان بلالا لم يكن يرجع وماقيل انه رجع لم يصح ولانه ليس في اذان الملك النازل بجميع طرقه الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۵۹، ط.س. ج۱ ص۳۸٦) . ظفير

(٤) در حدیث عبد الله بن زید بن عبد ربه ودر هیچ کدام حدیث دیگر لفظ (صلی الله علیه وسلم) مذکور نیست در حدیث عبد الله بن زید این روایت موجود است: تقول الله اكبر الله اكبر الله اكبر الله اكبر ، اشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، اشهد ان محمدا رسول الله الخ (فتح القدير، باب الاذان جلد اول ص۲۱۱) بعدا در شرح المهذب للشافعية صراحت است: والزيادة في =

جواب: (۳) اذان حضرت بلال ﷺ آن قسم بود مثلیکه حالا گفته میشود.[۱]

سوال: (۱۱۶) (۱) **دربین اذان واقامت درود گفتن چه قسم است؟** دربین اذان واقامت موذن به آن حضرت ﷺ درود بگوید ویا بهتر چی قسم است؟

سوال: (۱۱۷) (۲) **بعد از اذان بلند کردن دستها در دعاء اذان مسنون أست یا نه؟** اگر دعاء بعد ازاذان را به بلند کردن دستها بخواند حکم ان چه خواهد بود؟

سوال: (۱۱۸) (۳) **اگر در وقت تلاوت کریم یا دروقت خواندن درود شریف اذان را بشنود چه کند؟** اگر کسي مشغول تلاوت قرآن کریم ویا مشغول خواندن درود شریف باشد واذان شروع شود ایا جواب اذان را بدهد ویا به خواندن قرآن کریم ودرود ادامه دهد؟

جواب: (۱) براي مؤذن دربین اذان حکم درود شریف نیست ونه این قسم ثابت شده.

جواب: (۲) هر قسم جائز است لیکن معمول این است که دستها بلند نشود.[۲] فقط

جواب: (۳) در درالمختار وشامي ذکر شده که درتلاوت قرآن کریم وقفه کند وجواب اذان را بدهد ودرباره درود شریف نیز همین حکم است.[۳] فقط

سوال: (۱۱۹) **اذان جمعه درنصف النهار جائز است ویا نه؟** اذان جمعه درنیم روزي جائز است یانه؟

جواب: اذان قبل الوقت جائز نیست از همین جهت فقهاء حکم اعاده آن رافرموده است[٤] وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر بعد از زوال شروع میشود لهذا اذان جمعه باید بعد از زوال آفتاب اداء شود وپیش ازان جائز نیست.[٥]

= الاذان مکروهة (البحر الرائق، باب الاذان ج۱ ص۲۷۵). ظفیر

(۱) یعني در اذان حضرت بلال ﷺ ترجیع نمیشد، در این باره کتابهای احادیث شریف را مطالعه فرمائید. ظفیر

(۲) ویدعو عند فراغه بالوسیلة لرسول الله ﷺ (الدر المختار) اي بعد ان یصلي علی النبی ﷺ لما رواه مسلمٌ الخ (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص ۳۷۰، ط.س. ج۱ ص۳۹۸) . ظفیر

(۳) لوکان في المسجد حین سمع لیس علیه الاجابة ولوکان خارجه اجاب الخ فیقطع قرائت القران لوکان یقرء بمنزله ویجیب لو اذان مسجده ولو بمسجد لا (الدر المختار) الظاهر ان المراد المسارعة للاجابة وعدم القعود لاجل القرائت لاخلال القعود بالسعی الواجب و الا فلا مانع من القرائت ماشیا الا انَ یراد یقطعها ندبا للاجابة باللسان ایضا الخ (رد المحتار باب الاذان ص۳۷۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۸) . ظفیر

(٤) وهو سنة مؤکدة للفرائض الخمس في وقتها الخ فیکاد اذان وقع بعضه قبله (الدر المختار"علی هامش ردالمحتار باب الاذان ص۳۵٦ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۸٤) . ظفیر

(٥) وجمعة کظهر اصلا واستحبابا في الزمانین لأنها خلفه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوة ج۱ ص۳٤۰، ط.س. ج۱ ص۳٦۷) . ظفیر

سوال: (٢٢٠) **اذان براى نمازهاى فوت شده درخانه وصحراء:** درخانه يا در صحراء كه از كسي نماز فوت شده باشد حكم اذان واقامت آن چه قسم است؟

جواب: ازكسي كه درحال سفر ويا درحال اقامت حضر نماز فوت شده باشد اذان واقامت براي مسنون است درالدرالمختار گفته است كه اول براي فوت شده اذان مسنون است وبراي نمازهاي ديگري مخير است مگر گفتن اذان براي هر نماز بهتر است واقامت براي هر نماز مسنون است. (1) فقط

سوال: (١٢١) **در اذان قضائى نماز الصلاة خير من النوم بگويد يانه؟** اگر نماز صبح فوت شود ودروقت اعاده آن اذان گفته شود در اين الصلاة خير من النوم را بگويد يا نه؟

جواب: اگر نماز فوت شده صبح را به جماعت اعاده كند دراين صورت اذان دادن براي آن سنت است واين اذان را مثل اذان صبح باكلمات الصلاة خير من النوم اداء كند: كما يفيده اطلاق قول القهستاني وليس ان يؤذن ويقيم لفائتة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء الخ در المختار. (2) فقط

سوال: (١٢٣) **آيا اقامت را آن كسى بگويد كه اذان را گفته است؟** آيا صرف مؤذن اقامت را بگويد اگر مؤذن يک فرد مشخص باشد ويا هركس اذان بگويد چه حكم است؟

جواب: اگر مؤذن فرد مشخص وملازم اذان وتنخواه دار باشد يا اين قسم نباشد بلكه هركس اذان بگويد درهر حال بدون مؤذن براي هر كس اقامت كردن جائز است مگر بهتر اين است كه هركس اذان گفته باشد اقامت رانيز همان شخص بگويد يابراي كسي ديگري اجازه كند. (3) فقط

سوال: (١٢٤) **جواب اذان ودعاء:** حكم حديث اين است كه براي اذان جواب داده شود مگر مردم دراين زمان بعد ازختم اذان صرف كلمه طيبه ميگويند دراين باره چه حكم شرعي است؟

---

(1) ويسن ان يؤذن ويقيم لفائتة رافعا صوته لو بجماعة او صحراء لا ببيته منفردا وكذا يسن لاولى الفوائت لفاسدة ويخير فيه للباقي لو في مجلس وفعله اولى ويقيم للكل (درمختار) اى لايخير في القامة للباقي بل يكره تركها (رد المحتار باب الاذان جل١ ص٣٦٢ – ٣٦٣، ط.س. ج١ ص٣٩٠) . ظفير

(2) الدر المختار على هامش رد المحتار باب الاذان جلد اول ص٣٦٢، ط.س. ج١ ص٣٩٠. ظفير

(3) اقام غير من اذن بغيبته اي الموذن لا يكره مطلقا او ان بحضوره كره ان لحقه وحشة كما كره مشيه في اقامة (درمختار) ان لحقه وحشة اي بان لم يرض به وهذا اختيار خواهر زاده الخ وقال في البحر ويدل عليه اطلاق قول المجمع ولانكرهها من غيره الخ فلا باس بان ياتي بكل واحد رجل اخر ولكن الافضل ان يكون الموذن هو المقيم اهـ اي لحديث من اذن فهو يقيم (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص٣٦٧، ط.س. ج١ ص٣٩٥) . ظفير

جواب: کسي که اذان ميگويد براي سامعين مستحب است که آن کلمات را اذان نيز بگويند ودروقت حي على الصلاة وحي علي الفلاح لاحول ولاقوة بگويند وبعد ازختم اذان دعاء مأثورة: اللهم رب هذه الدعوة التامة را بخواند ومعلوم است که اتباع مأثور اولى واحب. فقط

سوال: (۱۲۵) **دروقت اذان انداختن نگشتان در سوراخهای گوش برای مؤذن سنت است:** اگر اذان دهنده دستهاي خود را دروقت اذان اويزان بماند ويا در اذان رخش بطرف قبله نباشد جائز است يا نه؟

جواب: این همه طرق مخالف است مگر اذان جائز است. [1]

سوال: (۱۲۶) **اذان جمعه خارج مسجد کرده شود یا داخل مسجد؟** اگر اذان جمعه بيرون مسجد کرده شود جائز است يا نه؟

جواب: اذان کردن درداخل مسجد يا بيرون مسجد برابر است واز زمان رسول الله ﷺ تا اين زمان جاری اذان خطبه در داخل مسجد ميشود [2] واذانهاي بدون خطبه درداخل مسجد وبيرون مسجد جائز است واذان بالای مناره را فقهاء مشروع گفته اند ظاهر است که مناره بيرون مسجد ميباشد دراين باره حاجت کدام دليل نيست [3]. فقط

سوال: (۱۲۷) **تکرار کلمات اذان دراقامت:** ما عموماً دو دفعه تکبير ميگوئم آيا يکدفعه جائز است وقد قامت الصلاة دو دفعه جائز است؟

جواب: به نزد احناف اقامت مثل آذان است يعني دراقامت هم اول چهار دفعه الله اکبر وکلمات باقي دو دفعه گفته ميشود وقد قامت الصلاة نيز دو دفعه گفته ميشود صرف يک يک دفعه تکبير گفتن مذهب احناف نيست. [4] فقط

سوال: (۱۲۸) **درتکبیر زیاد کردن واو غلط است:** درنماز يا اذان الله اکبر گفتن صحيح است ويا الله اکبر؟

جواب. الله کبر صحيح است وبعد از حرف هاء زيادت واو غلط است. [5]

---

(۱) وجعل ندبا اصبعيه في صماخ اذنيه فاذانه بدونه حسن وبه احسن (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الاذان ص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸) . ظ

(۲) ويوذن ثانيا بين يديه اي الخطيب (الدرالمختار على هامش رد المحتار باب الجمعه ص۷۷۰) واذا جلس الامام على المنبر اذن الموذنون بين يديه الاذان الثاني للتوارث (غنية المستملي ص۵۲۰) . ظفير

(۳) وينبغي ان يوذن على المئذنة او خارج المسجد ولايوذن في المسجد (عالمكيري مصري ص٦۷ ج۱، ط. ماجدية ج۱ ص۵۵) . ظفير

(٤) والأقامة مثل الاذان عنده الخ ولنا ماروى ابوداؤد عن ابن ابي ليلى عن معاذ الخ (غنية المستملي جلد اول ص۳۵۹) . ظفير

سوال: (۱۲۹) **اذان دادن یک مؤذن دردو مسجد:** یک مؤذن در دو مسجد اذان میدهد این عمل جائز است یا نه؟

جواب: این عمل خوب نیست بلکه مکروه است. (۱) فقط

سوال: (۱۳۰) **زیاد کردن الصلاة خیر من النوم در اذان صبح:** در اذان صبح کلمات الصلاة خیر من النوم چرا زیاد میشود؟

جواب: زیاد شدن الصلاة خیر من النوم ازحدیث شریف ثابت شده (۲) چونکه وقت صبح وقت خواب وغفلت است از این جهت گفتن این کلمات در این وقت مستحب است چرا که مطلب الصلاة خیر من النوم این است که نماز از خواب بهتر است. (۳) فقط

سوال: (۱۳۱) **دعاء از اذان دوم جمعه:** جواب دادن براي اذان دوم جمعه وبعد از اذان خواندن دعاء اللهم رب هذه الدعوة التامة الخ جائز است یا نه؟

جواب: صحیح این است که اجابت اذان یعني جواب دادن اذان دوم جمعه است مکروه است وهم چنین خواندن دعاء مأثوره اللهم رب هذه الدعوة الخ نیز مکروه است. (٤)

سوال: (۱۳۲) **اذان شخص جاهل:** اذان شخص جاهل که الفاظ زبان مثل الفاظ شخص با سواد نیست جائز است یا نه؟

جواب: کدام شخص که الفاظ اذان را صحیح گفته نمیتواند اذان نکند اذان را کسي بکند که کلمات اذان را صحیح بگوید خواه او باسواد باشد یا بي تعلیم. فقط

سوال: (۱۳۳) **اذان باید بیرون مسجد گفته شود یا داخل مسجد:** اذان باید بالای فرش مسجد گفته شود یا بیرون مسجد گفته نشود اذان گفته میشود اذان خطبة چرا درداخل مسجد

---

(٥) اذا اراد الشروع في الصلوة كبر لو قادر الافتتاح اي قال وجوبا الله اكبر الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تاليف الصلوة ج۱ ص٤٤٧، ط.س. ج۱ ص٤٧٩) . ظفير

(۱) يكره له ان يؤذن في مسجدين (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۲، ط.س. ج۱ ص٤٠٠) . ظفير

(۲) عن ابي محذورة قال قالت يا رسول الله علمني سنة الاذان قال فمسح مقدم راسه قال تقول الله اكبر الله اكبر الخ فان كان صلوة الصبح قلت الصلوة خيرر من النوم الخ رواه ابوداؤد (مشكوة باب الاذان ص٦٣). ظفير

(۳) ويقول ندبا بعد فلاح اذان الفجر الصلوة خير من النوم مرتين لأنه وقت نوم (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص٣٦٠، ط.س. ج۱ ص٣٨٨) . ظفير

(٤) وينبغي ان لايجيب بلسانه اتفاقاً في الاذان بين يدي الخطيب (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ص٣٧١) واجابة الاذان حينئذ مكروهة (ردالمحتار باب الجمعه ج۱ ص٧٦٩، ط.س. ج٢ ص١٦) . ظفير

گفته میشود در بین اذان خطبه واذان پنجگانه چه فرق است اگر بیرون مسجد یک جائي بلند ساخته شود ودر بالای آن اذان گفته شود حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: بدون اذان جمعه اذانهاي پنجگانه بر یک جائي بلند بهتر وافضل است وبیرون مسجد نیز بهتر است اگر چه در مسجد نیز جائز است چونکه اذان خطبه پیش روي منبر ضرور است براي اینکه اذان خطبه در داخل مسجد گفته شود ودر جاي بلند اذان گفتن از این جهت مشروع است که اواز اذان تا جای دور برسد واذان خطبه براي اعلام حاضرین است ورفتن اواز تا جائي دور ضرور نیست ودر زمان پاک حضرت ﷺ اذان پنج وقته بیرون مسجد میشد ازهمین جهت دربعض مکانات نزدیک مسجد بالاي چنها اذان گفته میشود بعد از دور این خیر الازمنة اذان پنج وقته در بیرون مسجد اختیار گرد ید [1] مگر درداخل مسجد هم ممنوع نیست چرا که مسجد براي ذکر خداوند جل جلاله ساخته شده واذان هم ذکر الله تعالی میباشد قال الله تعالی: ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن یذکر فیها اسمه [2] الآیة. فقط

سوال: (۱۳٤) <u>**جواب کلمات اقامت:**</u> آیا جواب کلمات اقامت مثل جواب کلمات اذان مستحب است؟ ویا سنت مؤکده مگر چونکه برای امام دروقت قد قامت الصلاة حکم نیت بستن است پس مقتدیان جواب کلمات متباقي اقامت را بدهد یا چه قسم؟

جواب: براي کلمات اقامت جواب دادن مستحب است [3] وبراي اداء کردن آن علامه شامي چنین فرموده است که بهتر این است که امام بعد ازختم اقامت تکبیر تحریمه بگوید. [4] فقط

سوال: (۱۳۵) <u>**بعد از اذان رفتن بطرف مسجد ضرور است یانه؟**</u> شنیده ایم که بعد از اذان کسي به مسجد نرودگناهکار است [5] واگربه تاکید شخص دیگري هم به نماز نرودکافر میشود.

([1]) ینبغي ان یوذن علی المئذنة او خارج المسجد الخ والسنة ان یوذن في موضع عال یکون اسمع لجیرانه ویرفع صوته ولا یجهد نفسه (عالمکیري مصري باب الاذان ص۵۲ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۵۵) . ظفیر

([2]) سورة البقره رکوع ١٤. در عالمگیري آمده "ولایوذن في المسجد" منشا این ممانعت خلاف اولویت یعني در مسجد اولی وبهتر نیست مطلب این نیست که در مسجد جائز نیست. ظفیر

([3]) ویجیب الاقامة ندبا اجماعا کالاذان (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۱، ط.س. ج۱ ص٤٠٠) . ظفیر

([4]) وشروع الإمام في الصلوة مذ قیل قد قامت الصلوة ولو اخر حتی اتمها لاباس به اجماعا الخ واعدل المذاهب الخ وفي القهستاني معزیا للخلاصة انه الاصح (درمختار) لان فیه محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلاة اداب الصلوة ص٤٤٧ ج۱، ط.س. ج۱ ٤٧٩) . ظفیر

([5]) الجماعة سنة مؤکدة لقوله علیه السلام الجماعة من سنن الهدی لایتخلف عنها الامنافق (هدایه باب الامامة جلد اول ص ۱۰۹) . ظفیر

جواب: در این مسئله شک نیست که کسي اذان بشنود وبه مسجد براي اداء نماز نرود ونماز را به جماعت نخواند گناهکار است واگر بالکل نماز نخوانم که نه به مسجد برود ونه درخانه خود نماز میخواند او شدید فاسق وعاصي است وبعض امامان او را کافر میگویند مثلیکه درحدیث شریف: من ترى الصلاة متعمداً فقد کفر [۱] نیز این حکم واضح است، معناي حدیث شریف این است که کسي قصداً نماز را ترک کند کافر میشود یعني به کفر نزدیک میشود وانکار کردن از فرضیت نماز باتفاق کفر است یعني منکر فرضیت نماز کافر است اعاذنا الله تعالى منه. فقط

سوال: (۱۳۶) **اقامت گفتن از صف اول ضرور نیست:** مؤذن اقامت را از صف اول بگوید یا درکدام صف که بخواهد مستحب است؟

جواب: درکدام صف که باشد در همان صف اقامت کرده میتواند در این باره کدام قید اقامت از صف اول ضرور نیست. [۲] فقط

سوال: (۱۳۷) **بدون وضوء اذان جائز است یا نه؟** امام مسجد که به وضوء اذان بگوید یا بعد از اذان به چلم کشیدن یا قضاء حاجت بول وغیره برود این عمل جائز است یانه؟

جواب: در کتابهاي فقه حکم این است که اذان شخص بي وضوء مکروه نیست، یعني مکروه تحریمي نیست کما في الدر المختار: ویکره اذان جنب واقامته واقامت محدث لا اذانه على المذهب [۳] مگر در شامي منقول است که اذان گفتن درحال وضوء مسنون است یعني سنت این است که مؤذن وضوء داشته باشد ودر همین کتاب نیز ذکر شده: ثم اعلم انه ذکر في الحاوي القدسي من سنن المؤذن کونه رجلا عاقلا صالحا عالما بالسنن والاوقات مواظبا علیه محتسبا ثقة مطهرا مستقبلا [۴] الخ از این عبارت معلوم شود که اذان درحال وضوء سنت ومستحب است وهمیشه عادت گرفتن باذان بي وضوء بد است واز این بدي احتراز وخود داري مناسب است اگر اول اذان را به وضوء اداء کند وبعداً ضرورت بول خرد وکلان برایش پیش شود برای دفع

---

(۱) دراین وقت این حدیث باین الفاظ پیدا نمیشود ودرمشکوة شریف این الفاظ موجود است که لاتترک صلاة مکتوبة متعمدا فمن ترکها فقد برات منه الذمة الخ مشکوة کتاب الصلاة فصل ثالث: ص ۵۹. ظفیر

(۲) ویقیم على الأرض هکذا في القنیة وفي المسجد هکذا في البحر الرائق (عالمکیري کشورى باب الاذان فصل ثاني جلد اول ص۵٤، ط. ماجدیة ج۱ ص۵٦) . ظفیر

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۲. ظفیر

(۴) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۵، ط.س. ج۱ ص۳۹۳. ظفیر

ورفع آن برود وكشيدن چلم اصلا خوب نيست واحتراز وخود داري از اين عمل بسيار خوب است فقط، واگر كسي چلم بكشد پيش داخل شدن به مسجد دهن خود را خوب بشويد براي اينكه از بد بوئي او به كسي تكليف نباشد.

سوال: (۱۳۸) **بعد از اذان دعوت كردن امام ومقتديان چه قسم است:** براي مؤذن جائز است كه امام ومقتديان را بعد از اذان به مسجد دعوت كند يا نه؟

جواب: اين عمل خوب نيست مگربه ضرورت اگر احيانا اين عمل كرده شود مضائقه نيست. [۱]

سوال: (۱۳۹) **اگر درحال اذان بكدام چيز تكيه كند ويا اقامت را به قاعده بگويد مكروه است:** اگر مؤذن ضعيف باشد ودر اذان دادن بكدام چيز تكيه كند ويا اقامت را به قاعده بگويد اين عمل مكروه است يا نه؟

جواب: در الدر المختار ذكر شده كه: ويكره اذان جنب واقامته واقامت محدث لا اذانه واذان امراة وخنثى وفاسق (الى) وقاعد الا اذن لنفسه وراكب الى المسافر [۲] واين سخن هم در الدر المختار آمده كه: والاقامة مثل الاذان [۳] عذر به قاعدة مكروه است وبه اثر عذر ضعف اگر به ديوار وغيره تكيه كند اين صورت اذان او مكروه نيست. فقط

سوال: (۱٤۰) **نغاره زدن براي جماعت چه قسم است؟** در محله شيش گران، صرف يک مسجد است ومحله بسيار كلان وپراخ است اواز اذان به همه مردم نميرسد وباشندگان وساكنين اين محله همه نماز گذاران دراوقات نماز مشغول كار اند وبند كردن كار باعث ترتيب گرفته شد كه اذان را دراول وقت ميكرند ودر وقت جماعت به وسيله نغاره كه بيرون مسجد مانده شده بود به همه آنها اطلاع داده ميشد به اين وسيله كارگران ميامدند وبدون انتظار تعداد نماز گذاران درجماعت زياد مي شد حالا بعض حضرات نغاره را ممنوع ساخته حالا جماعت شكسته شده هر كس حسب توفيق نماز انفرادي ميخوانند وياهيچ آن را ضرور نميدانند دراين صورت اگر بوسيله

---

(۱) وكره في سائر الصلوة ومعناه العود الى الاعلام وهو على حسب ما تعارفوه وهذا تثويب احدثه علماء الكوفة بعد عهد الصحابة لتغير احوال الناس الخ والمتاخرون استحسنوه في الصلوت كلها لظهور التواني في الامور الدينية وقال ابو يوسف لا ارى باسا ان يقول الموذن للامير في الصلوت كلها السلام عليک ايها الامير الخ واستبعده محمد رحمه الله لان الناس سواسية في امر الجماعة الخ (هدايه باب الاذان جلد اول ص۸٤) . ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص٤۹۲. ظفير

(۳) ايضاص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸. ظفير

نغاره بیرون مسجد به دم اعلان جماعت شود چه قسم خواهد بود وبراي اعلان کدام وسیله مناسب است؟

جواب: اعلام بعد الاذان که بنام تثویب یاد میشود علماء متقدمین آن را مکروه وبدعت گفته است وعلماء متأخرین از جهت سستي وتکاسل مردم تثویب واعلام بعد از اذان راجائز میگویند پس بناء برمذهب متأخرین اگر کدام صورت وترتیب اعلام براي جماعت نباشد در این صورت اعلام نغاره جائز است، کما في الدر المختار والشامي: ویثوب بین الاذان والاقامة في الکل للکل بما تعارفوه (الدر المختار) کتنحنح او قامت الصلاة ولو احدثوا اعلاما مخالفا لذلک جاز [1] شامي فقط. واگر اواز اذان به مردم برسد در این صورت بدون ضرورت از نغاره زدن اجتناب مناسب است از جهت اینکه در وقت ابتداء مشروعیت اذان تمام اقسام این چیزها رد وممنوع شده بود.

سوال: (۱٤۱) **درافامت کلمات قد قامت الصلاة باواز بلند چه قسم است؟** در اقامت لفظ قد قامت الصلاة را باواز بلند چه حکم دارد؟

جواب: هیچ حرج درآن نیست. [2]

سوال: (۱٤۲) **درجیل یا زندان اذان کرده شود یا نه؟** دربندي خانه به جماعت نماز خوانده میشود درآنجا اذان ضرور است یانه؟ یا صرف باقامت اکتفاء کرده شود؟

جواب: اگر در محبس کدام ممانعت وبندش اذان نباشد در این صورت اذان کردن خوب است وثواب دارد واگر اذان نکنند وصرف باقامت اکتفاء کنند این هم بدون کراهیت جائز است، در الدر المختار ذکر شده که: بخلاف مصلي ولو بجماعة [3] فی بیته بمصر او قریة لها مسجد فلا یکره ترکهما اذ اذان الحی یکفیه، ودر شامي آمده است: قوله فی بیته ای فیما یتعلق بالبلد من الدار والکرم وغیرهما الخ. [4] فقط

---

(۱) مطالعه کنید: ردالمحتار للشامي باب الاذان جلد اول ص۳٦۳، ط.س. ج۱ ص۳۸۹. ظفیر

(۲) والاقامة مثل الاذان الا انه یزید فیها بعد الفلاح قد قامت الصلوة مرتین هکذا فعل الملک النازل من السماء وهو المشهور (هدایة باب الاذان جلد اول ص۸۳) . ظفیر

(۳) قوله ولو بجماعة وعن ابي حنیفة رضي الله عنه لو اکتفوا باذان الناس اجزاهم وقد اساوا (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) از این عبارت معلوم شد که بهتر این است که اذان کرده شود. ظفیر

(٤) رد المحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵ را مطالعه فرمائید. ظفیر

سوال: (۱٤۳) **کسی که داخل مسجد باشد جواب اذان برای او ضرور نیست**: زید پیش از اذان شام درمسجد شسته بود وبراي چند نفر کدام مسئله را بیان میکرد وقتیکه اذان شام شروع شد زید تقریر خود را بند نکرد واذان را گوش نگرفت وبه اذان جواب نداد او میگوید کسي که در تعلیم دادن علم دین مشغول باشد جواب اذان به او واجب نیست پس دراین باره شرعا چه حکم است؟

جواب: کسي که دروقت اذان در داخل مسجد باشد جواب زباني اذان برایش مستحب است اگر به سبب بیان کدام مسئله خاموش نشد وجواب اذان را نداد گناهکار نمیشود بهتر آن است که خاموش شود وجواب اذان را بدهد لکن به ترک مستحب طعن شده نمتواند اگر چه بعض علماء به وجوب جواب زباني قائل اند مگر صحیح وراجح عدم وجوب است. [1] فقط

سوال: (۱٤٤) **پیش از شروع اذان رسم الصلاة والسلام علیک یا رسول الله جائز است یا نه؟** پیش از شروع اذان الصلاة والسلام علیک یا رسول الله، وغیره که بنام صلاة یاد میشود ودرمکه معظمه ومدینه منوره عملي میگردد جائز است ویا نه؟

جواب: این عمل در شریعت اصل ندارد لهذا ضرور نیست. [2]

سوال: (۱٤٥) **در وقت شهادتین اذان بوسه کردن آنگشت چه قسم است؟** در وقت شهادتین اذان بوسه کردن آنگشت ریزه دست چه قسم است؟ وکدام شخص که از این عمل ممانعت میکند اقتداء نماز به عقب آن جائز است یانه؟ وکسي که انگشتان را بوسه نکند گناهکار است یا نه اگر بوسه کردن انگشتان مستحب ویا سنت باشد دلیل آن چیست؟

جواب: دلیل استحباب بوسه کردن دو انگشت ریزه دستها در این عبادت شامي است: یستحب ان یقال عند سماع الاولى من الشهادتین صلى الله علیک یا رسول الله وعند الثانیة منها قرة عیني بک یا رسول الله ثم یقول اللهم متعني بالسمع والبصر بعد وضع ظفري الابهامین على العینین فإنه علیه السلام یکون قاعدا له في الجنة کذا في کنز العباد وقهستاني ونحوه في الفتاوی الصوفیة وفي کتاب الفردوس قبل ظفري ابهامیه عند سماع اشهد أن محمدا رسول الله ﷺ في الاذان أنا قاعده ومدخله في صفوف الجنة وتمامه في حواشي البحر للرملي عن المقاصد الحسنة للسخاوي وذکر

---

(۱) ویجیب وجوبا وقال الحلواني ندبا من سمع الاذان (درمختار) اي قال الحلواني ان الاجابة باللسان مندوبة والواجبة هي الاجابة بالقدم (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦۷، ط.س. ج۱ ص۳۹٦) . ظفیر

(۲) زیرا که این عمل درشریعت هیچ اصل ندارد لهذا اجتناب از آن مناسب است. فقط

ذلک الجراحي واطال ثم قال ولم يصح في المرفوع من كل هذا شيء [1] شامي: ج۱ ص۲۶۷، باب الاذان. از عبارت آخر شامي این سخن هم واضح شد که هیچ کدام حدیث مرفوع در این باره نیست منتهی اینکه در باره فضائل اعمال به حدیث ضعیف هم عمل کردن جائز است مگر بشرط آنکه این عمل را مسنون نگویند، كذا في الدر المختار چونکه بعض عوام در این عمل غلو وافراط میکنند واین عمل است میگویند وتارک این عمل را طعن وملامت میکنند لهذا علماء محققین عدم زیادت وعدم افراط را در این عمل احتیاطي میدانند وآن شخص گناهکار نیست واقتداء به عقب آن جائز است. فقط

سوال: (۱٤٦) **درااذان ممانعت دور دادن سینه:** یک مؤذن سینه خود را دراذان طرف راست وطرف چپ دور میداد من آن را منع کردم که دور دادن سینه دراذان ممنوع است این صحیح است یانه؟

جواب: این صحیح است که دراذان در حي على الصلاة وحي على الفلاح سینه خود را به طرف راست وچپ دور ندهد صرف روي خود را در حیعلیتن مذکوره بطرف راست وچپ دور دهد مگر سینه مؤذن بطرف قبله باشد [2] فقط.

سوال: (۱٤۷) **نکردن اذان به اثر ضد:** یک مسجد دو امام دارد هر دوي شان برادران سکه اند مگر دربین خود ناراض اند در مسجد اذان نمیکند به گمان اینکه امام دیگري شاید اذان کرده باشد هرامام که به مسجد باید جماعت میدهد در این قسم حالت شرعا نماز صحیح است یا نه؟

جواب: دراین قسم حال نماز صحیح است مگر گناه ترک اذان به گردن آنها میباشد قال في الدر المختار: وهو سنة للرجال في مكان عالي مؤكدة هي كالواجب في لحوق الاثم. [3] فقط

سوال: (۱٤۸) **در رفتار شروع کردن اقامت:** اگر مؤذن درحال رفتار اقامت را شروع کند وتا رسیدن به جاي خود اقامت خلاص شود این عمل خلاف است یا نه ؟

جواب: این عمل خلاف اولی وخلاف سنت است: إلا ان يكـون احيانـا عن ضرورة قال في الدر

---

(۱) رد المحتار باب الاذان جلد اول ۳۷۰، ط.س. ج۱ ص۳۹۸. ظفیر

(۲) ويستقبل بهما (اى الاذان والاقامة) القبلة ولو ترك الاستقبال جاز ويكره كذا في الهداية واذا انتهي الى الصلوة والفلاح حول وجهه يمينا وشمالا وقدماه مكانهما (عالمكيري كشورى باب الاذان جلد اول ص٥٤، ط. ماجدية ج۱ ص٥٦) . ظفير

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان جلداول ص۳٥٦، ط.س. ج۱ ص۳۹٤. ظفیر

المختار ویستقبله غیر الراکب القبلة بهما ویکره ترکه تنزیها [۱] الخ واضح است که در رفتار بعض وقت استقبال قبله هم ترک میشود قوله غیر الراکب عبارة الامداد إلا أن یکون راکبا مسافرا لضرورة السیر الخ [۲] شامي.

سوال: (۱۴۹) الفاظ زیاد در اذان اهل تشیع وحیثیت آن: أهل تشیع درمساجد خود ومقامات غیره دروقت اذان باواز بلند کلمه اشهد ان امیر المؤمنین وامام المتقین علیا ولی الله ووصي رسول الله یا حجة الله را آداء میکنند آیا باهل سنت والجماعت شنیدن این قسم کلمات جائز است؟

جواب: دراذان روافض زیاد کردن این کلمات خلاف احادیث صحیحه است که درباره اذان روایت شده [۳] لهذا لایق عمل آنها بدعت وممنوع است واگر به آن کلمات لفظ خلیفه رسول الله بدون فصل زیاد کرده شود مثلیکه دربعض جاها همین قسم شده است هنوز بسیار بدتر میگردد چرا که این لفظ کذب وافتراء است وخلیفه اول ابوبکر صدیق است وخلیفه دوم عمر ﷺ است وبعد از آن حضرت عثمان ﷺ ذو النورین است بعد از آن علي ﷺ است چون ترتیب خلافت به این طریقه است پس عقیده مخالف این طریقه حرام وبدعت است [۴] لهذا زیاد کردن این کلمات که در سوال منقول است به نزد اهل سنت والجماعت جائز نیست واین کلمات از بدعات ومخترعات روافض خذلهم الله تعالی است، احناف، شوافع وغیره اجازه این قسم کلمات را دراذان نداده اند. فقط

سوال: (۱۵۰) (۱) به سر لوچ اذان دادن جائز است یا نه؟ اذان دادن شخص سر لوچ جائز است یا نه؟

سوال: (۱۵۱) (۲) نماز شخص سرلوچ صحیح است یانه؟ نماز شخص سرلوچ جائز است یانه؟ وکسي که این عمل میکند برای او چه حکم است؟

---

(۱) ردالمحتار، باب الاذان جلد اول ص۳٦۱، ط.س. ج۱ ص۳۸۹، بعد ازین ذکر شده است: لان بلالا اذن وهو راکب ثم نزل واقام علی الارض (ایضا) . ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب الاذان جلد اول ص۳٦۱، ط.س. ج۱ ص۳۸۹، بعد ازین ذکر شده است: لان بلالا اذن وهو راکب ثم نزل واقام علی الارض (ایضا) . ظفیر

(۳) برای تفصیل مطالعه کنید: مشکوة باب الاذان ص٦۳. ظفیر

(۴) والفضل الناس بعد رسول الله ﷺ الخ ابوبکر الصدیق الخ ثم عمر بن الخطاب الخ ثم عثمان الخ ثم علی بن ابی طالب الخ (شرح فقه اکبر ص۷٤) . ظفیر

سوال: (۱۵۲) (۳) **آیا به سر لوچی اذان دادن ونماز خواندن طریقه روافض است؟** آیا به سر لوچ اذان دادن ویانماز خواندن از عادات روافض است یانه؟

جواب: فقهاء به سر برهنه نماز را مکروه نوشته کرده اند مگر درباره اذان این موضوع راتصریح نکرده اند ودرنماز چنین صراحت نموده اند که به اثر سستي وتکاسل برهنه کردن سر مکروه است واگر به اثر تذلل انکسار، خشوع وخضوع سر برهنه نماز بخواند مکروه نیست [1] مگر اولی وافضل این است که به سر برهنه اذان نکند واگر این عمل شعار روافض باشد دراین صورت ضرور است که مخالفت آنها کرده شود وبه سر برهنه اذان نگوید تا این که به آنها مشابهت کرده نشود در الدرالمختار ذکر شده: وصلاته حاسرا اي كاشفا راسه للتكاسل ولا بأس به للتذلل الخ ولو سقطت قلنسوة فاعادتها افضل، در المختار. [2] فقط

سوال: (۱۵۳) **اگر نماز باطل شود در اعاده آن اقامت گفته شود یانه؟** امام درنماز دیگر سهوا پنج رکعت را اداء نمود وهیچ مقتدي اورا فتح نداد چونکه بعداً ثابت شد که نماز باطل شده دراین حال نماز را بطور اعاده کرد که از اول آن اقامت گفته شد حالا خواندن اقامت چه حکم دارد جائز است یا نه؟

جواب: دراین وقت دوباره باقامت ضرورت نیست واگر دوباره گفته شود از جهت اینکه فصل طویل شده است کدام گناه وحرج نیست درکتابهاي فقه نوشته شده: صلى الستة بعد الاقامة او حضرت الامام بعدها لا يعيدها برايه وينبغي ان اطال الفصل او وجد ما يعد قاطعا كأكل ان تعاد الخ درالمختار. [3] فقط

سوال: (۱۵٤) **بعد از اذان دعا کردن بدستان بلند ثابت است ویا نه؟** بعد از اذان دعا کردن ومناجات با دستهاي بلند ثابت است ویا نه؟

جواب: بعد از اذان دعا کردن بادستان بلند بطور خاصی ثابت نشده اگر چه استحباب دعا بعد الاذان تقاضا میکند که بلند کردن دستها در موقع دعا مستحب خواهد بود مگر این تقاضا عملي

---

(۱) وكره كفه الخ وصلاته حاسراً اى كاشفا رأسه للتكاسل ولا باس به للتذلل واما للاهانة بها كفر (درمختار) قوله: ولا باس للتذلل قال في شرح المنية فيه اشارة الى ان الاولى ان لا يفعله وان يتذلل ويخشع بقلبه فانهما من افعال القلب اهـ وتعقبه في الامداد الخ (ردالمحتار باب ما يفسد الصلاة وما يكره فيها ج۱ ص۵۹۹، ط.س. ج۱ ص ٦٤٠ – ٦٤١) . ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب ايضاً جلد اول ص۵۹۹ – ٦٠٠، ط.س. ج۱ ص٦٤١. ظفير

(۳) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان تحت الفروع جلد اول ص۳۷۱، ط.س. ج۱ ص٤٠٠. ظفير

نشده ویا عملي نمیشود. (۱) فقط

سوال: (۱۵۵) **دلیل جواب کلمات اذان چیست؟** وجواب کلمات اذان عینا بکلمات خود اذان داده میشود وجواب حي علي الصلاة وحي على الفلاح والصلاة خير من النوم به کلمات ولا حول ولا قوة الا بالله وصدقت وبررت داده میشود دلیل عقلی آن چیست؟

جواب: دراین باره صرف دلیل نقلي کفایت میکند (۲) فقط (دلیل عقلي دراین قسمت این است که بنده اعتراف میکند که بجا کردن اعمال نیک وتمام عبادات خاص به توفیق رب العزة میباشد ودرجواب دعوت دهنده که گویا خود او به کار نیک وعبادت دعوت میکند سخن موافق عقل نیست. ظفیر)

سوال: (۱۵٦) **آیا اذان واقامت صرف برای فرائض است؟** اقامت صرف پیش ازفرائض گفته میشود ویاپیش ازسنت هم گفته میشود؟

جواب: اذان واقامت صرف براي فرائض است براي سنت نیست (۳) کما في الدر المختار.

سوال: (۱۵۷) **اقامت چه وقت شروع شود:** ایا وقتیکه امام به جاي نماز استاد شود پیش از ان اقامت گفته شود یا اینکه امام به جاي نماز نه اورده باشد پیش از آن اقامت گفته شود آیا رسول الله ﷺ به شنیدن اقامت به محراب تشریف میاورد ودربعض اوقات این عمل معمول او بود؟

جواب: این ضرور نیست که بعد از استاد شدن امام به جاي نماز اقامت شروع شود بلکه هر وقت که امام درمسجد حاضر باشد اقامت گفته جائز است وقتیکه امام اقامت را بشنوند خودش

---

(۱) عن عكرمة عن ابن عباس قال المسئله ان ترفع يديک حذو منكبيک او نحوها رواه ابوداؤد (مشكوة كتاب الدعوات ص ۱۹٦) . ظفير

(۲) در جواب حيّ على الصلوٰة وحيّ على الفلاح نيز الفاظ جواب تكرار شود: لاحول الخ ، و لاحول و لاقوة هم تكرار شود چرا كه روايت تكرار جواب وعدم تكرار هر دو در روايت موجود است وأختار في الفتح عملا الجمع بينهما عملا بالاحاديث (رد المحتار) وسبب خواند ولا حول ولا قوة شايد غالبا اين باشد كه مؤذن بطرف نماز وفلاح دعوت ميدهد پس شنونده در جواب آن ميگويد كه اين يک ذمه واري عظيم الشان است وبجا كردن آن كار اهم است چرا كه اين يک امانت كلان است كه زمين وآسمان از قبول آن به لرزه آمدند واز قبول آن انكار كردند: فابين ان يحملنها واشفقن منها (قرآن كريم) پس ما ضعيفان وناتوانان چه قسم آن را بجا آريم مگر آنكه توفيق خود رب العزت همراه ما باشد وبا ما معاونت فرمايد چرا كه مفهوم ولا حول ولا قوة إلا بالله خاص همين است كه نجات از معاصي وبدحالي وبجا كردن طاعت وكار نيک همه خاص به توفيق الله شده ميتواند والله اعلم، ودر جواب الصلاة خير من النوم به كلمات صدقت وبررت، تائيد و تصديق مؤذن ميشود، اظهار مسرت وخوشي قلب خود را ميكند چونكه در اين كلمات عظمت خداوند جَلَّ جَلالُه وشهادتين ذكر نشده لهذا تكرار آن مفيد نيست صرف يكدفعه گفته شود، والله اعلم. ظفير

(۳) والاقامة كالاذان فيمامر (درمختار) واراد بمامر احكام الاذان العشرة المذكورة في المتن وهي انه سنة للفرائض الخ (رد المحتار باب الاذان جلد اول ص ۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸). ظفير

به جاي نماز خود تشريف خواهد آورد مثليكه ازعبارت درالمختار اين حكم ظاهر ميگردد: ويقوم الامام والمؤتم حين حي على الفلاح اذا كان الامام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف ينتهي اليه الامام على الاظهر [1] الخ. فقط

سوال: (۱۵۸) مقتديان وامام چه وقت به نماز استاد شوند؟ دروقت اقامت بكدام فرصت مقتديان وامام به نماز استاد شوند؟ يک مولوي صاحب در وقت حي على الفلاح استاد شدن مقتديان رامستحب ميگويد؟

جواب: در اداء كردن نماز فقهاء چنين نوشته اند كه دروقت حي على الفلاح تمام نماز خوانان حاضران مسجد استاد شوند واگر پيش از حي على الفلاح استاد شوند هم كدام اعتراض برانها وارد نميشود چرا كه به ترک مستحب وادب هيچ قسم طعن (اعتراض) شده نميتواند مگر بهتر آن است كه فقهاء نوشته اند ودرالدر المختار نوشته كرده كه اگر امام ازطرف پيش روي مقتديان به محراب بيايد وقتيكه مقتديان امام را ديدند براي نماز استاد شوند به هرحال دراين مورد هر قسم سهولت وجود دارد مگر اتباع تصريحات فقهاء اولى وافضل است. [2] فقط

سوال: (۱۵۹) بسته كردن دستهاى امام دروقت قد قامت الصلاة: اگر امام تا آخر اقامت انتظار نكند ودر وقت (قد قامت) نيت بسته كند چه قسم است؟

جواب: بهتر اين است كه بعد ازختم اقامت امام نيت خود را بسته كند واگر دروقت قد قامت الصلاة نيت بسته كند نيز جائز است در كتابهاي فقه عين اين حكم بيان شده مگر اولويت وافضليت درسخن اول است. [3]

سوال: (۱٦۰) اذان واقامت خنثى چه حكم دارد: يک شخص نه نر است ونه زن بلكه خنثى است اذان واقامت اوشرعا جائز است يا نه؟

جواب: اگر اوخنثى مشكل نباشد وعلامات مردي وذكوريت در او زياد باشد اذان واقامت ودر

---

(۱) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلاة جلداول ص٤٤٧، ط.س. ج١ ص٣١٨. ظفير

(۲) والقيام للإمام وموتم حين قيل حي على الفلاح خلافا لزفر فعنده عند حي على الصلوة ان كان الامام بقرب المحراب والا فيقوم كل صف ينتهي اليه الإمام علي الاظهر وان دخل من قدام قاموا حين يقع بصرهم عليه الا اذا قام الامام بنفسه في مسجد فلا يقفوا حتى يتم اقامته وان خارجه قام كل صف ينتهي اليه (الدر المختار على هامش ردالمحتار اداب الصلوة جلد اول ص٤٤٧، ط.س. ج١ ص٤٧٩) . ظفير

(۳) وشروع الامام في الصلوة مذ قيل قد قامت الصلوة ولو اخر حتى اتمها لاباس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو اعدل المذاهب كما في شرح المجمع لمصنفه وفي القهستاني معزيا للخلاصة انه الاصح (درمختار) لان فيه محافظه على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اداب الصلاة جلد اول ص٤٤٧، ط.س. ج١ ص٤٧٩) . ظفير

صف مردان استاد شده او جائز است [۱].

سوال: (۱٦۱) (۱) **اذان وجماعت درداخل خانه**: متصل خانه زید مسجد اهل تشیع است آنها بطریقه خود اذان ونماز میکنند دراین حال اگر زید داخل خانه خود اذان وجماعت کند وبه مسجد اهل تشیع نرود حکم آن چیست؟

سوال: (۱٦۲) (۲) **اگر درخانه جماعت کند ثواب مثل مسجد دارد یانه**؟ آیا دراین صورت ثواب جماعت مسجد برایش داده میشود یانه؟

سوال: (۱٦۳) (۳) **اگر براي عادي ساختن كودكان درخانه اذان گفته شود چی حکم است**؟ محض براي بند کردن دروازه فساد وضلالت درخانه اذان میگویند براي اینکه پسران اذان ونماز خود را فراموش نکنند چه حکم دارد؟

جواب: (۱) درخانه براي اذان هيچ ضرورت نیست مثلیکه وارد شده که اذان مسجد محله كافي است البته اقامت بگوید وجماعت بخوانند مگر در زمان موجوده اگر پسران به اذان مسجد محله اصلاح نشوند، وبغرض عادت وتعلیم انها درخانه اذان گفته شود جائز است. [۲]

جواب: (۲) ثواب مسجد برایش نخواهد بود مگر ثواب جماعت برایش داده خواهد شد. [۳]

جواب: (۳) این توجیه معقول است دراین حالت درخانه اذان کردن باكي ندارد. فقط

سوال: (۱٦٤) **اذان اهل تشیّع کافی است یا نه**؟ یک مسجد را اهل تشیع خاص براي خود شان ساخته اند وبعدا براي احناف اجازه کرد که درهمین مسجد جماعت کنند مگر اهل تشیع این قید وشرط را علاوه نمودند که در این مسجد صرف یک اذان گفته شود اگر شما اذان کردید ما اذان خودرا نمیگوئیم واگراذان ماپیشتر گفته شد دراین صورت اذان شماگفته نشود وبه همین اذان ماجماعت کنید دراین صورت نمازجماعت احناف به اذان اهل تشیع جائز است یانه؟

---

(۱) ویکره اذان جنب الخ واذان امرأة وخنثى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص٣٦٤، ط.س. ج١ ص٣٩٢) . ظ

(۲) وكره تركهما لمسافر ولو منفردا الخ بخلاف مصل ولو بجماعة في بيته بمصر او قرية لها مسجد فلايكره تركهما اذ اذان الحي يكفيه (درمختار) وعن ابي حنيفة لو اكتفوا باذان الناس اجزاءهم وقد اساؤا ففرق بين الواحد والجماعة في هذه الرواية بحر (قوله في بيته) اي فيما يتعلق بالبلد من الدار والكرم وغرهما قهستاني الخ قوله لها مسجد اي فيه اذان واقامة والا فحكمه كالمسافر صدر الشريعة (ردالمحتار باب الاذان ج١ ص٢٦٦ – ٣٦٧، ط.س. ج١ ص٣٩٤) . ظفير

(۳) والجماعة سنة موكدة للرجال الخ واقلها اثنان واحد مع الإمام الخ في مسجد او غيره (درمختار) قال في القنية واختلف العلماء في اقامتها في البيت والاصح انها كاقامتها في المسجد الافي الافضلية اهـ (ردالمحتار باب الامامة جلد اول ص ٥١٥ – ٥١٧، ط.س. ج١ ص٥٥٣) محمد ظفير الدين غفرله

جواب: به اذان اهل شیعه سنت اذان اداء شده نمیتواند لهذا موافق اهل سنت والجماعت دوباره اذان ضرور است واین قید وشرط اهل شیعه را قبول نکنند وقبل از هر نماز اذان خود را بکنند اگر اهل شیعه قبول نکنند درمسجد آنها نماز خوانده نشود زیرا که اذان في جمله شعائر اسلام است ترک کردنش جائز نیست چونکه اذان اهل شیعه درشریعت اعتبار ندارد لهذا کالعدم است یعني اذان آنها چنان است مثلیکه هیچ اذان نشده باشد بلکه بعض کلمات اذان أهل شیعه گناه ومعصیت است که خود داري واجتناب ازآن لازم است. [1] فقط

سوال: (١٦٥) **<u>در الله اکبر حرکت حرف (راء)</u>:** درازان واقامت وتکبیرات لفظ الله اکبر الله اکبر ودرحالت وصل حرکت حرف راء باید مفتوح خوانده شود یا مضموم در ردالمحتار فتحه راسنت گفته؟

جواب: راء الله اکبر اولی را ساکن یامفتوح بخواند وراء الله اکبر دوم را ساکن بخواند یعنی واگر درالله اکبر اول وقف کند راء کلمه اکبر را ساکن بخواند واکبر الله اکبر اول را به الله اکبر دوم وصل کند راء الله اکبر اول را مفتوح بخواند مثلیکه درشامي ذکر شده کما في الشامي وحاصلها ان السنة یسکن الراء من الله اکبر الي الاول ووصلها به الله اکبر الثاني فان سکنها کفی وان وصلها نوی السکون فحرک الراء بالفتحة فان ضمها خالف السنة لان طلب الوقف علی اکبر الاول صیره کالساکن اصالة فحرک بالفتح الخ شامي [2] رسالة السید عبد الغني. فقط

سوال: (١٦٦) **<u>ازبسته شدن دستار امام تکبیر پیش ختم شد آیا دوباره تکبیر گفته شود؟</u>**

امام برجاي نماز استاد بود دستار ویا رومال خود را بسته میکرد که مؤذن اقامت را ختم کرد امام به مؤذن گفت که دوباره تکبیر بگوئید آیا به اقامت ضرورت بود یا نه؟

جواب: دراین صورت به تکبیر دوباره ضرورت نبود. [3] فقط

---

(1) الاذان سنة لاداء المکتوبات بالجماعة الخ الاذان خمس عشرة کلمة واخره عندنا لا اله الا الله وهي الله اکبر الله اکبر الخ (عالمکیري مصري الباب الثاني في الاذان جلد اول ص٥٠ – ٥٢، ط. ماجدیة ج١ ص٥٦) قوله کالواجب بل اطلق بعضهم اسم الواجب علیه لقول محمد لو إجتمع اهل بلده علی ترکه قاتلتهم علیه ولو ترکه واحد ضربته وحبسته الخ والقتال علیه لما انه من اعلام الدین وفي ترکه استخفاف ظاهر به الخ (ردالمحتار باب الاذان ج١ ص٣٦٧، ط.س. ج١ ص٣٨٤) . ظفیر

(2) رد المحتار. باب الإذان جلد اول ص٣٥٩، ط.س. ج١ ص٣٨٦. ظفیر

(3) صلی السنة بعد الاقامة او حضر الامام بعدها لا یعیدها بزازیه. وینبغي ان طال الفصل او وجد مایعد قاطعا کاکل أن تعاد (درمختار) اقول قال في اخر شرح المنیة اقام الموذن ولم یصل الامام رکعتي الفجر یصلیهما ولا تعاد الإقامة لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیر مما یقطع المجلس في سجدة التلاوة اهـ (ردالمحتار باب الاذان ج١ ص٣٧١ – ٣٧٢، ط.س. ج١ ص٤٠٠). ظفیر

سوال: (۱٦۷) **اگر شخص بالغ نباشد اذان نابالغ جائز است یانه** ؟ اذان پسر نابالغ در موجودیت شخص بالغ ویا نبودن شخص بالغ جائز است یانه درهر دو صورت از حکم ما را معزز فرمائید؟

جواب: اذان پسر نابالغ مکروه تنزیهي است درهـر دوصورت یک حکم است اذان اداء میشود مگر باکراهیت تنزیهي ودراین باره تفصیل این است که اذان نابالغ مراهق مکروه تنزیهي است (۱) واذان پس صغیر غیر عاقل مکروه تحریمي است کذا في الشامی. (۲)

سوال: (۱٦۸) **تکبیر ازکدام طرف گفته شود؟** آیا اقامت گفتن به طرف چپ جائز است یا صرف بطرف راست گفته شود؟

جواب: اقامت هم بطرف راست جائز است وهم بطرف چپ براي اقامت شرعا کدام جاي مخصوص تعین شده است. فقط

سوال: (۱٦۹) **اگر بعد از اقامت درشروع جماعت تآخیر بیاید آیا اقامت اعاده شود؟** بعد از اقامت امام جماعت نان خورد یا با وقت زیاد مشغول سخن بود دراین صورت برای شروع نماز به اعاده اقامت ضرورت است یانه؟

جواب: از این عبارت شامي معلوم میشود که درصورت مسئوله اعاده اقامت کرده شود عبارت این است: لان تکرارها غیر مشروع اداء لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیر (۳) در این صورت تنها قصور امام نیست بلکه اقامت کننده هم قاصر است که عمل او موجب تأخیر نماز شده است.

سوال: (۱۷۰) **اگرجاهلان باشند وهرکدام نماز خود را انفرادي بخواندآیا اذان برای شان نیست؟** درمسجد چند جهلاء باهم جمع شده اند هیچ کدام آنها قابل نیست هرکدام جدا نمازمیخوانند دراین حال اذان کردن ضرور است یانه؟ نماز به جماعت اداءکنند یاانفرادي صحیح

---

(۱) ویجوز بلا کراهة اذان صبي مراهق (درمختار) المراد به العاقل وان لم یراهق کما هو ظاهر البحر وغیره، قوله بلاکراهة اي تحریمیة لان التنزیهیة ثابتة لما في البحر عن الخلاصة ان غیرهم اولی منهم آهـ اقول وقدمنا اول کتاب الطهارة الکلام في ان خلاف الاولی مکروه الخ (ردالمحتار باب الاذان ص۳٦۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۱). ظفیر

(۲) ویکره اذان جنب الخ وسکران ولو بمباح کمعتو وصبی لایعقل (درمختار) وظاهره ان الکراهة تحریمیة (ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳٦٤، ط.س. ج۱ ص۳۹۲) . ظفیر

(۳) ردالمحتار باب الاذان ص۳۷۲ ج۱. به درمختار کي دي: وینبغي ان طال الفصل او وجد مایعد قاطعا کاکل ان تعاد (ایضا ص۳۷۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۹). ظفیر

است؟

جواب: درحالت مذکوره اذان ترک نشود جماعت باشد ویا نباشد [۱] اول اینکه جماعت کردن ضرور است اگر کسي لائق ومناسب امامت باشد یا نباشد امامت جاهلان براي جاهل جائز است [۲] جماعت سنت مؤکد به واجب نزدیک است بدون عذر شرعي جماعت ترک نشود. فقط

سوال: (۱۷۱) **درصورت تکرار جماعت اقامت گفته شود یانه؟** اگر دریک مسجد جماعت اول اداء شده باشد اگر جماعت دوم در آن کرده شود آیا برای جماعت دوم اقامت گفتن ضرور است یا نه؟

جواب: اگر امام ومؤذن معین در این مسجد مقرر نباشند دراین صورت جماعت دوم دراین مسجد جائز است واقامت گفته شود [۳] والله اعلم.

سوال: (۱۷۲) **دراذان درعوض حی علی الفلاح گفتن حی علی خیر العمل چی قسم است؟** در اذان پنج وقته درعوض حي علی الفلاح گفته حي علی خیر العمل جائز است یا نه؟ ودر این باره عمل متقدمین ومتأخرین چه قسم است؟

جواب: درهیچ کدام اذان درعوض حي علی الفلاح حي علی خیر العمل جائز نیست درتمام احادیث مربوطه اذان حي علی الصلاة وحي علی الفلاح وارد شده در اذان ملک نازل شده هم لفظ حي علی خیر العمل وجود ندارد [۴] وهمان اذان فرشته نازله از رسول الله تا آخر ثابت وقائم مانده است وبه همین اذان تمام اصحاب وتمام امت عمل میکردند وپیدا کردن یک سخن که بخلاف سنت متوارثه وخلاف اجماع امت باشد سراسر گمراهي وضلالت است من شَذَّ شُذَّ في النار [۶] در حدیث شریف وار شده، ومسلک وطریقه تمام اماـمان دین همین است هیچ کس در

---

(۱) الاذان سنة للصلوة الخمس والجمعة لاسواها (هـدايه باب الاذان ج۱ ص۸۲). ظفير

(۲) امامة الامي قوما اميين جائزة كذا في سراجية (عالمكيري مصري باب الامامة ص۸۰ ج۱، ط. ماجدية ص۸۵ ج۱). ظفير

(۳) بل يكره فعلهما وتكرار الجماعة الا في مسجد على طريق فلاباس بذلک (درمختار) قوله الا في مسجد على طريق هو ما ليش لـه امام ومؤذن راتب فلا يكره التكرار فيه بآذان او اقامة بل هو الافضل خانيه (ردالمحتار، باب الأذان مطلب في تكرار الجماعة في المسجد ص۳۶۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) . ظفير

(٤) مشکوة باب الاذان ص۶۳ – ٦٤، را مطالعه کنید، وهمچنان در حدیث شریف صراحت شده که کدام اذان را نبی کریم ﷺ به مسلمانان واصحاب تعلیم کرده وکلمات آن را نشان داده در تمام آن حيٌ علی الفلاح است، عن ابی محذورة قال القي عليٍ رسول الله التاذين هو بنفسه فقال قل: الله اكبر، الله اكبر، الله اكبر الله اكبر اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله اشهد ان محمدا رسول الله، حي على الصلوة، حي على الصلوة، حي على الفلاح، حي على الفلاح الخ رواه مسلم (ايضا) . ظفير

(٥) مشكوة عن الترمذي، باب الإعتصام بالكتاب والسنة ص۳۰. ظفير

این خلاف نکرده بدون روافض [1] خذلهم الله. فقط

سوال: (۱۷۳) **اگر شخص بلند اواز نباشد شخص پایین اواز اذان بگوید یانه؟** اگر شخص بلند اواز دروقت اذان موجود نباشد ومؤذن معین مسجد هم حاضر نباشد در این صورت اذان شخص کم اواز جائز است یا تا آخر وقت نماز به شخص بلند اواز انتظار کنند؟

جواب: جهر اواز مؤذن مستحب است براي انتظار مؤذن تأخير نماز تا آخر وقت جائز نيست، قال النبي ﷺ: الوقت الاول رضوان الله تعالى [2] الحديث. فقط

سوال (۱۷٤) **براي ثبوت اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست هيچ ثبوت نيست:** اقامت بطرف راست ضرور است يا بطرف چپ يک صاحب ميگويد که اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست را رسول الله ﷺ عملي كرده ودراين عمل ثواب زياد است ودر عمل برعكس ثواب كم ميشود شخص ديگري ميگويد كه هر دوطرف تفاوت ندارد حكم هر دو طرف برابر است وتعين كردن جاي اذان واقامت بدعت است چرا كه تعين جاي براي اذان واقامت ثابت نشده؟

جواب: اين شهرت بي اصل است درشريعت اين حكم هيچ موجود نيست، كه اذان بطرف چپ واقامت بطرف راست مسجد گفته شود بلكه به هرطرف كه اتفاق افتد به همان طرف جائز است، هيچ طرف كدام كراهيت نيست كسي كه درطرف راست ثواب را زياد ميداند از او سوال شود كه آيا شما درفقه كدام تصريح را مشاهده كرده ايد آيا دركدام حديث اين ثبوت موجود است؟ اين يک سخن جدا است كه استاد شدن مقتدي بطرف راست صفت ثواب زياد درحديث ثابت شده مگر ثواب زيادي دراقامت راست هيچ از نظرم نگذشته. فقط والله اعلم

سوال: (۱۷۵) (۱) **درنماز جمعه كدام شخص اقامت بگويد وقتيكه اذان اول را يک نفر واذان دوم را شخص ديگرى گفته باشد؟** در روز جمعه اذان اول را يک نفر گفت واذان دوم خطبه را شخص ديگرى گفت دراين صورت اقامت گفتن حق كدام شخص است؟

سوال: (۱۷٦) **وقتيكه اذان يا اقامت راغلط بگويد اعاده دوباره آن ضرور است يانه؟** اگر

---

(٦) مشكوة عن الترمذي باب تعجيل الصلوة ص٦١. ظفير

(١) في شرح المهذب للشافعية يكره ان يقال في الاذان (حي على خير العمل) لانه لم يثبت عن النبي ﷺ والزيادة في الاذان مكروهة وقد سمعناه الاذان عن الزيدية ببعض البلاد (البحر الرائق، باب الاذان ج١ ص٢٧٥، ط.س. ج١ ص٢٦١) . ظفير

(٢) مشكوة عن الترمذي باب تعجيل الصلوة ص٦١. ظفير

یک نفر تکبیر یا اذان را غلط بگوید دوباره آن را اعاده کند یانه؟

جواب: (۱) در هردوي این دو نفر مؤذن که هرکدام بخواهد اقامت رابگوئید. [۱]

جواب: (۲) اذان واقامت دوباره اعاده گردد. [۲] فقط

سوال: (۱۷۷) **درااذان به وقت محمد رسول الله درود گفتن چه حکم دارد؟** درداخل اذان دروقت محمد رسول الله درود گفتن چه حکم دارد؟

جواب: کسي که دراذان نام رسول الله را بشنود دراین وقت گفتن درود شریف مستحب است وقتیکه از مؤذن کلمه اشهد أن محمد رسول الله رابشنود شنونده این کلمه را هم بگوید وصلی الله علیه وسلم راهم بگوید. [۳]

سوال: (۱۷۸) (۱) **اگر درپای کسی پیزار باشد اذان گفتن اوچه حکم دارد؟** همراه پیزار اذان کردن جائز است یانه؟

سوال: (۱۸۹) (۲) **اذان شخص بی وضوء جائز است یا نه؟** بدون وضوء اذان جائز است یا نه؟

جواب: (۱) جائز است. [۴]

جواب: (۲) جائز است مگر بهتر این است که بوضوء اذان بگوید. [۵]

---

(۱) وفي الفتاوی الظهيرية والافضل ان يكون المقيم هو المؤذن ولو اقام غيره جاز (البحر الرائق باب الاذان جلد اول ص ۲۷۰ – ۲۷۱، ط.س. ج۱ ص۲۵۷) پس معلوم شد که اقامت گفتن مؤذن بهتر است ودر روز جمعه اذان دوم اصل است که در وی منبر گفته میشود: واختلف في المراد بالاذان الاول فقيل الاذان الاول باعتبار المشروعية وهو الذي بين يدي المنبر لانه الذي كان اولاً في زمنه عليه السلام وزمن ابي بكر وعمر حتى احدث عثمان الاذان الثاني على الزوراء حين كثر الناس والاصح انه الاول باعتبار الوقت (غنية المستملي فصل في الجمعة ۵۱۹) باين خاطر کسی که پیش روی منبر اذان بگوید در اقامتِ حق اولیت دارد، والله اعلم. ظفیر

(۲) اذان غلط که سنت به گن اداء نشود دوباره اعاده شود مثلیکه اذان پسر غیر عاقل اعاده میشود، وصبي غير عاقل اذان أذن يجب دن يعاد لعدم حصول المقصود الخ ولو قدم في اذان واقامة شيئا على محله يعود الى الترتيب ولايستأنف غنية المُستملي: ص ۳۶۱. ظفير

(۳) به جواب دادن به کلمه اشهد أن محمدا رسول الله دراذان به اشهد أن محمدا رسول الله، صراحت شده حدیث مسلم است که پاک حضرت فرموده است اذا قال المؤذن الله اكبر، الله اكبر فقال احدكم الله اكب، ا لله اكبر، ثم قال اشهد أن لا اله الا الذى، قال: أ شهد أن لا اله الله، ثم قال أشهد أن محمدا رسول الله، قال أ شهد أن محمدا رسول الله، الحديث. مشكوة باب فضل اذان واجابة المؤذن فصل اول البته بعد ازختم اذان حکم درود خواندن است ارشاد نبوي است اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل مايقول ثم صلوا على فانه من صلى عليه صلاة صلى انه بها عشرا الخ رواه مسلم ايضا والله اعلم. ظفير

(۴) وينبغي لداخله تعاهد نعله وخفه وصلاته فيهما افضل (درمختار) قوله وصلاته فيهما اي في النعل والخف الظاهرين افضل مخالفة لليهود وفي الحديث صلوا في نعالكم ولا تشبهوا باليهود رواه الطبراني (ردالمحتار مطلب في احكام المسجدص۶۱۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۵۷) وقتیکه نماز جائز شد پس اذان بدرجه اولی جائز است، والله أعلم. ظفير

(۵) ويكره اذان جنب واقامة محدث لا اذانه (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الاذان ص۴۰۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۲) . ظ

سوال: (۱۸۰) <u>اگر شخص غیرمقلد برای نماز اقامت بگوید آیا درنماز کدام نقصان پیش نمیشود</u>؟ اگر شخص غیر مقلد بدون اجازه مؤذن اذان خطبه روز جمعه را به این طریقه بگوید که درعوض دو کلمه صرف یک کلمه ودرعوض چهار کلمه دوکلمه بگوید وبعدا مؤذن مقلد اذان گفت دراین صورت درنماز احناف کدام نقصان پیش شد یانه؟

جواب: دراین صورت در نماز احناف کدام فرق ونقصان نیامد وشخص غیر مقلد که به اثر ضد با رسوم اذان گفت عمل بد کرد او گناهکار شد ازجهت اینکه درکار دین از ضد ونفسانیت کار میگیرد. فقط

سوال: (۱۸۱) <u>اگر دراقامت وقت تیر شود ضرورت اعاده اقامت است یانه</u>؟ اگر بعد از اقامت امام به خوردن نان مشغول شد یا با وقت زیاد به سخن مشغول شد دراین صورت دروقت استاد شدن به جماعت اعاده اقامت ضرور است یانه؟

جواب: ازعبارت شامي معلوم میشود که دراین صورت اقامت اعاده شود: لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر وعمل کثیرج۱ ص۳۷۲ ودر این صورت گناه امام وگناه اقامت گوینده مساوی است که هردو قصور نمودند واز وقت معین نماز مؤخر کردند ومؤذن بدون احضار امام اقامت گفته. [1]

سوال: (۱۸۲) <u>بدون اجازه امام متعین امامت واذان جائز است یانه</u>؟ بدون اجازه امام مسجد ومؤذن مسجد اذان کردن وامامت در همین مسجد جائز است یانه؟

جواب: بدون اجازه امام ومؤذن مقرر شده اذان گفتن وامامت مکروه است واز این عمل اجتناب مناسب است. [2]

---

(۱) صلی السنة بعد الاقامة او حضر الامام بعدها لایعیدها بزازیه وینبغي ان طال الفصل او وجد ما یعد قاطعا کاکل ان تعاد (درمختار) قال في اخر شرح المنیة اقام المؤذن ولم یصل الامام رکعتي الفجر یصلیها ولاتعاد الاقامة لان تکرارها غیر مشروع اذا لم یقطعها قاطع من کلام کثیر اوعمل کثیر مما یقطع المجلس في سجدة التلاوة آه (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۷۱ – ۳۷۲، ط.س. ج۱ ص۴۰۰) . ظفیر

(۲) قال رسول الله ﷺ لا یؤم الرجل في سلطانه ولا یقعد في بیته علی تکرمته الاباذنه رواه مسلم (مشکوة باب الامامة) وصح عن ابن عمر ان امام المسجد مقدم علی غیر السلطان (الی قوله) ولا علی امام الحي ورب البیت الا بالاذن قاله الطیبي (مرقات جلد اول ص۹۰) اقام غیره ای المؤذن إن أذن بغیبته اي المؤذن لایکره مطلقا وان بحضوره کره ان لحقه وحشة کما کره مشیه في اقامته (درمختار) قوله ان لحقه وحشة اي بان لم یرض به وهذا اختیار خواهر زاده ومشی علیه في الدرر والخانیة لکن في الخلاصة ان لم یرض به یکره وجوب الروایة انه لاباس به مطلقا آهـ قلت وبه صرح الامام الطحاوي في مجمع الاثار معزیا الی ائمتنا الثلاثة وقال في البحر ویدل علیه اطلاق قول المجمع ولا نکرهها من غیره فما في شرحه لابن ملک انه لو حفر ولم یرض یکره اتفاقا، فیه نظر آهـ وکذا یدل علیه اطلاق الکافي معللا بان کل واحد ذکر فلا باس بان یاتي بکل واحد رجل اخر ولکن الافضل ان یکون المؤذن هو المقیم اهـ اي لحدیث من اذن فهو یقیم وتمامه في حاشیة نوح (رد المحتار، =

سوال: (۱۸۳) **اذان صبح چی وقت گفته شود؟** بعض مردم به چهار بجه صبح اذان میکنند اذان صبح درکدام وقت مناسب است؟

جواب: وقت اذان صبح بعد ازطلوع صبح صادق، ضرور میشود دراین زمان صبح صادق پنج بجه میشود پیش از این اذان دادن جائز نیست واگر پیش از دخول وقت اذان گفته شود اعاده آن لازم است در الدرالمختار گفته: فیعاد اذان وقع قبله [۱] الخ ص۴۰۰ جلد اول شامي در الدر المختار نیز آمده: وانما یستحق ثواب المؤذنین اذا کان عالما بالسنة والاوقات [۲] یعني ثواب اذان درآن وقت حاصل میشود که بخواهد اذان را به طریقه سنت بگوید ووقت را بشناسد. فقط

سوال: (۱۸۴) (۱) **اذان بدون ترجیع بهتر است:** اذان بدون ترجیع بهتر است یا با ترجیع؟

سوال: (۱۸۵) (۲) حدیث سنن ابي داود که در روز جمعه اذان دوم به دروازه مسجد درآن ثبت شده آن حدیث صحیح است یا ضعیف یا چه درجه دارد؟

جواب: (۱) به نزد احناف دراذان ترجیع نیست درالدر المختار فرموده است که ترجیع مکروه است: ولا ترجیع فانه مکروه ملتقی، شامي فرموده: که مراد از آن مکروه تنزیهي است واین قسم نیز درشامي آمده: لاتفاق الروایات علی ان بلالا لم یکن یرجع وما قیل انه رجع لم یصح او لانه لیس في اذان الملک النازل من السماء بجمیع طرقه [۳] الخ.

جواب: (۲) اذان دوم روز جمعه درنزدیک منبر پیش روي خطیب مسنون است در الدر المختار ذکر شده: ویؤذن ثانیا بین یدیه اي الخطیب الخ اذا جلس علی المنبر قوله: ویؤذن ثانیا بین یدیه [۴] الخ اي علی سبیل السنة [۵] پس براي احناف براي مقلدین به آن تحقیقات ضرورت نمیباشد موافق کتابهاي فقه عمل کردن مناسب است.

سوال: (۱۸۶) **جواب اذان خطبه:** علماء این ومفتیان شریعت چهٔ میفرمایند که ایا جواب دادن اذان خطبه جائز است یانه؟

= باب الاذان جلد اول ص۳۶۷، ط.س. ج۱ ص۳۹۵) . ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الاذان جلد اول ص۳۵۸، ط.س. ج۱ ص۳۸۵. ظفیر

(۲) ایضا ص۳۶۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۲. ظفیر

(۳) ردالمحتار ج۱ ص۳۵۹، ط.س. ج۱ ص۳۸۶، باب الاذان مع هامشه. ظفیر

(۴) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار ج۱ ص۷۷۰، ط.س. ج۲ ص۱۶۱ باب الجمعة. ظفیر

(۵) ردالمحتار باب الجمعة جلد اول ص۷۷۰. ظفیر

جواب: جائز نیست كما في الدر المختار وينبغي ان لايجيب بلسانه اتفاقا في الاذان بين يدي الخطيب. [۱] فقط والله اعلم

سوال: ۱۸۷) **برای خبر کردن اهل نماز در مسجد نغاره زدن چی حکم دارد؟** براي احضار اهل نماز نغاره زدن در مسجد چه حکم دارد؟

جواب: اذان بگويد [۲] نغاره براي احضار مردم در داخل مسجد جائز نيست.

سوال: (۱۸۸) **به شنیدن کلمه محمد رسول الله بوسه کردن انگشت کوچک چه حکم دارد؟** به شنيدن كلمه اشهد ان محمدا رسول الله گفتن قرة عيني بک يا رسول الله وبوسه كردن انگشت وماليدن آنگشتان به چشم چه حکم دارد؟

جواب: بعض فقهاء نوشته اند که به شنيدن اشهد أن محمدا رسول الله، يا رسول الله قرة عيني بک، مستحب است وبعض روايات را نيز در اين باره نقل کرده اند که ثابت نيست واز قول وفعل رسول الله ﷺ وقول وفعل اصحاب اين عمل ثابت نشده لهذا ترک اين عمل احوط است، دروقت اذان که کدام کلمات از روايات احاديث منقول است عمل کردن به همان کلمات مناسب است واحداث دردين نکند فقط اين جواب صحيح است به متعلق اين سوال خود را با اين نكته هم بفهمانند كه بعض احاديث موقوفه نيز در اين باب آمده است قطع نظر از صحت اسناد آن را اين جا دو سخن قابل لحاظ است يک سخن اين است که دراين روايات اين عمل يعني بوسه کردن انگشتان وگفتن کلمة قرة عيني بک يا رسول الله بطور علاج وحفاظت از درد چشم آمده است که در کار نبوي ممنوع است دراين هيچ ثواب، فضيلت وغيره نيست حالا مردم نيز به گمان اينکه اين يک عمل ديني وقابل ثواب وتعظيم است عملي ميکنند وعلاج وتداوي بدني را عبادت گفتن بدعت است از اين جهت عملي کردن اين سلسله به اعتقاد عبادت بدعت ميباشد دوم اينکه التزام ومواظبت آن درعمل وعقيده وتارک اين عمل وعقيده را مطعون وملامت ميدانند. [۳] فقط کتبه مولانا محمد اشرف علي تهانوي مد ظله.

سوال: (۱۸۹) **عدد ازاذان اواز کردن به مقتديان چه حکم دراد؟** دراين عصر وزمان حالت

---

[۱] الدر المختار مجتبائی، باب الاذان جلد اول ص۳٦٥، ط.س. ج۱ ص۳۹۹. ظفير

[۲] لان الاذاني من إعلام الدين، كبيري ص۳٥۷. ظفير

[۳] وفي الشامي ص۲۹۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۹۸: يستحب ان يقال عند سماع الاولى من الشهادة صلى الله عليک يارسول الله وعند الثانية قرة عيني بک يارسول الله الى قوله وذكر ذلک الجراحي واطال ثم قال ولم يصح في المرفوع من كل هذا شيئ الخ. محمد جبل الرحمن

عوام بسیار خراب است اگر امام انتظار آنها را نکند بسیار تکلیف میدهند اگر امام جماعت بکند وبعض مردم ازجماعت بماند به امام سخت تکلیف میدهند دراین صورت یک طالب علم گفت که تثویب طریقهٔ مسنونه است، دروقت نماز که تمام مقتدیان حاضر شود در این وقت امام خواسته میشود واین طریقه جاري شده علما متأخرین است که بعد از اذان وپیش از اقامة به منارهٔ مسجد بالا میشود وبه مقتدیان اواز میکند واین هم ثابت است که حضرت بلال ﷺ دربین اذان واقامت رسول الله را به مسجد وجماعت دعوت مي نمود: ان بلال کان یجيء بباب النبي ﷺ بین الاذانین ویؤذنه بالصلاة دراین قسمت به ما قول فیصل تحریر فرمائید؟

جواب: در الدر المختار ذکر شده: ویثوب بین الاذان والاقامة في الکل للکل "در المختار" قوله في الکل اي کل الصلاة لظهور التواني في الامور الدینیة قال في العنایة احدث المتاخرون التثویب بین الاذان والاقامة علی حسب ما تعارفوه في جمیع الصلاة سوی المغرب مع ابقاء الاول یعني الاصل وهو تثویب الفجر وما رآه المسلمون حسنا فهو عند الله حسن شامي قوله للکل اي کل واحد وخصه ابو یوسف بمن یشتغله بمصالح العامة کالقاضي والمفتي والمدرس واختاره قاضي وغیره نهر [1] از این عبارت معلوم شد که تثویب از احداث متأخرین است، وامام ابو یوسف تثویب را براي قاضي ومفتي مخصوص کرده است پس اجتناب از این عمل بهتر است واگر کدام ضرورت خاص باشد درآن وقت جائز است.

سوال: (۱۹۰) **اذان پسر دوازده ساله جائز است یانه؟** اگر پسر دوازده ساله اذان بگوید کدام حرج است یانه؟

جواب: هیچ حرج نیست. [2] فقط والله اعلم

سوال: (۱۹۱) **برای نماز جمعه اواز کردن مؤذن ثابت است یانه؟** برای سنت روز جمعه درمساجد منطقه گجرات صلاة سنت قبل الجمعه را همیشه به آواز بلند میگوید وبدون این اواز سنت قبل الجمعه را مردم نمیخواند وبرای این نماز قبلا مردم درمسجد جمع میشوند وانتظار میکنند تا اینکه مؤذن این صلاة را بگوید وقتیکه مؤذن این اواز بلند کند که الصلاة قبل الجمعه

---

(۱) مطالعه کنید: ردالمحتار باب الاذان ص۳۶۱ – ۳۶۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۸۹. ظفیر

(۲) ویجوز بلاکراهة اذان صبی مراهق اهـ (درمختار) المراد به العاقل وان لم یراهق کما هوظاهر البحر وغیره وقیل یکره لکنه خلاف ظاهر الروایة کما في الامداد وغیره اهـ (ردالمحتار باب الاذان ص۳۶۳ – ۳۶۴، ط.س. ج۱ ص۳۹۱) . ظفیر

بعد از آن مردم وابتداء این صلاة سنت از کجا شروع شده است؟ واگر این صلاة سنت قبل الجمعه گفته نشود وسنت جمعه را بخوانند آیا سنت جمعه صحیح میشود دراین صورت این اشخاص نجدی، وهابی میشوند یانه وآیا ازمذهب حنفی واسلام خارج میشوند یانه؟ وبی ایمان ودین میشوند یانه؟ آیا تثویب که فقهاء آن را مستحسن گفته است صرف برای نماز فرض مخصوص است یا برای سنت قبل الجمعه هم مستحسن است آیا صلاة مذکوره در شریعت محمدی ثابت است؟ ازکتابهای معتبر حنفی ثبوت صلاة مذکور با دلائل شرعی ونقل اصل عبارت ونام کتابهای مستند ونام مصنف کتاب وغیره را بطور واضح به ما تحریر واجر عظیم را حاصل نمائید.

جواب: براي دعوت صلاة سنت قبل الجمعه هیچ ضرورت نیست بلکه بعد از زوال وقتیکه اذان اول جمعه گفته شود براي نماز گذاران مناسب است که خود شان صلاة قبل الجمعه را اداء کنند بدون اینکه اواز براي شان کرده شود سنت شان اداء میشود وبه ترک این اواز ویا به سنت خواندن پیش از این اواز هیچ غیر مقلد میشود واین خیالات وافکار جاهلان است وتثویب که بعض فقهاء [1] در بعض نمازها براي بعض اشخاص آن را مستحب گفته خاص براي فرائض بود متروک شده از اینکه خلاف سنت است واصحاب [2] کرام ازآن انکار کرده اند [3] فقط کتبه عزیز الرحمن عفي عنه مفتي مدرسه عالیه دیوبند.

سوال: (١٩٢) دروقت اذان انداختن انگشتان خاص برای اذان مسجد است ویا برای هر اذان؟ داخل کردن دو انگشتان سبابه در گوشها مخصوص اذان مسجد است ویا درهمه اذانهاي بدون مسجد هم مستحب است؟

جواب: براي همه اذانهاي مستحب است کما هو مفاد الاطلاق. [4] فقط

([1]) یعنی من المتاخرین کما في الهداية وغیرها و الا فالمتقدمون من فقهاء الحنفية منعوا عنه کما ني کتب الفقه وللفاضل اللکنوي فیه رسالة مستقلة (التحقیق العجیب في التثویب) فراجعها. ظفیر

([2]) کعلی وابن عمر رضی الله عنهم کما في کتب الحدیث. ظفیر

([3]) والتثویب في الفجر حي على الصلوة حي على الفلاح بین الاذان والاقامة حسن لانه وقت نوم وغفلة وکره في سائر الصلوت ومعناه العود الى الاعلام وهو على حسب ماتعارفوه هذا تثویب احدثه علماء الکوفة بعد عهد الصحابة لتغیر احوال الناس الخ والمتاخرون استحسنوه في الصلوة کلها لظهور التواني في الامور الدينية وقال ابویوسف لا ارى بأسا ان یقول الموذن الخ واستبعده محمد لان الناس سواسية في امرالجماعة الخ (هدایه، باب الاذان ص٨٤ ج١) . ظفیر

([4]) ویجعل ندبا اصبعیه في صماخ اذنیه فاذانه بدونه حسن وبه احسن (درمختار) لقوله ﷺ لبلال رضي الله عنه اجعل اصبعیک في اذنیه فانه ارفع =

سوال: (۱۹۳) (۱) **برای نماز قضائی حکم اذان واقامت چیست، آیا زن ومرد درحکم اذان واقامت یک تفاوت دارند یانه؟** براي نماز قضائي اذان واقامت ضرور است ويانه؟ دراين حكم زن ومرد چه فرق دارند يانه؟

سوال: (۱۹٤) (۲) **برای نماز درخانه ودوکان وجنگل اذان گفته شود ویانه؟** اگر كسى نماز پنجگانه را در دوكان يا خانه يا جنگل ميخواند اذان واقامت بگويد يانه؟

جواب: (۱) اگر نماز قضائي را در بيرون مسجد به جماعت ميخوانند دراين صورت اذان واقامت بگويند ونماز قضائى را در مسجد ميخوانند دراين صورت اذان واقامت را نگويند وبراي زنان اذان واقامت نيست. [1]

جواب: (۲) اگر درجنگل، خانه ويا دوكان نماز قضائي را به جماعت ميخوانند اذان واقامت بگويند براي تنها گذار ضرور نيست اگر بگويد كدام حرج نيست.

سوال: (۱۹۵) **پیش از اذان دوم استووا رحمکم الله چه دارد؟** پيش از اذان خطبه استووا رحمكم الله چه حكم دارد؟

جواب: به گفتن اين كلمات كدام ضرورت نيست واگر امام دروقت تكبير تحريمه اين كلمات را بگويد باک ندارد.

سوال: (۱۹٦) **دروقت اذان سلام دادن به موذن وشنونده چه حکم دارد؟** در حالت اذان براي مؤذن وشنونده اذان سلام داد چه حكم دارد؟

جواب: درحالت إذان براي مؤذن سلام دادن مكروه است وجواب سلام برمؤذن لآزم نيست اگر در حالت اذان بدون مؤذن براي كسي ديگري سلام داده شود مكروه نيست كما في الشامي في جلد اول: وحاصلها انه ياثم بالسلام على المشغولين بالخطبة الخ او الاذان والاقامة [2] فقط وهكذا في الكبيري للعلامة الحلبي:ص۳٦۳ قال وفي التجنيس لايكره الكلام عند الاذان بالاجماع

= لصوتک (ردالمحتار، باب الاذان ج۱ ص۳٦۰، ط.س. ج۱ ص۳۸۸) . ظفير

(۱) وفي العالمگير ية ج۱، باب الاذان: والضابطة عندنا ان كل فرض اداءاً كان او قضاءاً يوذن له ويقام سواء اداه منفردا او بجماعة الا الظهر يوم الجمعة في المصر الخ وان قضوها بعد الوقت قضوها في غير ذلک المسجد باذان واقامة الخ وليس على النساء اذان ولا اقامة وفي الشامي ص٤۰٥ لو .ذن لنفسه خافت الخ وفيه لا (يسن) فيما يقضى من الفوائت في مسجد الخ ص٤۰۹ بخلاف مصل ولو بجماعة في بيته بمصر او بقرية لها مسجد فلايكره تركهما اذ اذان الحي يكفيه لان اذان المحلة واقامتها اذانه واقامته الخ وفيه ص ٥۹۰ تكره تحريما جماعة النساء. ظ

(۲) ردالمحتارباب مايفسدالصلوة مطلب الموضع التي لايجب فيها ردالسلام ص٥۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٦۱۸. ظفير

الخ. جمیل الرحمن

سوال: (۱۹۷) **بعد ازشروع اذان رفتن برای قضاء حاجت خورد وکلان چه حکم دارد؟**
بعد از شروع اذان رفتن به قضاء حاجت خورد وکلان جائز است یا نه یا وقتیکه اذان شود بعد ازین برود واگر بول به شدت اورا گرفته باشد چه حکم است؟

جواب: اگر زیاد ضرور باشد فورا حاجت خود را رفع کند انتظار ختم اذان را نکند واگر ضرورت بسیار شدید نبود بهتر است که بعد ازختم اذان به قضاء حاجت برود. (۱)

الباب الثالث في شروط الصلاة

فصل اول دربیان طهارت

سوال: (۱۹۸) **اگر استخوان باخه یاکجور درکدام حصه بدن خود محکم کند نماز با آن چه حکم دارد؟** اگر استخوان کجور را به کدام حصه بدن خود محکم کند نماز خواند با آن جواز دارد یانه؟

جواب: سخن واضح این است که نماز با آن جواز دارد زیرا که استخوان او پاک است اگر چه گوشت او حلال نیست.

سوال: (۱۹۹) **به کدام کامیکه جانور مأکول اللحم ویا سرگین کند نماز کردن برآن جائز است ویانه؟** اگر گاو وگاومیش وغیره حیوانات مأکول اللحم در وقت خرمن کوبي وغیره برگیاه قطعه شده بول وسرگین کند دراین صورت نماز خواندن برآن جائز است یانه؟

جواب: صورت پاک شدن آن را فقهاء چنین نوشته اند که یک حصه آن یعني گندم، جو، شالي وغیره از آن جدا شود دراین صورت هر دو حصه پاک میشود، یعني کدام حصه که جدا ویا کدام حصه که باقي مانده هر دو حصه پاک میشود در الدرّ المختار ذکر شده: لو بال حمر خصها لتغليظ بولها اتفاقا على نحو حنطة تدوسها فقسم او غسل بعضه اوذهب بهبة او اكل او بيع كما مر حيث يطهر الباقي وكذا الذاهب ولاحتمال وقوع النجس في كل طرف كمسألة الثوب. (۲)

سوال: (۲۰۰) **بعد از مالش تیل ناپاک نماز کردن جائز است یانه؟** مدت ده ماه میشود که

---

(۱) ويندب القيام عند سماع الاذان بزازيه (ردالمحتار) قال الشارح لم اره فيها فلتراجع نسخة اخرى نعم رايت فيها سمع وهو يمشي فالافضل ان يقف للاجابة ليكون في مكان واحد (ردالمحتار باب الاذان ج۱ ص۳۶۹، ط.س. ج۱ ص۳۹۷). جميل الرحمن

(۲) شعر الميتة الخ وعظمها الخ وكذا كل ما لاتحله الحياة الخ طاهر (باب المياه ص۱۹۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۲۰۶ الدر المختار على هامش ردالمحتار) . ظفير

زيد براي تقويه باه يعني تقويه قوت مني به روغن بير بهوتي خود را مالش ميكند وبدون شستن آن نمازهاي پنجگانه را ميخواند آيا نمازش جائز است يا نه؟ واگر جائز نباشد اعاده نمازهاي ده ماهه بر او واجب است يانه؟ آيا تداوي بالحرام جائز است وحشرات زميني هم اين حكم شامل است يا نه؟

جواب: تداوي بالحرام دروقت ضرورت بنا بر شرائط جائز است كما في الشامي بجوز للعليل شرب البول والدم والميتة للتداوي اذا اخبره طبيب مسلم ان فيه شفاء ولم يجد من المباح مايقوم مقامه [1] الخ، ودر تداوي بالحرام حشرات زميني هم شامل است لقوله تعالى: ويحرم عليهم الخبائث، وهمين آيه مباركه دليل بر حرام بودن حشرات است نجس بودن وعدم نجاست اين حشرات موقوف به خون جاري شونده وعدم خون سائل وجاري شونده انها است نظر به اين قاعده كليه اگر در بير بهوتي خون سائل باشد بعد از مرگش نجس است وتيل آن نجس است بعد از شستن آن نماز مناسب است وكدام نمازها كه بدون شستن آن شده باشد اعاده آن لازم است واين مسائل دركتابهاي فقه مفصل ذكر شده.

سوال: (۲۰۱) **در لتهائی بازاری وململ نماز جائز است ویانه؟** در لتهائيكه دربازار آن را ميخريم ويا در ململ نماز كردن جائز است يانه؟

جواب: در اين لباسها نماز جائز است. [2]

سوال: (۲۰۲) **ايا در رطوبت كم از درهم نماز صحيح است؟** اگر بعد ازجماع فوراً ازار بسته شود همراه آن ازار نماز جائز است يانه؟

سوال: (۲۰۳) (۲) **در لباسيكه مذى رسيده باشد نماز درآن جائز است يانه؟** بكدام لباس كه مذى برسد نماز درآن جائز است يانه؟

جواب: (۱) اگر طوبت از مقدار درهم زياد نباشد دراين صورت ازار پاک ونماز در آن جائز است مگر شستن مقدار درهم نيز ضرور است چرا كه باقي ماندن آن در ازار مكروه است. [3]

([1]) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الانجاس ص۳۰۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۰۸. ظفير

([2]) زيرا كه اين لباسها پاک است وپوشيدنش جائز است: ولوشک في نجاسة ماء اوثوب الخ لم يعتبر، درالمختار، من شک في انائه أوثوبه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر ما لم يستيقن الخ وكذا مايتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمين كالسمن والخبز والاطعمة والثياب (رد المحتار كتاب الطهارة قبيل ابحاث الغسل. ج ۱ ص ۱٤۰) وقاعده مسلم فقهاء هم است كه يقين به شک كردن زائل نميشود، الاشباه والنظائر ج۷۵. ظفير

جواب: (۲) مذي نجس است بکدام لباس که برسد نجس میشود نماز خواندن درآن لباس جائز نیست [۱] ودرمذي نیز مقدار درهم معاف است مگر شستن ان ضرور است در در المختار ذکر شده: وعفي الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما فیجب غسله وما دونه تنزیها فیسن غسله. [۲] فقط

سوال: (۲۰۴) **نماز بر سر بروز:** در روزهاي زمستان اکثر مردم درمساجد روي زمین مسجد را به بروز، کبل گیاه وغیره فرش میکنند آیا نص زبر آن جائز است؟

جواب: اگر پاک باشد نماز برآن جائز است. [۳] فقط

سوال: (۲۰۵) **به بوریائی ساخت چمیاران نماز کردن جائز است یانه؟** دراین عصر وزمان که کدام بوریاها وغیره را چمیاران براي صفوف نماز میسازند نظافت را درآن مراعت نمیکنند آیا پیش از شستن نماز به آن جائز است؟

جواب: همان بوریاها وصفوف پاک است نماز برآن جواز دارد وشک کردن مناسب نیست، چرا که یقین به شک زائل نمیشود فقط ولو في نجاسة ماء اوثوب الخ لم یعتبر (الدر المختار) من شک في انائه او ثوبه او بدنه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر الخ وکذا ما یتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمین کالسمن والخبز والاطعمة والثیاب. رد المحتار کتاب الطهارة قبیل ابحاث الغسل.

سوال: (۲۰۶) **اگر دریشی پوشیده باشد نماز درآن جائز است یانه؟** آیا وقتیکه پتلون وکورتي دربدن باشد نماز درآن جائز است یا نه؟

جواب: اگر این لباس پاک باشد نماز درآن جائز است [۴] مگر پوشیدن آن از این جهت ممنوع

---

(۳) وعفی الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما فیجب غسله وما دونه تنزیها فیسن وفوقه مبطل فیفرض (درمختار) قوله وان کره تحریما اشار الی العفو عنه بالنسبة الی صحة الصلاة به فلا ینافي الاثم الخ لکن قال بعده والاقرب ان غسل الدرهم وما دونه مستحب مع العلم به والقدرة علی غسله فترکه حینئذ خلاف الاولی نعم الدرهم غسله آکد الخ ففي المحیط یکره ان یصلي ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالما به الخ (ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ - ۲۹۲، ط.س. ج۱ ص۳۱٦). ظفیر

(۱) کل مایخرج من بدن الانسان مما یوجب خروجه الوضوء او الغسل فهو مغلظ کالغائط والبول والمني والمذي والودی والقیح والصدید (عالمکیري کشوری باب سابع فصل ثاني ص٤٤). ظفیر

(۲) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۱٦. ظفیر

(۳) ثم الشرط لغة العلامة اللازمة وشرعا یتوقف علیه الشیئ ولایدخل فیه هي ستة طهارة بدنه الخ وثوبه الخ ومکانه الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۰۲). ظفیر

(٤) طهارة بدنه الخ وثوبه (درمختار) اراد مالابس البدن فدخل القلنسوة والخف (ردالمحتار، باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. =

است که تشبیه به یهود میاید واین مشابهت ممنوع است. فقط

سوال: (۲۰۷) **اگر به تیل حشرات زمینی خود را جرب کند نمازش جائز است یا نه**؟ اگر به تیل جونک جهیلي یا روغن مورچه صحرائي، یا روغن خراطین، برساتي، یاروغن بیر بهوتي کسي خود را چرب کند شرعا جائز است یا نه؟ ومانع نماز است یانه؟ آیا تیل وروغن این حشرات وحیوانات نجاست مغلظه است یا خفیفه؟

جواب: تیل این حشرات وجانوران نجاست مغلقه است استعمال جواز ندارد [۱] البته اگر به حسب ضرورت طبیب حاذق مسلمان آن را تجویز کند ودر ادویه حلال بدیل آن دریافت نگردد دراین صورت استعمال آن جائز است [۲] چونکه نجاست مغلظه است لهذا مقدار یک درهم معاف ونماز با آن جائز است مگر شستن آن بهتر است واگر ازیک درهم زیاد باشد شستن ان واجب است اگر نشسته نشود نماز با آن جواز ندارد در الدر المختار ذکر شده وعفي الشارع عن قدر درهم [۳] الخ. فقط

سوال: (۲۰۸) **درغسل خانه نماز جائز است یانه**؟ درحمام نماز جائز است یانه؟

جواب: درحمام نظر به دوعلت نماز مکروه است اول اینکه حمام جائي ازاله ناپاکي است دوم اینکه حمام خانه شیاطین است: قال العلامة نجم الدین الطرسوسي في منظومة الفوائد فقال:

نهي الرسول احمد خیر البشر عن الصلاة في بقاع تعتبر

معاطن الجمـال ثم مقـبره مزبله طریق ثم مجـزوة

وفوق بیت الله والحمـــام والحمدلله علی الطعـام [۴] فقط

سوال: (۲۰۹) **بدون قول مفتی به حکم نماز بغیر غسل**: از بسیار مدت یک مسئله پیش آمد وبه هیچ قسم حل نشد من امید دارم که جناب آن را ضرور بالضرور حل خواهد کرد حالا من کمي عبارت فتاوی عالمگیري رانقل مینمایم که صورت سوال با آن واضح خواهد شد عبارت

= ج۱ ص۴۰۲). ظفیر

(۱) ولا یحل ذوناب الخ ولا الحشرات هي مغار دواب الارض (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الذبائح جلدپنجم ص۳۶۵، ط.س. ج۱ ص۳۰٤). ظفیر

(۲) وقیل یرخص اذا علم فیه الشفاء ولم یعلم دواء اخر کما رخص الخمر للعطشان وعلیه الفتوی (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب المیاه مطلب في التداوي بالمحرم ج۱ ص۱۹٤) . ظفیر

(۳) طهارت بدن براي نماز گذار شرط است. وطهارة بدنه (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب شروط الصلاة ج۱ ص ۳۷۳). ظفیر

(٤) علی هامش ردالمحتار کتاب الصلوٰة جلداول ص۳۵۲. ظفیر

فتاوی مذکور ذیلا تحریر شده یک نفر احتلام شد یابطرف یک زن نظر کرد ومني او از جاي خود به شهوت جدا شد بعد ذکر خود را محکم گرفت تا اینکه شهوت او ساکن ومتوقف شد بعدا مني از او جاری شد دراین صورت به نزد امام ابوحنیفة وامام محمد غسل واجب است، وبه نزد امام ابو یوسف غسل واجب نمیشود، این مسئله در خلاصه درج است، حالا صورت مسئله این است که یک شخص احتلام شد ومني او به شهوت ازجاي خود جدا شد مگر او ذکر خود را محکم گرفت تا اینکه شهوت او ارام وسرد شد وبعدا مني جاري گردید چونکه شخص مذکور میلان است که در این صورت غسل واجب نمیشود از این جهت غسل نمیکرد وبدون غسل نمازها را اداء میکرد چندین مراتب این مسئله باو پیش آمد مگر غسل نکرد واین عمل را صرف به غلط فهمي از او سرزد شد چونکه حالا دانست که من سخت غلطي کرده ام بسیار پشیمان است حالا دریافت طلب این سخن است که نمازهای این شخص که درحالت مذکوره اداء شده صحیح است یانه؟ اگر نمازهاي اوصحیح نشده باشد صورت اداء آن چه خواهد بود واین شخص دراین قسم عمل خود بکدام درجه گناهکار است؟

جواب: چونکه دراین مسئله امام ابو یوسف اختلاف کرده واکثر مشائخ احناف قول ابو یوسف را مفتی به گفته اگر چه محققین با این نظر موافق نیستند باز هم چونکه شخص مذکور ازقول مختار وبهتر خبر نبود وبا این عمل خود هم پشیمان است، ودرنفس مسئله یک اندازه گنجایش هم است از این جهت از الله تعالی امید عفو است ونمازهاي قبلي او که درحالت مذکوره ادا نموده از نظر به اختلاف ائمه واختلاف علماء مرجحین، قول قاضي خان رحمة الله علیه این است ویؤخذ بقول ابي یوسف في صلاة ماضیة فلا تعاد وفی مستقبله لا یصلي ما لم یغتسل آه رد المحتار [1] ص۱۱۹ جلد اول مگر باز هم احتیاط درآن است که نمازهاي قبلي را اعاده کند چرا که به نزد علماء محققین قول امام ابو حنیفة وقول امام محمد مختار است [2] چرا که در قول امام اعظم صاحب، وقول امام محمد اعاده نمازهاي قبلي واجب است. والله اعلم بالصواب

سوال: (۲۱۰) **در لباس داغ شده نماز خواندن چه قسم است؟** در ازارم داغ برایم معلوم

---

(۱) ردالمحتار ابحاث الغسل جلد اول ص۱۴۹، ط.س. ج۱ ص۱۶۱. ظفیر

(۲) وفرض الغسل عند خروج مني من العضو والا فلا یفرض اتفاقا الخ منفصل عن مقره الخ بشهوة الخ ولانه لیس بشرط عندهما خلافا للثاني وبقوله یفتي الخ (درمختار) لکن اکثر الکتب علی خلافه حتی البحر والنهر ولا سیما قد ذکروا ان قوله قیاس وقولهما استحسان وانه الاحوط فینبغي الافتاء بقوله في مواضع الضرورة فقط (ردالمحتار ابحاث الغسل ص ۱۴۸ – ۱۴۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۱۵۹). ظفیر

میشود وخواب دریادم نمي آید ومن دوکان تمباکو دارم امکان دارد که داغ تمباکو بازارم رسیده باشد ودراین لباس داغ دار مکمل یک هفته نماز خواندم واین داغ را بعد ازیک هفته درآن وقت دیدم که براي نماز جمعه لباس خود را بدل میکردم بعد ازآن غسل کردم ولباس خود را تبدیل نمودم دراین صورت نمازهاي یک هفته راکه درلباس داغي اداء کرده ام صحیح است یانه؟

جواب: اگر یقین داشت که این داغ مني است دراین صورت بعد از دیدن داغ آن نمازها را که بعد ازخواب آخري خوانده است اعاده نماید مثلا شب خواب شد وبعد ازآن در روز پیش از پیشین داغ را مشاهده کرد نماز صبح را اعاده کند واگر داغ را بعد از نماز پیشین مشاهده کرد نماز پیشین را نیز اعاده کند واگر درمني بودن آن شک بود که شاید داغ چیزي دیگري باشد دراین صورت اعاده هیچ کدام نماز لازم نیست. [۱]

سوال: (۲۱۱) **درلباس ناپاک نماز جائز نیست:** دربغل فاطمه طفل شیر خواره است از این جهت لباس اودائما ناپاک میباشد پس دراین حالت فاطمه درلباس ناپاک نماز کرده میتواند یانه؟

جواب: لباس پاک را بپوشد یا لباس ناپاک را بشوید ونماز خواند درلباس ناپاک نماز جائز نیست. [۲] فقط

سوال: (۲۱۲) **استعمال جاي نماز ساخت زندانیان درست است یانه؟** جاي نمازیکه بدست زندانیان ساخته وتهیه شده نماز برآن جائز است یانه؟

جواب: جائز است. [۳] فقط

سوال: (۲۱۳) **درلباس نو نماز جائز است یانه؟** درلباس جدید که آب به او نرسیده باشد نماز جائز است یانه؟

---

(۱) فرض الغسل الخ عند رؤیة مستیقظ الخ منیا اومذیا وان لم یتذکر الاحتلام الا اذا علم انه مذي او شک انه مذی او ودي اوکان ذکره منتشرا قبیل النوم فلا غسل علیه الخ او تیقن انه مني او تذکر حلما فعلیه الغسل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار ابحاث الغسل ص۱۵۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۱۵۰ – ۱۶۳) . ظفیر

(۲) ثم الشرط الخ شرعا مایتوقف علیه الشيئ ولایدخل فیه هي ستة طهارة بدنه اي جسده الخ وثوبه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۲) . ظفیر

(۳) از جهت اینکه پاک است (الیقین لایزول بالشک الاشباه والنظائر ص۷۵) لباسیکه بدست غیر مسلم یا مسلمان جاهل ساخته شده باشد پاک است وچیزي دیگري را که ساخته باشد هم پاک است باز دراین اصل هم شامل است که در ناپاکي کدام چیز شک باشد با این شک اعتبار داده نمیشود، ولوشک في نجاسة ماء او ثوب الخ لم یعتبر وتمامه في الاشباه (الدر المختار) في التتارخانیة من شک في انائه او ثوبه او بدنه اصابته نجاسة اولا فهو طاهر الخ وکذا ما یتخذه اهل الشرک او الجهلة من المسلمین کالسمن والخبز والاطعمة والثیاب آه (ملخصا رد المحتار قبیل ابحاث الغسل ج۱ ص۱۴). ظفیر

جواب: درلباس جدید نماز جائز است چرا که این لباس پاک است دراین سلسله براي شک هیچ اعتبار نیست در الدر المختار ذکر شده: ولو شک في نجاسة ماء او ثوب الخ لم یعتبر شامي ج۱ ص۱٤۰.

سوال: (۲۱٤) **لباس ناپاک پشمین بدون شستن پاک نمیشود ونه دراین قسم لباس نماز جائز است:** اگر به لباس پشمین سرگین وامثال ان برسد وبعدا خشک شود وخودش بشارد ویابه شاشه ویا وامثال آن تر شود وخشک شود بدون شستن دراین لباس نماز جائز است یانه؟

جواب: این لباس بدون شستن پاک نخواهد شد واین لباس پشمین سه بار شسته شود. [1] فقط (وتاوقتیکه شسته نشود پاک نمیشود ونماز به آن جائز نیست. ظفیر)

سوال: (۲۱٥) **کسی که بعد از وضوء پای لوچ به زمین بگردد بدون شستن پای نماز اوجائز است؟** اگر کسي بعد از وضوء یک میل یا دومیل یاکم وزیاد پیاده بگردد وبعدا براي شستن پاي خود آب را پیدا نکند آیا بعد ازتکان دادن پاها نمازش جائز خواهد بود یانه؟

جواب: دراین صورت که پاهاي خودرا تکان دهد وخوب صفا کند نماز اوجائز خواهد شد. [2]

سوال: (۲۱٦) **اگر بدون استنجاء وضوء کند نماز اوجائز است یانه؟** کسیکه بعد از بول خورد یا کلان استنجاء نکرد تنها وضوء نمود ونماز را اداء کرد بعد ازآن دریاداش امد که استنجاء نکرده آیا نماز او صحیح شده یانه؟ یا بعد از وضوء در یادش امد بعد از آن استنجاء بکند یانه؟

جواب: اگر به کلوخ استنجاء کرده بود ونجاست از مخرج بقدر درهم تجاوز نکرده بود درین صورت بدون استنجاء آب نماز او صحیح شده. [3] فقط

---

[1] وازالتها ان کانت مرئیة بازالة عینها واثره ان کانت شیئا یزول اثره الخ وان کانت غیر مرئیة یغسلها ثلث مرات ویشترط العصر في کل مرة فیما ینعصر الخ (عالمکیري کشوری کتاب الطهارت باب سابع فصل اول في تطهیر الانجاس ص٤۰ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص٤۱) . ظفیر

[2] وطین شارع الخ عفو (درمختار) وفي الفیض طین الشوارع عفو وان ملا الثوب للضوورة ولومختلطا بالعذرات وتجوز الصلوة معه (ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۲٤) ودر صورت مسئوله بالکل سوال نجاست نیست محض شک ووهم است، واصول فقهاء این است که یقین بۂ شک زائل نمیشود (الاشباه والنظائر ص۷٥) . ظفیر

[3] وعفی الشارع عن قدر درهم وان کره تحریما فیجب غسله وما دونه تنزیها فیسن وفوقه مبطل فیفرض (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۱٦) ذکر في الذخیرة اذا کانت النجاسة في موضع الاستنجاء اکثر من قدر الدرهم فاستجمر اي استنجي بثلثة احجار وانقاه اي موضع الاستنجاء ولم یغسله بالماء قال الفقیه ابو اللیث في فتاویه یجزیه یعني من غیر کراهة وکان الفسل الفضل قال صاحب الذخیرة وبه اي بما قال أبو اللیث ناخذ وفي هذا اشارة الی ان البعض یخالف في ذلک ولا اعلم فیه مخالف الخ وهذا اذا کانت تلک النجاسة ما خرج من الحدث المعتاد ولم تصبه من الخارج (غنیة المستملي ص۱۸۹) . ظفیر

سوال: (۲۱۷) **به چهار پائی پاک نماز جائز است؟** آیا براي شخص غير مريض وغير معذور در چهار پائي نماز جائز است یا نه؟ زيد ميگويد مثليكه بالاي تخت نماز خواندن جائز است به چهار پائي هم جائز است وبكر ميگويد كه تا امروز نه دركدام كتاب ديده ام ونه از اقوال علماء ثابت است ونه بدون معذور كسي را بالاي چهار پائي به نماز ديده ام دراين صورت شرعا چه حكم است؟

جواب: بالاي چهار پائي نماز جائز است مثليكه بالائي تخت جائز است چونكه هر دوزانو درحال رفتن به سجده به چهارپائي مانده شود دراين وقت در سجده مثل تخت محكم واستوار ميگردد دراين وقت درسجده هيچ حرج نميباشد چونكه چهارپائي اكثر اوقات پاک نميباشد ازاين بابت مردم راجع به خواندن نماز به ان ميل وعادت ندارند اگر كدام چهار پائي يقينا پاک ويا جديد باشد دراين صورت درخواندن نماز برآن كدام حرج نيست. [1] فقط

سوال: (۲۱۸) **در زیر بالا خانه زن رقاصه وغزل خوان نماز جائز است یانه؟** یک مسکن سرکاري به یک زن رقاصه وغزل خوان داده شده ودر زیر آن دوکانهای کرایه است آیا در همین دوکان ها که در منزل بالای آنها زن رقاصه وغزل خوان سکونت دارد نماز خواندن جائز است ویانه؟

جواب: دراین جا نماز صحیح است [2] مگر بهتر آن است که درمسجد نماز بخوانند. [3]

سوال (۲۱۹) **حكم نماز درلباس ناپاک:** به لباس ام طفل شيرخوار بسيار زياد شاشه كرده باشد ودرهمان لباس بدون شستن نماز داده باشد نماز صحيح شده يانه؟

جواب: دراين صورت اعاده نماز واجب است. [4]

---

(۱) لو سجد على الحشيش او التبن الخ ان استقر جبهته وانفه ويجد حجمه يجوز (عالمكيري كشورى ص۲۹ ج۱، ط. ماجدية ج۱ ص ۷۰) اما شرائط اركان الصلوة فمنها الطهارة بنوعيها من الحقيقية والحكمية والطهارة الحقيقية هي طهارة الثوب والبدن ومكان الصلوة عن النجاسة الحقيقية (بدائع الصنائع شرائط الاركان ص۱۱٤ ج۱) . ظفير.

(۲) دراين مكان ومسكن كدام قباحت شرعي نيست والله اعلم

(۳) هي اى شروط الصلاة سنة طهارة بدنه الى قوله وثوبه الدر المختار النجا سة ان كانت غليظة وهي اكثر من ذاک الدرهم فغسلها فريضة والصلاة فيها باطلة وان كانت مقدار درهم فغسلها واجب الخ عالمگيري كشورى ج۱ص ٥٦ واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في راي مقتد بطلت فيلزم اعادتها الخ كمايلن الى امام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث اوجنب او فاقد شرط اوركن (الدر المختار على هامش رد المحتار باب الامامة ج۱ ص۵۵۳). ظفير

(٤) هي (اي شروط الصلوة) ستة طهارة بدنه الى قوله وثوبه (درالمختار ط.س. ج۱ ص۴۰۲) النجاسة ان كانت غليظة وهي اكثر من قدر الدرهم فغسلها فريضة والصلوة فيها باطلة وان كانت مقدار درهم فغسلها واجب الخ (عالمكيري كشورى ص۵۹ ج۱، ط. ماجدية ج۱ =

سوال: (۲۲۰) (۱) **بعد از جماع لباس را بدل نکرد ونماز خواند نمازش صحیح شده یانه؟** اگر کسي بعد ازجماع لباس خود را بدل نکرد یا صرف لنگ را بدل کرد ولباسِ دیگري را بدل نکرد دراین صورت نمازش جائز است یانه؟

سوال: (۲۲۱) (۲) ملازمین شفاخانه چه قسم نماز بخوانند؟ یک نفر ملازم شفاخانه است همیشه به ادویه ناپاک ومردم ناپاک دست میزند وبه لباس آب ناپاک مي چکد وخشک میشود وبراي بعض ادِویه از روي حکم مذهب دست زدن حرام است دراین صورت نماز را چه قسم اداء کند آیا بعد از غسل وتبدیل لباس نماز بخواند ویابدون غسل وتبدیل لباس نمازش صحیح است؟

جواب: (۱) وقتیکه غسل بکند ولباس ناپاک را بدل کرد نمازش صحیح میشود. [1]

جواب: (۲) لباس ناپاک خود را بدل کند بعد از ان نمازش صحیح خواهد شد. [2]

سوال: (۲۲۲) **در لباس ناپاک نماز جائز نیست:** براي یک شخص در عمر چهل سالگي قطرات بول پیش میشود یعني به مرض چکصیدن بول مبتلا شده وبراي دفع بول یک لته را به آله تناسل بسته میکند ودر بعض اوقات لته مذکور شاشه آلود میگردد مگر در زیر لته کمربند دیگري را هم بسته کرده در این صورت درهمان لته نمازش جائز است یانه؟

جواب: اگر بداند که پارچه زیرین زیاده ازقدر درهم در شاش تر شده نمازش درآن صحیح نمیشود واگر کمتر از قدر درهم ترشده بود نماز اوجائز است. [3] فقط

فصل دوم دربیان ستر عورت

سوال: (۲۲۳) **اگر قدم زن لوچ باشد نمازش صحیح خواهد شد؟** در کتاب صلاة الرحمن

= ص۵۸) واذا ظهر حدث امامه وكذا كل مفسد في رأي مقتد بطلت فيلزم اعادتها الخ كما يلزم للامام اخبار القوم اذا امهم وهو محدث او جنب او فاقد شرط او ركن (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ص۵۵۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۹۱). ظفیر

(۱) در وقت جماع که بکدام حصه ناپاکی میرسد همان حصه ناپاک میشود تمام لباس ناپاک نمیشود لهذا بدل کردن آن لباس ضرور است که ناپاکی به آن رسیده باشد البته بعد از جماع تمام بدن ناپاک میشود وغسل فرض میشود ، وفرض الغسل الخ عند ایلاج حشفة هي ما فوق الختان ادعي الخ في احد سبيلي ادمي حي فجامع مثله الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار ابحاث الغسل ص۱۴۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص۱۵۹) الشرط الخ شرعاً مايتوقف عليه الشيئ ولايدخل فيه هي ستة طهارة بدنه اي جسده الخ من حدث بنوعيه الخ وخبث مانع كذالک وثوبه الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۷۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۲) . ظفیر

(۲) ایضا. ظفیر

(۳) وعفى الشارع عن قدم درهم وان كره تحريما فيجب غسله ومادونه تنزيها فليسن وفوق مبطل (درمختار) ففي المحيط يكره ان يصلي ومعه قدر درهم او دونه من النجاسة عالمابه لاختلاف الناس فيه (ردالمحتار باب الانجاس ص۲۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۳۱۶) . ظفیر

نوشته کرده اگر درداخل نماز مقدار چهارم حصه قدم زن لوچ باشد نمازش جائز نیست آیا براي زنان پوشیدن موزه ها ویا جراب ضرور است؟

جواب: در الدر المختار نوشته است: که سخن معتمد این است که قدمین زن عورت نیست در لوچ شدن آن در نماز کدام خلل پیش نمیشود وحکم کتاب صلاة الرحمن هم یک قول است ومراد ازآن باطن قدم است نه ظهر قدم کذا في الشامي [1] ج۱ ص۴۲۱.

سوال: (۲۲٤) **آیا زن برای ستر پاهای خود موزه ها بپوشد؟** تمام بدن زن حره عورت است وپرشانیدن آن ضرور است این بدون دو کف دستان، روي وظهر قدمین دراین صورت براي پوشاندن پشت دستان وباطن قدمین دست کش وموزه پوشیدن ضرور است یانه؟

جواب: پوشاندن هر دوقدم پاها پوشاندن کفین وپشت هر دو دست درنماز ضرور نیست. [2]

فقط والله تعالی اعلم کتبه عزیز الرحمن.

سوال: (۲۲۵) **کسی که لباس غیر دوخته شده ازخود تاوکرده باشد نمازش است یانه؟**

یعني کسي که کورته وازار را نپوشد صرف درلنگ وچادر خود را بپوشاند نمازش درآن صحیح است یا نه؟

جواب: اگر عورتش لوچ نشود صحیح است مگر این طریقه خوب نیست. [3]

سوال: (۲۲۷) **اگر به بالای نیکر لنگ بزند نماز درآن صحیح یانه؟** کسي که دست مال رابه خود بسته کند یا نیکر بپوشد ودر بالاي آن لنگ یا ازار بپوشد نمازش درآن صحیح است یانه؟ واگر بعد از بستن رومال ونیکر نیم ازاره که تا زانوها است بپوشد ودر بالاي آن لنگ سوم بزند نمازش درآن صحیح است یا نه؟

---

(۱) وللحرة ولو خنثى جميع بدنها الخ خلا الوجه والكفين الخ والقدمين على المعتمد (درمختار) اي من اقوال ثلاثة مصححة ثانيها عورة مطلقا، ثالثها عورة خارج الصلوة لا فيها، اقول ولم يتعرض لظهر القدم وفي القهستاني عن الخلاصة اختلفت الروايات في بطن القدم اهـ وظاهره انه لاخلاف في ظاهره، ثم رأيت في مقدمة المحقق ابن الهمام المسماة بزاد الفقير قال بعد تصحيح ان انكشاف ربع القدم مانع ولو انكشاف ظهر قدمها لم تفسد الخ ثم نقل عن الخلاصة ان الخلاف انما هو نفي باطن القدم واما ظاهره فليس بعورة بلا خلاف الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب ستر العورة ص۳۷٦ – ۳۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۰۵) . ظفير

(۲) وهي اي العورة للرجل ماتحت سرته الى ماتحت ركبة الخ وللحرة ولو خنثى جمهع بدنها الخ خلا الوجه والكفين الخ والقدمين على المعتمد (الدر المختار على هامش ردالمحتار ط.س. ج۱ ص٤۰٤) . ظفير

(۳) والرابع ستر عورته الخ وهي للرجل ماتحت سرته الى ماتحت ركبته الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص٤۷٤ – ٤۷۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۰٤) . ظفير

جواب: در تمام صورتهاي مذکوره بشرط ستر عورت نماز صحیح میشود. [۱] فقط

سوال: (۲۲۸) **درلباس مراعات ستر عورت ضرور است یانه؟** در غلظت ورقاقت لباس شرط چیست اگر لباس آنقدر رقیق وباریک باشد که بدن انسان درآن دیده شود مگر پوست وموي درآن دیده نشود نماز درآن صحیح است یانه؟ اگر از اثر رنگ لباس بدن انسان درآن دیده نشود ویا بعد از ازار ساختن بدن درآن دیده نشود دراین صورت حکم این لباس چه خواهد بود؟

جواب: وقتیکه رنگ بشره انسان ازآن دیده نشود ستر ثابت ونماز درآن صحیح است. [۲]

فصل سوم دربیان استقبال قبله

بحث سمت قبله

سوال: (۲۲۹) (۱) **بحث سمت قبله:** نظر به اصول علم هیئت وعلم هندسه سمت عین کعبه کدام است آیا علم هیئت وعلم هندسه در شریعت قابل لحاظ است یانه؟

سوال: (۲۳۰) (۲) آیا درقطب وقتیکه بطرف راست دیده شود قبله ازمقام خورجه عینا به مغرب رو برو است؟

سوال: (۲۳۱) (۳) آیا وسیله قطب مندرجه مذکور اصول عام وکلی برای هندوستان است؟

سوال: (۲۳۲) (٤) اگر درخورجه مساجد موافق طریقه مندرجه مذکور ویا به یک طریقه دیگری غلط تعبیر شده باشد آیا مساجدي دیگري جدید هم به همین طریقه غلط تعمیر گردد اطلاع عرض خدمت است که چند مساجد موافق مندرجه ذیل یعني مطابق علم هیئت وعلم هندسه تعمیر شده، خورجه مطابق علم هیئت به ۲۸ درجه به شمال عرض البلد واقع است ومکه معظمه به ۲۱ درجه و ٤۰ لمحه، عرض البلد واقع است لهذا با این طریقه تقریبا هفت ۷ درجه فرق است ونظر به این اصول هفت درجه به جانب مغرب وجانب جنوب اداء کردن نماز ضرور است علماء کرام نیز به همین قسم فتوی داده اند.

سوال: (۲۳۳) آیا براي ما معلوم کردن عین قبله ضروراست ویا صرف جهت قبله کافي است؟

جواب: (۱) درسمت قبله وجهت قبله شرعا بسیار وسعت است واین ضرورنیست که عینا بطرف

---

(۱) والرابع ستر عورته ووجوبه عام ولو في الصلوة على الصحیح الا لفرض صحیح (درمختار) ووجوبه عام اي في الصلوة وخارجها الخ (ردالمحتار باب شروط الصلوة جلد اول ص۳۷٤ – ۳۷۵، ط.س. ج۱ ص٤۰٤) . ظفیر

(۲) وعادم ساتر لایصف ماتحته (درمختار) بان لایری منه لون البشرة احترازا عن الرقیق ونحو الزجاج (ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۸۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۰۹) . ظفیر

كعبه روبرو باشد بلكه جهت كعبه هم كافي است ودراين باره به كمي انحراف بطرف راست ياطرف چپ دراستقبال قبله خلل پيش نميشود مثليكه در الدر المختار نيز همين قسم است: ولغيره اي غير معاينها اصابة جهتها بان يبقى شيئا من سطح الوجه مسامتا للكعبة او لهوائها [۱] الخ ودر شامي از قهستاني منقول است: ولا بأس بالانحراف انحرافا لا تزول به المقابلة بالكلية بان يبقى شيء من سطح الوجه مسامتا للكعبة الى ان قال وسياقه في المتن في مفسدة الصلاة انها تفسد بتحويل صدره عن القبلة بغير عذر فعلم ان الانحراف اليسير لا يضر وهو الذي يبقى معه الوجه او شيء من جوانبه مسامتاً لعين الكعبة أو لهو لانها مستقيما ولا يلزم ان يكون الخط الخارج على استقامة خارجا من جبهة المصلي بل منهما او من جوانبيها [۲] الخ، الحاصل چونكه بانحراف معمولي در استقبال قبله فرق پيش نميشود استقبال قبله حاصيل ميگردد كه قطب شمال را به جانب شمال قرار دادن ونماز خواندن استقبال قبله حاصل ميگرد ومساجديكه مطابق علم هيئت ويا علم هندسه تعمير شده همه آنها بطرف صحيح قبله تعمير شده دراين باره به جستجوي باريكات زياد حاجت نيست چرا كه براي معلوم كردن سمت قبله درهمه جاها آلات واسباب مهيا وميسر نميشود چونكه اين ظني هم است وبه عامه مردم اين تكليف دادن مشكل است ومساجد قديمه دراين باره خودش من حيث حجت صحيحه است وتغير دادن آنها از روي گمان بگشتاندن اندک روي در نماز مناسب نيست، قطب شمال را حجت گرفتن دراين باره دليل واضح علماء آكابر براي صحت آن كافي است. فقط

سوال: (۲۳٤) **بحث استقبال قبله درداخل نماز داخل ريل:** شخصيكه داخل ريل است اگر درجريان رفتار روي ريل از قبله تغير كند دراين صورت اگر نماز را بقيام بخواند اركان نماز مثل قيام وركوع وسجده براي او سخت ميشود واگر نماز را باشاره وقاعده بخواند قيام فرض از او ترک مي شود دراين حال چه قسم نماز بخواند؟

جواب: اگر كسي در ريل نماز فرض ميخواند دراين حال استقبال قبله وقيام وركوع وسجده وغيره جمله اركان نماز براي او ضرور است واز جهت تغير خط ريل استقبال قبله ساقط نميشود چرا كه با وجود تغير تختهاي ريل در وقت كم وبه تكليف كم استقبال قبله ممكن است واگر

---

[۱] الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة استقبال قبله ص۳۹۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۲۸. ظفير

[۲] الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة استقبال القبلة ص۳۹۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۲٦. ظفير

بدون مجبوریت استقبال قبله را ترک کند نماز او صحیح نمیشود واگر دروقت تحریمه روي به قبله بود درداخل نماز خط ریل از قبله تغیر کرد براي نماز گذار ضرور است که متوجه تغیر باشد واو نیز خود را رو به قبله برابر کند که تمام ارکان نماز به جاي خود اداء شود براي او در ریل نماز فرض قطعا به قاعده جائز نیست واگر نفل را به قاعده [۱] بخواند جائز است واگر در ریل هجوم مردم زیاد باشد که حرکت رکوع وسجده وغیره درآن ممکن نباشد دراین صورت به قاعده نماز را بخواند. [۲]

فصل چهارم در بیان نیت

سوال: (۲۳۵) **آیا نیت به زبان شرط است؟** آیا نیت به زبان براي صحت نماز ضرور است ویا صرف دردل نیت کردن کافي است؟

جواب: نیت دردل براي صحت نماز کافي است. [۳]

سوال: (۲۳۶) **آیا نیت به زبان بدعت است؟** آیا تلفظ درنیت کردن بدعت است وبسم الله الرحمن الرحیم گفتن دربین فاتحه وسوره ممنوع است یا نه بیان فرمائید؟

جواب: تلفظ درنیت کردن نمازبدعت نیست [٤] وبسم الله مابین فاتحه وسوره ممنوع نیست. [٥]

سوال: (۲۳۷) **نیت به زبان ضرور نیست:** من دریک کتاب فقه دیده بودم که نیت هرنماز اول دردل کرده شود وبعد به زبان اداء کردن آن ضرور است براي من اداء کردن نیت به زبان بسیار تکلیف میباشد دراین صورت چه عمل مناسب است؟

جواب: دراین صورت در دل صرف این قسم نیت کافي است که مثلا این نماز پیشین است واداء

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة مبحث في استقبال القبلة ص۳۹۹ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۲۹. ظفیر

(۲) والمربوطة بلجة البحر إن كان الريح يحركها شديدا فكالسائرة و الا فكالواقفة ويلزم استقبال القبلة عند الافتتاح وكلما دارت (درمختار) اي في قولهم جميعا وان عجز عنه يمسك عن الصلوة لعله يمسك ما لم يخف خروج الوقت لما تقرر من ان قبلة العاجز جهة قدرته وهذا كذلك والا فما الفرق (ردالمحتار باب صلاة المريض ص٧١٤ ج۱) . ظفير

(۳) والمستحب في النية ان ينوي يقصد بالقلب ويتكلم باللسان بان يقول اصلي صلوة الخ ولو نوي بالقلب ولم يتكلم باللسان جاز بلا خلاف بين الائمة لان النية عمل القلب لاعمل اللسان واستحباب ضمه اليه لما ذكرنا (غنية المستملي ص۲۵۱ – ۲۵۲) . ظفير

(٤) وتلفظ عند الارادة بها مستحب هو المختار الخ وقيل سنة يعني احبه السلف اوسنه علماءنا اذ لم ينقل عن المصطفى ﷺ ولا الصحابة ولا التابعين بل قيل بدعة (درمختار) نقله في الفتح وقال في الحلية ولعل الاشبه انه بدعة حسنة عند قصد جمع العزيمة (ردالمحتار باب شروط الصلوة بحث النية ص۳۸٦ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۱٥) . ظفير

(٥) وسمي الخ سرا في اول كل ركعة لو جهرية لاتسن بين الفاتحة والسورة مطلقا ولوسريه وتكره اتفاقاً (الد المختار على هامش ردالمحتار فصل في تاليف الصلوة ص٤٥٧ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٩٠) . ظفير

کردن الفاظ نیت به زبان هم بهتر است اگر به زبان تکلیف باشد تنها به دل کافي است. [۱]

سوال: (۲۳۸) اجازه امام برای مقتدی شرط نیست؛ زید امام مسجد است وبکر میگوید که به عقب من نماز نخوانید آیا نماز بکر به عقب زید صحیح میشود یا نه؟ یا نماز بکر در آنوقت صحیح میشود که زید برایش اجازه کند؟

جواب: بکر به عقب زید نماز خوانده میتواند ونماز بکر صحیح است براي حکم واجازه زید شرعا هیچ ضرورت نیست واین گفتار زید بي جاي ومخالف شریعت است. [۲]

سوال: (۲۳۹) **نیت به زبان ضرور است یا دردل**؟ درمنیة المصلي نوشته است که الفاظ نیت نماز به زبان مستحب است ودر دل نیت نماز فرض است وبعض مردم میگویند که نیت کردن به زبان بدعت است؟

جواب: حکم صحیح این است که در نیت کردن به زبان هیچ باكي نیست بلکه مستحب است مگر نیت دل فرض است واین مذهب محقق احناف است. [۳] فقط

سوال: (۲٤۰) **آیانیت نماز به زبان بدعت** است؟ زید میگوید که نیت نماز به زبان بدعت است وعمر میگوید که نیت نماز به زبان سنت است؟

جواب: اصل نیت دردل است گفتن آن را فقهاء کرام تلفظ آن مستحب گفته است در الدر المختار ذکر شده: والمعتبر فیها عمل القلب اللازم للارادة الخ والتلفظ بها مستحب هو المختار. [٤] فقط

سوال: (۲٤۱) **آیا نیت نماز به زبان عربی ضرور است**؟ ایا نیت نماز به زبان عربي ضرور است یا به زبانهاي دیگري هم صحیح است؟

جواب: نیت اراده دل را میگوید به تلفظ زباني درآن ضرورت نیست اگر به زبان آن بگوید بهتر

---

(۱) والخامس النیة بالاجماع وهي الارادة المرجحة الخ والمعتبر فیها عمل القلب اللازم للارادة الخ والتلفظ عند الارادة بها مستحب هوالمختار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۸۵ – ۳۸٦، ط.س. ج۱ ص٤۱٤) . ظفیر

(۲) والامام ینوي صلاته فقط ولایشترط لصحة الاقتداء نیة امامة المقتدي (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۹٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۲٤) . ظفیر

(۳) والخامس النیة بالاجماع وهي الارادة لا العلم والمعتبر فیها عمل القلب اللازم للارادة الخ والتلفظ بها مستحب وهو المختار الخ بل قیل هو بدعة (درمختار) نقله في الفتح وقال في الحلیة ولعل الاشبه انه بدعة حسنة عند قصد جمیع العزیمة الخ فلا جرم انه ذهب في المبسوط والبدایة والکافي الی انه ان فعله لیجمع عزیمة قلبه فحسن (ردالمحتارباب شروط الصلوة بحث النیة ص۳۸۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۱٤). ظ

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة بحث النیة ص۳۸۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۱۵ . ظفیر

است [۱] وبراي هر قوم به هرزبان صحيح است.

سوال: (۲۴۲) **اگر مقتدي زن باشد براى امام نيت امامت زن ضرور است**؟ اگر كدام زن درجماعت شريک باشد براي امام نيت اين زن ضرور است يانه؟

جواب: اگر اين زن درمحاذ مقتدي مرد استاده نباشد دراين صورت براي امام نيت امامت آن ضرور نيست. [۲]

الباب الرابع في صفة الصلاة

فصل اول در بيان فرائض نماز

سوال: (۲۴۳) **تكبير تحريمه بدون فرق بر مرد وزن يک قسم فرض است**؟ آيا تكبير تحريمه بر زن فرض است؟

جواب: تكبير تحريمه برزن ومرد ضرور است دراين تكبير براي مردان كدام تخصيص نيست كما في عامة الكتب الفقه. [۳]

سوال: (۲۴۴) **در ريل استقبال قبله حتى الامكان ضرور است**: در ريل بنگال روبرو استاد شدن براي نماز ممكن نيست ودركدام جائيكه ممكن است درآنجا درجاي قيام وسجده گرد وغبار ميباشد درآنجا قيام فرض است يانه؟

جواب: در ريل حتى الوسع نماز به قيام وروي به قبله ضرور است [۴] ودرجائي قيام وسجده وهم كرده نشود منتهي اينكه يک لته پاک را جاي نماز كند.

سوال: (۲۴۵) **سجده درنماز**: آيا در تمام نماز سجده افضل است يا نه؟

---

(۱) النية ارادة الدخول في الصلوة والشرط ان يعلم بقلبه اي صلاة يصلي الخ ولا عبرة للذكر باللسان فان فعله لتجتمع عزيمة قلبه فهو حسن كذا في الكافي (عالمكيري مصري الباب الثالث الفصل الرابع ص۶۱ ج۱، ط. ماجدية ج۱ ص۶۵) ظفير

(۲) وان أم نساء فان اقتدت به المرأة محاذية لرجل في غير صلاة جنازة فلابد لصحة صلاتها من نية امامتها لئلا يلزم الفساد بالمحاذاة بلا التزام وان لم تقتد بلا محاذية اختلف فيه فقيل يشترط وقيل لا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في النية ج۱ ص۳۹۴، ط.س. ج۱ ص۴۲۵). ظفير

(۳) من فرائضها التى لاتصح بدونها التحريمه قائما وهي شرط (درمختار) التحريمه المراد بها جملة ذكر خالص مثل الله اكبر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۱۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۴۲) . ظفير

(۴) والسادس استقبال القبلة حقيقة او حكما كعاجز والشروط حضول لاطلبه الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ص۳۹۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۲۷) والفرائض الباقية من الست هي القيام الخ لقوله تعالى: وقوموا لله قانتين (غنية المستملي ص۲۵۴) ومنها القيام في الفرض الخ لقادر عليه (درمختار) فلوعجز عنه حقيقة وهو ظاهر او حكما كما لو حصل له به الم شديد او خاف زيادة المرض الخ فانه يسقط الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القيام ص۴۱۴ – ۴۱۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۴۴) . ظفير

جواب: درنماز سجده، رکوع وقیام فرض است [١] نظربه بعض اعتبار سجده افضل ونظر به بعض اعتبار قیام افضل است. [٢] فقط

سوال: (٢٤٦) **اگر درنماز انگشت کوچک پای حرکت کند حکم آن چیست**؟ انگشت کوچک پاي راست کسي که درنماز حرکت کند دراین صورت درنماز کدام فرق میاید یانه؟ اگر از امام این قسم حرکت صادر شود نماز مقتدیان صحیح میشود یا نه؟

جواب: به این حرکت هیچ خلل درنماز نمي اید واگر از امام این حرکت صادر شود دراین حال هم درنماز امام ونماز مقتدیان خلل پیش نمیشود. [٣]

سوال: (٢٤٧) **اگر به قاعده نماز بخواند رکوع را چه قسم اداء کند**؟ اگر کسي به قاعده نماز بخواند درحالت رکوع بلند کردن سرین ضرور است یانه؟

جواب: ضرور نیست، قال في رد المحتار ولو کان یصلي قاعدا ینبغي ان یحاذي جبهته قدام رکبته لیحصل الرکوع آه قلت ولعله محمول علی تمام الرکوع والا فقد علمت حصوله باصل طاء طاء الرأس مع انحناء الظهر الخ شامي. [٤]

سوال: (٢٤٨) **آیا بالای کاه وگیاه نماز جائز است یا نه**؟ اگر گیاه وغیره باندازه یک وجب بلند باشد که دروقت سجده بالا وپائین ویا پست وبلند میشود نماز برآن جائز است یانه؟

جواب: در الدر المختار در شرائط جواز سجده این هم نوشته شده: وان یجد حجم الارض، وتشریح این عبارت را علامه شامي چنین فرموده است: ان الساجد لو بالغ لا یتسفل رأسه أبلغ من ذلک الخ [٥] ج١ ص٣٣٧. واگر این کاه وگیاه آنقدر باشد که دروقت سجده به زمین محکم میشود وپیشاني به آن قرار میگیرد دراین صورت سجده به آن صحیح است. فقط

---

(١) ومن فرائضها التي لاتصح بدونها التحریمة قائما الخ ومنها القیام بحیث لومد یدیه لاینال رکبتیة الخ في فرض الخ لقادر علیه الخ ومنها القرائت لقادر علیها الخ ومنها الرکوع الخ ومنها السجود الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤١٦ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٢ – ٤٤٤) . ظفیر

(٢) وکثرة الرکوع والسجود احب من طول القیام کما في المجتبي الخ وان مذهب الامام افضلیة القیام (ایضا باب الوتر والنوافل ص٢٣٣ ج١، ط.س. ج١ ص٢٤٧) دتفصیل لپاره ردالمحتار حاشیه در مختار باب وصفحه ایضا وکوری. ظفیر

(٣) وحررناه في شرح الملتقي وفیه یفترض وضع اصابع القدم ولو واحدة نحو القبله وإلا لم تجز (اي السجدة) والناس عنه غافلون (درمختار) والحاصل ان المشهور في کتب المذهب اعتماد الفرضیة والارجح من حیث الدلیل والقواعد عدم الفرضیة الخ ثم الاوجه حمل عدم الفرضیة علی الوجوب والله اعلم (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٦٦ – ٤٦٧ ج١، ط.س. ج١ ص٤٩٨ – ٥٠٠) . ظفیر

(٤) ردالمحتار، باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود ج١ ص٤١٦ ، ط.س. ج١ ص٤٤٧. ظفیر

(٥) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تالیف الصلوة ط.س. ج١ ص٤٩٧. ظفیر

سوال: (۲۴۹) **برای زنان جائز نیست که بدون عذر نماز را به قاعده بخوانند**: دراین جا رواج است که زنان نماز را نه شسته میخوانند ایا این عمل جائز است یانه؟

جواب: تا وقتیکه انسان توان وطاقت قیام را داشته باشد به قاعده نمازش جائز نیست لهذا بدون عذر قوي وشرعي نماز زنان به قاعده جواز ندارد ونماز شان صحیح نمیگردد. [1] فقط

سوال: (۲۵۰) **به چهار پائی نماز جائز است**: آیا به چهارپائي آن وقت نماز صحیح است که سخت ومحکم باشد ویا به چهارپائي سست هم جائز است؟

جواب: به چهارپائي به هرحال نماز جائز است اگر چهارپائي سست هم باشد دروقت رفتن به سجده چونکه به ماندن زانوها جاي سجده سخت واستوارمیگردد لهذا نمازبه آن جائز است. فقط

سوال: (۲۵۱) **اگر مقتدي در قاعده آخر خواب شود وهمراه امام سلام بگرداند آیا نمازش صحیح است**؟ زید به جماعت نماز خواند.ودرقاعده آخر اورا خواب برد وهمراه امام سلام گردانید مگر بعد ازبیدار شدن به مقدار تشهد در قاعده نماند دراین صورت نماز زید صحیح شده یانه؟

جواب: احتیاط دراین است قاعده را اعاده نماید وگرنه نمازش صحیح نخواهد شد وازتحقیق شیخ ابن الهمام جواز این نماز معلوم میشود واز قواعد فقهیة عدم جواز این نماز ظاهر میگردد از این جهت احتیاط درسخن دوم است وتفصیل این مسئله درشامي واضح شده. [2]

سوال: (۲۵۲) **فاصله بین دو قدم درحال قیام چه قسم است**: اگر فاصله بین دو قدم درحال قیام باندازه چهار انگشت قرار گیرد چه قسم خواهد بود اگر از این مقدار کم وزیاد شود دراین وقت درنماز کدام خلل پیش میشود ویانه؟

جواب: فقهاء نوشته اند که فاصله بین دو قدم درقیام باندازه چهار انگشت بهتر است اگر ازمقدار مذکور کم وزیاد شود نماز صحیح است هیچ کراهیت ندارد، شامي جلد اول، فینبغي ان یکون بینهما مقدار اربع اصابع الید لانه اقرب الی الخشوع الخ شامي. [3]

---

[1] من فرائضها التي لا تصح بدونها التحریمة الخ ومنها القیام الخ في فرض وملحق به الخ لقادر علیه (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤١٤ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٢ – ٤٤٤) . ظفیر

[2] منها القعود الاخیر والذي یظهر انه شرط لانه شرع للخروج (درمختار) وبین في الامداد الثمرة بانه لو اتي بالقعدة نائما تعتبر علی القول بشرطیتها لا رکنیتها وعزاه الی التحقیق والاصح عدم اعتبارها کما في شرح المنیة (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤١٧ ج١، ط.س. ج١ ص٤٤٨) . ظفیر الدین غفرله

سوال: (۲۵۳) **اگر درسجده دو پای بلند شود چه حکم دارد**؟ اگر درسجده هر دوپاي از زمین بالا شود در این صورت نماز صحیح است یانه؟ اگر اندک بلند شود کدام خلل پیش نخواهد شد؟

جواب: در تمام نماز باید ضرور هر دوقدم به زمین استوار باشد اگر هر دوقدم از زمین بلند شود وباز به زمین مانده شود نماز صحیح شده. [1]

سوال: (۲۵٤) **کسی که گشت وگذر کرده میتواند برای اونماز به قاعده جائز است**؟ کدام شخص که به گشت وگذر ضروریات وحوائج خود را به قسم خوب اداء کرده میتواند مگر نماز را به قاعده میخواند آیا نماز او جائز است؟

جواب: اگر اوبه قیام نماز خود را کرده بتواند به قاعده نمازش جائز نیست.

فصل دوم در بیان واجبات نماز

سوال: (۲۵۵) **درنوافل قاعده اول واجب است یانه**؟ درنماز چهار رکعتي نفل قعده اول واجب است یانه؟

جواب: واجب است کما في الدرالمختار ولها واجبات الخ والقعود الاول وهو في نفل في الاصح. [2] فقط

سوال: (۲۵٦) (۱) **بعد از رکوع باید مستقیم استاد شود**: بعض مردم بعد ازرکوع مستقیم استاد نمیشوند وبه سجده میروند نماز شان صحیح میشود یانه؟

سوال: (۲۵۷) (۲) **اگر دربین دوسجده مستقیم نه نشیند اعاده نماز واجب میشود**؟ بسیار مردم از سجده اول اندک سر خودرا بالا میکنند وفورا به سجده دوم میروند نماز شان صحیح

---

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث القیام جلد اول ص٤١٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٤٤. ظفیر

(۱) وفیه یفترض وضع اصابع القدم ولو واحدة نحو القبلة والا لم تجز والنائم عنه غافلون (درمختار) قوله فیه اي في شرح المنتقي وکذا قال في الهدایة واما وضع القدمین فقد ذکر القدوري انه فرض في السجود آهـ فاذا سجد ورفع اصابع رجلیه لاتجوز کذا ذکره الکرخي والجصاص ولو وضع احداهما جاز الخ فصار في المسئلة ثلاث روایات الاولى فرضیة وضعهما، الثانیة فرضیة احداهما الثالثة عدم الفرضیة الخ والحاصل ان المشهور في کتب المذهب اعتماد الفرضیة والارجح من حیث الدلیل والقواعد عدم الفرضیة الخ ثم الاوجه حمل عدم الفرضیة على الوجوب. والله اعلم الخ وفي البزازیة والمراد بوضع القدم هنا وضع الاصابع او جزء من القدم وان وضع اصبعا واحدة اوظهر القدم بلا اصابع ان وضع مع ذلک احدى قدمیه صح والا لا (ردالمحتار، باب صفة الصلاة ج۱ ص٤٦٦، ط.س. ج۱ ص٤٩٩) . ظفیر

(۲) قوله وفي نفل لانه وان کان شفع منه صلاة فاذا قام الى الثالثة تتبین ان ما قبلها لم یکن اوان الخروج عن الصلوة فلم تبق القعدة فریضة (ردالمحتار باب ایضاً ص٤٣٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٦٥) . ظفیر

است یانه؟

جواب: (۱) کسي که از رکوع بالا میشود ومستقیم استاد نمیشود دراین صورت ترک واجب میشود وآن نماز قابل اعاده است. [۱] یعني نماز صحیح نشده باید از سر نو دوباره خوانده شود.

جواب: (۲) به قول بعض محققین ترک جلسه بین دو سجده ترک واجب است واعاده این نماز واجب است یعني اگر ترک جلسه کرده نماز را بار دوم بخواند. [۲]

سوال: (۲۵۸) **تشهد درنماز واجب است**: تشهد درنماز افضل است یا نه؟

جواب: تشهد یعني التحیات تا عبده ورسوله گفتن واجب است. [۳] فقط

سوال: (۲۵۹) **حکمت چیست که درچهار رکعت فرض دورکعت خالی است وبدون فرض تمام رکعتهای هرنماز پُر است**؟ درفرض دورکعت خالي خوانده وتمام رکعتهاي نماز بدون فرض پُر خوانده میشود؟

جواب: درنماز چهار رکعتي فرض دورکعت به حکم حدیث شریف خالي خوانده میشود. [٤] ودر نماز سنت نفل وغیره اصلا هر شفعه یعني هر دورکعت جدا است از این جهت تمام رکعتهاي آن پر یا به ضم سوره خوانده میشود وکسانیکه چهار رکعت وزیاده از آن نماز سنت نفل وغیره را به یک نیت میخوانند جائز است مگر درباره قرأة مراعت اصل براي شان واجب میباشد. [۵]

سوال: (۶۲۰) **آیابه کراهیت تحریمی اعاده نمازواجب است**؟ آیابه هرعمل مکروه تحریمي

---

[۱] ولها واجبات الخ وهي قرائت فاتحة الکتاب الخ وتعدیل الارکان اي تسکین الجوارح قدر تسبیحة في الرکوع والسجود وکذا في الرفع منهما علی ما اختاره الکمال (درمختار) قوله وکذا الرفع الخ اي یجب التعدیل ایضا في القومة من الرکوع والجلسة بین السجدتین وتضمن کلامه وجوب نفس القومة والجلسة ایضا الخ حتی لوترکها او شیئا منها ساهیا یلزمه السهو لو عمل یکره اشد الکراهة ویلزمه ان یعید الصلاة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ص٤٢٤ ج١ وص٤٣٢ ج١، ط.س. ج١ ص٤٥٦ – ٤٦٤) . ظفیر

[۲] ولها واجبات الخ وهي قرائت فاتحة الکتاب الخ وتعدیل الارکان اي تسکین الجوارح قدر تسبیحة في الرکوع والسجود وکذا في الرفع منهما علی ما اختاره الکمال (درمختار) قوله وکذا الرفع الخ اي یجب التعدیل ایضا في القومة من الرکوع والجلسة بین السجدتین وتضمن کلامه وجوب نفس القومة والجلسة ایضا الخ حتی لوترکها او شیئا منها ساهیا یلزمه السهو لو عمل یکره اشد الکراهة ویلزمه ان یعید الصلاة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة مطلب واجبات الصلوة ص٤٢٤ ج١ وص٤٣٢ ج١، ط.س. ج١ ص٤٥٦ – ٤٦٤) . ظفیر

[۳] ومنها قرائت التشهد فانها واجبة في القعدتین الاولی والاخیرة الخ فاوجب السجود بترک التشهد في القعدة الاخیرة کما في القعدة الاخیرة وهو ظاهر الروایة (غنیة المستملي ص٢٩٥) . ظفیر

[٤] وعن ابي قتادة قال کان النبی صلی الله علیه وسلم یقرأ في الظهر في الأولیین بام الکتاب وسورتین وفي الرکعتین الاخریین بام الکتاب ... وهکذا في العصر (مشکوة باب القرائت في الصلوة ص٩٧) . ظفیر

[۵] وضم سورة الخ في الاولیین من الفرض الخ وفي جمیع رکعات النفل لان کل شفع منه صلاة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ص٣٢٧ ج١، ط.س. ج١ ص٧٥٨) . ظفیر

اعاده نماز واجب است یا نه؟

جواب: بدون شک در عملي مکروه تحریمي اعاده نماز واجب است [۱] وبراي تفصیل این سخن این وقت وموقع مناسب نیست.

سوال: (۱٦۱) **نمازهائیکه بدون تعدیل ارکان اداء شده آن چیست؟** عمر یک نفر بیست سال است دراین بیست سال او هیچ نماز درست وصحیح نخوانده اوصرف چند چیز میزند ونماز را ختم میکند دراین صورت نمازهاي اوصحیح شده یانه؟ اگر تمام نمازها را اعاده کند صرف فرض را اعاده کند وي سنت را هم اعاده نماید؟

جواب: کدام نماز را که بدون تعدیل ارکان خوانده است صحیح است، مگر اعاده آنها بهتر است [۲] فرض ووتر را اعاده کند سنت را اعاده نکند.

فصل سوم در بیان سنت نماز وکیفیات آن

سوال: (۲٦۲) **تعداد تسبیحات رکوع وسجده:** اگر در رکوع وسجده زیاد تر از ده دفعه وسه دفعه تسبیحات گفته شود مکروه میشود یا مستحسن، درقومه بعد ازسمع الله لمن حمده، گفتن ربنا ولک الحمد مستحسن است یانه؟ ودر جلسه رب اغفرلي وارحمني وعافني وارزقني گفتن مستحسن است یانه؟

جواب: وقتیکه تسبیح رکوع وسجده گفته شود سنت تسبیح اداء میشود ودرفرائض درتسبیحات حکم تخفیف است تا اینکه به خاطر مقتدیان تطویل زیاد نشود مثلیکه بعض صحابه را رسول پاک از جهت تطویل قرائت: اَفَتَّانٌ اَنْتَ؟ [۳] گفته است یعني به مردم قرائت را دراز میکني ومردم را درفته ومشقت میاندازي در حالیکه قرائت از اجزاء افضل نماز هم است مگر احناف زیاد گفتن تسبیح را زیاد تر ازسه بار مکروه نمیگویند [٤] وبعد ازسمع الله لمن حمده، گفتن ربنا

---

(۱) وکذا کل صلاة ادیت مع کراهة التحریم وجب اعادتها (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص ٤۲٥، ط.س. ج۱ ص٤٥٧) . ظفیر

(۲) و لها واجبات لاتفسد بترکها وتعاد وجوبا في العمد والسهو ان لم یسجد له وان لم یعدها یکون فاسقا آثما الخ وهي قرائت فاتحة الخ وتعدیل الارکان (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص٤۲٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٥٦) . ظفیر

(۳) مشکوة باب القرائت في الصلوة، فصل اول ص۷۹ عن البخاري ومسلم. ظفیر

(٤) ویقول في رکوع سبحان ربي العظیم ثلاثا وذلک ادناه فلو ترک التسبیح اصلا واتي به مرة واحدة یجوز ویکره ((عالمکیري مصري ص۷۹ ج۱ ط. ماجدیة ج۱ ص۷٤) ویقول في سجوده سبحان ربي الاعلی ثلاثا و ذلک أدناه کذا في المحیط ویستحب ان یزید علی الثلاث في الرکوع والسجود بعد ان یختم بالوترکذا في الهدایة فالادني فیها ثلاث مرات والاوسط خمس مرات والاکمل سبع مرات کذا في الزاد، =

لک الحمد مستحب است [۱] وبه همین قسم درجلسه دعاء رب اغفر لي الخ گفتن جائز ومستحسن است [۲] مگر بهتر آن است که دعاها واذان را در نوافل بخوانند ودر فرائض تخفیف را اختیار نمایند، مثلیکه امر (فلیخفف آهـ) درحدیث شریف این تخفیف را تقاضا میکند: واذ اراد الله بعبد خیرا یفقهه في الدین. [۳] فقط

سوال: (۲٦۳) **رفع یدین در کدام حصه نماز است**: رفع الیدین درکدام حصه نماز اداء میشود؟

جواب: رفع الیدین بدون تکبیر تحریمه به نزد احناف درتمام نماز منسوخ است چرا که اصحاب جلیل القدر آن را ترک کرده بودند عن براء بن عازب ﷺ قال: کان النبي ﷺ اذا کبر لافتتاح الصلاة رفع یدیه حتی یکون ابهاماه قریبا من شحمتي اذنیه ثم لا یعود [٤] عن الاسود قال رایت عمر بن الخطاب ﷺ یرفع یدیه في اول ثم لا یعود قال ابو جعفر الطحاوي فهذا عمر لم یکن یرفع یدیه ایضا الا في التکبیرة الاولی في هذا الحدیث وهو حدیث صحیح الخ وفعل عمر هذا وترک اصحاب رسول الله ﷺ ایاه علی ذلک دلیل صحیح ان ذلک هو الحق الذي لاینبغي لاحد خلافه. [٥]

سوال: (۲٦٤) **دلیل منسوخ شدن رفع الیدین چیست**؟ تمام رفع الیدین بدون هفت مقامات منسوخ شده است دلیل آن چه میباشد؟

= وان کان اماما لایزید علی وجه یمل القوم کذا في الهدایة (عالمکیري مصري الباب الرابع في صفة الصلاة فصل ثالث ص۷۰ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۷۵) . ظفیر

(۱) ان کان اماما یقول سمع الله لمن حمده بالاجماع وان کان مقتدیا یاتي بالتحمید ولا یاتي بالتسمیع بلا خلاف، وان کان منفرد الأصح انه یاتي بهما کذا في المحیط وعلیه الاعتماد کذا في التتارخانیه وهو الاصح هکذا في الهدایة ثم في الروایات بجمع یاتي بالتسمیع حال الارتفاع واذا استوی قائما قال ربنا لک الحمد کذا في الزاهدي وهو الصحیح کذا في القنیة (عالمکیري مصري باب ایضا ص۷۰ ج۱) . ظفیر

(۲) والسنة فیه ان یرفع ان رأسه حتی یستوی جالسا ولیس في هذا الجلوس ذکر مسنون عندنا هکذا في الجوهرة النیرة (عالمکیري مصري ج۱ ص۷۰، ط. ماجدیة ج۱ ص۷۵) قال ابویوسف سألت الامام أیقول الرجل إذا رفع رأسه من الرکوع والسجود اللهم اغفر لي؟ قال: یقول ربنا لک الحمد وسکت الخ أقول: بل فیه إشارة إلی أنه غیر مکروه إذ لو کان مکروها لنهی عنه کما ینهی عن القرائت في الرکوع والسجودوعدم کونه مسنونا لاینافي الجواز کالتسمیة بین الفاتحة والسورة بل ینبغي أن یندب الدعاء بالمغفرة بین السجدتین خروجا من خلاف الإمام أحمد لإبطاله الصلاة بترکه عامدا ولم أر من صرح بذلک عندنا لکن صرحوا باستحباب مراعاه الخلاف (رد المحتار باب صفة الصلاة ج۱ ص٤۷۲، ط.س. ج۱ ص۵۰۵) . ظفیر

(۳) مشکوٰة کتاب العلم فصل اول ص۳۲، الفاظ دمشکوة به خدیث کي دا دي: من یرد الله به خیرا یفقه في آلدین. ظفیر

(٤) شرح معانی الاثار، باب التکبیر للرکوع والتکبیر للسجود والرفع من الرکوع هل مع ذلک رفع ام لا ص۱۳۲ ج۱. ظفیر

(٥) أیضا: ص ۱۳۳ وص ۱۳٤. ظفیره

جواب: رفع الیدین بدون هفت مقام منسوخ شده: والدلیل المحمل لکل روي عن النبي ﷺ انه قال لا ترفع الایدي الا في سبع مواطن وعد منها تکبیرة الاولی وتکبیرة القنوت والعیدین وذکر الاربع في الحج کذا في الهدایة ثم هذا عندنا، وقال الشافعي: یرفع یدیه عند الرکوع والرفع منه لانه علیه السلام فعل ذلک ولنا ما روینا وما رواه محمول علی الابتداء وکذا نقل عن ابن الزبیر فانه رای رجلا یفعل هذا فقال: لا تفعل لیس هذا بشيء فانه شيء فعله رسول الله ثم ترکه کذا في الهدایة [1] والکفایة وقد روی الطبراني بسنده عن ابن ابي لیلی عن الحکیم عن المقسم عن ابن عباس عن النبي ﷺ [2]. فقط

سوال: (۲۶۵) **بعد از نیت ترتیب بستن دو دست**: بعد ازنیت نماز هر دو دست را اویزان بماند وبعدا زیر ناف آن را بماند ویا بگوشها بلند کند وبعدا زیر ناف بماند؟

جواب: دستهاي خود را تا گوشها بلند کند ونیت نماز کند وبعدا دستهاي خود را زیر ناف بماند. [3]

سوال: (۲۶۶) (۱) **ترتیب نماز به قاعده**: شرائط نماز به قاعده چیست اما مدرسه ما مولوی حیدر علی صاحب میگوید کسانیکه به قاعده نماز میخوانند ودرسجده سیرین خود را بلند نمایند نماز آنها نمیشود بلکه سجده مثل سجده زنان ضرور است.

سوال: (۲۶۷) (۲) **شرائط نماز باقاعده چینست**؟ شرائط نماز باقاعده چیست؟

جواب: (۱) این سخن شان غلط است براي مردان مناسب نیست که مانند زنان نماز بخوانند مردان سیرین خود را درسجده بلند کنند. [4]

جواب: (۲) نماز نفل بدون عذر به قاعده جائز است ونماز فرض وواجب بدون عذر به قاعده جائز نیست وسنت مؤکده را نیز بدون عذر به قاعده نخوانند. [5] فقط

---

(۱) در هدایه باب صفة الصلاة جلد اول وهم در فتح القدیر باب صفة الصلاة: ج ۱ ص ۲۶۸ را مطالعه فرمائید.

(۲) القدیر باب صفة الصلاة: ج ۱ ص ۲۹۶. ظفیر

(۳) ورفع یدیه الخ ماسا بابهامیه شحمتي اذنیه الخ ووضع الرجل یمینه علی یساره تحت سرته (الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفه الصلاة فصل ج۱ ص۴۵۰) ظفیر

(۴) ویضع یدیه في السجود حذاء اذنیه. الخ ولایفترش ذراعیه ویجافي بطنه عن فخذیه والمراة لا تجافي في رکوعها وسجودها وتقعد علی رجلیها وفي السجدة تفترش بطنها علی فخذیها عالمگیري باب رابع صفة الصلاة فصل ثالث ج ۱ ص. ۷. ویضع عضدیه الخ ویباعد بطنه عن فخذیه الخ وامراة تنخفض فلاتبدي عضدیها وتلصق بطنها، الدر المختار علی هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فصل تالیف الصلاة ج۱ ص۴۷۰، ظ

(۵) ویتنفل مع قدرته علی القیام قاعدا لا مضطجعا الابعذر یتنفل الخ اي في غیر ستة الفجر في الاصح کما قدمه المصنف بخلاف التراویح =

سوال: (۲۶۸) **درسلسله رفع اليدين حال يک حديث:** روايت كرده وكيع از اعمش واو ازمسيب بن رافع مسيب از تميم بن طرفه وتميم از جابر بن سمرة او گفته است كه رسول الله ﷺ به نزديک ما تشريف آورد در حاليكه ما در نماز دستهاي خود.را بالا ميكرديم دراين وقت رسول الله ﷺ فرمود اين چه حال است كه من شما را مى بينم كه دستهاي خود را مثل اسپهاي سركش بلند ميكنيد درنماز باطمينان باشد اين حديث صحيح است ياضعيف؟

جواب: دراين حديث اختلاف است وتحقيق درفتح القدير به اين قسم است: عن جابر بن سمرة قال دخل علينا رسول الله والناس رافعوا ايديهم قال زهير اراه قال في الصلاة فقال: ما لي اراكم رافعي ايديكم كانها اذناب خيل شمس اسكنوا في الصلاة [۱] اين حديث صحيح است ومطلقا در حال نماز است. فقط

سوال: (۲۶۹) **زن درسجده وجلسه پاهاى خود را چه قسم بماند؟** زن بايد درسجده وجلسه پاهاي خود را چه قسم بماند؟

جواب: براي زن درسجد وجلسه استاد كردن پاها سنت نيست: في الشامي انها لا تنصب اصابع القدمين [۲] لهذا در سجده وجلسه پاهاي خود را استاد نكند ودر جلسه سجده وتشهد وغيره تورک كند يعني به سيرين خود پيوست بنشيند، في الشامي: وتتورک في التشهد. [۳]

سوال: (۲۷۰) **درسلسله نماز خواندن به قاعده يک روايت غلط:** من صلى قاعدا لا يرفع الاليتين في الركوع والسجود فان رفع الاليتين فيها تفسد صلاته الخ اين روايت صحيح است يانه؟

جواب: اين روايت مخالف قواعد وبي اصل است ودرهيچ كتاب معتبر وجود ندارد بلكه دراين باره حكم عام دركتابهاي فقه اين است: ويظهر عضديه ويباعد عن فخذيه [۴] الدر المختار اين حكم سجده هم براي نماز گذار به قيام وهم براي نماز گذار به قاعده شامل است وبلند كردن سيرين درسجده لازم است. فقط

سوال: (۲۷۱) (۱) **پيش از شروع سورة گفتن بسم الله چه قسم است؟** آيا گفتن بسم الله

= لانها دونهما في التاكد فتصح قاعد (او ان خالف المتوارث الخ رد المختار رد المحتارباب الوتر والنوافل ج ۱ ص ۶۵۲. ظفير

(۱) جلد اول البناية في شرح الهداية كشورى ص۶۶۲ را مطالعه فرمائيد

(۲) رد المحتار باب صفة الصلاة في تاليف الصلاة ج ۱ ص ۴۷۱ ظفير

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلاة فصل في تأليف الصلاة ج ۱ ص ۴۷۱ ظفير

(۴) الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاة فضل اذا اراد الشروع ص ۴۷۰. ظفير

الرحمن الرحیم بعد از الحمد لله شریفه وپیش از سوره درنماز جائز است یانه؟

سوال: (۲۷۲) (۲) **درتشهد حلقه کردن انگشت**: ایا در تشهد حلقه کردن دروقت کلمه شهادت جائز است یانه؟

جواب: (۱) بعد از الحمد لله شریف گفتن بسم الله پیش از سوره جائز بلکه مستحب است. [1]

جواب: (۲) در التحیات حلقه کردن آنگشت وسطی وابهام، واشاره کردن توسط سبابه سنت میباشد. [2] فقط

سوال: (۲۷۳) اگر آمین را بطور بخواند که صرف یک دونفر بشنود چه خواهد بود؟ اگر کسي درنماز آمین را طوري بگوید که به نزدیکش صرف یک دونفر بشنود دراین صورت عند الاحناف نمازش صحیح است یانه؟

جواب: عند الاحناف آمین گفتن سنت است اگر به نزدیکش دو نفر آن را بشنود بازهم این قسم گفتن جائز نیست بلکه درخفیه گفتن داخل است کما قال في الدر المختار وادنی المخافة السماع لنفسه ومن بقربه ولو اسمع رجل او رجلان فلیس بجهر [3] الخ.

سوال: (۲۷٤) **اداء کردن سجده شکر چه قسم است**: حکم سجده شکر چه است آیا پیش او خواندن نماز اداء شود یا چه وقت وبعد از نماز بدون سبب سجده کردن چه قسم است؟

جواب: سجده شکر عند تجدد النعمة مستحب است: في الدر المختار وسجدة الشکر مستحبة [4] وبعد ازنماز بدون سبب مکروه است: کما فیه ایضا لکنها تکره بعد الصلاة لان الجهلة یعتقدونها سنة او واجبة وکل مباح یؤدي الیه فهو مکروه الخ. [5] فقط

سوال: (۲۷۵) **دروقت بلند شدن ازرکوع مقتدی همراه ربنا لک الحمد اللّٰهمّ بگوید یانه؟**

---

(۱) ولاتسن (اي التسمیة) بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سریة، ولاتکره اتفاقا وما صحح الزاهدي من وجوبها ضعفه في البحر (درمختار) وقال محمد نسن ان خافت لا إن جهر الخ وذکر في المصفي ان الفتوی علی قول ابی یوسف انه یسمي في اول کل رکعة ویخفیها وذکر في المحیط المختار قول محمد وهو ان یسمي قبل الفاتحة وقبل کل سورة في کل رکعة الخ قوله: ولا تکره الخ ولهذا صرح في الذخیرة والمجتبی بانه ان سمي بین الفاتحة والسورة المقروءة سرا او جهراً کان حسنا عند ابي حنیفة رجحه المحقق ابن الهمام وتلمیذه الحلبی (ردالمحتار باب صفة الصلوة قبیل مطلب قرءة البسملة ص٤٥٧ – ٤٥٨ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۹۰) . ظفیر

(۲) لکن المعتمد الخ انه یشیر لفعله علیه الصلاة والسلام (درمختار) فهو صریح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع الخ (ردالمحتار ج۱ ص٤۷۵، ط.س. ج۱ ص۵۰۸) . ظفیر

(۳) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في القرائت ص٤۹۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٣٤ – ٥٣٥. ظفیر

(٤) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب سجود التلاوة مطلب في سجدات الشکر ج۱ ص۷۳۱، ط.س. ج۲ ص۱۱۹. ظفیر

(۵) ایضا. ظفیر

وقتيكه امام سمع الله لمن حمده بگويد دراين وقت مقتدي صرف ربنا لک الحمد بگويد وياكلمه اللهم را هم زياد كند وبهتر كدام قسم است؟

جواب: وقتكيه امام سمع الله لمن حمده بگويد مقتدي صرف ربنا لک الحمد بگويد واگر كلمه اللهم را همراهش زياد كند بهتر است درحديث شريف هر دو قسم وارد شده دربعضى احاديث شريف زياد كردن (واو) نيز وارد شده يعني اللهم ربنا ولک الحمد پس هر كدام الفاظ ذكر شده را كه بگويد كافي است وسنت اداء ميشود. [1] فقط

سوال: (۲۷٦) **اگر دروقت سلام دادن مقتدی پیش از امام فارغ شود:** اگر دروقت سلام گشتاندن مقتدي پيش ازامام فارغ شود يعني سلام گشتاندن امام ختم نشده وسلام مقتدي ختم شد دراين صورت نماز مقتدي صحيح است يانه؟

جواب: دراين صورت درنماز مقتدي هيچ قسم خلل پيش نميشود. [2] فقط

سوال: (۲۷۷) **درلفظ الله اكبر خواندن حرف (راء) به اواز بلند (دال) چه حكم دارد؟**

بگمان زيد مردم عام درتكبيرات انتقالي نماز حرف (راء) را آنقدر كش ميكند به سبب آن درنماز نقصان پيش ميشود اداء كردن حرف (راء) در الله اكبر به اين قسم كه عام مردم آن را مثل (دال) فكر كنند شرعا چه قسم است؟

جواب: اين عمل مناسب نيست تبديل حروف جائز نمياشد. [3]

سوال: (۲۷۸) **طريقه سجده:** دروقت سجده ران وساق بكدام اندازه يكي از ديگري دور باشد آيا باندازه زاويه قائمه مناسب است يا چه قسم؟

جواب: در الدر المختار ذكر شده: ويظهر عضديه في غير زحمة ويباعد بطنه عن فخذيه ليظهر كل عضو بنفسه الخ. [4]

---

(۱) ويكتفى بالتحميد الموتم وافضله اللهم ربنا ولک الحمد ثم حذف الواو ثم اللهم فقط (الدرالمختار علىٰ هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٦٤ ج١، ط.س. ج١ ص٤٩٧) . ظفير

(۲) لو اتم المؤتم التشهد بان اسرع فيه وفرغ منه قبل اتمام امامه فاني بما يخرجه من الصلوة كسلام وكلام او قيام جاز اي صحت صلاته بحصول بعد تمام الاركان الخ وانما كره للموتم ذالک لتركه متابعة الامام بلا عذر فلو به الخ فلا كراهة (ردالمحتار باب صفة الصلاة ج١ ص٤٩٠، ط.س. ج١ ص٥٢٥) . ظفير

(۳) معناي تكبير الله اكبر گفتن است اگر حرف (راء) را به دال بدل كند معناي تكبير اداء نخواهد شد وجهر الامام بالتكبير بقدر حاجت بالدخول والانتقال الخ. الدر المختار على هامش ردالمحتار سنن صلاة: ج ١ ص ٤٤٣. ظفير

(٤) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج١ ص ٤٧٠، ط.س. ج١ ص٥٠٣. ظفير

پس معلوم شد که در سجده همین قدر سنت است وباندازه زاویه قائمه ضرور نیست وباندازه زاویه آن وقت صحیح است که تنها گذار یا امام باشد اگر درصف جماعت همراه دیگران استاد باشد این عمل را نکند یعني رانها را ازساق باندازه زاویه قائمه دور نکند که به مردم تکلیف پیش میشود . فقط

سوال: (۲۷۹) **زنان درسجده انگشتان پاهای خود را چه قسم بمانند؟** زنان دروقت سجده انگشتان پاهاي خود را استاد نگاه کنند ویا هموار کنند؟

جواب: درحق زنان استاد کردن انگشتان پاها مشروع نیست: وذکر في البحر انها لا تنصب اصابع القدمین الخ شامی.[۱] فقط

سوال: (۲۸۰) **امام که سبحانک بگوید متصل آن قرائت را شروع کند ویا بانتظار ثناء خواندن مقتدیان باشد؟** امام باید بعد ازخواندن ثناء قرائت را شروع کند ویا براي ثناء خواندن مقتدیان انتظار کند؟

جواب: قرائت را شروع کند انتظار ثناء خواندن مقتدیان را نکند.[۲]

سوال: (۲۸۱) **کسی که در وقت سلام گشتاندن درتشهد نماز جماعت شریک شود تشهد را مکمل بخواند یانه؟** کسي که در وقت سلام دادن امام اقتداء کند آیا بعد از سلام دادن امام تشهد را مکمل کند یا نه؟

جواب: درشامي ج۱ ص۳۳۳ ذکر شده که قول مختار دراین مسئله این است که تشهد را مکمل کند بعد ازآن استاد شود واگر تکمیل نکرد واستاد شد نیز جائز است.[۳]

سوال: (۲۸۲) **اگر دروقت سلام گشتاندن سلام کدام مقتدي دعا را مکمل نخوانده باشد دراین صورت چه کند؟** وقتیکه امام سلام بگرداند ویک حصه دعاء مقتدي مانده باشد دراین صورت مقتدي همراه امام یکجاه سلام بگرداند ویا بعد از ختم کردن دعاء سلام بگرداند؟

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۷۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفیر

(۲) وقرا سبحانک اللهم الخ الا اذا شرع الامام في القرائت سواء کان مسبوقا او مدرکا وسواء کان امامه یجهر بالقرائت او لا فانه لا یأتي به الخ ادرک الامام في القیام یثنی مالم یبدء بالقرائت (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل ص۴۵۶ ج۱، ص۴۸۸). ظ

(۳) وشمل باطلاقه ما لو اقتدی به في اثناء التشهد الاول او الأخیر فحین قعد قام امامه او سلم ومقتضاه انه یتم ثم یقوم ولم اره صریحا ثم رایته في الذخیرة ناقلا عن ابی اللیث المختار عندي انه یتم التشهد وان لم یفعل اجزاه (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد مطلب في اطاعة الرکوع للجائی ص۴۶۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۶). ظفیر

جواب: اگر مقدار کمي دعاء مانده باشد زودتر آن را تکمیل وکمي بعد سلام بگرداند دراین عمل هم کدام حرج نیست. [۱] فقط

سوال: (۲۸۳) **وقتیکه شخص مقیم به امام مسافر اقتداء کند در رکعتهای باقی مانده تحمید بگوید یا تسمیع:** شخص مقیم مقتدي است وامام مسافر است وقتیکه نماز امام ختم میشود حالا مقتدي در رکعتهاي باقي مانده خود تنها ربنا لک الحمد میگوید ویا تنها سمع الله لمن حمده؟

جواب: از روی ظاهر تسمیع وتحمید هر دو افضل است. [۲] فقط

سوال: (۲۸۴) **بعد از نماز فرض خواندن آية الکرسي؟** امام بعد از نماز فرض درکدام مقدار وقت آية الکرسي را بخواند اگر امام بسیار وقت بنشیند واوراد بخواند آیا برای مقتدي پیروي امام لازم است یا بعد از دعا به خواندن سنت مشغول شود؟

جواب: اگر بعد از اداء فرض وپیش از سنت آية الکرسي وتسبیحات بعد الصلاة وغیره اوراد مختصر را تکمیل کند وبعدا سنت بخواند کدام حرج نیست ودراین باره کدام وقت محدود ومعین نیست مگر امام تأخیر زیاد نکند [۳] اگر امام اورا زیاد میخواند در این صورت براي مقتدیان اتباع او لازم نیست براي مقتدیان اختیار است که فورا ویا کمي بعد از اورا به سنت استاد شوند. فقط

سوال: (۲۸۵) (۱) **دروقت سحر ودیگر به سمت جنوب روبرو شدن ودعاء کردن:** زید بعد از نماز سحر ودیگر دربعض روزها رو به جنوب میشود دعاء میکند آیا این عمل از پاک حضرت ﷺ ثابت است ویا نه؟

سوال: (۲۸٦) (۲) **رواج انصراف به طرف راست وچپ در هندوستان:** آیا در هندستان نیز

---

(۱) ولو سلم والموتم في ادعية التشهد تابعه لانها سنة والناس عنه غافلون (الدرالمختار على هامش ردالمحتار بابع: صفة الصلوة فصل بعد مطلب في اطاعة رکوع للجانی ص۴۲۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹٦) . ظفیر

(۲) ویکتفی بالتحمید الموتم وافضله اللهم ربنا ولک الحمد ثم حذف الواو ثم حذف اللهم فقط، ویجمع بینهما لو منفردا على المعتمد یسمع رافعًا ویحمد مستویا (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة ص۴۲۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۷) . ظفیر

(۳) ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام إلخ قال الحلواني لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال قال الحلبي ان ارید بالکراهة التنزیهیة ارتفع الخلاف (درمختار) فکان معناها ان الاولى ان لایقرء قبل السنة ولو فعل لاباس فافاد عدم سقوط السنة بذلک حتى اذا صلى بعد الاوراد تقع سنة لا على وجه السنة ولذا قالوا لوتکلم بعد الفرض لاتسقط لکن ثوابها اقل فلا اقل من کون قرائت الاوراد لا تسقط الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل ص۴۹۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۰) . ظفیر

علماء کرام بطرف جنوب دعاء میکنند یانه؟

سوال: (۲۸۷) (۳) **آیا انصراف موافق مذهب حنفی است یا نه؟** آیا این عمل زید موافق مذهب حنفي است ویانه؟

سوال: (۲۸۸) (٤) **درحدیث شریف مراد از نصف چیست؟** درحدیث شریف که لفظ ینصرف عن یمینه وعن یساره میاید آیاء این انصراف برای رفتن به خانه بود ویا انصراف براي دعاء بود؟

سوال: (۲۸۹) **دلیل انصراف براي دعاء:** چونکه انصراف براي دعا بطرف شمال ثابت نشده پس روي اوردن بطرف شمال ودعاء کردن بکدام دلیل ثابت است؟

جواب: (۱) پاک حضرت ﷺ دراکثر اوقات بطرف راست وگاهي بطرف چپ دور میخورد،[1] لهذا فقهاء کرام به هردو طرف شستن ودعاء کردن را مستحب نوشته اند.[2]

جواب: (۲) اکثر عوام وخواص زیادتر بطرف راست براي دعاء دور میکنند وگاهي بطرف چپ براي دعاء دور میکنند.[3]

جواب: (۳) گاه گاه بطرف چپ یعني بطرف جنوب رو آوردن ونشستن ازپاک حضرت ﷺ ثابت شده است ومذهب امام ابو حنیفة نیز همین است که گاه گاه بطرف چپ نشستن ودعاء کردن مستحب است.[4]

جواب: (٤) مطلب این انصراف براي دعاء نیز شده میتواند.[5]

جواب: (٥) وقتیکه انصراف براي دعاء شامل است پس همین دلیل کافي است. فقط

سوال: (۲۹۰) **در تسبیحات رکوع وسجده زیاد کردن (وبحمده) جائز است یانه؟** زید در نماز فرض ونفل خود در رکوع سبحان ربي العظیم وبحمده ودر سجده سبحان ربي الاعلی وبحمده میگوید خالد میگویدکه وبحمده درهیچ کتاب حنفي نیست، ونه فقهاء این قسم گفته اند

---

(۱) عن انس کان النبي صلی الله علیه وسلم ینصرف عن یمینه رواه مسلم، عن عبدالله بن مسعود قال لا یجعل احدکم للشیطان شینا من صلوته یری ان حقا علیه ان لاینصرف الا عن یمینه لقد رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم کثیرا ینصرف عن یساره. متفق علیه (مشکوة باب الدعا في التشهد ص۸۷) . ظفیر

(۲) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخیر ان شاء انحرف عن یساره وجعل القبلة عن یمینه وان شاء انحرف عن یمینه الخ وان شاء استقبل الناس بوجهه الخ هذا اذا لم یکن بعد الصلوة المکتوبة تطوع کالفجر والعصر (غنیة المستملي ص۳۳۰) . ظفیر

(۳) و(٤) ایضاً. ظفیر

(٥) والمراد من الانصراف الالتفات عن جهة الصلوة وهي القبلة اعم ان یجلس بعده اولا، فلذا قال وان شاء ذهب الی حوائجه لانه قضی صلوته الخ (غنیة المستملي ص۳۳۰) . ظفیر

ونه از حدیث ثابت شده است آیا خالد حق میگوید یا زید؟

جواب: دراحادیث شریف تسبیحات رکوع وسجده همین قسم وارد شده مثلیکه خالد میگوید وفقهاء حنفي نیز لفظ وبحمده را اختیار کرده اند [1] اگر کسي لفظ وبحمده را زیاد کند کدام مسابقه وبدي ندارد این کدام سخن اختلاف نیست.

سوال: (۲۹۱) **بعد ازگشتاندن سلا رفتن مقتدي بدون دعاء چه است** (قسم)؟ بعد از نماز پیش از امام دعاء کردن واز مسجد بیرون شدن چه قسم است؟

جواب: اگر این عمل مقتدي بدون ضرورت شرعی باشد دراین صورت این عمل مکروه وخلاف سنت است واین عادت گرفتن گناه است قال علیه الصلاة والسلام: انما جعل الامام لیؤتم به، فقط. والله اعلم، في المشکوة: عن انس ﵁ ان النبي ﷺ حضهم على الصلاة ونهاهم ان ینصرفوا قبل انصرافه من الصلاة رواه ابو داود، وقدوة المشائخ شیخ عبد الحق دهلوي در اشعة اللمعات ص۴۴۷ فرموده: نهی کرد از اینکه بر گردند مقتدیان پیش از برگشت او ﷺ به این معنی که پیش از آن حضور ﷺ سلام بگردانند واز نماز بیرون شوند ویا اینکه بعد ازسلام گشتاندن بر خیزند پیش از آنکه رسول الله ﷺ بر خیزد ومقتدیان انتظار او ﷺ را نکنند ونهی درصورت اول تحریمي است که یعني پیش از امام سلام بگردانند وازنماز بیرون شوند ونهي در صورت دوم تنزیهي است یعنی که مقتدیان پیش از دعاء امام دعا کنند واز مسجد بیرون شوند.

سوال: (۲۹۲) **درخواندن درود شریف زیاد کردن (سیدنا)** : درود شریف که بعد از تشهد درنماز خوانده میشود وبدون لفظ (سیدنا) روایت شده آیا بدون لفظ سیدنا خوانده شود ویا کلمه سیدنا درآن زیاده شود؟

جواب: در زیاد کردن لفظ (سیدنا) باکي نیست مگرچونکه درحدیث بدون لفظ (سیدنا) درتشهد نماز وارد شده عمل به مطابق حدیث احسن وافضل است. [2]

---

(۱) ویضع یدیه معتمدا بهما على رکبتیه الخ ویسبح فیه واقله ثلثة (درمختار) السنة فی تسبیح الرکوع سبحان ربي العظیم (ردالمحتار باب صفة الصلوة قبیل مطلب في اطالة الرکوع للجائی ج۱ص۴۶۰ – ۴۶۲، ط.س. ج۱ ص۴۹۳).

(۲) وصلى على النبي ﷺ الخ وندب السیادة لان زیادة الاخبار بالواقع عین سلوک الادب فهو افضل من ترکه ذکره الرملي الشافعي وغیره وما نقل لا تسودوني في الصلوة فکذب (درمختار) قال سئل محمد عن الصلوة على النبي صلى الله علیه وسلم فقال یقول اللهم صل على محمد وعلى ال محمد الخ وهي الموافقة لما في الصحیحین وغیرهما الخ واعترض بان هذا مخالف لمذهبنا لمامر من قول الامام من انه لوزاد في تشهده او نقص فیه کان مکروها قلت فیه نظر فان الصلوة زائدة عل التشهد (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۷۸ – ۴۷۹ ج۱ ، ط.س. ج۱ ص۵۱۲) . ظفیر

سوال: (۲۹۳) **وقتیکه مقتدي دعاء بعد از درود را نخوانده باشد واما سلام بگرداند مقتدي چه کند؟** اگر امام سلام بگرداند ومقتدي تشهد ودرود شريف را خوانده باشد مگر دعاء بعد از درود را نخوانده باشد دراين صورت مقتدي همراي امام يکجا سلام بگرداند ويا بعد از آنکه دعا را بخواند؟

جواب: در اين صورت مقتدي همراه امام سلام بگرداند. [1] فقط

سوال: (۲۹۴) **بعد ازنماز (لا اله الا الله) گفتن باواز بلند چه حکم دارد؟** بعد ازجماعت نماز فرض متصل به گشتاندن سلام لا اله الا الله گفتن باواز بلند چه حکم دارد؟

جواب: اين هم جائز است مگر خفيه خواندن آن بهتر است. [2]

سوال: (۲۹۵) روايت تطبيق در رکوع:مولوي ثناء الله درکتاب خود بنام (مذهب اهل حديث) يعني اين کتاب بنام (مذهب اهل حديث) ميباشد درصفحه ۵۳ کتاب مذکور نوشته کرده که عبد الله بن مسعود رضي الله عنه چونکه دروقت رکوع تطبيق ميکرد دستهاي خود را به زانوهاي خود نميماند مثليکه درصحيح مسلم همين مذهب آنها ثابت است لهذا اين سنت صحيح است يا لغوه؟

جواب: اين قصه تطبيق در رکوع صحيح است تاويل اين مسئله راعلماء چنين فرموده است که شايد نسخ اين حکم براي آنها معلوم نباشد ويا اينکه مذهب آنها تخييري خواهد بود والتفصيل في الکتب. [3]

سوال: (۲۹۶) **دعاهاي همختلف درقاعده نماز:** اگر کسي درقعده نماز بعض وقت يک دعا وبعض وقت دعاء ديگري رابخواند آيا در اين باره به نزد احناف ممانعت است ويانه؟

جواب: ممانعت نيست. [4] فقط

---

(۱) ولو سلم (الامام) والمؤتم في ادعية التشهد تابعه لانها سنة والناس عنه غافلون (الدر المختار) قوله في ادعية التشهد يشمل الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اراد الشروع ص۴۶۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۶) . ظفير

(۲) وعن المغيرة بن شعبة ان النبي ﷺ ان يقول في دبركل صلوة مكتوبة لا اله الا الله وحده لاشريک له الخ (مشكوة، باب الذكر بعد الصلوة ص۸۸) . ظفير

(۳) عن عبدالرحمن السلمى قال قال لناعمر بن الخطاب ان الركب سنته لكم فخذوا بالركب الخ والعمل على هذا عند اهل العلم من اصحاب النبي ﷺ والتابعين ومن بعدهم لا اختلاف بينهم الا ماروى عن ابن مسعود وبعض اصحابه انهم كانوا يطبقون، والتطبيق منسوخ عند اهل العلم، قال سعدبن ابي وقاص كنا نفعل ذلک فنهينا عنه وامرنا ان نضع الاكف على الركب (ترمذي، باب ماجاء في وضع اليدين على الركبتين في الركوع ص۳۵ ج۱) . ظفير

(۴) وصلى على النبى عليه السلام الخ ودعا بما يشبه الفاظ القران والادعية الماثورة لما روينا من حديث ابن مسعود قال له النبي عليه السلام ثم اختر من الدعاء اطيبها واعجبها اليک (هدايه باب صفة الصلوة جلد اول ص۱۰۳) . ظفير

سوال: (۲۹۷) **اگر درتسبیحات رکوع گفته نتواند درعوض آن کریم بگوید ویانه؟** کسي که الفاظ سبحان ربي العظیم را اداء کرده نتواند در عوض آن ربي العجیم میگوید براي او در عوض عظیم تعلیم دادن سبحان ربي الکریم جائز است یانه ؟

جواب: دراین صورت تعلیم دادن سبحان ربي الکریم درعوض سبحان ربي العظیم تا آن وقت جائز است که لفظ عظم را صحیح کند. [1]

سوال: (۲۹۸) **دعاء دربین دوسجده:** دربین دوسجده خواندن دعا اللهم اغفر لي وارحمني واجرني وارفعني جائز است یانه؟

جواب: این دعاء دربین سجدتین جائز است چونکه درحدیث شریف وارد شده الفاظ دعاء از این قرار است: اللهم اغفر لي وارحمني وعافني واهدني وارزقني وارفعني واجرني الخ. [2] فقط

سوال: (۲۹۹) **سبب بلند کردن آنگشت شهادت:** درتشهد به وقت کلمه شهادت سبب بلند کردن آنگشت چیست؟

جواب: درتشهد دروقت کلمه شهادت به توحید خداوند پاک ﷻ اشاره میشود چونکه درکلمه شهادت به زبان به توحید الله تعالی اقرار است در این وقت بافعال جوارح واعضاء همین توحید ظاهر میگردد. [3]

سوال: (۳۰۰) **برای زنان درسجده کشیدن پاها بطرف راست ثابت است یانه؟** درهندوستان زنان درحالت سجده هر دو پاهاي خود را بطرف راست میکشند مگر این سخن را باوجود تلاش وجستجو درهیچ کتاب ندیدم، روایات عالمگیري وغیره معلوم میشود که درسجده براي زن پاي هموار کردن مناسب است وپاي خود را استاد نکند از این روایت کشیدن هردو پاي بطرف راست ثابت نمیشود، تحقیق این مسئله چه قسم است؟

جواب: در این باره که شما چیزي نوشت کردید وروایات را نقل فرمودید در شامي نیز به همین

---

(۱) السنة في تسبیح الرکوع سبحان ربي العظیم الا ان لایحسن الظاء فیبدل به الکریم لئلا یجري علی لسانه العزیم فتفسد به الصلوة کذا في شرح درر البحار فلیحفظ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴٦۲) . ظفیر

(۲) وعن ابن عباس قال کان النبی ﷺ یقول بین السجدتین اللهم اغفرلي وارحمني واهدني وعافني وارزقني رواه ابوداود والترمذي (مشکوة باب السجود وفضله ص۸٤) . ظفیر

(۳) پس ان حضرت ﷺ اشاره میکرد به این انگشت به وحدانیت حق تعالی. اشعة اللمعات باب التشهد ص ٤۲۸، اشار باصبعه ثم قال رسول الله ﷺ لهي اشد علی الشیطان من الحدید مشکوة، به سبب اشارده کردن به آنگشت اثبات ایمان بر توحید خداوند وقطع طمع شیطان است ازواقع شدن نماز گذار درشرک وکفر أیضا ج۱ ص٤۳٤. ظفیر

قسم ذکر شده، ودر کبیري شرح منية چنين ذکر شده: واما المراة فانها تنخفض اي تتظامن وتتسفل في السجود وتلزق بطنها بفخذيها وتضم ضبعيها وهذا تفسير الانخفاض وذلک لان مبنى امرها على الستر كان السنة في حقها ما كان استر من الهيئات [1] الخ چونکه غالبا به کشيدن پاها بطرف بيرون پائين شدن وپيوست شدن زن زياتر عملي ميشود وتورک براي حالت تشهد تمهيد است از اين لحاظ به همين ترتيب معمول گرديد ودر اين باره زيادتر از اين تحقيق براي احقر نيز معلوم نيست. فقط

سوال: (۳۰۱) **درحال قيام ماندن دستها به سينه جائز است يانه؟** ماندن دستها به سينه جائز است يا نه؟

جواب: به نزد احناف ماندن دستها زير ناف سنت است. [2]

سوال: (۳۰۲) درتشهد بلند کردن آنگشت چی قسم است؟ درتشهد بلند کردن آنگشت چه قسم است دربين علماء احناف اختلاف است بعض علماء برايش مستحب ميگويند ودرخلاصه کيداني اين اشاره را حرام گفته اين سخن معتبر است يا نه؟

جواب: فقهاء معتبر بلند کردن سبابه را سنت گفته اند در در المختار بنا بر حواله چند کتاب اشاره سبابه را تشهد سنت ثابت کرده است وعدم رفع سبابه را خلاف روايت ودرايت گفته است امام محمد در موطاء خود مذهب امام اعظم رفع سبابه را تائيد کرده بناء به حواله خلاصه کيداني وغيره حرام گفتن به اين عمل مسنونه گفتار عمل است وتفصيل اين مسئله درکتابهاي فقه بيان شده است دراين باره شامي، فتح، درالمختار وغيره کتابها را مطالعه فرمائيد، دراين مسئله به قول خلاصه اعتبار داده نشود چرا که او صريحا غلطي کرده ازاينکه عمل سنت راحرام گفته. [3] فقط

---

(1) غنية المستملي ص۳۱۳. ظفير

(2) وضع الرجل يمينه على يساره تحت سرة الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۵٤، ط.س. ج۱ ص٤۸٦).

(3) ولا يشير بسبابته عند الشهادة وعليه الفتوى كما في الولوالجية والتجنيس وعمدة المفتي وعامة الفتاوى، لكن المعتمد ما صححه الشراح ولاسيما المتاخرون كالكمال والحلي والبهنسي والباقلاني وشيخ الاسلام الجد وغيرهم انه يشير لفعله عليه الصلوة والسلام ونسبوه إلى محمد والامام في متن درالبحار وشرحه غرر الاذكار المفتى به عندنا انه يشير باسطا اصابعه كلها وفي الشرنبلالية عن البرهان الصحيح انه يشير مسبحته وحدها يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات واحترز بالصحيح عما قيل لايضر لانه خلاف الدراية والرواية وبقولنا بالمسبحة عما قيل يعقد عند الاشارة اهـ وفي العيني عن التحفة الاصح انها مستحبة وفي المحيط سنة (درمختار) وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات هو قول ابي حنيفة ومحمد رحمهما الله وكثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولى آهـ فهو صريح ان المفتى به هو الاشارة بالمسبحة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٧٤ ج۱) . ظفير

سوال: (۳۰۳) **رفع سبابه وحضرت مجدد صاحب:** جواب نمبر (۲۵۱۶) موصول شد الحمد لله که مخالفین نیز آن را قبول کردند مگر این قدر گفتند که قول خلاصه کیدانی وغیره را تمام علماء رد کردند مجدد الف ثاني هندي درشرح مکتوب نمبر ۳۱۲ نوشته کرده درحاشیه مکتوب قول امام محمد را در باره رد الرفع سبابه نوشته کرده وعدم رفع سبابه را ترجیح داده شرعا جواب آن چیست؟

جواب: دراولاده امجاد الف ثاني بعض حضرات دراین مسئله نیز تحقیق کرده اند وگفته اند که رفع سبابه به سنت ثابت شده لهذا عملي کردن آن ضرور است چونکه بسیاري فقهاء محققین مطابق مذهب احناف به رفع سبابه ترجیح داده وآن را اختیار نموده اند لهذا براي مقلدین مذهب حنفي مطابق قول فقهاء حنفي عمل ضرور است مثلیکه خود مجدد الف ثاني صاحب درمکتوبات خود چندین جاي تصریح کرده است که دراحکام شرعي به قول ائمه مجتهدین وفقهاء عمل کردن ضرور است، وگفته است که دراین قسم احکام قول حضرت جنید بغدادي وحضرت شبلي وقول اولیاء کرام ومجتهدین في الطریقت معتبر نیست وتقلید آنها جائز نمیباشد.[1]

سوال: (۳۰۴) **اگر نماز را به قعده بخواند رکوع را چه اداء کند؟** اگر نماز را به قعده بخواند دراین صورت حد واندازه رکوع چیست؟

جواب: وقال في الشامي ولو کان یصلي قاعدا ینبغي ان یحاذ بجبهتیه قدام رکبتیه لیحصل الرکوع آهـ قلت ولعله محمول علی تمام الرکوع والا فقد علمت حصوله باصل طأطأة الراس اي مع انحناء الظهر،[2] لهذا ازین معلوم شد که در نماز خواندن به قعده کمال رکوع این است که پیشاني مقابل زانوها شود.

سوال: (۳۰۵) **بعد از تحریمه دعاهای دیگری:** بعد ازتکبیر تحریمه درنماز فرض درعوض سبحناک اللهم دعاي دیگري که در کتابهاي صحاح وارد شده خواندن آن درنماز فرض براي منفرد یعني تنها گذار چه حکم دارد؟

جواب: علماء حنفیه این دعاها را در نوافل محمول کرده یعني در نماز نفل آن را جائز گفته لهذا

---

(۱) والاصح کما في السراجیه انه یفتی بقول الامام علی الاطلاق ثم بقول الثاني ثم بقول الثالث الخ (الدر المختار علی هامش ردالمحتار مقدمة ص۶۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۷۰) . ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود ج۱ ص۴۱۶، ط.س. ج۱ ص۴۴۷. ظفیر

صرف در نوافل گفته شود. (۱) فقط

سوال: (۳۰٦) **اگر درنماز نفل خشوع ترک شود اعاده آن چه قسم است؟** اگر درنماز خشوع ترک شود آیا دراعاده آن کدام بدي نخواهد بود یا اینکه درفکر نماز گذار بدون الله کسی دیگر یاچیزي دیگر بیاید ونیت را بشکناند این عمل درنماز نفل چه حکم دارد؟

جواب: نه نماز را اعاده کند ونه نیت رابشکناند چرا که دراعاده ونیت قطع کردن براي وسوسه شیطان موقع زیاد میسر میشود لهذا در نوافل نیز اپن عمل کرده نشود. (۲)

سوال: (۳۰۷) **اگر تسبیح را پرنخواند آیا کدام حرج است؟** مردم عوام درتسبیح رکوع سبحان ربي العظیم را پر نمیخوانند نماز شان صحیح میشود یانه؟

جواب: نماز شان صحیح است. (۳)

سوال: (۳۰۸) **قرائت چرا صرف در دورکعت میشود:** چرا دو رکعت پرو دو رکعت خالي خوانده میشود؟

جواب: از احادیث آثار صحابه همین قسم ثابت شده که پاک حضرت ﷺ دو رکعت اولی فرائض را به الحمد وسوره میخواند ودر دو رکعت اخری صرف الحمد شریف را میخواند لهذا احناف این عمل را اختیارکرده اند. (٤)

سوال: (۳۰۹) **درنماز دستها به کدام حصه بسته شود؟** درداخل نماز دستها بسته کردن از کدام جا ثابت شده دلائل نقلیه را ارسال فرمائید؟

جواب: وعن وائل بن حجر انه رای النبي ﷺ رفع یدیه حین دخل في الصلاة کبر ثم التحف بثوبه ثم وضع یده الیمنی علی الیسری الحدیث (۵) رواه مسلم وغن سهل بن سعد قال کان الناس

---

(۱) وقرء کما کبر سبحانک اللهم الخ مقتصرا علیه فلا یضم وجهت وجهي الا في النافلة الخ (درمختار) لحمل ما ورد في الاخبار علیها فیقرء فیها اجماعا الخ وفي الخزائن وما ورد محمول علی النافلة بعد الثناء في الاصح (ردالمحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص ٤٥٥ — ٤٥٦، ط.س. ج۱ ص٤٨٨) . ظفیر

(۲) فلو اشتغل قلبه بتفکر مسئلة مثلاً في اثناء الارکان فلا تستحب الاعادة وقال البقالي لم ینقص اجره الا قصر (ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في حضور القلب والخشوع ج۱ ص۳۸۷، ط.س. ج۱ ص٤١٧) . ظفیر

(۳) والتسبیح فیه ثلاثا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٤٤، ط.س. ج۱ ص٦٧٤) . ظفیر

(٤) عن أبي قتادة قال کان النبي صلی الله علیه وسلم یقرء في الظهر في الاولیین بام الکتاب وسورتین وفي الرکعتین الاخریین بام الکتاب ویسمعنا الایة احیانا الحدیث متفق علیه (مشکوة باب القرائت في الصلوة ص ۷۹) واکتفي المفترض فیما بعد الاولیین بالفاتحة فانها سنة علی الظاهر ولو زاد لاباس به (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٧٧ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥١١) . ظفیر

(۵) مشکوٰة باب صفة الصلاة ص ۷۵ ظفیر

يؤمرون ان يضع الرجل اليد اليمنى على ذراعه اليسرى فى الصلاة رواه البخاري [۱] از این دو حدیث شریف بستن دستها درنماز ثابت شده.

سوال: (۳۱۰) **اگر در الله اکبر همزه به مد خوانده شود نماز میشود یانه؟** یک امام وغیره اگر درتکبیرات نماز همزه را به مد بخواند مثلا الله اکبر بگوید ویا مثلا الله اکبر درهمزه لفظ اکبر مد بکند نماز او صحیح است یانه؟

جواب: اگر درنماز درهمزه الله اکبر ویا درهمزه اکبر مد کرده شود نماز فاسد میشود از این قسم خواندن خود داري واجتناب، لازم است چرا که معنی چنین میگردد که آیا خداوند پاک کلان ذات است نعوذ بالله من ذالک لهذا ضرور است که درکلمه الله ودرکلمه اکبر به همزه مد داده نشود که خطره کفر وفسق است. [۲]

سوال: (۳۱۱) جواب یک استفسار: رساله اتمام الخشوع را براي شما روان میکنم امید است ان را ملاحظه فرمائید واز تصدیق وتنقید ما را مطلع فرمائید.

جواب: بنده رساله اتمام الخشوع را مطالعه نمودم هیچ یک حدیث دراین باره نقل نشده که بستن دستها بعد از رکوع به صراحت از آن معلوم شود بلکه روایت حضرت علي رضي الله عنه که در صفحه ۷ منقول شده الفاظ آن از این قرار است: انه كان اذا قام الى الصلاة وضع يمينه على الشمال فلا يزال كذلک حتى يركع، ازاین حدیث شریف معلوم شد که ماندن دست راست به دست چپ متعلق به قبل الرکوع بود به هرحال مذهب احناف (کثرهم الله وزاد جماعتهم وقبل عبادتهم ویصلح امورهم واولادهم) ومذهب جمهور سلف وخلف همین است که بعد از رکوع دستها اویزان مانده میشود وسخن تعجب این است که شما رأي مرا معلوم میکنید آیا فکر وراي بنده چه قسم مخالف ائمه وجمهور خود ممکن خواهد بود. فقط

سوال: (۳۱۲) **لفظ آمین خفیه گفته شود:** آیا گفتن لفظ آمین بطور خفیه مسنون است یا باواز بلند؟

جواب: گفتن لفظ آمین بطور خفیه مسنون است واین مذهب احناف است، عن علقمة بن وائل

---

(۱) مشکوٰة باب صفة الصلاة ص ۷۵ ظفیر

(۲) اذا اراد الشروع في الصلوة كبر الخ بالحذف اذ مد الهمزتين مفسد وتعمده كفر (الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفه الصلوة ج۱ ص۴۴۸، ط.س. ج۱ ص۴۷۹) . ظفير

عن أبيه أن النبي ﷺ قرأ غير المغضوب عليهم ولا الضالين فقال آمين ما روي ابن مسعود أنه كان يخفي فانه يفيد ان المعلوم منه عليه السلام الاخفاء قلت مع انه الاصل في الدعاء لقوله تعالى ادعوا ربكم تضرعا وخفية ولا شک ان آمين دعاء فعند التعارض ترجح الاخفاء بذلک وبالقياس على سائر الاذكار والادعية ولان آمين ليس من القرآن اجماعا فلا ينبغي ان يكون فيه صوت القران كما لا يجوز كتابه في المصحف.[1]

سوال: (۳۱۳) **رفع اليدين**: عمل رفع اليدين چه حكم دارد؟

جواب: رفع يدين بدون تكبير تحريمه به نزد احناف درنماز منسوخ است چرا كه اصحاب جليل القدر آن را ترک کرده بودند، عن البراء بن عازب قال كان النبي ﷺ اذا كبر لافتتاح الصلاة رفع يديه حتى يكون ابهاماه قريبا من شحمتي اذنه ثم لايعود قال ابو جعفر فهذا عمر ولم يكن يرفع يديه ايضا الا في التكبيرة الاولى في هذا الحديث وهو حديث صحيح وفعل عمر رضي الله عنه هذا وترک اصحاب الرسول ﷺ اياه على ذلک دليل صحيح ان ذلک هو الحق الذي لا ينبغي لاحد خلافه.[2]

سوال: (۳۱٤) **دليل منسوخ شدن رفع اليدين**: رفع اليدين كه بدون هفت جاي منسوخ شده دليل آن چيست؟

جواب: رفع اليدين بدون هفت جاي منسوخ است، والدليل المجمل لكل ماروي عن النبي ﷺ انه قال لا ترفع الايدي الا في سبع مواطن وعد منها تكبير الافتتاح وتكبيرة القنوت وتكبيرات العيدين وذكر الاربع في الحج كذا في الهداية ثم هذا عندنا وقال الشافعي يرفع يديه عند الركوع والرفع منه لانه عليه السلام فعل ذلک ولنا ماروينا رجلا يفعل هذا فقال له لا تفعل لهذا بشيء فعله رسول الله ﷺ ثم ترک كذا في الهداية والكفاية وقد روى الطبراني بسنده عن ابن ابي ليلى عن الحكيم عن المقسم عن ابن عباس عنه عليه الصلاة والسلام.[3]

سوال: (۳۱۰) **بسم الله بين فاتحة وسورة**: نماز بعد ازسورة فاتحة وپيش از سورة بسم الله الرحمن الرحيم گفته شود ويانه آيا به جهر خوانده شود يا خفيه؟

---

(۱) وأمن الامام سرا كماموم ومنفرد (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥۹، ط.س. ج۱ ص٤۹۲). ظفير

(۲) شرح معانی الآثار ج۱ ص۱۳۲ – ۱۳۳ باب التكبير للركوع الخ. ظفير

(۳) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ص٤۷۳، ط.س. ج۱ص٥۰٦ وفتح القدير باب صفة الصلوة ج۱ ص۲٦۸. ظفير

جواب: عبارت در المختار دراین باره این است: **لا** تسن بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سرية ولا تکره اتفاقا [۱] الخ حاصل عبارت این است که درابتداء سورة گفتن بسم الله نه سنت است ونه مکروه وعلماء محققین استحباب خواندن آن را ترجیح داده درشامي ذکر شده: ولذا صرح في الذخیرة والمجتبی بانه من سمی بین الفاتحة والسورة المقروئة سرا او جهرا کان حسنا.عند ابي حنیفة ورجحه المحقق ابن الهمام الخ. [۲] فقط

سوال: (۳۱٦) **بستن دستها زیر ناف**: احناف درنماز به حالت قیام دستهاي خود را کجا میمانند زیر ناف یا بالا تر ازنماز روایت مفتی به ومعمول به کدام است وکدام قسم ان اولی میباشد؟

جواب: به نزد احناف حدیث تحت السرة عملي میشود وحدیث فوق السرة معمول به نیست ونماز درعمل خلاف اولی نیز جائز است [۳] یضعهما اي الرجل تحت السرة الخ قال الشیخ کمال الدین بن الهمام کون الوضع تحت السرة او الصدر لم یثبت فیه حیث یوجب العمل فیحال علی المعهود من وضعها حال کون قصد التعظیم في القیام والمعهود في الشاهد منه تحت السرة مرة ذکره عن علي من السنة في الصلاة وضع الکف علی الکف تحت السرة رواه ابو داود واحمد واللفظ له الخ غنیة المستملي ص۲۹٤.

سوال: (۳۱۷) **مقدار جهر درقرائت وتکبیر**: درنماز دادن قرائت امام وبعض تکبیرات را انقدر باواز بلند خواندن که بیرون از مسجد تا سرک شنیده شود، وبعض تکبیرات را آنقدر باواز پائین خواندن که مقتدیان صف دوم وسوم هم شنیده نتوانند مثلا تکبیر رکوع را باواز نرم وتکبیر قومه را باواز بسیار بلند وتکبیر سجده را باواز نرم وتکبیر جلسه را به چیغ زدن پس این قسم عمل سنت است ویا بدعت یا کدام چیز دیگر آیا این عمل از قرون اولی ثابت است یا اختراعي است، بینوا توجروا

جواب: براي امام درجهر قرائت وتکبیرات اختیار کردن طریقه درمیانه به قدر حاجت مناسب است واین قسم فرق وتفاوت که از حاجت زیاد ویا کم باشد بسیار مذموم، قبیح وبي اصل است

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥۷، ط.س. ج۱ ص٤۹۰. ظفیر

(۲) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥۸، ط.س. ج۱ ص٤۹۰. ظفیر

(۳) ووضع لرجل یمینه علي یسار تحت سرته اخذ رسغها بخنصره وابهامه هو المختار (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب سرقة الصلوة ج۱ ص٤٥٤، ط.س. ج۱ ص٤۸٦) . ظفیر

درشريعت براي اين قسم فرق وتفاوت هيچ كدام اصل وحكم موجود نيست [1]. صرف درباره گشتاندن سلام فقهاء كرام اين قدر نوشته كرده اند كه سلام دوم را نسبت به سلام اول اندازه باواز پائين بگويد: كما في الدر المختار وسن جعل الثاني اخفض من الاول، [2] الخ پس بدون همين جا دركدام ديگري درجات جهر كدام تفاوت ندارد.

سوال: (۳۱۸) **بلند كردن آنگشت شهادت درتشهد:** درتشهد بلند كردن آنگشت شهادت مسنون است يانه؟

جواب: روايات متعلق سبابه، في الدر المختار: لكن المعتمد ما صححه الشراح ولا سيما المتأخرون كالكمال والحلبي البهنسى والباقلاني وشيخ الام الجد وغيرهم انه يشير لفعله عليه الصلاة والسلام ونسبوه لمحمد والامام بل في متن درر البحار وشرحه غرر الاذكار المفتى به عندنا انه يشير الخ وفي الشرنبلالية عن البرهان الصحيح انه يشير بمسبحته وحدها يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات واحترز بالصحيح عما قيل لا يشير لانه خلاف الدراية والرواية [3] الخ الدر المختار ودرشامي آمده وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنيفة ومحمد وكثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولى فهو صريح في ان المفتى به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع الخ وقال في الشرح الكبير قبض الاصابع عند الاشارة هو المروي عن محمد في كيفية الاشارة وكذا عن ابي يوسف في الامالي وهذا فرع تصحيح الاشارة وعن كثير من المشائخ لا يشير اصلا وهو خلاف الدراية والرواية فعن محمد رحمة الله عليه ان ما ذكره في كيفية الاشارة قول ابي حنيفة ومثله في فتح القدير وفي القهستاني وعن اصحابنا جميعا انه سنة فيلحق ابهامه اليمنى ووسطاها ملصقا راسها براسها ويشير بالسبابة [4] الخ شامي ج۱ ص۳۲٤. ازاين روايات معلوم شد كه در تشهد بلند كردن آنگشت شهادت مسنون است وطريقه

---

(۱) ويجهر الامام وجوبا بحسب الجماعة فان زاد عليه اساء (درمختار) وفي الزاهدي عن ابي جعفر لو زاد على الحاجة فهو افضل الا اذا جهد نفسه او اذى غيره قهستاني (رد المحتار فصل في القرائت ج۱ ص٤۹۷، ط.س. ج۱ ص۵۳۲) وجهر الامام بالتكبير بقدر حاجة الاعلام بالدخول والانتقال وكذا بالتسميع والسلام واما المؤتم والمنفرد فيسمع نفسه (درمختار) قوله بقدر حاجة الاعلام الخ وان زاد كره قلت هذا اذا يفحش الخ والزائد على قدر الحاجة كما هو مكروه للامام يكره للمبلغ (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب في التبليغ خلف الامام ج۱ ص٤۲۳، ط.س. ج۱ ص٤۷۵) . ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۹۱، ط.س. ج۱ ص۵۲٦. ظفير

(۳) الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷٤ - ٤۷۵، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفير

(٤) ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب مهم في عقد الاصابع عند التشهد ص۳۷۵، ط.س. ج۱ ص۵۱۰. ظفير

بلند کردن این آنگشت چنین است که آنگشت خورد وآنگشت ما بيني دست راست را حلقه کند وبا آنگشت شهادت اشاره نماید.

سوال: (۳۱۹) **زن درجلسه وسجده پاهای خود را چه قسم بماند**؟ زن باید درجلسه وسجده پاهاي خود را چه قسم بماند؟

جواب: براي زنان استاد کردن قدمها سنت نیست في الشامي: انها لا تنصب اصابع القدمين [۱] نظر به این عبارت زن درجلسه، سجده وتشهد به زمین پیوست بنشیند، في الشامي: وتتورک في التشهد [۲] الخ.

سوال: (۳۲۰) **به یک بوریا یا یک جای نماز زن ومرد نماز خوانده میتوانند**؟ اگر به یک بوریا ویا یک جاي نماز زن ومرد با هم استاد شوند خواه زن منکوحه این رد باشد ویا نباشد نماز شان صحیح است یانه؟

جواب: اگر هرکدام این زن ومرد نماز انفرادی بخوانند نماز صحیح است مگر همراه زن اجنبي دریک جاي نماز استاد شدن بد است [۳] واگر این زن ومرد درنماز شریک باشند، به امام اقتداء کرده باشد دراین صورت نماز شان صحیح نمیشود والتفصیل في کتب الفقه. [٤] فقط

سوال: (۳۲۱) **بسم الله دربین فاتحه وسورة جهرا است یا سرا**؟ دربین الحمد لله وسورة بسم الله خوانده شود یانه؟ به جهر خوانده شود ویاخفیه صاحب هدایه بسم الله را درابتداء سورة منع کرده ودرالمختار برایش مستحب میگوید دراین دو حکم کدام حکم صحیح وقابل عمل است وجواب حکم دوم چیست دیگر اینکه در ابتداء فاتحه حکم بسم الله گفتن موافق این حکم است یامخالف؟

جواب: عبارت درالمختار این است (لا تسن بين الفاتحة والسورة مطلقا ولوسرية ولا تكره اتفاقا [٥] الخ حاصل عبارت این است که دراول سورة بسم الله گفتن نه مسنون است ونه مکروه وعلماء

---

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧١. ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧١. ظفیر

(۳) فمحاذاة المصلية لمصل ليس في صلاتها مكروهة لامفسد (درمختار) قول ليس في صلاتها بان صليا منفردين او مقتديا احدهما بامام لم يقتد به الاخر شرح المنية (ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص٥٣٧، ط.س. ج۱ ص٥٢٤). ظفیر

(٤) واذا حاذته ولو بعضو واحد مرأة ولو امة مشتهاة الخ ولاحائل بينهما في صلوة الخ مطلقة مشتركة تحريمة واداء الخ فسدت صلاته (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب الامامة ج۱ ص٥٣٤، ط.س. ج۱ ص٥٧٢). ظفیر

(٥) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٥٧، ط.س. ج۱ ص٤٩٠. ظفیر

محققین خواندن بسم الله را مستحب گفته اند درشامي ذکر شده: ولذا صرح في الذخيرة والمجتبى انه ان سمى بين الفاتحة والسورة المقروئة سرا اوجهرا كان حسنا عند ابي حنيفة ورجحه المحقق ابن الهمام [1] الخ بسم الله سري خوانده شود: اما الموضع الرابع فانها تخفي عندنا الخ عن انس رضي الله عنه ان رسول الله كان يسر ببسم الله الرحمن الرحيم الخ. غنية المستملي ص٣٠١.

سوال: (٣٢٢) **درنمازهای جهری منفرد چه کند؟** درنماز شام، خفتن وصبح شخص تنها گذار نماز خود را به جهر خوانده میتواند یانه؟ وتنها گذار ربنا لک الحمد را به جهر بگوید یا به خفیه؟

جواب: براي تنها گذار دراین نمازها جائز است [2]-وبعد ازسمع الله لمن حمده ربنا لک الحمد را خفیه بگوید. [3]

سوال: (٣٢٣) ماندن دستها بالای ناف: بعد از تکبیر تحریمه ماندن دستها درحدیث شریف زیر ناف ثابت است یا بالاي ناف؟

جواب: بستن دستها در زیر ناف وبالاتر از ناف هر دو از احادیث ثابت شده مگر احناف حدیث زیر ناف را معمول به کرده اند. [4] فقط

سوال: (٣٢٤) **بعد ازفاتحه خاموشی وبعدا سورة:** اگر امام بعد از خواندن فاتحه خاموش شود بعد از آن قرائت را شروع کند آیا درنماز کدام نقصان میاید؟

جواب: اگر به قدر آمین وخفیه خواندن بسم الله سکوت کند وبه همین اندازه درنماز تأخیر شود دراین صورت درنماز کدام نقصان پیش نمیشود. [5]

---

[1] ردالمحتار، باب صفة الصلوة ج١ ص٤٥٨، ط.س. ج١ ص٤٩٠. ظفير

[2] ويخير المنفرد في الجهر وهو افضل ويكتفي بادناه ان ادى (الدرالمختار على هامش ردالمحتار وفصل في القرائت ج١ ص٤٩٨، ط.س. ج١ ص٥٣٣) . ظفير

[3] جهر الامام بالتكبير الخ وكذا بالتسميع الخ واما المؤتم والمنفرد ليسمع نفسه (ايضاً باب صفة الصلوة جلد اول ص.... مطلب في التبليغ خلف الامام، ط.س. ج١ ص٤٧٥) . ظفير

[4] يضع يمينه على يساره بعد التكبير الخ تحت السرة الخ وذكر عن على من السنة لي الصلوة وضع الكف تحت السرة رواه ابوداود واحمد واللفظ له الخ (غنية المستملي ص٢٩٤) . ظفير

[5] وامن الخ الامام سرا كماموم ومنفرد (الدرالمختار باب صفة الصلوة) ان سمي بين الفاتحة والسورة المقروءة سرا او جهراً كان حسنا عند ابي حنيفة (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٥٨، ط.س. ج١ ص٤٩٢) . ظفير

خواندن بسم الله پیش ازفاتحه وسوره: سوال: (۳۲۵) : براي امام درهر رکعت ضم کردن بسم الله همراه فاتحه وسوره واجب است یا نه؟ وبه نزد احناف براي امام ومنفرد این باره صورت است مستحب کدام است؟

جواب: ذکر في المحیط: المختار قول محمد وهو ان یسمی قبل الفاتحة وقبل کل سورة في کل رکعة وفي الدر المختار وکما تعوذ سمی الخ سرا في اول کل رکعة الخ لا تسن بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سریة ولا تکره اتفاقا الخ قال في الشامي ولهذا في الذخیرة والمجتبی بانه ان سمی بین الفاتحة والسورة المقروءة سرا اوجهرا کان حسنا عند أبي حنیفة رحمه الله ورجحه المحقق ابن الهمام [۱] ازتمام این عبارات معلوم شد که براي امام پیش ازفاتحه خواندن بسم الله سنت است ، وبعض علماء خواندن بسم الله را در این وقت واجب گفته اند وخواندن بسم الله اگر چه پیش از سوره مسنون نیست مگر مکروه هم نیست بلکه مستحب است. فقط

سوال: (۳۲٦) **بعد از تکبیر تحریمه اویزان کردن دستها جائز نیست:** آیا بعد از تکبیر تحریمه اویزان کردن دستها جائز است یانه؟ مولوي عبد الحي صاحب آن راجائز گفته است؟

جواب: در الدر المختار آمده: ووضع الرجل یمینه علی یساره تحت سرته آخذا رسغها بخنصره وابهامه الخ کما فرغ من التکبیر بلا ارسال في الاصح الخ قوله بلا ارسال هو ظاهر الروایة، الخ از این روایت معلوم شد که اویزان کردن دستها بعد از تکبیر تحریمة صحیح نست.

سوال: (۳۲۷) **براي دور خوردن امام به طرف راست یا چپ تعداد مقتدیان محدود نیست:** این مسئله صحیح است یا نه که تعداد مقتدیان ده نفر یا باندازه کدام عدد مخصوص نباشند دراین صورت امام بطرف راست یا بطرف چپ روي خود را بآنها دور ندهد؟

جواب: این مسئله صحیح نیست کما في الشامي ولو دون عشرة اي ان الاستقبال مطلق لا تفصیل فیه بین عدد وعدد الخ ولا یلتفت الی ما ذکره بعض شراح المقدمة من ان الجماعة ان کانوا عشرة یلتفت الیهم ان هذا الذي ذکره لا اصل له في الفقه [۲] الخ.

سوال: (۳۲۸) **دروقت بالا شدن ازسجده بدست تکیه کردن جائز است یانه؟** دروقت بالا شدن ازسجده تکیه کردن بدست بدون عذر جائز است یا مکروه وتکیه کردن به زانوها اگر چه

---

(۱) ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص۴۵۷ – ٤۵۸، ط.س. ج۱ ص٤۹۰. ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جل۱ ص٤۵٤، ط.س. ج۱ ص٤۸٦. ظفیر

ناجائز است مگر ترک این عمل مستحب است یانه؟ در فتاوی عالمگیري آمده: لایعتمد علی الارض بل یعتمد علی الرکبة و ترک الاعتماد مستحب الخ مطلب این عبارت چیست ودراین صورت چه حکم است؟

جواب: در الدر المختار امده: ویکبر للنهوض علی صدور قدمیه بلا اعتماد وقعود استراحة الخ در شامي آمده: قوله بلا اعتماد اي علی الارک الخ قال في الکفایة اشار به الی خلاف الشافعي في موضعین احدهما یعتمد بیدیه علی رکبتین عندنا وعنده علی الارض الخ شامي ج۱ ص۳٤۰، پس معلوم شد که اعتماد یعني تکیه کردن به زانوها مذهب حنفي است وتکیه کردن به زمین مذهب شافعي است لهذا بدون عذر به زمین تکیه نکند بلکه به تکیه کردن به زانوها بالا شود ودرعبارت: وترک الاعتماد مستحب [۱] مطلب این است که ترک تکیه به زمین مستحب است. فقط

سوال: (۳۲۹) **بحث خواندن فاتحه خلف الامام وغیره:** (۱) درکدام ایت الله تعالی ودرکدام حدیث رسول الله ﷺ از خواندن فاتحه خلف الامام منع کرده است ؟

سوال: (۳۳۰) (۲) رسول الله ﷺ درنماز دستها را بالای ناف بسته میکرد یا ماندن دستها را به سینه منع میکرد؟

سوال: (۳۳۱) (۳) رسول الله ﷺ درنماز امین را خفه میخواند ویا الله تعالی ورسول الله ﷺ مردم را از آمین بالجهر منع کرده اند؟

سوال: (٤) رسول الله ﷺ در وتر رفع الیدین کرده یا براي مردم این عمل را اجازه کرده؟

سوال: (٥) آیا رسول الله ﷺ در رکعت هاي طاق جلسه استراحت نکرده ویا از این جلسه ممانعت او ثابت است یا نه؟

جواب: (۱) الله تعالی هم آمین بالجهر را منع کرده الله تعالی فرموده است: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [۲] ودرحدیث شریف مسلم آمده: واذا قرئ فانصتوا. [۳]

جواب: (۲) وذکر عن علي رضي الله عنه من السنة في الصلاة وضع الکف علی الکف تحت السرة رواه ابو داود واحمد واللفظ له [٤] ازجهت اینکه حضرت علي رضي الله عنه ماندن کف دست رابه کف دست

---

(۱) عالمکیري مصري الباب الرابع في صفة الصلوة فصل ثالث ص۷۰ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۷٥. ظفیر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲٤. ظفیر

(۳) مشکوة باب القرائت في الصلوة ص۸۱ واثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام في الجهریة. ظفیر

(٤) غنیة المستملي ص۲۹٤، وعن علقمة بن وائل بن حجر عن ابیه قال رأیت النبی ﷺ یضع یمینه علی شماله تحت السرة. رواه ابن ابي =

سنت گفته میکند براینکه این عمل معمول به رسول الله ﷺ است. فقط

جواب: (۳) خفیه گفتن آمین اولا از قرآن پاک فهمیده میشود: ادعوا ربکم تضرعا وخفية [۱] یعني به خداوند ﷻ به عاجزي وخفیه دعا کنید، ودرالفاظ حدیث (خفض واخفی صوته) وارد شده است [۲] کدام نص صریحي وروایت ابن مسعود رضی الله عنه که دراین متعلق وارده شده دلالت میکند براینکه امین به خفیه گفته شود ودر شرح منیه از روایت حضرت وائل رضی الله عنه هم معلوم میشود که گفتن آمین به خفیه سنت است.

جواب: (٤) قال ابن قدامه في المغني: وقد روي عن ابن عمر رضی الله عنه انه كان اذا فرغ من القرائت كبر وفی الذخيرة ورفع يديه حذاء اذنيه وهو مروي عن ابن مسعود وابن عمر وابن عباس وابي عبيدة رضی الله عنهم الخ وقال قبيله: فان ذلک مروي عن علي وابن عمر وبراء بن عازب والقياس يدل ان التكبير للفصل والانتقال من حال الى حال الخ، پيس معلوم شده كه تكبير گفتن ورفع اليدين در ركعت سوم وتر از عبد الله بن مسعود وابن عباس وابن عمر وغيره هم ثابت است، پس معلوم میشود كه این اصحاب كرام رسول كريم ﷺ راحتما با این عمل دیده اند بعد ازآن این حضرات هم این عمل را معمول به خود کرده اند.

جواب: (٥) وعن ابي هريرة رضی الله عنه قال كان النبي ﷺ ينهض في الصلاة على صدور قدميه [۳] واز بسیار اصحاب هم چنین منقول شده كذا في شرح المنية. فقط

سوال: (۳۳۲) <u>تحقيق فاتحه خلف الامام، آمين بالجهر رفع اليدين وماندن دستها بر سينه وبستن آن</u>: نماز خواندن به طريقه ذيل از روي احاديث وفعل صحابه كرام جائز است ويانه؟ (۱) خواندن فاتحه خلف الامام (۲) گفتن آمین باواز بلند (۳) رفع اليدين (٤) ماندن دستها به سينه بينوا تؤجروا.

جواب: (۱) فاتحه خلف الامام ويا خواندن كدام سوره ديگر خلف الامام به قرآن كريم واحاديث صحيحه منع شده است؟ در قران كريم به آية مباركه (واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا) [٤]

= شيبة واسناده صحيح (اثار السنن، باب وضع اليدين تحت السرة) . ظفير

(۱) سورة الاعراف ركوع ۱۰٤. ظفير

(۲) آثار السنن، باب ترک القرائت خلف الامام في الجهرية ص۸۵ ج۱، مشكوة باب القرائت ص۸۱. ظفير

(۳) هدايه باب صفة الصلوة ص۱۰۱ ج۱ عن البخاري. ظفير

(٤) سورة الاعراف ركوع ۱۰٤. ظفير

ودراحاديث به روايت مسلم (وإذا قرأ فانصتوا) [۱] ودر روايت ديگري آمده: من كان له امام فقرائت الامام قرائت له الحديث اوكما قال ﷺ . فقط

جواب: (٤) درگفتن آمين اخفاء سنت ومستحب امت اگر چه بلند گفتن آن هم درنماز جائز است مگر طريقه سنت اين است كه آمين خفيه گفته شود، لانه دعاء وقال الله تعالى (ادعوا ربكم تضرعا وخفية) [۲] والاحاديث متعارضة فتعين المصير إلى الاصل وهو الاخفاء. فقط

جواب: (۳) رفع اليدين بدون تكبير تحريمه منسوخ شده مثليكه روايت (فترک) بر منسوخ شدن آن دلالت ميكند ودر حديث عبد الله ابن مسعود ذكر شده (عن علقمة قال لنا ابن مسعود رضي الله عنه الا اصلي بكم صلاة رسول الله فصلى ولم يرفع يديه الا مرة واحدة مع تكبيرة الافتتاح) [۳] ازاين حد يث شريف معلوم ميشود كه عمل آخري آن حضرت ﷺ ترک رفع اليدين است بدون تكبير افتتاح. فقط

جواب: (٤) دستها بايد زير ناف مانده شود قال في الهداية (ويعمل بيده اليمنى على يده اليسرى تحت السر لقوله عليه السلام ان من السنة وضع اليمين على الشمال تحت السرة) الخ ولان الوضع تحت السرة اقرب الى التعظيم [٤] وفي حديث ابراهيم النخعي مايدل عليه روى ابو حنيفة عن حماد عن ابراهيم النخعي ان النبي ﷺ كان يعتمد يده اليمنى على اليسرى تواضعا الخ. [٥] فقط

سوال: (۳۳۳) **رفع سبابه ضرور است يا نه** ؟ بعض احناف رفع سبابه نميكنند وبه نكردن آن يک قول امام صاحب را دليل ميگيرند؟

جواب: متعلق رفع سبابه در المختار وشامي خوب تفصيل كرده وبه رفع سبابه ترجيح داده اند واز بسيار كتابها اين تفصيل را نقل كرده اند كه بعد از اين تفصيل براي شخص مقلد گنجايش خلاف نيست، درموطا امام محمد خودش مي فرمايد كه اين قولٰ ما وقول استاد الامام ابو حنيفة است. [٦] فقط

---

(۱) آثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام في الصلوة كلها ص۸۷ ج۱. ظفير

(۲) سورة الاعراف ركوع ۷. ظفير

(۳) آثار السنن، باب ترک رفع اليدين في غير الافتتاح ج۱ ص۱۰۳ ونيز مطالعه كنيد: غنية المستملي صفة الصلوة ص۳۱٦. ظفير

(٤) هدايه باب صفة الصلوة ج۱ ص ۹۵ – ۹٦. ظفير

(٥) حاشيه هدايه، باب صفة الصلوة تحت قوله وضع اليمين ج۱ ص۹٦. ظفير

(٦) لكن المعتمد ما صحح الشراح ولاسيما المتاخرون كالكمال والحلبي والبهنسي والباقاني وشيخ الاسلام الجد وغيره انه يشير لفعله عليه الصلوة والسلام الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧٤، ط.س. ج۱ ص٥٠٨) . ظفير

سوال: (۳۳٤) **حديث آمين بالخفية حديث كدام درجه است**: مخالفين ميگويندكه احاديث آمين بالاخفاء معلول ومجروح است لهذا آمين بالجهر اولى است ومخالفين ميگويند كه علماء احناف خودشان گفته اندكه آمين به جهر به احاديث قوي ثابت شده جواب اين اعتراض چيست، اميد است كه كدام حديث قوى را نوشته كنيد وباعث ترجيح را نيز تحرير فرمائيد؟

جواب: احاديث اخفاء وجهر هردو موجود است مگر ترجيح به احاديث اخفاء است بسبب قول الله تعالى: ادعوا ربكم تضرعا وخفية الاية [1] حديث صحيح هم موجود است: انك لا تدعون اصم ولا غائبا [2] وابن مسعود ﷺ فرموده است كه: اربع يخفيهن امام وذكر من جملتها التعوذ والتسمية والتأمين. [3] فقط

سوال: (۳۳۵) **درتشهد كه انگشت را بالا كند بكدام كلمه آن را پائين كند**؟ وقتيكه درتشهد نماز به كل مات اشهد ان لا اله إلا الله آنگشت را بالا كند دركدام وقت آنگشت را پائين كند؟

جواب: درشرح منيه از امام حلواني نقل كرده اند كه به لفظ لا اله آنگشت را بالا كند وبه لفظ الا الله آنگشت راپائين كند. [4] فقط

سوال: (۳۳٦) **اشاره به انگشت شهادت**: درنماز بلند كردن شهادت به بسيار احاديث ثابت شده مگر معلوم نيست كه فقهاء رحمهم الله چرا آن را ممنوع وحرام ميگويند اگر درمذهب حنفي جائز باشد تحرير فرمائيد؟

جواب: فقهاء محققين حنفي هم اشاره بالسبابه را ترجيح داده اند وبه همين قول فتوى وعمل ميكنند در الدر المختار آمده بعد از اينكه روايت منع آن را نقل كرده: لكن المعتمد ما صححه الشراح ولاسيما المتأخرون كالكمال والحلبي والبهنسي والباقلاني وشيخ الاسلام الجد وغيرهم انه يشير لفعله عليه الصلاة والسلام ونسبوه لمحمد والامام بل في متن درر البحار وشرحه غرر

---

(۱) سورة الاعراف ركوع ۷. ظفير

(۲) مشكوة باب ثواب التسبيح فصل اول ص ۲۰۱. ظفير

(۳) هدايه باب صفة الصلوة ص ۹۲. ظفير

(٤) يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات (درمختار) وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنيفة ومحمد وكثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولى (ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب مهم في عقد الاصابع عند التشهد ص٤٧٥ ج١، ط.س. ج١ ص٥٠٩) . ظفير

الاذکار المفتی به عندنا انه یشیر باسطا اصابعه کله والشرنبلالیة عن البرهان الصحیح انه یشیر بمسبحة وحدها الخ وفي الشامي فهو صریح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع علی الکیفیة المذکورة الخ ص۳٤۱، شامي. [۱]

سوال: (۳۳۷) (۱) **از رکعت دوم چی قسم بالا شود؟** در رکعت دوم وقتیکه ازقعده به قیام میرود دستهاي خود را به نانوهاتکیه کند یا به زمین تکیه کرده بالا شود؟

سوال: (۳۳۸) (۲) **بعد از سلام شرکت مقتدي در دعاء:** برای مقتدي بعد ازسلام گشتاندن امام دردعاء امام شرکت واقتداء ضرور است یامستحب؟

جواب.: (۱) اگر دستهاي خود را به زانوهاي خود بماند وبالا شود بهتر است واگر به اثر عذر وضرورت دستهاي خود را به زمین بماند وبالا شود هم جائز است. [۲] فقط

جواب: (۲) اشتراک مقتدي در دعاء بعد از سلام مستحب است. [۳]

سوال: (۳۳۹) **جلسة استراحت جائز است یا نه؟** بعد ازختم دو سجده نماز پیش از رفتن به قیام قدر اندک نشستن جائز است یانه؟

جواب: به نزد احناف بعد از دوسجده پیش ازقیام جلسه استراحت نیست. [٤]

سوال: (۳٤۰) **دروقت اشاره حلقه کردن انگشتان جائز است یانه؟** به نزد امام اعظم صاحب درتشهد حلقه کردن انگشت ابهامه وآنگشت وسطی وبعد از بند کردن آنگشت خنصره وبنصره اشاره کردن جائز است یا نه؟

---

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص٤۷٤، ط.س. ج۱ ص۵۰۸. ظفیر

(۲) ویکبر للنهوض علی صدور قدمیه باعتماد وقعود استراحة ولو فعل لاباس (درمختار) بلا اعتماد اي علی الارض قال في الکفایة اشار به الی خلاف الشافعي في موضعین احدهما یعتمد بیده علی رکبتیه عندنا وعنده علی الارض والثاني الجلسة الخفیفة الخ (ردالمحتار باب صفة الصلاة جلد اول ص٤۷۲، ط.س. ج۱ ص۵۰٦). ظفیر

(۳) ویستحب ان یستغفر ثلاثا ویقرء اية الکرسي الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤۹۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۰) فاذا تمت صلوة الامام فهو مخیر ان شاء انحرف عن یساره الخ وان شاء انحرف عن یمینه الخ وان شاء ذهب الی حوائجه لانه قضی صلوته الخ وان شاء استقبل الناس بوجهه الخ (غنیة المستملي ص۳۲۰). ظفیر

(٤) ویکبر للنهوض بلا اعتماد وقعود استراحة ولو فعل لاباس (درمختار) بلا اعتماد الخ اي علی الارض قال في الکفایة اشار به الی خلاف الشافعي في موضعین احدهما یعتمد بیدیه علی رکبتیه عندنا وعنده علی الارض والثاني الجلسة الخفیفة قال شمس الائمة الحلواني الخلاف في الافضل حتی لو فعل کما هو مذهبنا لاباس به عند الشافعي ولو فعل کما هومذهبه لاباس به عندنا کما في المحیط اهـ قال في الحلیة والاشبه انه سنة اومستحب عند عدم العذر فیکره فعله تنزیها لمن لیس به عذر آهـ وتبعه في البحر والیه یشیر قولهم لا باس فانه یغلب فیما ترکه اولی (ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤۷۲، ط.س. ج۱ ص۵۰٦). ظفیر

جواب: اشاره به آنگشت سبابه بکدام شکل که در سوال نوشته شده درکتابهاي فقه حنفي به همین قسم ذکر شده وجائز میباشد ودر شامي امده: فلذا قال في منية المصلي فان اشار بعقد الخنصر والبنصر ويحلق الوسطى بالابهام (۱) الخ ودر الدر المختار نقل کرده: الصحيح انه يشير بمسبحة وحدها يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات الخ (۲) یعني آنگشت سبابه را دروقت لا اله بالا کند ودر وقت الا الله پائین کند. فقط

سوال: (۳٤۱) **اگر آنگشت دست راست را بالا کرده نتواند چه کند:** یکی نفر بلند کردن آنگشت دست راست معذور است در تشهد آنگشت دست چپ را بالا میکند مگر زید او را منع میکند؟

جواب: اگر ازبلند کردن آنگشت دست است معذور باشد دراین صورت آنگشت دست چپ را بالا نکند به بلند کردن آنگشت دست چپ حکم نیست. (۳) فقط

سوال: (۳٤۲) **بعد ازگشتاندن سلام امام باید روی خود را بکدام طرف دور دهد:** امام بعد ازسلام دادن آن نمازها که بعد ازآن سنت نیست یعني بعد از نماز دیگر ونماز صبح باید روي بکدام طرف بنشیند بطرف راست یا بطرف چپ یاپشت خود را به طرف قبله ورویش را به طرف مقتدیان دور دهد؟

جواب: درحدیث مسلم شریف آمده: وعن البراء قال كنا اذا صلينا خلف رسول الله ﷺ احببنا ان نكون عن يمينه يقبل علينا بوجهه قال فسمعته يقول رب قني عذابک يوم تبعث او تجمع عبادک، رواه مسلم (٤) وفي حديث عبد الله ابن مسعود رضي الله عنه قال لا يجعل أحدكم شيئا للشيطان في صلاته يرى أن حقا عليه ان لا ينصرف عن يمينه لقد رايت رسول الله ﷺ كثيرا ينصرف عن يساره رواه البخاري ومسلم (٥) وعن انس رضي الله عنه كان النبي ﷺ اذا صلى صلاة اقبل علينا بوجهه رواه البخارى ص۷۹ مشکوة شریف (٦) از این روایات معلوم شد که پاک حضرت ﷺ دراکثر اوقات بعد

---

(۱) ردالمحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٧٥، ط.س. ج۱ ص٥٠٨. ظفير

(۲) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ج۱ ص٤٧٤ ، ط.س. ج۱ س٥٠٩. ظفير

(۳) الصحيح انه يشير بمسبحة وحدها يرفعها عند النفي (درمختار) قوله بمسبحة وحدها فيكره ان يشير بالمسبحتين كما في الفتح وغيره (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٧٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٠٨) . ظفير

(٤) مشكوة باب الدعاء في التشهد فصل اول ص٨٧. ظفير

(٥) مشكوة باب الدعاء في التشهد فصل اول ص٨٧. ظفير

(٦) مشكوة باب الدعاء في التشهد فصل اول ص٨٧. ظفير

ازختم جماعت بطرف راست مي نشستند وبعض اوقات بطرف چپ وبعض اوقات به مقتديان روبرو مي نشستند ازاين عبارت اين مطلب هم حاصل شده ميتواند كه ان حضرت ﷺ بطرف قبله ورو بطرف مقتديان مي نشستند واين هم مراد شده ميتواند كه بانصراف طرف راست ويا بطرف چپ تعبير شده است لهذا فقهاء كرام دراين باره اختيار داده اند كه خواه بطرف راست يا بطرف چپ يا رو به مقتديان وپشت به طرف قبله بنشيند در الدر المختار امده: وفي الخانية يستحب للامام التحول ليمين القبلة يعني يسار المصلي الخ وخيرة في المنية بين تحويله يمينا وشمالا الخ واستقباله الناس بوجهه [1] الخ، وآن حضرت ﷺ در اكثر اوقات بطرف راست مي نشستند: كما ذكره الشراح وعليه عمل اكابرنا كالشيخ المحدث گنگوهي ومولانا النانوتوي قدس الله اسرارهما. فقط

سوال: (٣٤٣) **آيا امام باواز بلند دعاء كرده ميتواند**؟ آيا امام باواز بلند دعاءكرده ميتواند ولو مقتديان به آواز بلند يا پائين دعا بكند خواه دعا به آياتهاي قرآني هم باشد؟

جواب: نظر به آية مباركه: ادعوا ربكم تضرعا وخفية، دعاء به خفيه بهتر است. [2] فقط

سوال: (٣٤٤) **در لفظ السلام عليكم ورحمة الله ازامام سبقت شدن**: اگر كدام مقتدي درگفتن السلام عليكم ورحمة الله پيش از امام فارغ يعني امام هنوز لفظ السلام عليكم ورحمة الله را ختم نكرده ومقتدي اين لفظ را ختم كرد يا در اين وقت روي خود را پيش از روي گردانيدن امام بگرداند دراين صورت نما ز او صحيح شده يانه؟

جواب: نماز مقتدي دراين صورت هم صحيح است مگر گشتاندن سلام پيش از سلام دادن امام مكروه است: وانما كره ذ لک للمؤتم لترک متابعته الامام بلا عذر الخ شامي جلد اول. [3]

سوال: (٣٤٥) **اشاره آنگشت درتشهد**: علماء سرحد درتشهد بلند كردن آنگشت را منع ميكند كه گويا اين عمل درنماز كرده نشود مگر ما ميگوئيم كه اين فعل درنماز به سنت ثابت شده لهذا بكدام قسم كه اشاره ثابت شده به سند صحيح آن را به ما تحرير فرمائيد؟

جواب: صحيح درمذهب حنفي اين است كه اشاره به سبابه درتشهد سنت است وكسي كه مخالف

---

(١) الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٦٥، ط.س. ج١ ص٥٣١. براى تفصيل مطالعه كنيد: غنية المستملي ص٣٣٠. ظفير

(٢) سورة الاعراف ركوع ٧. ظفير

(٣) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اذا اراد الشروع جلد اول ص٤٩٥، ط.س. ج١ ص٥٢٥. ظفير

جواب: صرف خواندن السلام عليكم ورحمة الله سنت است، كما في الانوار الساطعة عن منية المصلي وان يقول السلام عليكم ورحمة الله مرتين [۱] آهـ وهم چنين درحديث ديگري نيز وارد شده مگر [۲] روايتيكه به نزد احناف وارد شده مسنون مشهور است براي لفظ بركاته ضرورت نيست. فقط

سوال: (۳۵۱) **بعد از آن نمازهاى فرض كه نماز سنت نباشد دعاء بعد از فرض را دراز كند:** دركتاب گوهر بهشتي نوشته است بعد از كدام نمازهاي فرض كه سنت باشد يعني بعد از فرض ظهر، شام وخفتن بعد از نماز فرض دعاء بطور مختصر خوانده شود وبعدا مشغول اداء سنت شوند وبعدا از آن نماز فرض كه سنت نيست يعني درنماز ديگر وصبح بعد ازختم اين دو نماز امام اختيار دارد كه حسب خواهش خود دعاء را دراز كند ويا نه كند اين صورت شرعا چه حكم دارد؟

جواب: كدام صورتيكه از گوهر بهشتي منقول شده باحاديث موافق است باين معنى كه بعد ازكدام نماز فرض سنت نباشد دران نماز موافق روايت نور الايضاح عمل كرده شود [۳] وبعد ازكدام نمازهاي فرض كه سنت است يعني بعد از فرض، شام، خفتن وظهر بعد ازآن امام ومقتديان دعاء را به طور مختصر بخوانند وبعد از آن مشغول سنت شوند وقتيكه بعد از فرض دعاء خوانده شود وبعد ازآن سنت اداء گردد بعد از سنت دعاء بطور اجتماعي ضرور نيست چرا كه دعاء اجتماعي يک بار است وبعد از فرصت اداء گرديد بعد از سنت براي مقتديان انتظار دعاء امام ضرور نيست. [٤] فقط

---

(۱) ويقول السلام عليكم ورحمة الله ولا يقول في هذا السلام اي في سلام الخروج من الصلوة سواء كان عن اليمين او اليسار وبركاته (غنية المستملي ص۳۲٦) . ظفير

(۲) ثم يسلم الخ قائلا السلام عليكم ورحمة الله هو السنة الخ وانه لايقول هنا وبركاته وجعله النووي بدعة ورده الحلبى وفي الحاوي انه حسن (درمختار) رده الحلبى حيث قال في الحلية شرح المنية بعد نقله قول النووي انها بدعة ولم يصح فيها حديث بل صح في تركها غير ما حديث مانصه لكنه متعقب في هذا فانها جاءت في سنن ابي داود من حديث وائل بن حجر باسناد صحيح وفي صحيح ابن حبان من حديث عبدالله بن مسعود ثم قال اللهم الا ان يجاب بشذوذها وان صح مخرجها الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ص٤۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥۲٦) . ظفير

(۳) وفي الحجة الامام اذا فرغ من الظهر والمغرب والعشاء يشرع في سنة ولا يشتغل بادعية طويلة كذا في التتارخانيه (عالمكيري مصري كيفبت صلوة ج۱ ص۷۲، ط. ماجدية ج۱ ص۷۷) . ظفير

(٤) مسجد اصلا براي نماز فرض است خواندن نفل وسنت درخانه بهتر است والافضل في النفل غير التراويح المنزل، الا لخوف شغل عنها والاصح افضلية ما كان أخشع واخلص الدر المختار قوله والافضل في النفل الخ شمل مابعد الفريضة وماقبلها لحديث الصحيحين عليكم =

سوال: (۳۵۲) **لفظ آمین وغیره به خفیه مناسب است:** اگر مقتدي شخص حنفي مذهب باشد ولفظ آمین را به جهر بگوید ویا ربنا لک الحمد را بآواز بلند بگوید دراین صورت نمازش بدون کراهیت جائز است یانه؟

جواب: قال في الدر المختار في بیان سنن الحج والثناء والتعوذ والتسمیة والتأمین وکونهن سرا الخ [۱] وفیه ایضا وکذا في التسمیع والسلام واما المؤتم والمنفرد فیسمع نفسه الخ [۲] وفیه ایضا ترک السنة لا یوجب فساد ولا سهو بل اساءة الخ وقالوا الاساءة ادون من الکراهیة [۳] في الشامي الاساءة افحش من الکراهیة الخ [۴] از این روایات معلوم شد که جهر به آمین وربنا لک الحمد به نزد احناف خلاف سنت است ومرتکب این عمل بدکار وگناه است. فقط

سوال: (۳۵۳) **هیئت رکوع درنماز به قعود چی قسم است؟** نماز به قعود در رکوع سیرین خود را از عقبین بالا کند یا پائین کردن سر کافي است؟

جواب: وقتیکه سر خود را خوب پائین کند وکمال رکوع درنماز به قعود آن است که پیشاني مقابل زانوها شود واگر سر خود راصرف بانحناء کمر اندک پائین کند نیز کافی میباشد درشامي از بیرجندي منقول شده: ولو کان یصلي قاعدا ینبغي ان یحاذی جبهته قدام رکبتیه لیحصل الرکوع آه قلت ولعله محمول علی تمام الرکوع والا فقد علمت حصوله باصل طأة طأة الرأس ای مع انحناء الظهر، شامی. [۵] فقط

سوال: (۳۵٤) **بعد ازنماز پنج وقته دعاء سنت است:** بعد ازنماز پنج وقته بالا کردن دستها براي دعاء سنت است یا بدعت زید از این جهت دعاء را ترک کرده که دراین باره کدام حدیث وارد نشده این عمل چه قسم است؟

جواب: بعد از اداء پنج وقت نماز دستها بالا کردن ودعاء خواندن سنت نبوي ﷺ است حسن

= بالصلاة في بیوتکم فان صلاة المرء في بیته الا المکتوبة وآخرج ابو داود وصلاة المرء في بیته، افضل من صلاته في مسجدی هذا الا أن مکتوبة وتمامه في شرح المنیة ردالمحتار باب الوتر والنوافل ج ۱ ص ٦۳۸ از این احادیث معلوم شد که معطل کردن نماز خوانان براي اداء سنت ودعاء کردن بمور اجتماعي دردور نبوي نبود ونه حالا این التزام جائز است چرا که مخالف حدیث است والله اعلم. ظفیر

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب في سنن الصلوة ص٤٤۳ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۷۵. ظفیر

(۲) ایضا جلد اول ص٤٤۲، ط.س. ج۱ ص٤۷۳ – ٤۷٤. ظفیر

(۳) ایضا. ظفیر

(٤) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود جلد اول ص٤٤۲، ط.س. ج۱ ص٤۷٤. ظفیر

(۵) ردالمحتار باب صفة الصلوة بحث الرکوع والسجود جلد اول ص٤۱٦، ط.س. ج۱ ص٤۷٤. ظفیر

حصين كه يک كتاب معتبر احاديث است دراين كتاب بالا كردن دستها در دعاء وبعد ازختم الفاظ دعاء كش كردن دستها به روي به احاديث مرفوعه ثابت شده وبعد از نماز مسنونيت دعاء هم در همين كتاب ذكر شده كه بايد مطالعه [١] شود لهذا اين عمل زيد كه ترک دعاء بعد ازنماز است مخالف سنت ميباشد. [٢] فقط

سوال: (٣٥٥) **بعد ازثناء وتشهد وغيره خواندن بسم الله نيست:** درنماز پيش ازثناء وتشهد ودرود ودعاء اللهم ربنا آتنا ودعاء قنوت تسمية يعني بسم الله الرحمن الرحيم خوانده شود يانه؟

جواب: خواندن بسم الله الرحمن الرحيم درنماز صرف پيش از وفات وپيش از سورت ميباشد وپيش ازتشهد وغيره حكم بسم الله نيست مگر دربعض روايات درتشهد ودعاء قنوت بسم الله وارد شده اگر گفته شود كدام حرج نيست. [٣]

سوال: (٣٥٦) **بعد از اداء فرض پيش از خواندن سنت مقدار دعاء كدام است؟** بعد ازفرض وپيش ازسنت ونوافل در دعاء همراه اللهم انت السلام زياد كردن كدام دعاء ديگري جائز است يانه؟ شاه ولي الله صاحب در حجة الله البالغة دعاهاي ديگر را نقل شده وخواندن آن را اولی گفته است دراين باره چه حكم است؟

جواب: اين دعاها واذكار بعد ازنماز فرض وپيش ازخواندن سنت مؤكده جائز ومستحب است ودرخواندن اين دعاها هيچ كدام بدي نيست وبعض فقهاء كرام نوشته اند كه بعد ازنماز فرض همراه اللهم انت السلام دعاها وغيره زياد نكند مطلب آنها اين نيست كه خواندن زياد از اين دعاء مذكوره مكروه است ونه غرض ازگفته آنها كدام تحديد است فرضا اگر از روی ظاهر روايت بعض فقهاء ان را تعين وتحديد هم بدانند فقهاء ديگري باثر روايات زياد از احاديث اذكار ودعاهاي مأثوره ديگري راجائز ومستحب گفته اند [٤] مثليكه حضرت شاه ولی الله صاحب تحرير

---

(١) قال رسول الله ﷺ اذا سألتم الله فاسئلوه ببطون اكفكم (الى قوله) فاذا فرغتم فامسحوا بها وجوهكم رواه ابوداود. وعن عمر قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رفع يديه في الدعاء لم يحطهما حتى يمسح بهما وجهه رواه الترمذي (مشكوة كتاب الدعوات فصل ثاني ص١٩٥) . ظفير

(٢) ودبر الصلوت المكتوبات بحواله الترمذي (حصن حصين احوال الاجابة ص٣٠) . ظفير

(٣) وتعوذ الخ سراً الخ لقرائت الخ وكما تعوذ سمي غير الموتم (درمختار) ذكر المصنف ثلاث مسائل تفريعاً على قوله لقرائت بناء على قول اي حنيفة ومحمد ان تعوذ تبع للقرائت اما عند ابي يوسف فهو تبع للثناء الخ لكن مختار قاضي خان والهداية وشروحها والكافي والاختيار واكثر الكتب هو قولهما انه تبع للقرائت وبه ناخذ شرح المنية (ردالمحتار باب صفة الصلوة بعد الفصل ج١ ص٤٥٦ – ٤٥٧، ط.س. ج١ ص٤٨٩) . ظفير

=

فرموده اند.

سوال: (۳٥۷) **پیوست کردن کعبین در رکوع پیوست کردن بجای پاها در رکوع مسنون است یانه؟** ودر الدر المختار که درباره این مسئله کدام بحث شده آن روایت قابل اعتماد است یانه؟

جواب: عمل کردن به این مسئله جائز است چرا که کلام عالم شامي صرف در این است که این عمل سنت است یانه لذا درجواز بلکه دراستحباب این هیچ قسم شبه معلوم نمیشود مگر چونکه مسنونیت این عمل ثابت نیست لهذا تارک این عمل هیچ ملامت نیست. [۱] فقط

سوال: (۳٥۸) **دعاء بعد از فرض:** امام که بعد ازنماز جماعت دعاء میکند مقتدي صرف آمین بگوید یا دعاء موافق میل خود را خوانده میتواند؟

جواب: هر مقتدي دعاء خوش کرده خود را بخواند ضرور نیست که دعاء امام را امین بگوید. [۲] فقط

سوال: (۳٥۹) **ذکر رفع سبابه جائز نیست؟** درمتون کتابها چرا بحث سبابه ذکر نشده ورفع سبابه جائز است یانه؟

جواب: تفصیل بحث شبابه را در الدر المختار مطالعه فرمائید دراین کتاب متعلق رفع سبابه متون بعض کتابها رانقل کرده ورفع سبابه را به دلائل تصحیح نموده وامام محمد جواز ومسنونیت آن را قول خود وقول ابي حنیفة رحمة الله علیهم نوشته کرده. [۳]

---

(۱) ویکره تاخیر السنة الا بقدر انت السلام الخ قال الحولاني لا باس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال الخ ویستحب ان یستغفر ثلاثا ویقرء اية الكرسي والمعوذات الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک الخ (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل کیفیت صلوة جلد اول ص٤٩٤، ط.س. ج۱ ص٤۳۰). ظفیر

(۱) وسننها الخ رفع الیدین الخ وتکبیرة الرکوع الخ والتسبیح فیه ثلاثا وإلصاق کعبیه الخ ویسن ان یلصق کعبیه وینصب ساقیه ویبسط ظهره ویسوی ظهره بعجزه (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤٤٤ ج۱ وص٤٦۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۷۳ – ٤۷٦) قال السید ابوالسعود وکذا في السجود ایضا وسبق في السنن ایضاً اهـ والذي سبق هو قوله والصاق کعبیه في السجود سنة در آهـ ولا یخفي ان هذا سبق نظر فان شارحنا لم یذکر ذلک لافي الدر المختار ولا في الدرالمنتقی ولم أره لغیره ایضا فافهم نعم ربما یفهم ذلک من أنه إذا کان السنة في الرکوع الصاق الکعبین ولم یذکر تفریجها بعده فالاصل بقاءهما ملصقین في حالة السجود ایضاً تامل الخ (ردالمحتار باب ایضاً ج۱ ص٤٦۱، ط.س. ج۱ ص٤۷۳) . ظفیر

(۲) یسلم الخ مع الامام الخ ویدعو ویختم بسبحان ربک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة جلد اول ص٤۸۹ ، ط.س. ج۱ ص٥۲٤) . ظفیر

(۳) حواله مفصله پیش گذشت: هو قول ابي حنیفة ومحمد (رحمهما الله) وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولي (ردالمحتار باب صفة =

سوال: (۳۶۰) **درعوض الله اکبر یا الله گفتن جائز است یانه؟** اگر درنماز به عوض الله اکبر در تکبیرات انتقالي سهوا دو دفعه یا الله یا الله بگوید جائز است یانه؟

جواب: این عمل جائز است ودراین صورت نماز صحیح میشود [۱]. فقط

سوال: (۳۶۱) **حلقه انگشت درتشهد تا کدام وقت باقی بماند:** وقتیکه درتشهد انگشت شهادت رابلند کند وچهار آنگشت دیگري را حلقه نماید آیا سلام دادن آنگشتان خود را بند بماند یا آنگشتان را دراز وهموار سازد؟

جواب: چون دروقت لا اله گفتن آنگشتان خود را حلقه کند تاوقت سلام دادن وفراغت از نماز آن را هم چنان به حال خود بماند: کما نقل شامي عن المحیط انها سنة یرفعها عند النفي ویضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنیفة وقول محمد رحمهم الله وکثرت به الاثار والاخبار فالعمل به اولی انتهی فهو صریح في ان المفتی به هو الاشارة بالمسبحة مع عقد الاصابع علی الکیفیة المذکورة، شامی [۲] جلد اول هم چنین درعبارات متعدد آمده که حلقه آنگشتان وآنگشت اشاره تا فراغت از نماز به حال خود مانده شود اینکه عبارات متعلقه این مسئله ذکر نکرده که پیش از فراغت وسلام دادن، آنگشتان خلاص شود عدم ذکرخلاص کردن حلقه دلیل برآن است که پیش ازسلام حلقه آنگشتان به حال خود باشد وخلاص کردن آن پیش ازسلام دادن مناسب نیست.

سوال: (۳۶۲) **درحال رکوع پیوستن بجلک پاها به شخص هم جوار سنت است یانه؟** درحال رکوع پیوست کردن بجلک پاها سنت است یا نه اگر کسي باین عمل عادي باشد منع کردن اوجائز است یانه؟

جواب: اقول وبالله التوفیق درشامي آمده: ویکره القیام علی احد القدمین في الصلاة بلا عذر وینبغي ان یکون بینهما مقدار اربع اصابع الید لانه اقرب الی الخشوع هکذا روی عن ابي النصر الدبوسي انه کان یفعله کذا في الکبری وما روي أنهم الصقوا الکعاب بالکعاب ارید به الجماعة اي قام کل واحد بجانب الاخر کذا في فتاوی سمرقندي الخ ج۱ ص۲۹۹ [۳] از این روایت معلوم

= الصلوة ص۴۷۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۰۸) . ظفیر

(۱) وصح شروعه بتسبیح وتهلیل وتحمید وسائر کلم التعظیم الخالصة له تعالی الخ کما صح لو شرع بغیر عربیة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل تألیف الصلاة ج۱ ص۴۵۰، ط.س. ج۱ ص۴۸۳) . ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة بحث القیام جلد اول ص۴۱۴، ط.س. ج۱ ص۵۰۹. ظفیر

(۳) برای مطالعه این عبارت مراجع کنید به مشکوٰة باب تسویة الصفوف. ظفیر

شد که درحال قیام فاصله بین دو قدم باندازه چهار آنگشت ضرور است ومراد از این الصاق ویکجا کردن کعب به کعب محاذات که ازحدیث مبارک: سووا صفوفکم، وحدیث مبارک: وتراصوا وسدوا الخلل، وغیره احادیث مستفاد ومراد شده پس وقتیکه درحالت قیام بین دو قدم مقدار چهار انگشت فاصله ضرور است پس در رکوع هم به همین حال ماندن آن مناسب است به هر حال معلوم میشود که اصل سنت پیوست شده درصف، برابر کردن صف واستقامت صف است واز تجربه ظاهر میشود که دررکوع وسجده پیوست کردن بجلک پاها متعذر است ویا اینکه به بسیار تکلیف ومشقت عملي میشود عقبین بجلک پاها پیوست شده میتواند مگر به تجربه ثابت شده که به پیوست کردن عقبین بجلک پاها پیوست شده نمیتواند البته برابر شدن کعبین دراین صورت بطور مکمل حاصل میشود ومقصو شارع علیه السلام نیز همین قسم معلوم میشود از احادیث ثابت است: تحقیق زیاد وتفصیل این مسئله را با نقل عبارت مولوي میرک شاه صاحب مدرس این مدرسه در پارچه دیگري نوشته کرده که باید مطالعه شود ومعلومات دیگري از مولانا میرک شاه صاحب مدرس دار العلوم طلب شود.

جواب: اقول وبالله التوفیق، این مسئله یعني مسئله الصاق کعبین اگر چه درکتابهاي علماء متأخرین حنفي درج است لکن به مذهب ائمه وبه نزد علماء متقدمین حنفي اصل این عمل پیدا نشده یعني دلیل شرعي براي این عمل دریافت نگردیده است لهذا درکتابهاي معتبر علماء متقدمین ذکر وبحث این مسئله نشده است بلکه سخن حق این است که این مسئله را زاهدي درمجتبی ازهمه مسائل پیشتر ذکر کرده است وبعد ازآن این مسئله را قهستاني، جامع الرموز، شرح کیداني وحلبي درشرح منیه وابن نجیم در بحر وتمرتاشي تلمیذ صاحب بحر درنهج البلاغة نقل کرده است ودر وقت نقل این مسئله کدام تردیدی هم در آن نکرده اند از این جهت این مسئله معمول به گردید لهذا صاحب بحر وصاحب در المختار به صیغه جزم این مسئله را نقل کردند واز طرف دیگر ازکلام وتوارث وتعامل بعض تنها معلوم میشود که تفریح کعبین سنت است مثلیکه درسعایه ذکر شده: ورأیت کلام الشیخ محمد حیات السندي یقتضي اثبات سنیة التفریج ونفي سنیة الالصاق [1] آه اگر با این حالات نظر کرده شود دراین صورت عبارت متأخرین مؤول یا مرجوح خواهد بود در طوالع الانوار شرح در مختار شیخ محمد عابد دراین عبارت تأویل کرده ومراد از الصاق کعبین محاذات کعبین گرفته است ودراین باره از قول علامه

(۱) سعایه.

تأويل كرده ومراد از الصاق كعبين محاذات كعبين گرفته است ودراين باره از قول علامه رحمتي هم استفاده كرده است مثليكه نوشسته كرده قوله: والصاق كعبيه اي حالة الركوع قال الشيخ رحمتي مع بقاء تفريج ما بين القدمين قلت لعله اراد من الالصاق المحاذاة وذلک بأن يحاذي كل من كعبيه لاخر فلا يتقدم أحدهما على الاخر [1] اين تأويل آن قول متأخرين است كه درطوالع الانوار شرح در المختار ذكر شده وكدام فقهاء كه اراده اين تأويل را نكرده اند آنها اين را قول مرجوح ودرجمله اوهام زاهدي درج ميكنند: كما في السعاية نقلا عن تعليق الشيخ ابي الحسن السندي على الدر المختار هذه السنة انما ذكرها من المتأخرين تبعا للمجتبى وليس لها ذكر في الكتب المتقدمة ولم يرد في السنة على ما وقفنا عليه وكان بعض مشائخنا يرى انه من اوهام صاحب مجتبى وكأنهم لوهموا مما ورد ان الصحابة كانوا يهتمون بسد الخلل في الصفوف حتى يضمون الكعاب والمناكب ولا يخفى ان المراد هاهنا الصاق كل كعب بكعب صاحبه لا كعبه مع الكعب الاخر [2] آه خلاصه اينكه هر دو بجلک پاى در ركوع بالكل پيوستن مثليكه در كتابهاي مجتبى وكتابهاي اتباع مجتبى واقع شده به مفهوم ظاهر خود محمول نيست واگر به مفهوم ظاهر محمول شود دراين صورت ازجمله اوهام صاحب مجتبى خواهد بود درسعايه شق اول را اختيار كرده ونفي مسنونيت پيوستن بجلک به بجلک را به دلائل متعدد ثابت كرده فليراجع، كتبه ميرک شاه فقط، در اين باره مشكوة باب تسوية الصفوف را مطالعه فرمائيد درطوالع الانوار وسعايه بطور مفصل اين مسئله بيان شده.

سوال: (٣٦٣) **بحث رفع سبابه درتشهد:** در تشهد متعلق رفع سبابه به نزد علماء مذهب حنفيه سنت است يا مستحب ورفع سبابه از كدام وقت تا كدام وقت كرده شود حضرت مجدد رحمه الله چرا مخالف رفع سبابه است وحلقه آنگشتان چه قسم است؟

جواب: صحيح آن است كه رفع سبابه درتشهد سنت است وامام محمد در موطا [3] فرموده است: وهو قولي وقول ابي حنيفة رحمه الله، ومستحب اين است كه به نفي آنگشت سبابه را بالا كند وبه اثبات آن را پائين كند: وفي المحيط انها سنة يرفعها عند النفي ويضعها عند الاثبات وهو قول ابي حنيفة ومحمد رحمهما الله وكثرت به الابار والاخبار فالعمل به اولى، [4] وحضرت امام

---

(١) طوالع الانوار. (٢) سعايه. (٣) موطا إمام محمد.

(٤) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في تاليف الصلوة جلد اول ص٤٧٥، ط.س. ج١ ص٥٠٩. ظفير

رباني رحمة الله تعالی علیه بناء برمتون عدم رفع سبابه را ترجیح داده لکن جمهور فقهاء ومحدثین مخالفت رفع سبابه تصحیح کرده اند وشراح متون این روایت را صحیح ومفتی به نگفته است واتباع وخلفاي حضرت مجدد صاحب هم تاویل قول امام رباني را کرده است ومسنونیت اشاره سبابه را ثابت گفته است وحلقه کردن آنگشت ابهامه ووسطی وحلقه کردن آنگشت خنصره وبنصره واشاره کردن به مسبحه سنت است: وصفتها ان یحلق من یده الیمنی عند الشهادة الابهام والوسطی ویقبض البنصر ویشیر بالمسبحة الخ شامي.[1] فقط

سوال: (٣٦٤) **ازسجده بالا شدن مطابق سنت است:** غیر مقلدین میگویند که حنفیان ازسجده مستقیم به قیام میروند این عمل غیر مشروع است ودرنماز خلل میاید بلکه بعد ازسجده اندک جلسه خفیفه هم ضرور است این قول صحیح است یا نه؟

جواب: این مسئله را صاحب هدایه بالفاظ کوتاه ومختصر جواب داده است: ولنا حدیث ابي هریرة ﷺ ان النبي ﷺ کان ینهض في الصلاة علی صدور قدمیه وما رواه محمول علی الکبر.[2]

سوال: (٣٦٥) **رفع سبابه وحضرت مجدد صاحب:** از اکثر کتابهاي فقه ظاهر میشود که در التحیات بالا کردن آنگشت سبابه سنت وموجب ثواب است وحضرت شاه عبد العزیز رحمة الله علیه محدث دهلوي این عمل را سنت نبوي میگوید مگر حضرت امام رباني مجدد الف ثاني رحمة الله علیه در ص۳۱۲ از مکتوبات این عمل را حرام میگوید در این دو حضرات قول کدام شخص معتبر است؟

جواب: دراین باره قول صحیح ومستند این است که اشاره به سبابه درتشهد سنت ومستحب است جمهور امت نیز به همین طرف است ودر الدر المختار روایت عدم رفع سبابه نقل کرده است وبعد به خلاف آن به روایات ودلائل زیاد مسنونیت رفع سبابه را ثابت کرده است وامام محمد درموطاء به قول خود وقول امام صاحب مسنونیت رفع سبابه را نقل کرده[3] واز طرف

---

(۱) ایضاً. ظفیر

(۲) هدایة باب صفة الصلاة. ج ۱ ص ۱۰۱یعني از ابو هریرة ﷺ بیان شده که نبي کریم از سجده بالامیشد مستقیما به رووس هر دو پاي خود استاد میشود وبعد ازسجده دوم جلسه خفیفه نمیکرد. بلکه بعد ازسجده مستقیما به قیام میرفت ودر کدام روایت که بعد از سجده دوم جلسه حفیفه استراحت آن حضرت ثابت شده این روایت محمول به کبر سن آن حضرت ﷺ میباشد که از اثر کمزوري جنین میکرد نظر به ایت تأویل دربین این دو روایت توافق حاصل میشود والله اعلم. ظفیر

(۳) حواله تفصیلي پیشتر گذشته است.

امام رباني مجدد ألف ثاني رحمة الله عليه بعض اولاد امجاد وخلفاء او معذرت خواسته اند واعتراف نموده اند كه حضرت امام رباني از رفع سبابه خلاف كرده مگر سخن حقيقى اين است كه رفع سبابه سنت است وترك آن مناسب نيست، هذا خلاصة مافصله وحققه العلماء المحققون من الاحناف فلا اشكال فان إختلاف الامة رحمة من الله.

سوال: (۳۶۶) **اگر امام از قعده اول بالا شود ومقتدي تشهد را پوره نكرده باشد دراين حال مقتدي چه كند؟** اگر امام از قعده اول بالا شود ومقتدي تشهد را تمام نكرده باشد دراين حال مقتدي چه كند؟ واگر مقتدي تشهد را تمام كرده باشد وامام تمام نكرده باشد آيا بنشيندويا چه كند؟

جواب: مقتدي تشهد را تمام كند وبالا شود [۱] واگر مقتدي پيش ازامام تشهد را تمام كرد در اين وقفه خاموش بنشيند وياكلمات آخري تشهد را تكرار كند. [۲]

سوال: (۳۶۷) **در درود شريف تشهد زياد كردن كلمه ازواج وذريات چه قسم است؟** يك صاحب نوشته كرده كه در درود نماز كلمه ازواج وذريات را زياد كند كه ثواب دارد مثلا اللهم بارك على محمد وعلى ازواجه وذرياته الخ آيا زياد كردن اين الفاظ جائز است يانه؟

جواب: به كدام قدر كه معمول است كافي ميباشد اگر چه در زيادت اين الفاظ هم كدام بدي نيست. [۳] فقط

سوال: (۳۶۸) **درسلام دادن صرف روي را بگرداند سينه را نگرداند:** دروقت سلام گشتاندن نماز صرف روي را از قبله بگرداند ويا سينه را هم؟

جواب: در گشتاندن سلام صرف گشتاندن روي به هر دو طرف كافي است. [۴]

---

(۱) لو رفع الامام راسه الخ قبل ان يتم الماموم التسبيحات الثلاث وجب متابعته الخ بخلاف سلامه او قيامه لثالثة قبل اتمام الموتم التشهد فانه لايتابعه بل يتمه لوجوبه ولو لم يتم جاز (درمختار) اي صح مع كراهة التحريم الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل تاليف الصلوة جلد اول ص۴۶۳، ط.س. ج۱ ص۴۹۵) . ظفير

(۲) ولايزيد في الفرض على التشهد في القعدة الاولى اجماعا الخ ولو فرغ الموتم قبل امامه سكت اتفاقا (ايضاً ج۱ ص۴۷۶ – ۴۷۷، ط.س. ج۱ ص۵۱۰) . ظفير

(۳) ولذا قال في شرح المنية والاتيان بما في الاحاديث الصحيحة اولى الخ (ردالمحتارباب ايضاً جلداول ص۴۷۹، ط.س. ج۱ ص۵۱۳). ظ

(۴) وتحويل الوجه يمنة ويسرة للسلام (أي من السنن (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص۴۴۵ ج۱، ط.س. ج۱ ۲۴۷۷) ولها أداب تركه لايوجب اساءة ولاعتابا لكن فعله افضل الخ والى منكبه الايمن والايسر عند التسليمة الاولى والثانية لتحصل الخشوع (ايضا اداب الصلوة ص۴۴۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۷) . ظفير

سوال: (٣٦٩) **ضم سورة واجب است**: آیا ضم سورة فرض است یا واجب وبکدام مقدار؟

جواب: واجب است باندازه سه آیات. [١] فقط

سوال: (٣٧٠) **آیا امامت بدون دستار ثابت است یانه**؟ از رسول اکرم ﷺ یا از علماء بدون دستار نماز کردن ثابت است یا نه؟

جواب: از حدیث شریف: او کلکم یجد ثوبین [٢] وغیره احادیث صفا ظاهر است که دستار از ضروریات نماز وامامت نیست.

سوال: (٣٧١) **وقتیکه دررکوع امام چالاکی کند نماز مقتدی میشود یانه**؟ امام در رکوع وسجده انقدر جلتي میکند که مقتدیان سه دفعه تسبیح گفته نمیتوانند دراین صورت نماز مقتدیان صحیح میشود یانه؟

جواب: براي امام در رکوع وسجده آنقدر جلتي مناسب نیست که مقتدیان سه دفعه تسبیح گفته نتوانند فرضا اگر تسبیحات مقتدیان سه دفعه مکمل نشود نیز نماز مقتدیان صحیح وکامل شده در نماز نقصان پیش نمیشود. [٣]

سوال: (٣٧٢) (١) **زنان چه قسم سجده کنند**؟ زنان مثل مردان سجده کنند یا چه قسم؟

سوال: (٣٧٣) (٢) **درحالت تشهد نظر نماز گذار به کجا باشد**؟ نماز گذار درحال تشهد به کجا نظر کند؟

جواب: (١) زن باید ضرور درسجده وغیره اندامهاي خود را یک بدیگر پیوست کند [٤] سجده وغیر را مثل مردان نکنند که مکروه است.

جواب: (٢) در اداب نماز است که نماز گذار درحال قیام به جاي سجده نظر کند ودرحال رکوع به پشت پاها ودرحال سجده به طرف بیني ودرحال قعده وتشهد بطرف سینه خودنظر کند

---

(١) ولها واجبات الخ (ومنها) ضم اقصر سورة كالكوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث ايات قصار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة جلد اول ص٤٢٧، ط.س. ج١ ص٤٥٦ - ٤٥٨).

(٢) دار قطني، باب الصلوة في الثوب الواحد جلد اول ص١٠٥. ظفير

(٣) لورفع الامام رأسه من الركوع والسجود قبل ان يتم الماموم التسبيحات الثلاث وجب متابعته (درمختار) يسبح فيه ثلاثا فانه سنة على المعتمد المشهور في المذهب لافرض ولا واجب كما مر فلا يترك المتابعة الواجبة لاجلها، (ردالمحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص٤٦٣، ط.س. ج١ ص٤٩٥). ظفير

(٤) والمرأة تنخفض فلا تبدي عضديها وتلصق بطنها بفخذيها لانه استر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار جلد اول ص ٤٧١، ط.س. ج١ ص٥٠٤). ظفير

الخ الدر المختار. [۱]

سوال: (۳۷٤) (۱) **پیش از فرض (انی وجهت) گفتن چی قسم است؟** آیا پیش از فرض گفتن آیة مبارکه اني جهت وجهي للذي فطر السماوات ضرور است یانه؟

سوال: (۳۷۵) (۲) **امی چه قسم نماز بخواند؟** کسي که نماز را یاد گرفته نمیتواند او چه کند؟

جواب: (۱) کدام حرج نیست پیش از بستن نیت آن را بگوید. [۲]

جواب: (۲) کوشش یاد گرفتن قرائت را جاري داشته باشد افعال نماز را اداء کند ومناسب است که درجماعت شریک شود. [۳]

سوال: (۳۷٦) **بعد از نمازهای فرض دعا جائز است یانه؟** بعد از نماز فرض دعاء جائز است یانه؟ اگر جائز باشد تاکدام وقت میباشد؟

جواب: دعاء کردن بعد از هرفرض وبعد از هرنماز جائز ومستحب است به هر اندازه که مناسب است دعاء کند مگر بعد ازآن فرائض دعاء را دراز نکند که بعد از آن نماز سنت با شد تا اینکه سنت زیاد مؤخر نشود. [٤] فقط

سوال: (۳۷۷) **تحقیق آمین بالجهر وآمین به خفیه؟** درآمین به جهر وآمین به خفیه چه تحقیق است؟ اگر غیر مقلدین در جماعت مشترکه آمین به جهر بگویند درنماز مردم حنفي مذهب خلل میاید یانه؟ ودراین باره دربین احناف وغیر مقلدین* همیشه انواع میباشد حنفیان میگویند که مسجد تقسیم شود وغیر مقلدین به مسجد ما نیایند وغیر مقلدین میگویند که مساجد تقسیم شده نمیتواند دراین صورت چه حکم است؟

---

(۱) نظره الی موضع سجوده حال قیامه والی ظهر قدمیه حال رکوع والی ارنبة انفه حال سجوده والی حجره حال قعوده (الدر المختار على هامش ردالمحتار جلد اول ص٤٤٦، ط.س. ج۱ ص٤۷۷) . ظفیر

(۲) وذکر التمرتاشي یجب ان لایترک الامي اجتهاده اناء لیله ونهاره لیتعلم قدر ماتجوز به الصلوة ان قصر لم یعذر عند الله تعالی (غنیة المستملي ص٤۸٤) ولایلزم العاجز عن النطق کاخرس وامي تحریک لسانه وکذا في حق القرائت هو الصحیح لتعذر الواجب فلا یلزم غیره الابدلیل فکفی النیة لکن ینبغي ان یشترط فیها القیام الخ (الدرالمختار باب صفة الصلوة جلد اول ص۷٤. ظفیر

(۳) والاولی ان یاتي بالتوجه قبل التکبیر لیتصل النیة به هو الصحیح (هدایه باب صفة الصلوة جلد اول ص۹٦) .

(٤) ثم یسلم عن یمینه ویساره (الی قوله) ویستحب ان یستغفر ثلاثا ویقرء اية الکرسي والمعوذات ویسبح ویحمد ویکبر ثلاثا وثلثین ویهلل تمام المائدة ویدعو ویختم سبحان ربک (الدالمختار على هامش ردالمحتار جلد اول ص٤۹٤، ط.س. ج۱ ص٥۲٤) ویکره تاخیر السنة الا بقدر اللهم انت السلام الخ وقال الحلواني لاباس بالفصل بالاوراد واختاره الکمال ایضاً ص٤۹٤ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥۳۰) . ظفیر

جواب: مذهب حنفیان این است که امین به خفیه ضرور است فقهاء حنفیه اخفاء امین را سنت میگویند وآمین به خفیه هم درحدیث وارد شده درشرح منیة آمده: وقد روي احمد وابو يعلى والطبراني والدار قطني والحاكم في المستدرک من حديث شعبة عن سلمة بن كهيل عن حجر بن العنبس عن علقمه بن وائل عن ابيه انه صلى مع رسول الله ﷺ فلما بلغ غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال آمين واخفى بها صوته وقال الشافعي واحمد يجهر الامام والمأموم بآمين لما روي ابن ماجة كان عليه الصلاة والسلام اذا تلا غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال آمين حتى يسمع من في الصف الاول فيرتج المسجد قلنا تعارض روايتان الجهر والاخفاء في فعله فيرجح الاخفاء باشارة قوله فان الامام يقوله وبأن الاصل في الدعاء الاخفاء وآمين دعاء فان معناه استجب، [1] از این عبارت واضح شد که آمین به خفیه سنت است لکن چونکه دراین مسئله اختلاف است لهذا براي حنفیان تعصب مناسب نیست وبه جهر خواندن آمین نماز کدام خلل پیش نمیشود مگر غیر مقلدین نیز تعصب نکند چونکه آمین به خفیه هم درحدیث وارد شده وترجیح دارد پس دراین صورت چرا صرف به فکر وخیال خود محکم میشوند اگر امدن غیر مقلدین در مسجد حنفیان موجب فساد وفتنه میشود در این صورت آنها بند شوند وبرایشان اجازه داده نشود که درمسجد احناف نماز بخوانند مثلیکه روافض بند کرده میشوند. فقط

سوال: (۳۷۸) **بعد ازفرض ماندن دست به سر ودعا کردن ثابت است یانه** بعد از خواندن فرض ماندن دست به سر ودعاء کردن ثابت است؟ در رکوع وقیام وسجده چه مقدار فاصله بین دو قدم پاها مناسب است؟

جواب: بعد از نماز فرض ماندن دست بر سر وخواندن این دعا: بسم الله الذي لا اله الا الله هو الرحمن الرحیم، اللهم اذهب عني الهم والحزن، درحصن حصین [2] ذکر شده وحدیث برآن وارد است وپیوستن هر دوکعبین یعني بجلک پاها در کتابهاي فقه مسنون نوشته شده: ويسن ان يلصق كعبيه، [3] الدر المختار وقال السيد ابو السعود وكذا في السجود ايضا شامی [4] ودرحال قیام در

---

(1) غنیة المستملی ص۳۰۲. ظفیر

(2) مطالعه کنید: حصن حصین ص۸۵ وکان صلی الله علیه وسلم اذا صلی وفرغ من صلوته مسح یمینه علی رأسه وقال الذي لا اله الا هو الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن (ایضا). ظفیر

(3) الدرالمختار علی هامش ردالمختار، باب صفة الصلوة ص٤٦١ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۹۳. ظفیر

(4) ردالمختار ص٤٦١ ج۱ باب صفة الصلوة بحث القیام ط.س. ج۱ ص٤۹۳. ظفیر

شامي نوشته است که دربين هردو قدم مقدار چهار آنگشت فاصله مناسب است: وينبغي ان يکون بينهما مقدار اربع اصابع اليد. [۱]

سوال: (۳۷۹) **متعلق مسائل مختلف فيها:** امين به جهر وفاتحه خلف الامام ورفع اليدين به نزد احناف جائز است يانه؟ ودراين مسائل دلائل حنفيان چيست؟

جواب: آمين به جهر وفاتحه خلف الامام ورفع اليدين به نزد حنفيان جائز نيست وهمراه حنفيان دلائل اين مسائل بسيار زياد است وهم آيات قرآني واحاديث نبوي دراين باره موجود است که دربسيار کتابها ورساله ها نشر وشائع شده درباره اخفاء امين حديث مبارک: واخفى به صوته، وارد شده ودرباره ممنوعيت قرائت فاتحه خلف الامام آية مبارکه: وإذا قرئ القران فاستمعوا له، ودر روايت مسلم شريف موجود است [۲] ودرباره رفع اليدين حديث ابن مسعود درترمذي وکتابهاي ديگري ذکر شده است: قال لنا ابن مسعود ﷺ الا صلي بکم صلاة رسول الله ﷺ ولم يرفع يديه الا مرة واحدة مع تکبير الافتتاح. [۳] فقط

فصل چهارم در بيان آداب نماز

سوال: (۳۸۰) **وقتيکه امام به جاي نماز حاضر باشد درآن وقت مقتديان نشسته باشند؟** وقتيکه امام به جاي نماز حاضر باشد دراين وقت براي امام ومقتدي استاد شدن متعلق شنيدن حي على الفلاح که قول امام اعظم صاحب درکتابهاي فقه ذکر شده آيا اين روايت از قول امام اعظم صاحب است ويا نه واين قول صحيح است ياغلط؟

سوال: (۳۸۱) (۱) آيا مسئله نو است وبه لفظ حي على الفلاح صف بندي نا ممکن است؟

سوال: (۳۸۲) (۲) کسانيکه به اين قول عمل ميکنند وديگران را هم به اين عمل تشويق ميدهند چه قسم است؟ وکسانيکه خود شان اين عمل را ترک کرده اند وديگران را ا از اين عمل منع ميکنند چه قسم است؟

جواب: (۱ - ۳) بسم الله الرحمن الرحيم اقول وبالله التوفيق: بدون شک فقهاء درباره آداب نماز اين سخن را نوشته کرده اند که کدام وقت اقامت گوينده حي على الفلاح بگويد مذهب ائمه ثلاثه يعني امام صاحب وصاحبين اين است که امام ومقتديان به نماز استاد شوند: کذا في

---

(۱) ردالمحتار ص۴۱۴ ج۱ باب صفة الصلوة بحث القيام ط.س. ج۱ ص۴۴۴. ظفير

(۲) مطالعه کنيد: غنية المستملي ص۳۰۲. ظفير

(۳) مسلم جلد اول ص۱۷۴.مشکوة باب صفة الصلوة ص۷۷. ظفير

الدر المختار، واین سخن هم درالدر المختار آمده که این حکم دران وقت مستحب است که امام قبلا در محراب ویا به نزدیک محراب حاضر باشد واگر امام کدام جاي دیگري ویا درحجره خود باشد کدام وقت که امام داخل مسجد شود درآن وقت همه مقتدیان استاد شوند عبارت درالمختار این است: ولها آداب ترکه لا یوجب ساعة وعتابا کترک سنة الزوائد لکن فعله افضل ونظره الی موضع سجوده حال قیامه، الی ان قال: وقیام الامام والمؤتم حین قیل حي علی الفلاح الخ ان کان الامام بقرب المحراب والا فیقوم کل صف ینتهي الیه الامام علی الاظهر الخ، وشروع الامام في الصلاة مذ قیل قد قامت الصلاة ولو اخر حتی اتمها لا باس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو احد المذاهب الخ وفي القهستاني الخ انه الاصح قوله انه الاصح لان فیه محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام شامي، [1] پس معلوم شد که این امور ازجمله آداب است به تارک این اعمال آنقدر سخت رفتار که برایش یعني گفته شود بسیار ظلم است مثلیکه علامه شامي خودش درشروع امام به قد قامت الصلاة بحث کرده است که صحیح ومذهب إنصاف این است که اقامت گوینده از اقامت بالکل فارغ نشود تا آن وقت امام نماز را شروع نکند چرا که در این صورت تمام اهل نماز جواب تمام إقامت را بآساني اداء خواهد کرد که جواب اقامت مسنون ومستحب است، در حدیث شریف آمده حضرت میگفت: اقامها الله وادامها [2] واین هم درحدیث شریف آمده است که: سووا صفوفکم فان تسویة الصفوف من اقامة الصلاة ومن تمام الصلاة [3] درحرمین شریفین وشهرهاي دیگري این عادت است که کدام وقت مؤذن برای اقامت استاد شود اول این حدیث شریف را میخواند که: سووا صفوفکم، الحدیث عرض این است که دراین باره شرعا بسیار وسعت میباشد ومراد ازقول فقهاء که مردم دروقت حي علی الفلاح استاد شوند مطلب این است که امام ومقتدیان تاوقت شنیدن این کلمات استاد شوند مطلب این نیست که امام ومقتدیان تاوقت شنیدن حي الفلاح بالکل ازجاي خود بالا نشوند. [4]

---

(1) ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة ص۴۴۶ – ۴۴۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۹. ظفیر

(2) عن ابي امامة وبعض اصحاب رسول الله ﷺ قال ان بلالا اخذ في الاقامة الی ان قال قد قامت الصلوة قال رسول الله ﷺ اقامها الله وادامها وقال في سائر الاقامة کنحو حدیث عمر في اذان رواه ابوادود (مشکوة، باب فصل الاذان واجابة الموذن فصل ثاني) . ظفیر

(3) مشکوة باب تسویة الصف فصل اول ص۹۸. ظفیر

(4) والقیام للامام ومؤتم الخ (درمختار) مسارعة لامتثال امره والظاهر انه احتراز عن التاخیر للتقدیم حتی لوقام اول الاقامة لاباس (الطحطاوي علی الدرالمختار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ص۲۱۵ ج۱) . ظفیر

سوال: (۳۸۳) **بستن نیت امام به قد قامت الصلاة:** آیا قول مفتی به این است که دروقت قد قامت الصلاة امام نیت خود را بسته کند؟

جواب: در شامي گفته قول اصح ان است که امام بعد از ختم اقامت نماز را شروع کند: وفي القهستاني معزيا للخلاصة انه الاصح لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام شامي.[1] فقط

سوال: (۳۸٤) **کسی که به قعده نماز میخواند دروقت قعده ورکوع به کجا نظر کند؟** کسی که نماز را به نشستن میخواند دروقت رکوع وقعده به کدام جا نظر کند؟

جواب: کسي که به قعده نماز میخواند فقهاء درباره این شخص مستحب میداند که بطرف سینه خود نظر کند ودرشامي گفته است که به قمیص روبروي خود نظر کند غرض این است که بکدام طرف خشوع حاصل میشود که نظر اوبیک سو ودیگر سو نباشد به همان قسم عمل کند وشامي نیز نوشته کرد در تاریکي وشخص نابینا فکر عظمت الله تعالی را داشته باشدا[2] بعد از این واضح باشد که فقهاء براي کسي که به قاعده نماز میخواند معلوم نکرده که درحال رکوع به کدام طرف نظر کند لهذا براي او مناسب است که در رکوع نظر او بکدام طرف مي افتد به همان طرف نظر خود را نگاه کند ومتوجه الی الله باشد حکم اصل این است که تمام نماز رابه آن قسم اداء کند که گویا الله تعالی رامی بیند: کما ورد ان تعبد ربک کانک تراه الحدیث.[3]

سوال: (۳۸۵) **آیا دروقت اقامت ضرور است که امام ومقتدیان نشسته باشند؟** در وقت مقرره نماز امام ازحجره خود تشریف آورد وبه جاي نماز نشست ومقتدیان هم نشسته مؤذن استاد شد واقامت را شروع نمود وقتیکه مؤذن حي على الفلاح گفت در این وقت فورا امام ومقتدیان استاد شدند ونیت را بسته کردند مگر امام به طرف راست وچپ صف نظر نکرد آیا در

---

[1] وشروع الامام في الصلوة مذ قيل قد قامت الصلوة ولو اخر حتى اتمها لاباس به اجماعا وهو قول الثاني والثلاثة وهو اعدل المذاهب كمافي شرح المجمع لمصنفه وفي القهستاني معزيا للخلاصة انه الاصح (درمختار) قوله انه الاصح لان فيه محافظة على فضيلة متابعة المؤذن واعانة له على الشروع مع الامام (ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ج۱ ص٤٤٧، ط.س. ج۱ ص٤٧٩) . ظفير

[2] اى نظره الى موضع سجوده حال قيامه الخ والى حجره حال قعوده (درمختار) قوله الى حجره مابين يديک من ثوبک قاموس وقال ايضا الحجر مثلثة المنع وحضن الانسان والمناسب هنا الاول لانه فسر الحضن بما دون الابط الى الكشح او الصدر والعضدان الخ قوله لتحصيل الخشوع علة للجميع لان المقصود الخشوع وترک التاليف الخ واذا كان في الظلام او لم يكن بصيرا يحافظ على عظمة الله تعالى لان المدار عليها (ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة ج۱ ص٤٤٦، ط.س. ج۱ ص٥٧٧) . ظفير

[3] مشكوة كتاب الإيمان فصل اول. ظفير

این باره عمل رسول الله ﷺ وعمل اصحاب اوچه بود؟

جواب: در الدر المختار آمده: ولها آداب ترکه لا یوجب اساءة ولا عتابا الیٰ ان قال والقیام لامام ومؤتم حین قیل حي علی الفلاح، [۱] از این معلوم شد که استاد شدن امام ومقتدیان دروقت حي علی الفلاح ازجمله آداب است وبه تبرک این عمل عذاب وملامتي نیست وهم چنین در الدر المختار آمده: ویصف الامام بان یامرهم بذلک قال الشمني وینبغي انْ یؤخرهم بان یتراصوا ولیسدوا الخلل ولیسووا مناکبهم، [۲] الخ از این حدیث معلوم شد که براي امام مناسب است که براي برابر استاد شدن مقتدیان واستقامت صف آنها حکم کند لهذا براي امام آنقدر جلتي مناسب نیست که صفوف برابر باشد ویانباشد تمام نماز گذاران به تحریمه اماده باشند ویا نباشند وتمام صفوف نیمه باشد ویا مکمل باشد، واو فورا نیت بسته کند وباید هرگز این قسم تندي وسرعت نکند وفقهاء کرام در وقت حي علی الفلاح به بستن نیت امام حکم نکرده اند بلکه دروقت قد قامت الصلاة نیت امام را کرده و دراین باره در المختار، شامي وغیره چنین نوشته اند که بهتر ان است که امام بعد ازختم اقامت نیت وتکبیر تحریمه کند [۳] ودرالمختار وقهستانی به حواله نقل خلاصه گفته اند که انه الاصح ووراجع به این قول علامه شامي نوشته کرده: لان فیه محافظة علی فضیلة متابعة المؤذن واعانة له علی الشروع مع الامام. [۴]

فصل پنجم در بیان قرآئت في الصلاة

سوال: (۳۸۶) **قرآئت خلف الامام:** درقرائت خلف الامام چه قول است؟

جواب: به نزد احناف خواندن فاتحه خلف الامام جائز نیست: عن انس رضي الله عنه قال صلی رسول الله ﷺ ثم اقبل بوجهه فقال اتقرأون والامام یقرأ فسکتوا فسألهم ثلاثا فقالوا انا لنفعل قال فلا تفعلوا قال علی رضي الله عنه من قرأ خلف الامام فلیس علی الفطرة عن عبد الله بن دینار عن عبد الله ابن عمر رضي الله عنه قال یکفیک قرائت الامام فهولاء جماعة من اصحاب رسول الله ﷺ قد اجمعوا علی ترک القرائة خلف الامام. [۵]

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل اداب الصلوة جلد اول ص۴۴۶ – ۴۴۷، ط.س. ج۱ ص۴۷۷ – ۴۷۹. ظ

(۲) الدر المختار علی هامش ردالمحتار. باب الامامة جلد اول ص۵۳۱، ط.س. ج۱ ص۵۶۸. ظفیر

(۳) وشروع الامام في الصلوة مذقیل قدقامت الصلوة ولو اخر حتی اتمها لاباس به اجماعا الخ وفي القهستاني معزیا للخلاصة انه الاصل (الدر المختار، علی هامش ردالمحتار اداب الصلوة ص۴۴۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۹) . ظفیر

(۴) ردالمحتار باب صفة الصلوة اداب الصلوة ص۴۷۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۹. ظفیر صدیقی

(۵) شرح معانی الاثار جلد اول ص ۱۲۸ – ۱۲۹. ظفیر

سوال: (۳۸۷) **درنماز صبح خواندن سوره سجده وسوره دهر مسنون است؟** درنماز صبح جمعه سوره دهر وسوره سجده مسنون است زید دربیست صبح جمعۀ این هردو سوره را میخواند ودر صبح بیست ویکم سوره دیگري را میخواند براي اینکه مردم عوام این دو سوره علی الدوام فرض گمان نکنند این عمل زید مخالف افضلیت است یانه؟

جواب: بدون شک دراحادیث همین قسم آمده است لکن مردم حنفي مذهب دربعض اوقات به این مسئله عمل میکنند وهمیشگي ومداومت را به این عمل خوش نمیکنند چرا که این مذهب تعین سوره را براي هر یک نماز ممنوع میفرمایند لهذا اگر دربعض اوقات این مسئله وحکم را عملی کنند کدام حرج نیست ومداومت را بر آن نکنند در الدر المختار آمده: ویکره التعین کالسجدة وهل اتی لفجر کل جمعة بل یندب قرابتها احیانا. [1] فقط

سوال: (۳۸۸) **دراز کردن رکعت دوم از رکعة اول وترک سورة درمابین مکروه است؟** یک نفر قرائت رکعت دوم را از قرآئت رکعت اول دراز میکند وسوره کوتاه را در بین ترک میکند این عمل جائز است یانه؟

جواب: دراز کردن رکعت دوم ازرکعت اول زیاد تر از سه ایات وهکذا ترک کردن سورة کوتاه دربین دو سورة مکروه است کذا في الدر المختار. [2]

سوال: (۳۸۹) **خواندن بسم الله پیش از سوره:** اگر درنماز یک سوره را بخواند که تمام این سوره دو رکوع باشد درشروع سورة بسم الله را بخواند و در رکعت دوم که باقیمانده سورة را میخواند بسم الله بخواند ویانه؟

جواب: در رکعت دوم در شروع بین سورة بسم الله را نگوید. [3]

سوال: (۳۹۰) **سوال متعلق چند صورتهای قرائت:** اگر کسي درنماز فرض در رکعت اول سوره همزه ودر رکعت دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره همزه ودر رکعت دوم سوره قریش

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤٤. ظفیر

(۲) وتطال اولی الفجر علی ثانیتها فقط وقال محمد اولی الکل حتی التراویح قیل وعلیه الفتوی واطالة الثانیة علی الأول یکره تنزیها اجماعا ان بثلاث ایات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والکلمات الخ وان باقل لا یکره الخ ویکره الفصل بسورة قصیرة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ – ۵۰٦ – ۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤۱ – ۵٤٦. ظفیر

(۳) وتعوذ سرا الخ وسمي الخ سرا في اول کل رکعة ولو جهریة (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص٤۵٦ – ٤۵۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤۸۹) . ظفیر

یا در رکعت اول سوره همزه ودر رکعت دوم سوره ماعون یا در رکعت اول سورت فیل و در رکعت دوم سوره همزه یا در رکعت اول سوره قریش و در رکعت دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره ماعون ودر رکعت دوم سوره فیل را عمدا یاسهوا بخواند آیا درنماز کدام قسم خرابي پیش نمیشود؟

جواب: درصورت اول بدون کراهیت جائز است درصورت دوم مکروه، صورت سوم جائز وصورتهاي چهارم، پنجم وششم مکروه است وکراهیت درآن صورت ثابت میشود که عمدا این قسم بخواند و اگر سهوا این سورتها را به این ترتیب بخواند کراهیت ثابت نمیشود وکراهیت آن مربوط به نماز فرض است اگر درنوافل باشد درهمه صورتهاي ذکر شده نماز جائز است.

سوال: (۳۹۱) **برای زن در نماز خواندن قرآن به جهر جائز نیست:** اگر زن حافظه قرآن درنماز نفلي یا تراویح قرآن را به جهر در داخل خانه خود بخواند ودر همین خانه بدون شوهر ومحارمش دیگر هیچ کس نباشد در این صورت قرائت جهري برایش جائز است یا نه نمازش صحیح است یانه؟

جواب: کدام زن که حافظه قرآن باشد از این جهت قرآن بالجهر برایش جائز نیست که به نزد بعض ائمه وعلماء کلام واواز زن عورت است شامي جلد اول وعلی هذا قیل اذا جهرت بالقرائت في الصلاة فسدت کان متجها الخ. [۱]

سوال: (۳۹۲) **فتحه دادن درنماز فرض:** یک نفر نماز فرض را میخواند بعد ازفاتحه در قرآئت سورت سهو شد یک مقتدي به او فتحه داد مقتدي دوم اعتراض کرد که درنماز فرض براي امام فتحه دادن جائز نیست اگر در تراویح وغیره به امام فتحه داده شود جائز است، ایا درنماز فرض فتحه دادن جائز است یانه؟

جواب: فتحه دادن درنماز فرض هم جائز است ونمازصحیح است وتفصیل این مسئله درکتابهاي فقه بیان شده در در المختار شامي وغیره آمده که نماز صحیح است. [۲]

سوال: (۳۹۳) **آمین وفاتحه خلف الامام:** بعض معلمان میگویند که آمین گفتن به جهربعد از

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة ج۱ ص۳۷۷، ط.س. ج۱ ص٤٠٦. ظفیر

(۲) بخلاف فتحه علی امامه فانه لایفسد مطلقا لفاتح واخذ بکل حلل (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب مایفسد الصلوة جلداول ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲) . ظفیر

فاتحه خلف الامام ناجائز است وخواندن فاتحه خلف الامام هم جائز نیست دراین باره حکم شرعي را به ما تحریر فرمائید وهر دو دست را در داخل نماز به حال قیام به کدام جا بمانیم؟

جواب: بدون شک خواندن فاتحه خلف امام مناسب نیست مثلیکه درحدیث مسلم آمده که: واذا قرء فانصتوا، [1] یعني کدام وقت که امام قرائت بخواند شما چپ وساکت باشد ودستها را زیر ناف بسته کنید. کما هو ظاهر الحدیث وآمین را به جهر نخوانید خفیه بخوانید: لانه دعاء والدعاء بالاخفاء قال الله تعالی ادعوا ربکم تضرعا وخفیة. [2] فقط

سوال: (۳۹٤) **یک آیت را میخواند وآن را ترک کرد واز جای دیگری شروع کرد:** امام قرائت را شروع کرد وبعد ازخواندن یک آیت سهوا درقرائت بند شد آن جا را ترک کرد وازجاي دیگر شروع کرد این نماز چه قسم شد؟

جواب: این رابسیار خوب کرد. [3] فقط

سوال: (۳۹۵) **مقدار قرائت بعد از فاتحه:** براي امام بعد ازخواندن سه آیات بعد ازفاتحه رکوع کردن مناسب است یایک آیت کافي است؟

جواب: کمتر از یک آیت جائز نیست. [4] فقط

سوال: (۳۹٦) **بعد ازقرائت قدر واجب شده فتحه دادن:** وقتیکه امام سه آیات را خوانده باشد وبعدا درقرائت بند گردید دراین حال مناسب است که به رکوع برود ومقتدي برایش فتحه ندهد مگر امام به رکوع نرفت ومقتدي برایش فتحه داد.دراین صورت مقتدي کدام قسم فعل را مرتکب شد مکروه تنزیهي یا تحریمي یا حرام یا چیزي دیگری؟

جواب: نماز فاتح ونماز امام هردو صحیح است مگر بعد از اداء قدر واجب یا قدر مستحب قرائت فتحه دادن یاانتظارامام به فتحه گرفتن مکروه تنزیهي است کذافي الدرالمختار والشامي. [5]

---

(۱) مسلم باب الشتهد فی الصلاة ج۱ ص ۱۷٤. ظفیر

(۲) سورة الاعر اف رکوع ۷. ظفیر

(۳) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی ایة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة او الی سورة اخری او یرکع اذا قرء قدر الفرض الخ وفي روایة قدر المستحب الخ (ردالمحتار باب مایفسد الصلوة جلد اول ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲) . ظ

(٤) قرائت المصلي لو اماما او منفردا الفاتحة وقرائت بعدها وجوبا سورة اوثلاث ایات ولوکانت الایة والایتان تعدل ثلاث ایات قصار انتفت کراهة التحریم ذکره الحلبي ولا تنتفي التنزیهیة الا بالمسنون (الدرالمختار علی هامش رد المحتار، باب صفة الصلوة جلد اول ص ٤۵۸ – ٤۵۹، ط.س. ج۱ ص٤۹۱) . ظفیر

(۵) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی ایة اخری لا یلزم من وصلها ما یفسد الصلوة او الی سورة اخری او =

سوال: (۳۹۷) **در رکعت دوم قرائت دراز مکروه تنزیهی است**؟ مثلیکه مشهور است که در رکعت اول سوره کوتاه ودر رکعت دوم خواندن سوره دراز مکروه است این کدام مکروه است تحریمي یا تنزیهي ودربین سوره کلان وکوتاه کدام حد واندازه است که این مقدار کلان است واین مقدار کوتاه ویا نیست؟ اگر کسي دررکعت اول سوره کوثر ودر رکعت دوم سوره اخلاص بگوید مکروه است یانه؟

جواب: في الدر المختار اطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا بثلاث آيات [1] الخ پس معلوم شد که کسي در رکعت اول سوره کوثر ودر رکعت دوم سوره اخلاص را بخواند مکروه نیست چرا که درصورت دوم مقدار سه آیات زیادت نیست. [2] فقط

سوال: (۳۹۸) **قرائت مکروهه**: یک امام بعد ازفاتحه در دورکعت ازقل اللهم مالک الملک چند آیات را قرائت کرد ونماز را تمام نمود نماز مکروه شد یانه؟ در رد المحتار درقبیل باب الامامة نوشته است قوله: وان يقرا في الاولى من محل الخ قال فى النحو وينبغي ان يقرأ في الركعتين آخر سورة واحدة لا آخر سورتين فانه مكروه عند الاكثر آه مطلب این عبارت چیست؟

جواب: در این صورت نماز مکروه تحریمي نیست چرا که درعبارت در المختار این قسم نوشته است که خواندن آخر دو سوره در دورکعت مکروه است وخواندن آخر یک سوره در دورکعت مکروه نیست یعني مکروه تحریمي نیست مگر غیر اولی است یعني مکروه تنزیهي میباشد چراکه اولی وافضل وسنت این است که در هر رکعت بعد از فاتحه سوره مکمل گفته شود کما في الدر المختار بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة [3] وظاهر است که عمل غیر اولی مائل بسوي مکروه تنزیهي میباشد. فقط

سوال: (۳۹۹) **درنماز خفیه فاتحة خلف الامام**: آیا درنماز خفیه خواندن فاتحه خلف الامام به نزد امام اعظم صاحب جائز است یا نه اگر جائز نباشد سبب آن چیست؟

جواب: به حکم حدیث شریف واذا قرا فانصتوا ، [4] قرابت مقتدي خلف امام جائز نیست خواه

= يركع اذا قرء قدر الفرض الخ وفي رواية قدر المستحب الخ (ردالمحتار باب مايفسد الصلوة جلد اول ص۵۸۲، ط.س. ج۱ ص۶۲۲). ظ

(۱) الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤۲. ظفير

(۲) واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث ايات الخ وان باقل لا يكره (ايضا ج۱ ص۵۰۶) . ظفير

(۳) ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۰۵، ط.س. ج۱ ص۵٤۲. ظفير

(٤) مشكوة باب القرائت في الصلوة ص۷۹ – ۸۱. ظفير

نماز جهري باشد ويا سري. [۱] فقط

سوال (۴۰۰) لحاظ ترتیب درقرائت: درنماز که به سوره فاتحه ضم سورة کرده میشود آیا ترتیب آن حسب ذیل است یعني در رکعت اول (إذا جاء) ودر رکعت دوم تبت ویا در رکعت اول الم تر کیف ودر دوم لایلاف قریش این صورت را مسنون وجائز گفته میشود آیا خلاف این ترتیب هم جائز است مثلا دررکعت اول تبت ودردوم اذا جاء خواند آیا این عمل جائز است یا نه؟ یک نفر در رکعت اول نصف سوره مزمل را میخواند بعد به قل هو الله احد درنماز جمعه رکوع میکند ودر رکعت دوم هردو معوذتین را بخواند ورکوع کند این عمل جائز است یانه؟

جواب: خواندن سورتها به ترتیب واجب است لذا در رکعت اول تبت ودر رکعت دوم خواندن اذا جاء جائز نیست ودر نماز فرض ترک سوره کوتاه مثلا در رکعت اول خواندن اذا جاء ودر رکعت دوم خواندن قل هو الله مکروه است ودرنوافل این عمل مکروه نیست ودریک رکعت خواندن نیم سوره مزمل وبعدا ضم کردن قل هو الله به این سوره مکروه است وخواندن معوذتین یعني دوسوره دریک رکعت مکروه است اگر چه نماز صحیح میشود. [۲]

سوال: (۴۰۱) به فاتحه خلف الاما بحث عمل کردن: آیا درجمله بزرگان دین کسي به فاتحه خلف الامام وآمین به جهر ورفع الیدین عمل کرده اند ویا نه؟

جواب: بعضها عمل کرده اند مگر عمل اکثر اصحاب وتابعین وتبع تابعین مخالف آن است واحادیث مرفوعه هم به خلاف این اعمال وارد شده. [۳] فقط

سوال: (۴۰۲) (۱) خواندن سورتها درنماز بدون ترتیب مکروه تحریمی است واعاده نماز

---

(۱) والمؤتم لایقرء مطلقا ولا الفاتحة في السرية اتفاقا ومانسب الی محمد (اي من استحباب قرائت الفاتحة في السرية احتیاطا، شامي) ضعیف کما بسطه الکمال (الدر المختار) حاصله ان محمدا قال في کتابه الاثار لانری القرائت خلف الامام في شيئ من الصلوة یجهر فیه او یسر، ودعوی الاحتیاط ممنوعة بل الاحتیاط ترک القرائت لانه العمل باقوي الدلیلین وقد روی الفساد بالقرائت عن عدة من الصحابة فاقواهما المنع (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۴) . ظفیر

(۲) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرء منکوسا الا اذا ختم فیقرء من البقرة الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک (درمختار) وفي التتارخانیة اذا جمع بین سورتین في رکعة رأیت في موضع انه لاباس به ورکع شیخ الاسلام لاینبغي له ان یفعل الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظفیر

(۳) والمؤتم لا یقرأ مطلقا ولا الفاتحة السریة اتفاقا وما نسب الی محمد فضعیف کما بسطه الکمال فان قرء کره تحریما وتصح في الاصح وفي درر البحار عن مبسوط خواهر زاده انها تفسد ویکون فاسقا وهو مروی عن عدة من الصحابة فالمنع احوط (درمختار) مروی عن عدة من الصحابة قال في الخزائن وفی الکافي ومنع الموتم عن القرائت ماثورة عن ثمانین نفرا من کبار الصحابة منهم المرتضی والعبادلة وقد دون اهل الحدیث اسامیهم (ردالمحتارباب صفة الصلوة فصل في القرائت ج۱ ص۵۰۸، ط. س. ج۱ ص۵۴۴) واذا قرء فانصتوا (مسلم باب التشهد).

واجب است: اگر امام یا منفرد در نماز فرض یا سنت در رکعت اول لایلاف قریش ودر دوم سوره فیل یا در رکعت اول سوره فیل ودر دوم الم نشرح بگوید دراین صورت نماز مکروه تحریمي شد یا مکروه تنزیهي واین نماز قابل اعاده است یانه؟

سوال: (۴۰۳) (۲) **ترک سوره کوتاه مکروه است**: اگر کسي درسورتهاي کوتاه دریک رکعت یک سوره را بخواند ودر رکعت دوم سوره سوم را بخواند وسوره دوم را نخواند یعني سوره دوم ترک گردد، یا اینکه در رکعت اول سوره کوتاه ودر رکعت دوم سوره دراز را بخواند حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: (۱) درنماز فرض وواجب معکوس کردن سورتها مکروه تحریمي وحسب عادت قاعده: کل صلاة ادیت مع کراهیة التحریم تجب اعادتها [۱] اعاده این نماز واجب است [۲] ودرنوافل این عمل مکروه نیست: وان یقول معکوسا الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک [۳] الخ در المختار [۴] وحکم امام ومنفرد در این مسئله برابر است. فقط

جواب: (۲) ترک سوره کوتاه درفرائض مکروه است واگر در رکعت دوم زیاد تر از سه آیات از قرائت رکعت اول خوانده شود هم مکروه تنزیهي است واطالة الثانیة علی الاولی یکره تنزیها اجماعا ان بثلاث آیات، درالمختار. [۵] فقط

سوال: (۴۰۴) **درنماز ماندن آیت سجده مکروه است**: وقتیکه امام به آیت سجده برسد آیت سجده را نخواند وبه رکوع برود حکم آن چیست؟

جواب: در درالمختار امده: وکره ترک آیة سجدة وقرائت باقي السورة [۶] پس معلوم شد که ترک کردن آیة سجده قصدا مکروه است.

سوال: (۴۰۵) **درآخر سوره آمین گفتن وکلمات دیگری درنماز جماعت جائز نیست**: در

---

(۱) الدرالمختارعلی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب کل صلوة ادیت مع کراهة التحریم الخ ص۴۲۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۷. ظ

(۲) شامي که درکدام جا تشریح این قاعده را کرده است درهمان جا وضاحت این مسئله راکرده است که درسورت مذکوره سجده سهو لازم نمیشود: قالوا یجب الترتیب في سور القران فلو قرء منکوسا اثم لاکن لایلزمه سجود السهو لان ذلک من واجبات القرائت لامن واجبات الصلوة کما ذکره في البحر في باب السهو الخ (ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۲۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۸) . ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک ایضا ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظ

(۴) الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ – ۵۱۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفیر

(۵) الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۶ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۲. ظفیر

(۶) الدرالمختار باب سجود التلاوة ص۷۲۹. ظفیر

آخر فاتحه علاوه از آمین گفتن خفیه در آخر سوره بقره آمین گفتن در آخر سوره اسرائیل الله اکبر گفتن درآخر سوره ملک الله ربنا ورب العالمین گفتن ودر آخر سوره قیامة ومرسلات والتین کلمات مشهور مسنونه را ذکر کردن واز سوره والضحی تا اخر قران در اخر سوره الله اکبر ودر اخر بعض آیاتها بعض الفاظ بطریقه مسنونه در دوران تلاوت گفته میشود مثلیکه درسوره طه حضرت عبد الله ابن مسعود بعد از آیة مبارکه وقل رب زدني علما میگفت که اللهم زدني علما وایمانا ویقینا غرض اینکه این کلمات را امام ومنفرد درنماز هاي فرض ونفل مثل آمین بطور خفیه به نزد احناف گفته میتواند ویانه؟

جواب: به نزد احناف این کلمات واذکار درنوافل یا براي منفرد که بیرون نماز باشد محمول شده است درنماز جماعت فرض ونفل جائز نیست کذا في شرح المنیة: لاباس للمتطوع المنفرد ان یتعوذ بالله من النار الخ وان کان المصلي المنفرد في الفرض کره له ذلک الخ واما الامام والمقتدي فلا یفعل ذلک السوال والتعوذ لافي الفرض ولا في النفل الخ شرح منیه کبیري فقط نام این کتاب غنیة المستملی است مگر دربین علماء بنام کبیري شرح منیه مشهور است.

سوال: (۴۰۵) **آیا بسم الله جزء قران است یانه؟** بسم الله جزء قرآن است یانه، اگرباشد درنماز جهری چرا به جهر گفته نمیشود در این جا یک حافظ درماه رمضان دروقت تلاوت قرآن صرف درشروع قل هو الله احد بسم الله را به جهر قرائت نمود؟

جواب: به نزد احناف بسم الله جزء هر سوره نیست صرف براي فصل دربین دوسوره نوشته میشود وبدون سورة توبه دراول هر سوره نوشته او ثابت است مگر جزء شدن هر سوره او ثابت نیست از این جهت به جهر خواندن آن همراه هر سوره حکم ندارد درتمام قرآن کریم بسم الله صرف یک آیت است لهذا وقتیکه درتراویح رمضان قرآن به جهر خوانده میشود دربسم الله هم صرف یک دفعه جهر میشود. [1] فقط

سوال: (۴۰۷) **تعریف سوره کوتاه:** کدام آیت که باندازه سوره کوثر باشد من حیث آیت کلان حساب میشود ازعبارت کدام کتاب فقه تحریر فرمائید که کم از کم آیت کلان چه مقدار است؟

---

(۱) وهي اي بسم الله الخ اية واحدة من القران كله انزلت للفصل بين السور الخ وليست من الفاتحة ولا من كل سورة في الاصح (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة بعد الفصل ص۴۵۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۹۱).

جواب: در الدر المختار آمده وضم اقصر سورة کالکوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث آيات قصار نحو ثم نظرثم عبس وبسر ثم ادبر واستكبر وفي الشامي قوله تعدل ثلاثا قصارا اي مثل ثم نظر الخ وهي ثلاثون حرفا فلو قرا آية طويلة قدر ثلاثين حرفا يكون قد اتى بقدر ثلاث آيات. [1] فقط

سوال: (۴۰۸) **قرائتهاي متواتر درنماز**: فن قرائت اصول وفروع بدو قسم است ازهفت امامان وچهار ده راويان مروي شده است درداخل نماز قرائتهاي نماز اجراء میشود یانه یک کلمه به روایت یک راوي وکلمه دیگر به روایت راوي دیگري اجراء کرده میشود یانه؟

جواب: نماز به تمام رویات متواتره صحیح است لکن خواندن روایات غریبة غیر معروفه در نماز خوب نیست اگر چه متواتر هم باشد چرا که درخواندن آن براي عوام ضرر است: كما في الدر المختار ويجوز بالروايات السبع وفي الشامي بل يجوز بالعشر ايضا لكن الاولى ان لا يقرأ بالغريبة والامالات لان بعض السفهاء يقولون ما لا يعلمون فيقعون في الاثم والشقاء ولا ينبغي للائمة ان يحمل العوام على ما فيه نقصان دينهم ولا يقرا عندهم مثل قرائت ابى جعفر وابن عامر وعلي بن حمزة والكسائي صيانة لدينهم فلعلهم يستخفون او يضحكون وان كان كل القرائت والروايات صحيحة فصحيحة ومشائخنا اختاروا قرائت ابي عمر وحفص عن عاصم الخ من التتارخانية عن فتاوى الحجة [2] الحاصل کدام قرائت که حالا عموما مروج است ودر اوراق چاپ شده یعني قرائت حفص از عاصم حالا همان قرائت لازم است. فقط

سوال: (۴۰۹) **بحث استاد شدن وتیر شدن از رموز اوقاف**: الحمد لله رب العالمين (لا) الرحمن الرحيم، من شر الوسواس الخناس (لا) الذي يسوس، على كل شي قدير (لا) نِالذي خلق الموت والحيات، الاية، به علامه (لا) اگر نفس ختم شود ووقف کند وکلمه آخري دوباره خوانده نشود وپیش برود پس درنماز کدام خلل پیش میشود درمثال سوم اگر وقف کرده باشد بعدا الذي گفته شود یا نِالذي خوانده شود؟

جواب: به علامه (لا) باثر ضرورت وقف کردن هیچ حرج نیست وبه تکرار لفظ ما قبل هیچ ضرورت نیست ودرنماز هیچ قسم خلل پیش نمیشود ودرمثال سوم الذي، نِالذي هر دوقسم تلفظ جائز است مگر درصورت وقف تلفظ بصورت (الذي) مناسب است.

---

[1] ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص۴۲۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۵۸. ظفير

[2] ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۱. ظفير

سوال: (۴۱۰) **از مسلک متفق علیه حنفی مخالفت قول شاه ولی الله معتبر نیست**:
چونکه قول شاه ولي الله صاحب در اسرار شريعت ثبت شده که خواندن فاتحه خلف الامام از نخواندنش بهتر است وشاه صاحب هم ازجمله علماء حنفي است دراين رابطه اگر شخص حنفي مذهب فاتحه خلف الامام بگويد حکم آن چيست؟

جواب: براي شخص حنفي مذهب خواندن فاتحه خلف الامام هيچ مناسب نيست اگر هم چون شاه ولي الله محقق دريک مسئله مخالفت کند ازاين دو براي ديگران اين عمل جائز نيست براي مردم تقليد امام متبوع خود لازم است درحاليکه دلائل قوي وحقه بطرف قول وتائيد قول امام شان هم باشد. [1] فقط

سوال: (۴۱۱) **اگر امام به رموز اوقاف وقف نکند هم صحيح است**: امام در رکعت دوم نماز صبح از اذا السماء انفطرت تا يا ايها الانسان ماغرک بربک الکريم الذي، الفاظ را اداء کرد وبه لفظ الذي استاد شد ونفس خود را تازه کرد يک شخص گفت که اين قسم تلاوت ناجائز است؟

جواب: به اين قرائت نماز صحيح شد وهيچ قسم خلل درنماز پيش نميشود. [2] فقط

سوال: (۴۱۲) **اگر درسوره فاتحه سکته نشود نام شيطان ساخته نميشود**: بعض مردم ميگويند که درسوره فاتحة هفت جا سکته لازم است اگر دراين هفت جا سکته نشود نام شيطان پيدا ميشود که نماز را فاسد ميکند اين قول صحيح است يا غلط؟

جواب اين قول باطل وبالکل لغوه است: کما حققه في القول الفاصل بين الحق والباطل للامام محمد بن عمر بن خالد القرشي حيث قال اعلم ان هولاء القائلين عموا فيما زعموا وغفلوا فيما نقلوا بل ان ما زعموا وسواس صرف وما نقلوا افتراء محض. [3] فقط

سوال: (۴۱۳) (۱) **اگر وقف را در جاي خود نکند يا جزء سوره را در نماز بخواند نماز**

([1]) ولايقرء المؤتم خلف الامام الخ لنا قوله عليه السلام من كان له امام فقرائت الامام له قرائت وعليه اجماع الصحابة وركن مشترک بينهما لكن حظ المقتدي الانصات والاستماع قال عليه السلام واذا قرأ فانصتوا ويستحسن على سبيل الاحتياط فيما يروي عن محمد وبكره عندهما لما فيه من الوعيد (هدايه، فصل في القرائت ص۱۵۹). ظفير

([2]) ومنها زلة القاري فلو في اعراب او تخفيف مشدد وعكسه الخ او يوقف وابتداء لم تفسد وان غير المعنى به يفتى (الدر المختار على هامش ردالمحتار زلة القاري ص۵۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۳۰). ظفير

([3]) كتاب مذكور القول الفاصل بين الحق و الباطل. ظفير

صحیح میشود؟ زید یک قاري است بسیار وقف اضطراري میکرد ازجهت اینکه به نهایت ترتیل قرائت میکند درنماز خفتن وصبح دراکثر اوقات جزء سوره را میخواند درنماز خوانان مردم دیگري هم موجود اند که قرآن را صحیح بدون وقف اضطراري میخوانند ودرجمله نماز خوانان بعض مردم طبعا این قسم قرائت رامکروه میدانند درایت کلان چند جاي ودرایت کوتاه یک ویا دوجا وقف میکند مثلا درالذي اطعمهم به اطعمهم وقف میکند ودر الفاظ من جوع وآمنهم به آمنهم وقف میکند ومثلا درانا انزلناه في لیلة القدر وما درلفظ وما وقف میکند یعني لفظ (وما) را میخواند ونفس را تازه میکند بعدا (ادراک) را میخواند.

سوال: (٤١٤) (٢) **خواندن جزء سوره چه حکم دارد؟**

سوال: (٤١٥) (٣) **اگر بعض نماز گذاران نماز امام را مکروه بگوید برای ترک امامت دلیل شده میتواند یانه؟**

سوال: (٤١٦) (٤) **وقتیکه قاری مذکور بدون وقف اضطراری قرائت خوانده میتواند آیا از این قرائت وقف اضطراری منع کرده شود یانه؟**

جواب: (١) اگر دروقف اضطراري کلمه موقوفه دوباره تکرار شود هیچ قسم کراهیت باقي نمي ماند وبراي مقتدیان مناسب نیست که این قسم قرائت را بد تعبیر کنند واگر درمقتدیان کسي باشد که قران کریم را صحیح میخواند ودرقرائت وقف اضطراري زیاد نمیکند امام شدن این شخص بهتر است چرا که رعایت مقتدیان هم بهتر است. [1]

جواب: (٢) درنماز همیشه خواندن جزء سورة خلاف سنت وغیر اولی است بهتر آن است که در هررکعت یک سوره مکمل خوانده شود درشامي آمده: صرحوا بان الافضل في کل رکعة الفاتحه وسورة تامة [2] الخ ج١ ص٣٦٣ شامي.

جواب: (٣) اگر مقتدیان امامت امام را مکروه بداند وسبب آن تقصیر امام باشد دراین صورت امامت این امام مکروه است واگر درامام کدام علت وخرابي نباشد براي مقتدي بد است که او را مکروه بداند کذا في الدر المختار. [3]

---

(١) وهو ما في الصحیحین اذا صلی احدکم للناس فلیخفف فان فیهم الضعیف والسقیم والکبیر واذا صلي لنفسه فلیطول ماشاء الخ (ردالمحتار باب الامامة ص٥١٧ ج١، ط.س. ج١ ص٥٣٥) . ظفیر

(٢) ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٥، ط.س. ج١ ص٥٤١. ظفیر

(٣) ولو ام قوما وهم له کارهون ان الکراهة لفساد فیه او لانهم احق بالامامة منه کره له ذلک تحریما الخ وان هو احق لا، والکراهة علیهم =

جواب: (٤) اگر امام به تدویر بدون وقف اضطراري قرائت کرده میتواند بهتر است که همین قسم قرائت کند.

سوال: (٤١٧) **خواندن فاتحه امام به قصد ثناء چه حکم دارد:** فلو قرأ المقتدي لزم له قرأتان وهو غير معهود وهذا انما يتم لو قرأ على نية الثناء اما لو قرأ الفاتحة على نية الثناء فيخرج من القرآنية فلا يلزم قراءتان كما تقول لو قرأ الفاتحة في صلاة الجنازة علىٰ نية الدعاء لابأس به الخ ارکان اربعة ص١٠٢، مطلب این است که فاتحه به خلف الامام به نزداحناف درنماز پنجگانه به قصد دعاء وثنا به مثل نماز که درنماز جنازه نیز به قصد دعاء وثناء خوانده میشود در نمازهاي دیگري چرا ممنوع است بحر العلوم در ارکان اربعه این عمل را جائز نوشته کرده است اگر احناف، این مسئله را قبول کنند از وهابیان چه قسم نجات واحتراز خواهد نمود؟

جواب: قال في الدر المختار: ولمؤتم لايقرأ مطلقا ولا الفاتحة في السرية اتفاقا وما نسب لمحمد ضعيف كما بسطه الكمال فان قرأ كره تحريماً وتصح في الاصح وفي درر البحار وعن مبسوط خواهرزاده انها تفسد ويكون فاسقا وهو مروي عن عدة من الصحابة فالمنع احوط الخ درالمختار وفي الشامي قوله مروي عن عدة من الصحابة فالمنع احوط الخ قال في الخزائن وفي الكافي ومنع المؤتم من القرائت مأثورة من ثمانين نفراً من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة [1] الخ وفيه قبيله وقد روي الفساد بالقرائت عن عدة من الصحابة فاقواهما المنع شامي [2] الخ پس معلوم شد که به نزد احناف هیچ اجازه خواندن فاتحه خلف الإمام نیست که دراین عمل خوف فساد نماز است كما روى عن عدة من الصحابة قال الكمال: چونکه جنازه محل دعاء است لذا خواندن فاتحه درنماز جنازه به نیت ثناء جائز شده میتواند وصلاة پنجگانه محل قرابت است از این جهت سخن احتیاط این است که به هیچ وجه درنماز فاتحه خلف الامام خوانده نشود.

جواب: نماز صحیح شده. فقط

سوال: (٤١٩) (١) **اگر درنماز ترجمه قرآن خوانده شود نماز صحیح میشود یانه؟** اگر در داخل نماز ترجمه قرآن بکدام زبان دیگري خوانده شود دراین صورت نماز صحیح خواهد شد یا

= (الدر المختار على هامش ردالمحتار، باب الامامة ص٥٢٢ ج١، ط.س. ج١ ص٥٥٩). ظفير

(١) ردالمحتار فصل في القرائت ص٥٠٨ ج١، ط.س. ج١ ص٥٤٤. ظفير

(٢) ردالمحتار فصل في القرائت ص٥٠٨ ج١، ط.س. ج١ ص٥٤٤. ظفير

نه؟

سوال: (٤٢٠) (٢) **مقصود از قرآن لفظ است یا معنی**؟ درقرآن شریف مقصود اصلي لفظ است یا معنی؟

جواب: (١) مقصود اصلي درقرآن هم لفظ است وهم معنی وقرآن نام آن کلام وعبارت خاص است که درمصاحف به زبان عربي نوشته شده است، قال الله تعالی انا انزلناه قرانا عربیا لعلکم تعقلون [١] پس کدام چیزي که نظم عربي نباشد قرآن هم نیست ونه حکم تلاوت قران به او صادق میشود ونه ثواب تلاوت به آن حاصل میشود درحدیث شریف آمده قال رسول الله ﷺ من قرا حرفا من کتاب الله فله به حسنة والحسن بعشر امثالها لا اقول الم حرف بل الف حرف ولام حرف ومیم حرف، رواه الترمذي وغیره عن ابن مسعود رضي الله عنه [٢] درشامي آمده: لان الامام رجع الی قولهما في اشتراط القرائة بالعربیة لان المأمور به قرائت القرآن وهو اسم للمنزل باللفظ العربي المنظوم بهذا النظم الخاص المکتوب في المصاحف المنقول الینا نقلا متواترا [٣] الخ حاصل عبارت این است که امام صاحب وصاحبین متفق شده اند که قرائت در داخل نماز بزبان همان کلمات عربي لازم است کدام کلماتیکه حقیقة قرآن است ودرمصاحف نوشته شده است الی آخره حاصل این است که به خواندن ترجمه قرآن درداخل نماز ترک فرضیت قرائت است ونماز صحیح نمیشود چرا که خواندن قرآن درنماز فرض است وقرآن نام لفظ عربي است به ترجمه قرآن اطلاق نمیشود مگر مجاز هر تفسیر وتعبیر قرآني را مردم به نام قرآن یاد میکنند: کما قال في رد المحتار والاعجمي انما یسمی قرآنا مجازا ولذا یصح نفي اسم القرآن عنه الخ شامي. [٤] فقط

سوال: (٤٢٢) (٢) **بعد از خواندن مقدار واجب درقرائت بند شد به رکوع نرفت ونماز را شکستاند حکم آن چیست**؟ امام نماز را شروع کرد مگر بعد از خواندن سه یا چهار آیت درقرائت بند شد در این وقت به رکوع نرفت نماز را شکستاند وبعدا آن را از سر نو اعاده نمود حکم آن چیست؟

---

(١) سورة یوسف: ١. ظفیر

(٢) مشکوة، کتاب فضائل القران، فصل ثاني ص١٨٦. ظفیر

(٣) ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب في حکم القرائت بالفارسیة جلد اول ص٤٥٢، ط.س. ج١ ص٤٨٥. ظفیر

(٤) ایضاً، ط.س. ج١ ص٤٨٥. ظفیر

سوال: (۴۲۲) (۲) **بعد از خواندن دو آیت در قرائت بندشد امام یک آیة را ترک کرد وآیه بعدی را قرائت نمود:** امام نماز را شروع کرد بعد از خواندن دو آیت در قرائت بند شد خواندن چهارم ویا پنجم آیت را شروع نمود دراین صورت سجده سهو لازم است یانه؟

سوال: (۴۲۳) (۳) **اگر بعد از خواندن دوآیت درقرائت بند شد سوره دیگری را بگوید یانه؟** امام بعد ازخواندن دوآیت در نیم آیت سوم بند شد دراین وقت آیت چهارم یاپنجم وکدام سورت دیگري را شروع کرد نمازش صحیح شد یانه؟ وسجده سهو برآن لازم شد یانه؟

جواب: (۱) دراین وقت باید رکوع میرفت لیکن به دوباره خواندن هم نماز صحیح شده [1].

جواب: (۲) نماز درست شده است، سجده هم لازم نمیباشد. [2]

جواب: (۳) دراین صورت هم نماز اداء شده وسجده سهو لازم نمیگردد. [3]

سوال: (۴۲۴) **دربعض الفاظ دوقرائت:** دربعض جاهای قرآن شریف حروف کوچک نوشته شده مثل بصطة، هم المصیطرون، علیهم بمصیطر در این قسم کلمات کدام حرف دو رفعه خوانده شود در پنجاب این کلمات را مردم دو رفعه خوانند مطلب این چیست؟

جواب: دربالاي لفظ بصطة، هم المصیطرون، علیهم بمصیطر، سین نوشته شده دراین اشاره وعلامه مطلب این است که این الفاظ به سین هم خوانده شده وبه صاد هم خوانده شده وتلاوت کننده اختیار دارد که این الفاظ را به سین میخواند یا به صاد نماز درهر دو صورت صحیح است مطلب این علامه این نیست که گویا این الفاظ دو دفعه خوانده شود بلکه متابعت کدام قاري که کرده شود موافق آن این الفاظ را بخوانند قوله المصیطرون وفي قرائة لابن کثیر بالسین بمکان الصاد، المتسلطون الجبارون الخ کمالین، لست علیهم بمصیطر وفي قرائة بالصاد بدل السین ای بمسلط [4] وفي القاموس البصط البسط في جمیع معانیه. فقط

---

(۱) وضم اقصر سورة کالکوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث ایات قصار نحو (ثم نظر ثم عبس وبسر ثم ادبر واستکبر) وکذا لو کانت الایة او الایتان تعدل ثلاثا قصار (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة جلد اول ص۴۲۷، ط.س. ج۱ ص۴۵۸) . ظفیر

(۲) یکره ان یفتح من ساعته کما یکره للامام ان یلجئه الیه بل ینتقل الی اية اخری لا یلزم من وصله ما یفسد الصلوة (رد المحتار، باب مایفسد الصلوة ومایکره فیها ص۵۸۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۲۲) ولو قرء اية تعدل اقصر سورة جاز الخ وقدرها من حیث الکلمات عشر ومن حیث الحروف ثلاثون (ایضا فصل في القرائت ص۵۰۲ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۸) . ظفیر

(۳) ایضاً، ط.س. ج۱ ص۵۳۸. ظفیر

(۴) جلالین اصح المطابع سورة غاشیه ص۴۹۸. ظفیر

سوال: (۴۲۵) **درقرائت رعایت ترتیل ضرور است ویانه؟** انا نشاهد كثير من الحفاظ انهم يقرءون القرآن الكريم بالتعجيل في صلاة وغيرها كوقت الحفظ بحيث لايفهم ما يتلفظون به من الاعراب والالفاظ وغيرها والحال ان القران ناطق على ترتيله: ورتل القران ترتيلا، فهل يجوز لهم القرائت على سبيل التعجيل ام لا؟

جواب: قال في الدر المختار ويجتنب المنكران هذرمة القرائت وفي الشامي هذرمة الخ سرعة الكلام والقرائة [1] الخ فعلم ان القرائة بالكيفية المذكوره من ترك الترتيل المأمور به والاستعمال المفضي الى الهذرمة من المنكرات التي ينبغي الاجتناب عنه. فقط

سوال: (۴۲۶) **در هررکعت همراه سوره خواندن سوره اخلاص چه قسم است؟** یک امام درنماز جهري که بعد فاتحه کدام سورت را خواند به تعقیب آن قل هو الله شریف را نیز قرائت نمود رکوع وسجده کرد ودر رکعت دوم بعد از فاتحه یک سوره دیگري را پیوست نمود بعد ازآن قل هو الله را میگوید این عمل به نزد احناف جائز است یانه؟

جواب: درفرائض به نزد احناف این عمل مکروه است درشرح منیه آمده: والخاص ان تكرار السورة الواحدة في ركعة واحدة مكروهة في الفرض ذكره في فتاوى قاضي خان وكذا تكرارها في ركعتين منه بان قرءها في اولى ثم كررها في الركعة الثانية يكره ذكره في القنية لكن هذا اذا كان بغير ضرورة بان كان يقدر قرائت سورة اخرى اما اذا لم يقدر فلا يكره الخ ولا يكره تكرار السورة فى ركعة اوركعتين في التطوع [2] پس معلوم شد که درفرائض این عمل مکروه است، ودر نوافل جائز است. فقط

سوال: (۴۲۷) **اگر در رکعت اول کدام رکوع را قرائت کند در رکعت دوم کدام سوره مکمل را بخواند چه حکم دارد؟** کسي که در رکعت اول یک رکوع قرآن کریم ودر رکعت دوم یک سوره را مکمل بخواند که از رکوع دراز نباشد این عمل جائز است یا مکروه؟

جواب: دراین عمل هیچ کراهیت نیست البته فضیلت دراین است که در هر رکعت یک سوره را مکمل بخواند كذا في الشامي. فقط

سوال: ۴۲۸) **اگر در رکعت اول یک حصه کدام سورت ودررکعت دوم حصه کدام سورت**

---

[1] رد المحتار باب الوتر والنوافل مبحث التراويح جلد اول ص۶۶۳، ط.س. ج۲ ص۴۷. ظفير

[2] غنية المستملي. ظفير

دیگری بخواند این عمل جائز است یا نه؟ اگر امام در رکعت اول حصه اول یک سورت ودر رکعت دوم یک حصه سوره دیگري را بخواند جائز است یانه؟

جواب: نماز جائز [۱] است. [۲] فقط

سوال: (۴۲۹) اگر درنماز وتر سورتهای کوتاه وکلان را بخواند نماز صحیح است یانه؟

امام در اول سورة والعصر در دوم التکاثر درسوم سوره همزه را قرائت نمود در حالیکه سورت سوم دو چند سورت دوم است در این صورت نماز وتر صحیح شده یانه؟

جواب: نماز وتر صحیح شده به کوتاهي وطوالت این قدر سورتها درنماز هیچ کراهیت پیش نمیشود. [۳] فقط

سوال: (۴۳۰) درما بین ترک سورت کوتاه مناسب نیست: در قرآن کریم بعد ازسوره اذا جاء سوره تبت مناسب است لذا بعد از سوره اذا درنماز تبت خوانده شود مگر نماز خوان یا امام دوست دارد که تبت را ترک میکند وبعد از اذا جاء قل هو الله احد را شوف میخواند دراین صورت حکم چیست ؟

جواب: فقهاء فاصلة سوره کوتاه را درفرائض وواجبات مکروه میگویند اگر میخواهد که در رکعت دوم قل هو الله شریف را بخواند دراین صورت در رکعت اول سوره قل یا أیها الکافرون رامیخواند واگر در رکعت اول إذا جاء را خوانده باشد در این صورت دررکعت دوم قل اعوذ برب الفلق رابخواند. [۴]

سوال: (۴۳۱) لحاظ ترتیب سورتها درنماز: ترتیب سورتهاي قران کریم درنماز چه حکم دارد مثلا بعد از قل اعوذ برب الفلق قل هو الله را خوانده میتواند یانه؟

---

(۱) وکذا لو قرأ في الاولی من وسط سورة او من سورة اولها ثم قرأ في الثانية من وسط سورة اخری الخ اوسورة قصيرة الاصح انه لا يكره (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظفیر

(۲) مع انهم صرحوا بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۱) . ظفیر

(۳) واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث ايات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبر الحروف والكلمات واعتبر الحلبي فحش الطول لا عدد الايات واستثنى في البحر ما وردت به السنة واستظهر في النفل عدم الكراهة وان باقل لايكره (درمختار) قوله فحش الطول الخ كما لو قرأ في الاولى والعصر وفي الثانية الهمزة فرمز في القنية اولا انه لايكره ثم رمز ثانيا انه يكره وقال لان الاولى ثلاث ايات والثانية تسع وتكره الزيادة الكثيرة الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۰۶ – ۵۰۷، ط.س. ج۱ ص۵۴۲) از سوال معلوم میشود که خلاف ترتیب قرآن سورتها خوانده شود مکروه است از این عمل اجتناب مناسب است اگر چه نماز میشود: ویکره الفصل بسورة قصيرة وان يقرء منكوسا (درمختار) لان ترتيب السورة في القرائت من واجبات التلاوة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظ

(۴) ويكره الفصل بسورة قصيرة (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراة جلد اول ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶. ظفیر

جواب: این قسم تقدیم وتاخیر را فقهاء درفرائض وواجبات مکروه گفته اند [۱] واین عمل در نوافل جواز دارد. [۲]

سوال: (۴۳۲) **اگر وقت تنگ باشد درنماز صبح خواندن سورتهای کوتاه صحیح میشود یانه؟** امام درنماز صبح ازجهت تنگي وقت در رکعت اول قل یا ایها الکافرون ودررکعت دوم سوره اخلاص را قرائت نمود بعد ازنماز یک صاحب گفت که نماز مکروه تحریمي شد خواندن سورتهاي دراز لازم بود.

جواب: این نماز بدون کراهیت صحیح شده واین گفتار غلط است که گویا نماز مکروه تحریمي شده ان حضرت ﷺ یک دفعه درنماز صبح قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس را خوانده است، بس معلوم شد که اگر وقت کم باشد یا درسفر وغیره تندي وعجله باشد دراین صورت درنماز صبح وغیره خواندن سورتهای کوتاه جائز است. [۳] فقط

سوال: (۴۳۳) **در رکعت اول یک حصه سورة مزمل ودررکعت دوم یک حصه سوره بقره را خواند نماز صحیح شد یانه؟** امام در نماز شام بعد از فاتحه در رکعت اول رکوع اول سوره مزمل را ودر رکعت دوم رکوع اول سوره بقره را قرائت نمود در این صورت نمازش صحیح شده یانه؟

جواب: نماز صحیح شده وسجده سهوه لازم نگردید مگر درآینده این قسم قرائت خلاف ترتیب قرآني برایش مناسب نیست چرا که این قسم قرائت خلاف ترتیب درفرائض مکروه است کذا في الدر المختار. [۴] فقط

سوال: (۴۳۴) **تکرار کردن آیت نماز را فاسد نمی سازد:** زید امام نماز شام است در رکعت اول بعد ازسوره فاتحه سوره فیل را شروع کرد وکلمه طیرا أبابیل را دو دفعه قرائت نمود دفعه اول به سکون لام ودفعه دوم به فتحه لام بعدا رکوع کرد ودر رکعت دوم بعد از فاتحه تمام

---

(۱) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا الخ ولا یکره في النفل شيء (درمختار) بان یقرء في الثانیة سورة اعلی مما قرء في الاولی لان ترتیب السورة في القرائت من واجبات التلاوة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱) . ظفیر

(۲) فیسن في السفر مطلقا اي حالة قرار او فرار الخ الفاتحة وجوبا واي سورة شاء وفي الضرورة بقدر الحال (درمختار) اي سواء کان في الحضر او السفر الخ لانه علیه الصلوة والسلام قرا في الفجر بالمعوذتین الخ (ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۰۳ – ۵۰۵ ج۱، ط.س. ج۱ ص) . ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل القرائت ص۵۱۰ ج۱). ظفیر

(۴) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرأ منکوسا (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل القرائت ص۵۱۰ ج۱). ظفیر

سوره قریش را قرائت نمود نمازش صحیح شده یا نه یا سجده سهوه لازم بوده؟

جواب: نمازش صحیح شده به سجده سهو واعاده نماز ضرورت نیست. [۱] فقط

سوال: (۴۳۵) **درنماز فرض از حضور ﷺ خواندن جزء سورت ثابت نیست**: رسول الله ﷺ درکدام وقت بدون سورة مکمل رکوعها را هم خوانده ویانه؟

جواب: درکتابها فقه شریف نوشته است که دریک رکعت خواندن یک سورت مکمل مستحب وسنت است رسول الله ﷺ در اکثر اوقات واکثر نمازها در هررکعت تمام سوره را میخواند شاید درکدام نماز بدون سوره مکمل کدام رکوع را هم خوانده باشد مگر ثبوت وتصریح این عمل شان ثابت نیست. [۲]

سوال: (۴۳۶) **درسکتهای فاتحه خواندن ثناء جائز نیست**: در سکتهاي فاتحه ثناء افضل است یا سکوت کردن؟

جواب: بعد ازشروع کردن قرائت ثناء خواندن جائز نیست. [۳] فقط

سوال: (۴۳۷) **فاتحه خلف الامام**: شاه رفیع الدین صاحب دهلوي نوشته کرده که خواندن فاتحه خلف الامام جائز است ودر خواندش کدام حرج نیست در نخواندش ترس وخوف است که نماز صحیح نشود، دراین مسئله چه حکم است؟

جواب: چونکه درحدیث بصراحت حکم شده که: وإذا قرأ فانصتوا [۴] ودرحدیث دیگري آمده که: من کان له امام فقرائت الامام له قرائة، [۵] وبه همین قسم درقرآن کریم ارشاد است که: واذا

---

(۱) وقرأ بعدها وجوبا سورة اوثلاث ایات ولو كانت الاية او الايتان تعدل ثلاث ايات قصار (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة ص۴۵۹ ج۱) اذا كرر آية واحدة مرارا ان كان في التطوع الذي يصليه وحده فذلك غير مكروه وان كان في الفريضة فهو مكروه وهذا في حالة الاختيار اما في حالة العذر والنسيان فلاباس به (غنية المستملي ص۴۲۲). ظفير

(۲) مع انهم صرحوا بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۰۵ ج۱) وان الغالب من قراءته ﷺ السورة التامة بل نال بعضهم لم ينقل عنه ﷺ قرائت السورة الكاملة ولم ينقل عنه التفريق الا في المغرب قرأ فيها الاعراف في ركعتين وركعتي الفجر وقرء بايتي البقرة وال عمران وقال اخرون انما هي افضل الخ وافتى بعض ائمتنا بان من قرأ سورة في ركعتين ان فرقها عذرا كمرض حصل له ثواب السورة الكاملة والكلام في سورة طويلة كالاعراف بخلاف سورة ثلاث ايات او اربع فتفريقها خلاف السنة اهـ (مرقات المفاتيح شرح مشكوة المصابيح باب القرائت في الصلوة فصل اول ص۵۲۷ – ۵۲۸ ج۱) . ظفير

(۳) وقرء كما كبر سبحانك اللهم الخ الا اذا شرع الامام في القرائت سواء كان مسبوقا او مدركا وسواء كان امامه يجهر بالقرائت او لا، فانه لاياتي به لما في النهر عن الصغيري ادرك الامام في القيام يثنى ما لم يبدأ بالقرائت الخ (الدر المختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل تاليف الصلوة ج۱ ص۴۵۵ – ۴۵۶، ط.س. ج۱ ص۴۸۸) . ظفير

(۴) مشكوة باب القرائت في الصلوة ص۸۱. ظفير

(۵) آثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام في الصلوة جلد اول ص۸۷. ظفير

قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا، [۱] نظر به این دلائل گنجایش خواندن فاتحه وغیره خلف الامام نیست مثلیکه درکتابهای فقه به تفصیل این دلائل وحکم ذکر شده وبراي احناف مناسب وضرور است که به مذهب عام خود عمل کنند. فقط

سوال: (۴۳۸) **اگر دررکعت اول اذا جاء را ودر رکعت دوم قل هو الله رابخواند نقصان آمده یا نه؟** امام در رکعت اول اذا جاء خواند ودر رکعت دوم قل هو الله پس درنماز چه نقصان پیش آمده؟

جواب: درفرائض فاصله سوره کوتاه مکروه است ونماز صحیح میشود واگر این عمل سهوا از او صادر شد هیچ کراهیت نیست ودر نوافل به این عمل کراهیت هم پیش نمیشود. [۲]

سوال: (۴۳۹) **قرائت بدون حرکت لبان معتبر نیست:** اگر کسي الفاظ نماز را بدون حرکت لبها دردل خود میگوید نمازش صحیح خواهد شد یانه؟

جواب: قرائت وغیره بدن حرکت لبان معتبر نیست. [۳]

سوال: (۴۴۰) **شروع قرآئت از نیم آیة صحیح نیست:** ید همیشه درنماز قرائت را از نیم ایت شروع میکند نماز درست میشود یانه؟

جواب: نماز صحیح است مگر این عمل مناسب نیست چرا که این یک عادت نا مشروع وخلاف قواعد نماز است. [۴]

سوال: (۴۴۱) **درلفظ الحمد وایاک تکان کردن:** درلفظ الحمد ولفظ ایاک جتکه کردن چه حکم دارد؟

جواب: تلاوت قرآن کریم خلاف قواعد تجوید مکروه است اگر چه نماز میشود. فقط

---

(۱) سورة الأعراف رکوع ۲۴. ظفیر

(۲) ویکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره في النفل شيء من ذلک (درمختار) افاد ان التنکیس او الفصل بالقصیرة انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا کما في شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶)، ظفیر

(۳) وادني الجهر اسماع غیره وادني المخافة اسماع نفسه الخ ویجري حالة المذکور في کل ما یتعلق بنطق کتسمیة علی ذبیحة وجوب سجدة تلاوة وعتاق وطلاق واستثناء وغیرها (درمختار) اعلم انهم اختلفوا في حدود وجود القرائت علی ثلاثة اقوال فشرط الهندواني والفضلي لوجوده خروج صوت یصل الی اذنه وبه قال الشافعي وشرط بشر المریسیی وأحمد خروج الصوت من الفم وان لم یصلي الی اذنه الخ ولم یشترط الکرخي وابوبکرالبلخي السماع واکتفیا بتصحیح الحروف اهـ (ردالمحتارفصل في القرائت ج۱ ص۴۹۸ – ۴۹۹، ط.س. ج۱ ص۵۳۵). ظ

(۴) والافضل ان یقرء في کل رکعه سورة تامة (غنیة المستملي ص۴۶۲) خواندن بعض حصه سورت را فقهاء مکروه گفته اند لذا خواندن نیم آیت چه قسم مناسب خواهد بود: ولو قرء بعض السورة في رکعتها وباقیها في رکعة قیل یکره والصحیح انه لا یکره (ایضا). ظفیر

سوال: (٤٤٢) **خواندن سه آیات فرض است یا واجب؟** کدام سه آیات که دریک رکعت نماز خوانده میشود فرض است یا چیزي دیگري؟

جواب: در الدر المختار در واجبات نماز حساب شده است که خواندن فاتحه وضم سوره یاسه آیات کوتاه در واجبات میباشد: وضم اقصر سورة کالکوثر اوما قام مقامها وهو ثلاث آیات قصار الخ وکذا لوکانت الایة والایتین تعدل ثلاثا قصارا [1] الخ. فقط

سوال: (٤٤٣) **اگر در رکعت اول از پاره بیست وهفتم ودر رکعت دوم ازپاره اول قرائت کند حکم آن چه خواهد بود؟** اگر در رکعت اول نماز جمعه یک رکوع پاره بیست وهفتم ودر رکعت دوم یک رکوع را از پاره اول بخواند دراین صورت نماز صحیح است یا نه؟

جواب: درفرائض این قسم قرائت مکروه است چرا که مخالف ترتیب قرآني است، در الدر المختار آمده: ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرا منکوسا (الدر المختار) بأن یقرا في الثانیة سورة اعلی مما قرء في الاولی لان ترتیب السور من القرآن من واجبات التلاوة [2] الخ شامي ج۱ ص۳٦۷. فقط

سوال: (٤٤٤) **خواندن فاتحه درنماز که دراولش بسم الله خوانده نشود:** اگر در داخل نماز درس اول فاتحه بسم الله خوانده نشود نماز میشود یانه؟

جواب: نماز میشود هیچ نقصان درآن پیش نمیشود. [3] فقط

سوال: (٤٤٥) (۱) **کدام سورة را که در رکعت اول خوانده بود در رکعت دوم سهوا آن را باز خواند؟** کسي که در رکعت دوم سهوا آن سوره را بخواند که در رکعت اول نیز همان سوره خوانده باشد آیا درنماز کدام نقصان پیش میاید یانه؟

سوال: (٤٤٦) (۲) **اگر کسی در رکعت اول نیم دررکعت اول سوره الناس ودر رکعت دوم نیم دیگری ان را بخواند نماز او صحیح است یانه؟**

جواب: (۱) درنماز کدام نقصان نمي آید. [4]

---

(۱) الدر المختار علی هامش ردالمحتار، باب صفة الصلوة مطلب واجبات الصلوة ص٤٢٧ ج۱، ط. س. ج۱ ص٤٥٩. ظفیر

(۲) ردالمحتار للشامي، باب صفة الصلوة، فصل في القرائت ص٥١٠ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٤٦. ظفیر

(۳) وسننها ترک السنة لا یوجب فسادا ولا سهوا بل اساءة لوعامدا الخ، الثناء والتعوذ والتسمیه والتامین (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة مطلب سنن الصلوة ص٤٤٢ – ٤٤٣ ج۱، ط.س. ج۱ ص٤٧٣ – ٤٧٤) . ظفیر

(٤) لاباس ان یقرء سورة ویعیدها في الثانیة (درمختار) افاد انه یکره تنزیها وعلیه یحمل جزم القنیة بالکراهة ویحمله فمله علیه الصلوة =

جواب: (۲) نماز صحیح شده. [1] فقط

سوال: (٤٤٧) **در هررکعت نماز فرض تکرار سوره اخلاص مناسب نیست:** در اطراف علاقه امرتسر ساکنین حضرات دهات در هر رکعت تمام نمازها بعد از فاتحه سوره اخلاص میخوانند براي آنها جائز است ویانه؟

جواب: طریقه سنت این است که یک سوره هم در رکعت اول وهم در دوم، سوم وچهارم خوانده نشود بلکه سورتهاي مختلف را با رعایت ترتیب در هر رکعت بخوانند نه اینکه درهر رکعت صرف قل هو الله را بخوانند این قاعده مردم غیر مقلد است که در هر رکعت صرف سوره اخلاص را مکرر میخوانند [2] البته کسي که سوره دیگري را یاد نداشته باشد او مجبور ومعذور است، پس شما مردم احناف مطابق طریقه مسنونه قرائت نمائید در هررکعت بعد ازفاتحه سورتهاي مختلف را موافق ترتیب قرآني بخوانید آن حضرت ﷺ همیشه سورتهاي مختلف را درنماز خوانده است این قسم نکرده که در هر رکعت صرف سوره اخلاص را خوانده باشد.

سوال: (٤٤٨) (۱) **به رب العالمین نفس تازه کردن:** امام به رب العالمین وقف کرد ونفس تازه میکند آیا درنماز کدام حرج نیست؟

سوال: (٤٤٩) (۲) **درلفظ فعال به حرف عین جزم کردن:** امام درلفظ (فعال لما یرید) به حرف عین جزم میکند دراین صورت نماز صحیح است یانه؟

سوال: (٤٥٠) (۳) وقف کردن به (یوم یقوم الروح والملائکة صفا):اگر امام بآیة مبارکة (یوم یقوم الروح والملائکة صفا) وقف کند نمازش صحیح است یانه؟

سوال: (٤٥١) (٤) وقف کردن به علامه (لا) به آیت [لا] وقف کردن کدام حرج میشود یانه؟

جواب: (۱) هیچ کدام کراهیت وغیره نیست.

جواب: (۲) در حرف عین لفظ فعال ادغام است یعني در این کلمه دو عین است اول ساکن دوم

= والسلام لذلک علی بیان الجواز هذا اذا لم یضطر فان اضطر بان قرء في الأولی قل اعوذ برب الناس اعدها في الثانیة ان لم یختم (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص ٥١٠، ط.س. ج۱ ص٥٤٦) . ظفیر

(۱) ولو قرء بعض السورة في رکعة وباقیها في رکعة قیل یکره والصحیح انه لایکره (غنیة الستملي تتمات ص٤٦٢) . ظفیر

(۲) ولا یتعین شيء من القران لصلوة علی طریق الفرضیة الخ ویکره التعین (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص٥٠٨ ج۱، ط.س. ج۱ ص٥٤٤) لاباس ان یقرء سورة ویعیدها في الثانیة (درمختار) قوله لاباس الخ افاد ان یکره تنزیها وعلیه یحمل جزم القنیة بالکراهة ویحمل فعله علیه الصلوة والسلام لذلک علی بیان الجواز هذا اذا لم یضطر (ردالمحتار باب ایضا ج۱ ص٥١٠). ظفیر

متحرک که در اصل فَعْ عَالْ است اگر به همین قسم خوانده باشد صحیح است.

جواب: (۳) نماز صحیح است وباية مبارکه (صفا) وقف کردن درنماز کدام خلل نمیاید.

جواب: (٤) به علامه (لا) یا بایت (لا) وقف کردن کدام حرج نیست ونماز صحیح است.

سوال: (٤٥٢) (۱) **درنماز صبح طوال مفصل:** فقهاء درنماز صبح خواندن طوال مفصل ویا چهل آیات را طریقه مسنونه میگویند وبعض سورتهای طوال مفصل بیست آیات میباشد اگر دو سورت خوانده شود چهل آیات خواهد شد دراین صورت چه عمل مناسب است؟

سوال: (٤٥٣) (۲) **ترک کردن آیتهای سجده:** درآیتهاي سجده ترک کردن یک یا دوآیات ازجهت سجده چه حکم دارد؟

جواب: (۱) افضل وبهتر این است که درهر رکعت یک سورت مکمل گفته شود لهذا درنماز صبح درهر رکعت طوال مفصل مکمل خوانده شود پس سنت اداء خواهد شد لحاظ آیتها را نکنند خواه چهل آیات باشد ویا کم وزیاد (لا).[1]

جواب: (۲) خواندن آیت سجده واداء کردن سجده او بهتر است آن را ترک نکنند.[2]

سوال: (٤٥٤) **سورت کوتاه به کدام مقدار است وآن سورتها کدام اند**؟ آن سورتهاي کوتاه کدامها است که به فصل آنها نماز مکروه میشود؟

جواب: آن سورتها از لم یکن تا آخر قرآن شریف است یعني از سوره لم یکن تا آخر قرآن کریم هرسورت قصار مفصل است.[3] فقط

سوال: (٤٥٥) **علامت آیت:** سه ایتهاي کوتاه قرآن شریف که باندازه یک آیت کافي شده میتواند به دائره گول معلوم میگردد یا به حروف (ج) (صل) (ز) (ط) معلوم کرده میشود درمقابل یک آیت کلان سه آیة کوتاه کافي شده میتواند یا چه قسم؟

جواب: این هم از واجبات نماز است که در هر رکعت بعد از فاتحه سه آیات کوتاه یا یک آیت

---

(۱) ویسن في الحضر لامام ومنفرد الخ طوال المفصل من الحجرات الى آخر البروج في الفجر والظهر الخ اي في كل ركعة سورة مما ذكر (ردالمحتار) اي من الطوال والاوساط والقصار ومقتضاه انه لانظر الى مقدارمعين من حيث عدد الايات الخ (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٥، ط.س. ج١ ص٥٣٩ – ٥٤٠) . ظفير

(۲) كره ترك اية سجدة وقرائت باقي السورة لان فيه قطع نظم القران وتغير تاليفه واتباع النظم والتاليف مامور به. بدائع ومفاده ان الكراهة تحريمية لايكره عكسه (الدر المختار علي هامش ردالمحتار باب سجود الصلوة جلد اول ص٧٢٩، ط.س. ج٢ ص١١٧ – ١١٨) . ظفير

(۳) ومنها الى اخر لم يكن اوساطه الخ وباقيه قصاره (الدرالمختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥٠٤ ، ط.س. ج١ ص٥٤٠) . ظفير

کلان که باندازه سه آیات کوتاه باشد خوانده شود سورة کوتاه که همه سه آیات است سوره انا اعطیناک الکوثر است وقتیکه این سورت ویا امثال این سورت بعد از فاتحه دریک رکعت گفته شود واجب نماز اداء میگردد وعلامه ختم ایت به این شکل حلقه دائروي است ومثال ایتهاي کلان آیة الکرسي وآیة مداینة وامثال آن میباشد ومثال آیتهاي کوتاه ثم نظر ثم عبس وبسر ثم ادبر واستکبر میباشد. [1] فقط

سوال: (٤٥٦) **اگر به نستعین وقف نکند چه حکم است؟** زید به ایاک نعبد وایاک نستعین با اینکه درنستعین وقف است وقف نمیکند واین قسم میخواند نستعین اهدنا الصراط المستقیم وقل هو الله احد نِالله الصمد میگوید آیا به این قسم قرائت درنماز کدام نقصان نماید واین قسم تلفظ ازقراء ثابت است یانه؟ به این قسم تلفظ درمعنی کدام نقصان میاید یانه؟

جواب: اصل حکم این است که به نستعین وقف کردن ونکردن هردو جائز است وبه همین قسم به قل هو الله احد وقف کردن ونکردن هر دوثابت است پس اگر وقف کرده شود دراین صورت (اهدنا) و(الله الصمد) خوانده میشود واگروقف کرده نشود دراین صورت (نِاهدنا) و(نِالله الصمد) خوانده میشود در معنی هیچ فرق نمیاید وقاریان الفاظ مذکوره هم به وقف وهم بدون وقف میخوانند لکن دراکثر اوقات به نستعین واحده وقف میکنند واهدنا الصراط المستقیم والله الصمد را جدا جدا میخوانند لهذا به زید هیچ ضرور نیست که آن را (نِاهدنا) و(نِالله الصمد) بخواند بلکه هر قسم که قاریان آن را میخوانند زید هم آن را به همان قسم بخواند لکن اگر زید بطور اتفاقي آن را این قسم میخواند در این صورت بر او اعتراض کرده نشود وتلفظ آن را غلط گفته نشود.

سوال: (٤٥٧) **اگر در رکعاتهای نماز رکوعهای سورتهای مختلف خوانده شود هیچ بدی ندارد:** اگر کدام امام از هر پاره یک یک رکوع را یاد داشته باشد ودر هرنماز یک رکوع میگوید وبه ترتیب همه رکوعها را ختم کند وبعدا از سر آن را باز شروع کند به این قرائت نماز جائز است یانه؟

جواب: به این قسم قرائت هم نماز جائز است مگر بهتر این است که در هر رکعت یک سوره

---

[1] وضم اقصر سورة كالكوثر او ماقام مقامها وهو ثلاث آيات قصار نحو: ثم نظر ، ثم عبس وبسر ، ثم ادبر واستكبر الخ (الدرالمختار على هامش ردالمحتار باب صفة الصلوة واجبات الصلوة ص٤٢٧ ج١، ط.س. ج١ ص٤٥٨) . ظفير

را مکمل بخواند موافق آن طریقه که فقهاء آن را نوشته اند درنماز صبح وظهر طوال مفصل ودر نماز دیگر وخفتن اوساط مفصل ودرنماز شام از قصار مفصل یک سوره را بخوانند.[۱]

سؤال: (۴۵۸) **جواب حدیث فاتحه خلف الامام:** عند الاحناف فاتحه خلف الامام ناجائز است مگر غیر مقلدین دو حدیث را پیش میکنند یک حدیث عباده رضی الله عنه ویک حدیث ابو هریره رضی الله عنه که این مسئله در این دو حدیث ذکر شده قسمت الصلاة بيني وبين عبدي جواب این دو حدیث را مفصل تحریر فرمائید؟

جواب: جواب حدیث عباده رضی الله عنه در مشکوٰة باب القرائت في الصلاة بعد ازحدیث عباده ذکر شده است وعبارت حدیث این است: وعن أبي هريرة قال قال رسول الله انما جعل الامام ليؤتم به فاذا كبر فكبروا واذا قرا فانصتوا [۲] دراین حدیث مطلقا وعموما این حکم را فرموده است که امام قرائت میخواند شما چپ باشد پس معلوم شد که قبلا آن حضرت صلی الله علیه وسلم صرف اجازه سوره فاتحه را داده بود بعدا درنماز جهري آن را ممنوع فرمود، مثلیکه در حدیث ابو هریره ذکر گردیده که فانتهى الناس عن القرائة مع رسول الله صلی الله علیه وسلم فيها جهر فيه بالقرائت من الصلاة حين سمعوا ذلك من رسول الله صلی الله علیه وسلم [۳] این حکم ثابت است بعدا آن حضرت صلی الله علیه وسلم به امر: اذا قرا فانصتوا، درتمام نمازها اعم ازجهري وخفیه مطلقا خواندن فاتحه وغیره را خلف الامام ممانعت فرمود وحکم سکوت وانصات را بر آنها استوار ساخت مثلیکه این حکم از کلام پاک الله جل جلاله : واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [۴] این حکم ظاهر میگردد وهمین جواب ازجمله: اقرأ بها في نفسک [۵] هم شده میتواند که درحدیث ابو هریره رضی الله عنه قسمت الصلاة بيني وبين عبدي، واقع است ومراد از اقرأ في نفسک تصور درنفس هم شده میتواند. فقط

سؤال: (۴۵۹) **به خواندن سوره فاتحه فرض قرائت اداء میگردد:** آیا به خواندن سورة فاتحه فرض قرائت اداء میشود یانه؟

جواب: فرض قرائت به خواندن فاتحه اداء میشود.[۶]

---

(۱) واستحسنوا في الحضر طوال المفصل في الفجر والظهر واوساطه فى العصر والعشاء وقصاره في المغرب الخ الافضل ان يقراء في كل ركعة الفاتحة وسورة كاملة في المكتوبة الخ (عالمكيري مصري الفصل الرابع في القرائت ج۱ ص۷۲ – ۷۳، ط. ماجدية ج۱ ص۷۷). ظف

(۲) مشکوة باب القرائت في الصلوة، فصل ثاني ص۸۱. ظفير

(۳) مشکوة باب القرائت في الصلوة، فصل ثاني ص۸۱. ظفير

(۴) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفير

(۵) مشکوة باب القرائت في الصلوة، فصل اول ص۷۸. ظفير

(۶) وفرض القرائت اية على المذهب هي لغة العلامة وعرفا طائفة من القران مترجمة اقلها ستة احرف ولو تقديرا كلم يلد (درمختار) قوله =

سوال: (۴۶۰) **صیغه واحد را به لفظ جمع وجمع را به لفظ واحد خواندن غلط است:** وقتیکه در نماز در قرائت کلام پاک لفظ جمع مفرد ولفظ مفرد جمع تلفظ شود نماز صحیح خواهد شد یانه؟ مثلا کلمه (آية) را (آيات) وکلمه (جنة) را (جنات) بخواند.

جواب: لفظ واحد را به صیغه جمع وجمع را بصیغه واحد خواندن غلط است قصدا این عمل ناجائز است واگر به خطائي این قسم خوانده شود نماز صحیح است یعني نماز جائز است مگر این عمل غیر مناسب است. [1] فقط

سوال: (۴۶۱) **قرائت وامامت درنماز منفرد:** شخص منفرد که درکدام جا نماز میخواند قرائت وتکبیرات براي او به جهر مناسب است یانه؟

جواب: درنماز جهري براي منفرد یعني تنها گذار دراین حالت درقرائت وتکبیرات جهر بهتر است مگر زیاد جهر نکند در جهر اندک حرج نیست. [2]

سوال: (۴۶۲) **درنماز فرض چرا دورکعت پر ودو خالی است؟** در چهار رکعت فرض چرا دو پر ودو خالي خوانده میشود.

جواب: از احادیث ثابت شده وجناب رسول الله ﷺ همین قسم خوانده است لهذا به ما پیروي او دراین باره چون وچرا مناسب نیست. [3]

سوال: (۴۶۳) **اگر قرائت رکعت دوم صبح از رکعت اول دراز شود نماز مکروه میشود یانه؟** علماء دین ومفتیان شرع مبین دراین مسئله چه میفرمایند که اگر امام درنماز صبح در رکعت دوم قصدا چند آیات را از رکعت اول زیاد بخواند آیا دراین سورت بدون کراهية نماز صحیح است؟

جواب: دراین صورت دون کراهیت نمازصحیح است درشامي آمده که درسورتهاي کلان زیادت

= علی المذهب اي الذي هوظاهر الرواية عن الامام (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص۵۰۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۷) . ظفیر

[1] قال في البزازية ولو زاد حرفا لایغیر المعنی لاتفسد عندهما الخ (ردالمحتار زلة القاري ص۵۹۱ ج۱، ط.س. ج۱ ص۶۳۷) . ظفیر

[2] ویخیر المنفرد في الجهر وهو افضل ویکتفی بادناه ان ادي وفي السرية یخافت حتما علی المذهب (درمختار) قوله وهو افضل لیکون الاداء علی هیئة الجماعة ولهذا کان اداءه باذان واقامة افضل وروي في الخبر من ان من صلی علی هیئة الجماعة صلت بصلاته صفوف الملائکة (ردالمحتار فصل في القرائت ص۴۹۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۳۳) . ظفیر

[3] اقول قد اخرج البخاري ومسلم رحمهما الله عن عبدالله بن ابي قتادة عن ابیه ابي قتادة رضي الله عنه ان النبي صلی الله علیه وسلم کان یقرء في الرکعتین الاولیین من الظهر والعصر بفاتحة الکتاب وسورتین وفي اخریین بفاتحة الکتاب ویسمعنا الایة احیانا حاشیه هدایه الخ ودر زیلعي آمده: وفیما عدا الاولیین اکتفاء بفاتحة الکتاب بقول ابي قتادة انه علیه الصلوة والسلام قرء في الاخیرین بفاتحة الکتاب ص۱۲۲ ج۱. ظفیر

سه آیات اعتبار ندارد البته در سورتهاي كوتاه اگر ركعت دوم زياد تر از سه آيات دراز شود مكروه تنزيهي است [1] فقط والله اعلم كتبه عزيز الرحمن عفي عنه.

سوال: (٤٦٤) **كراهيت قرائت به خلاف ترتيب:** استفتاء نمبر ٢٤٩٥ به ما وصول شد شما در شماره نمبر ٣ آن نوشته بوديد كه فقهاء تقديم وتأخير را درفرائض وواجبات مكروه نوشته كرده ودرنوافل مكروه نيست من دراين باره يک سخن دارم امروز يک حديث شريف بخاري از نظرم تير شد كه يوسف بن مالک آن را روايت كرده كه عائشه رض به آن حضرت ﷺ گفت كه قرآن خود به ما را نشان دهيد آن حضرت ﷺ گفت كه چرا؟ عائشه رض گفت: تا اينكه موافق ترتيب آن تلاوت كنم چرا كه مردم بي ترتيب قرائت ميكنند حضور ﷺ فرمود كه به شما هيچ حرج نيست كدام آيت را كه خواسته باشد پيش بگوئيد وبه ياد دارم كه دربخاري شريف يک حديث است كه حضرت عمر رضي الله عنه نماز داد در ركعت اول سوره كهف ودر ركعت دوم سوره يوسف را قرائت نمود از اين معلوم شد كه اين تقديم وتأخير مكروه نيست؟

جواب: بنده كه كدام چيز را درباره خلاف ترتيب درفرائض نوشته است مطابق مذهب حنفي است ودر مراعت ترتيب احتياط درنظر است ومطلب اين نبود كه دراين باره كس اختلاف نكرده ممكن است بعض حضرات خلاف اين ترتيب بيان شده را مكروه نگويند مگر مذهب احناف آن است كه بنده آن را تحرير نموده است مثليكه در الدر المختار تشريح ووضاحت اين مسئله شده است. [2]

سوال: (٤٦٥) **خواندن تمام قرآن درنمازهاى چند ماهه:** زيد درنماز فرض امام شد وتمام قرآن كريم را در داخل نماز درسه يا چهار ماه ختم نمود درپاره آخر چند سوره را دريک ركعت ودر ركعت آخر پاره اول را از الم تا مفلحون قرائت نمود در اين صورت در نماز فرض كدام كراهيت است يانه؟

---

(1) بل الذي ينبغي ان الزيادة اذا كانت ظاهرة ظهورا تاما تكره والا فلا للزوم الحرج في التحرز عن الخفية ايضا قال والذي تحصل من مجموع كلامه وكلام القنية ان اطلاق كراهة اطالة الثانية بثلاث ايات مقيد بالسور القصيرة المتقاربة الايات لظهور الاطالة حينئذ فيها اما السور الطوالة والقصيرة المتفاوتة فلا يعتبر العدد فيها بل يعتبر بظهور الاطالة من حيث الكلمات وان اتحدت ايات السورتين عددا، فقط (والله اعلم ص٥٠٧ ج١، ط.س. ج١ ٥٤٣. ظفير

(2) ويكره الفصل بسورة قصيرة وان يقرء منكوسا الخ ولا يكره في النفل شيء من ذلك (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت ص٥١٠ ج١، ط.س. ج٥٤٦). ظفير

جواب: دراین عمل کدام حرج نیست اگر در رکعت اول قرآن کریم راختم کند مثلا قل اعوذ برب الناس را قرائت نمود ودر رکعت دوم از سوره بقره چند آیات را قرائت نمود دراین باره در شامي، چنین فرموده: کما في الشامي عن شرح المنیة من یختم القرآن في الصلاة اذا فرغ من المعوذتین في الرکعة الاولی یرکع ثم یقرا في الثانیة بالفاتحة وشيء من سورة البقرة لان النبي ﷺ قال: خیر الناس الحال المرتحل ای الخاتم المفتتح [1] الخ لکن در یک رکعت فرائض خواندن چندین سورت خوب نیست یعني خلافة اولی است. [2] فقط

سوال: (٤٦٦) **برای امام حکم کردن به سورتهای مخصوص:** اگر به امام حکم کرده شود که درنماز سوره فلان وفلان را بخوان وامام مطابق فرمایش عمل نمود جائز است یامکروه؟

جواب: اگر سوره موافق سنت را امر نمود کدام حرج نیست. [3]

سوال: (٤٦٧) **احادیث قرائت خلف امام ودرجه آن وبه عدم قرائت ثبوت استدلال به آیة:** احادیث قرائت خلف امام که اکثر در صحاح وارد است منسوخ میباشد ویانه؟ واین مسئله را واضح فرمائید که دراصول حدیث کدام مرتبه حدیث ناسخ حدیث صحیح شده میتواند وسند این سخن که آیت (واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون) خاص درباره نماز نازل شده است در این باره احادیث معتبره واقوال صحابه کرام را تحریر فرمائید که اطمینان حاصل شود، غیر مقلدین بدون صحیحین احادیث صحاح دیگری ومسندات کتابهاي هستند لذا این موضوع رانیز تشریح فرمائید که بدون صحیحین بخاري ومسلم درکتابهاي دیگر احادیث هم احادیث صحیحه موجود است بدون آن احادیث که بخاري ومسلم آن را استخراج نکرده اند ودرباره منسوخیت حدیث آمین بالجهر نیز همین قسم فکر میشود بکدام احادیثي که حدیث آمین بالجهر منسوخ شده است:

اندکي پیش تو گفتم غم دل ترسیدم ＊ که دل ازرده شوی ورنه سخن بسیار است

---

(۱) ردالمحتار فصل في القرائت ص۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤۷. ظفیر

(۲) ولو جمع بین سورتین في رکعة لاینبغي ان یفعل ولو فعل لاباس به (فتح القدیر فصل في القرائت ص۲۹۹ ج۱). ظفیر

(۳) وعن جابر قال کان معاذ بن جبل یصلی مع النبي ﷺ ثم یاتي فیؤم قومه فصلی لیلة مع النبي ﷺ العشاء ثم اتي قومه فامهم فافتتح بسورة البقرة فانحرف رجل فسلم ثم صلی وحده وانصرف فقالوا له انافقت یا فلان؟ قال لا والله ولأتین رسول الله صلی الله علیه وسلم انا اصحاب نواضح نعمل بالنهار وان معاذاً صلی معک العشاء ثم اتي قومه فافتتح بسورة البقرة فاقبل رسول الله صلی الله علیه وسلم علی معاذ فقال یا معاذ افتّان انت؟ اقرء والشمس وضحها، والضحي، واللیل اذا یغشی، وسبح اسم ربک الاعلی متفق علیه (مشکوة باب القرائت ص۷٦). ظفیر

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم، درقرائت خلف امام اختلاف ائمه است امام اعظم رحمه الله واتباع وموافقين اودرباره قرائت خلف امام به عدم وجوب وعدم جواز قائل اند ودليل امام اعظم آيت قرآني است كه واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [۱] وهم حديث صحيح مسلم شريف: واذا قرا فانصتوا [۲] وحديث شريف: من كان له اماما، الحديث [۳] ودرشامي از خزائن نقل شده: وفي الكافي منع المؤتم من القرائة مأثورا عن ثمانين نفرا من كبار الصحابة منهم المرتضى والعبادلة وقد دون في الحديث اساميهم [۴] ودرباره نزول آيت قرآني: واذا قرئ القرآن الاية درفتح القدير منقول است: واخرج ابو الشيخ من طريق سعيد بن جبير عن ابن عباس ﷺ نزلت هذه الاية في صلاة الجمعة وفي العيدين قال محي السنة والاولى انها في القرائت في الصلاة لان الاية مكية والجمعة وجبت بالمدينة وهذا قول الحسن والزهري والنخعي واخرج البيهقي عن احمد انه قال: اجمع الناس على ان هذه الاية في الصلاة واخرج ابن مردويه في تفسير الخ عن معاوية بن قرة قال سئلت بعض اشياخنا من اصحاب رسول الله ﷺ واحسبه قال عبد الله بن مغفل ﷺ كل متسمع القرآن وجب له الاستماع والانصات قال انما نزلت هذه الاية في القرائت خلف الامام كذا في فتح القدير [۵] وآمين بالجهر وبه خفيه هر دو به حديث ثابت است مگر امام ابو حنيفة نظر به آية مباركه: ادعوا ربكم تضرعا وخفية [۶] به حديث اخفاء ترجيح داده است. مثليكه درشرح منيه آمده: ويخفونها اي ويخفي الامام والمقتدون آمين لقول ابن مسعود ﷺ اربع يخفيهن الامام التعوذ والتسمية وآمين وربنا لک الحمد وهذه الاربعة رواها ابن ابي شيبه عن ابراهيم النخعي وقد روى احمد وابو يعلى والطبراني والدار قطني والحاكم في المستدرک من حديث شعبة عن سلمة بن كهيل عن جعفر بن العنش عن علقمة بن وائل عن ابيه انه صلى مع رسول الله ﷺ فلما بلغ: غير المغضوب عليهم ولا الضالين قال: آمين واخفى بها صوته، وقال الشافعي واحمد رحمهما الله يجهر الامام والماموم لما روي ابن ماجه كان عليه الصلاة والسلام اذا تلا غير المغضوب عليهم

---

(۱) پاره ۹ ركوع. ظفير

(۲) مشكوة باب القرائت في الصلوة فصل اول ص۷۹ وفصل ثاني ص۸۱. ظفير

(۳) آثار السنن باب في ترک القرائت خلف الامام ص۸۷ وفتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۸ ج۱. ظفير

(۴) ردالمحتار باب صفة الصلوة فصل في القرائت ص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵٤٤. ظفير

(۵) فتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۸ ج۱. ظفير

(۶) الاعراف ركوع ۸. ظفير

ولا الضالين قال امين حتى يسمع من في الصف الاول فيرتج المسجد قلنا تعارض روايتا الجهر والاخفاء في فعله فيترجح الاخفاء باشارة قوله: فان الامام يقولها بانه الاصل في الدعاء وآمين دعاء فان معناه استجب [۱] انتهى علاوه از صحيحين دركتابهاي ديگري احاديث صحيحه صرف در صحيحين غلط است عدم قبول صحاح ومسندات ديگري جهالت واضح ميباشد.

سوال: (٤٦٨) **خواندن رکوعها وسورتهای مختلف درنماز چه حکم دارد**؟ اگر رکوع کدام سورت دررکعت اول ورکوع ديگري همين سورت يا رکوع سورت ديگري وياکدام سورت مکمل در رکعت دوم با یک سوره در دو رکعت خوانده شود جائز است یا خلاف اولی؟

جواب: جواب اول این است که تمام این صورتها خلاف استحباب است به نزد احناف مسنون ومستحب این است که در هر رکعت موافق ترتیب فقهاء خوانده شود کدام قسمیکه درکتابهاي فقه مذکور ومعروف است: قال في الشامي لانه السنة في الحضر في كل ركعة سورة تامة [۲] كما يأتي فيه بعد صفحة مع انهم صرحوا بان الافضل في كل ركعة الفاتحة وسورة تامة، لذا خواندن جزء سورت خلاف اولی وخلاف مستحب است که نتیجه آن کراهية تنزيهي است نه كراهية تحريمي. [۳] فقط

سوال: (٤٦٩) **درقرائت فاتحه خلف امام احناف نمیّگویند وچرا**؟ در قرائت خلف امام چه قول است؟

جواب: به نزد احناف خواندن فاتحه خلف الامام جائز نیست: عن انس ﷺ قال صلى رسول الله ﷺ ثم اقبل بوجهه فقال أتقرأون والامام يقرأ فسكتوا فسألهم ثلاثا فقالوا: انا لنفعل قال لا تفعلوا الخ، قال علي من قرأ خلف الامام فليس على الفطرة الخ عن عبد الله بن دينار عن عبد الله بن عمر ﷺ قال يكفيک قرأة الامام فهولاء جماعة من اصحاب رسول الله ﷺ قد اجمعوا على ترک القرائت خلف الامام. [٤] فقط

---

(۱) غنية المستملي معروف به کبیري ص۳۰۲. ظفير

(۲) ردالمحتار فصل في القرائت ج۱ ص۵۰۳، ط.س. ج۱ ص۵۳۹. ظفير

(۳) وفي الخلاصة اذا قرأ سورة واحدة في ركعتين اختلف فيه والاصح انه لايكره ولكن لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به وكذا لو قرأ وسط السورة او اخر سورة في الاولى وفي الثانية وسط سورة او اخر سورة اخري اي لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به وفي نسخة الحلواني قال بعضهم يكره (فتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۹ ج۱) . ظفير

(٤) شرح معاني الاثار باب القرائت خلف الامام جلداول ص۱۲۸ - ۱۲۹. ظفير

سوال: (۴۷۱) **برای زن در تراویح خواندن قرآن به جهر جائز است یانه؟** اگر زن حافظه قرآن، نفل یا تراویح را درداخل خانه خود به جهر بخواند که درخانه بدون محارم شرعي زن کسي دیگري هم نباشد این عمل براي او جائز است یانه؟ نمازش صحیح است یانه؟

جواب: کدام زن که حافظه قرآني هم باشد نماز به جهر برایش جائز نیست چرا که کلام واواز زن به نزد بعض فقهاء عورت است: شامي جلد اول: وعلی هذا لو قیل اذا جهرت بالقرائت في الصلاة فسدت کان متجها [۱] الخ. فقط

سوال: (۴۷۱) **برای خواننده فاتحه خلف الامام کافر گفتن غلط است:** یک مولوي صاحب از افغانستان به این جا آمده او مگوید که خواننده فاتحه خلف امام کافر است؟

جواب: در مذهب امام ابو حنیفة خواندن فاتحه براي مقتدي خلف الامام جائز نیست ومقتضاي آیة کریمه واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا [۲] ومقتضاي احادیث صحیحه صریحه: واذا قرأ فانصتوا، وغیره نیز همین است با وجود این همه دلائل حقه ومنصوبه براي خواننده فاتحه مرتد وکافر گفتن سخت جهالت وگمراهي است کسي که چنین میگوید درحق خودش خوف کفر است باید بزودي از این زغم وقول توبه کند این مسئله دربین امامان دین مختلف فیها ست امام شافعي خواندن فاتحه خلف امام را واجب میگوید [۳] لذا به کافر گفتن به خود اوخوف کفر است الله تعالی ما را از این جهالت محفوظ بدارد فقط والله اعلم سبحانه وتعالی من کل عیب.

سوال: (۴۷۲) **جواب آیتها درنماز:** مردم غیر مقلد که جواب آیتها را میدهد مثلا جواب آیت (سبح اسم ربک الاعلی) را به سبحان ربي الاعلی میدهند، این عمل جائز است یانه؟

جواب: جواب سوال مذکوره درنماز به نزد احناف جائز نیست البته بیرون از نماز اگر کسي آیت مذکوره را بخواند در این صورت جواب دادن مسنون ومستحب است واز حضور سرور عالم ﷺ اکثر این جوابات بیرون ازنماز منقول [۴] شده است درکدام موارد که درنماز ثابت

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في ستر العورة ص۳۷۷ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۰۶. ظفیر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفیر

(۳) فقرائت الفاتحة لا تتعین رکنا عندنا الخ خلافا للشافعي رحمه الله في الفاتحة الخ والشافعي قوله علیه السلام لا صلوة الا بفاتحة الکتاب (هدایه) قوله خلافا الشافعي الخ حتی لوترک منها في رکعة لا تجوز صلاته (حاشیه هدایه باب صفة الصلوة ص۹۷ ج۱) . ظفیر

(۴) عن ابن عباس رضي الله عنهما ان النبي صلی الله علیه وسلم کان اذا قرأ سبح اسم ربک الاعلی قال سبحان رب الاعلی رواه احمد قال المظهري عند الشافعي یجوز مثل هذه الاشیاء في الصلوة وغیرها وعند ابي حنیفة لایجوز الا في غیرها قال التوربشتي وکذا عند مالک یجوز في النوافل آهـ (مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح ص۴۳۶ باب القرائت في الصلوة) . ظفیر

شده خاص براي تعليم ميباشد، يا اينكه اين حال درابتداء اسلام بود كه گويا مردم درنماز يكى همراه ديگري سخن ميگفت وركعتهاي رفته شده ويا فوت شده جماعت را زود ميخواندند وهمراه امام شريک ميشدند وغيره وعمل ميكردند كه درآن زمان اين قيودات وآداب درنمازها بميان نيامده بود بعدا به تدريج به محنت ائمه عظام رحمة الله عليهم تمام امور غير مناسب دراين عبادت مطهر منع شد. فقط

سوال: (۴۷۳) **در دراز شدن رکعت دواعتبار بکدام چیز است؟** چونكه درنماز زيادت قرائت ركعت دوم از ركعت اول مكروه است اين كراهيت به حساب آيتها است يا به حساب حروف ويا به حساب كلمات؟

جواب: اگر آيتها با هم برابر باشد يا به برابري نزديک باشد دراين صورت حساب آيتها معتبر است كه دراين حال آيتهاي ركعت دوم از اول زياد تر از سه آيات نباشد واگر آيتها متفاوت باشد دراين صورت حساب حروف وكلمات معتبر است. [1] فقط

سوال: (۴۵۵) **خواندن دوسورت دریک رکعت چه حکم دارد؟** اگر امام درنماز صبح وخفتن دريک ركعت دو سورت را بخواند دراين صورت درنماز كدام كراهيت پيش نخواهد شد؟

جواب: خواندن دو سورت دريک ركعت خلاف اولى است اگر چه نماز صحيح ميشود ومراد از خلاف اولى مكروه تنزيهى است: قال في الشامي وذكر شيخ الاسلام لا ينبغي له ان يفعل على ما هو ظاهر الرواية وفي شرح المنية الاولى ان لا يفعل في الفروض ولو فعل لايكره اي لايكره تحريما [2] فقط قبل از اين عبارت چنين آمده: اذا جمع بين سورتين في ركعة رايت في موضع انه لا بأس به.

سوال: (۴۷۵) (۱) **قرائت خلف الامام جائز است یانه؟** قرائت خلف الامام جائز است يانه؟

سوال: (۴۷۶) (۲) **آمین به جهر جائز است یانه؟** گفتن آمين بآواز چه حكم دارد؟

جواب: (۱) به مذهب امام ابو حنيفه براي مقتديان خواندن فاتحه وغيره ممنوع است [3] امام

---

(۱) واطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث ايات ان تقاربت طولا وقصرا والا اعتبرت الحروف والكلمات الخ باقل لايكره (الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص۵۰۶، ط.س. ج۱ ص۵۴۲) . ظفير

(۲) ردالمحتار فصل في القرائت ص ۵۱۰ ج۱ وكذا لو جمع بين سورتين في ركعة واحدة الاولى ان لا يفعل في الفرض ولو فعل لايكره (غنية المستملي ص۴۶۲) ولو جمع بين سورتين في ركعة لاينبغي ان يفعل ولو فعل لا باس به (فتح القدير فصل في القرائت ص۲۹۹ ج۱) . ظفير

(۳) والمؤتم لايقرء مطلقا ولا الفاتحة في السرية اتفاقا فان قرء كره تحريما (الى قوله) بل يستمع اذا جهر وينصت اذا سر لقول ابي هريره =

شافعي خواندن فاتحه را براي مقتدي ضرور میگوید براي احناف جائز نیست که دراین باره وغیره به مذهب شافعي عمل کنند درحدیث مسلم آمده: وإذا قرا فانصتوا [۱] یعني کدام وقت که امام قرائت میکند شما چپ باشد، درحدیث دیگري آمده که: قرائت امام قرائت مقتدي است.

جواب: (۲) گفتن آمین به جهر به نزد احناف مسنون نیست [۲] مثلیکه تقاضاي کلام حق ادعوا ربکم تضرعا وخفیة [۳] هم مذهب احناف را تائید میکند. فقط

سوال: (۴۷۷) **حکم فاتحه خلف الامام است یانه؟** خواندن الحمد لله خلف امام چه حکم دارد؟

جواب: خواندن فاتحه وسورت خلف الامام هیچ مناسب نیست مثلیکه درحدیث شریف واذا قرأ فانصتوا [۴] وحدیث شریف: من کان، له امام فقرائة الامام له قرائة [۵] نیز این ادعاء حقه را ثابت میسازد. فقط

سوال: (۴۷۸) **اگر درنماز جهري چند آیات را خفیه بگوید چه کند؟** اگر امام سهوا درنماز جهري چند آیات ویا کم وزیادت را به خفیه بگوید دراین صورت به مجرد یاد شدن قرائت را از اول به جهر اعاده کند ویا قرائت حصه باقي را به جهر بگوید وسجده سهو بکند یانه؟

جواب: قرائت بعدي را به جهر [۶] بگوید وسجده سهوه بکند. [۷]

سوال: (۴۷۹) **فاتحه خلف الامام ودستها را زیر ناف بسته کردن:** خواندن الحمد شریف خلف الامام جائز است یانه؟، ودستها باید زیر ناف ویا بالاتر از ناف بسته شود وبستن زیر ناف را

= رضی الله عنه کنا نقرء خلف الامام فنزل واذا قرئ القران فاستمعوا له وانصتوا (الدرالمختارعلی هامش ردالمحتارص۵۰۸ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۴ – ۵۴۵) . ظفیر

(۱) مشکوة باب القرائت في الصلوة ص۸۱. ظفیر

(۲) والثناء والتعوذ والتسمیة والتامین وکونهن سرا (درمختار) جعل سرا خبر الکون المحذوف لیفید ان الاسرار بها سنة اخری (ردالمحتار ص۴۴۴ ج۱، ط.س. ج۱ ص۴۷۵ – ۴۷۶) . ظفیر

(۳) الاعراف رکوع: ۸. ظفیر

(۴) عن ابي هریرة قال قال رسول الله ﷺ انما جعل الامام لیؤتم به فاذا کبر فکبروا واذا قرء فانصتوا رواه ابو داؤد والنسائي وابن ماجه (مشکوة ص۸۱) . ظفیر

(۵) موطا امام محمد ص۲۸. ظفیر

(۶) درمختار: ویجهر الامام وجوبا بحسب الجماعة فان زاد علیه اساء ولو ائتم به بعد الفاتحة او بعضها سرا اعادها جهرا بحر ودر شامي آمده است: (قوله اعاد جهرا) لان الجهر فیما لقي صار واجبا بالاقتداء والجمع بین الجهر والمخافة في رکعة واحدة شنیع (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص۴۹۷، ط.س. ج۱ ص۵۳۲) .

(۷) چونکه تاخیر فرض شده براي آن سجده سهو کند: وتاخیر الواجب عن محله وهو موجب لسجود السهو. ظفیر

بعض غیر مقلدین اعتراض وطعن میکنند؟

جواب: خواندن فاتحه وغیره تمام قرائت خلف امام به قرآن شریف واحادیث صحیحه ممنوع ثابت شده است: قال الله تعالی: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا، الاية وفي حديث مسلم: وإذا قرا فانصتوا الحديث [۱] ودر حدیث صحیح دیگر آمده: من كان له امام فقرائة الامام له قرائة [۲] وبستن دستها در زیر ناف ویازیر ناف هر دوقسم دراحادیث موجود است البته یک امام به یک حدیث وامام دیگري به حدیث دیگري عمل کرده است، به هیچ کس اعتراض شده نمیتواند (ایضاح الادلة) را مطالعه فرمائید دراین کتاب تمام این مسائل موجود است این کتاب بسیار اهم ودرجواب غیر مقلدین بسیار بي مثل است در هرمسئله اختلافي احادیث را جمع کرده است واحادیث مؤید ومؤکد امام صاحب را مفصل تحریر فرموده است.

سوال: (٤٨٠) **قرائت خلاف ترتیب چه حکم دارد؟** اگر دررکعت اول فرض قل هو الله شریف ودر دوم قل أعوذ برب الفلق بخواند جائز است یا مکروه؟ ودر رکعت اول تراویح خواندن قل أعوذ برب الناس ودر دوم به خواندن چند آیات سوره بقره چه حکم است؟ ودر رکعت اول سهوا رکوع پاره پانزدهم را قرائت نمود ودر دوم رکوع پاره پانزدهم را قرائت نمود این صورت مکروه است یا چه قسم؟

جواب: خواندن قل هو الله در رکعت اول وقل اعوذ برب الفلق در دوم بدون کراهیت جائز است. [۳] وبه همین قسم خواندن قل اعوذ برب الناس دررکعت اول تراویح ودردوم چند آیات اول سوره بقره جائز است [٤] واگر سهوا در رکعت اول رکوع پاره شانزدهم ودر دوم رکوع پاره پانزدهم خوانده شود دراین صورت نیز کدام کراهیت نیست البته درنماز فرض قصدا این عمل جائز نیست بلکه مکروه است اگر سهوا باشد کدام حرج نیست. [٥] فقط

([۱]) مسلم ص۱۷٤ ج۱. ظفير

([۲]) موطأ امام محمد ص۷۸. ظفير

([۳]) دراین صورت کدام سبب کراهیت نیست چرا که مطابق ترتیب است البته خلاف ترتیب مکروه است: يكره الفصل بسورة قصيرة وأن يقرأ منكوسا. الدر المختار على هامش رد المحتار باب صفة الصلاه فصل في القرائت: ج ۱ ص ۵۱۰.
واگر شبه داشته باشد که قل هو الله شریف کو تاه وقل أعوذ برب الفلق دراز است این سخن صرف براي نام است وبراي کراهیت زیاد شدن سه آیات شرط است اطالة الثانية على الاولى يكره تنزيها اجماعا ان بثلاث آيات الخ وان باقل لا يكره ايضا: ج ۱ ص ٦. ٥. ظفير

([٤]) واذا قرء في الاولى قل اعوذ برب الناس ينبغي ان يقرأها في الثانية ايضا الخ وفي الولوالجية من يختم القران في الصلوة اذا فرغ من المعوذتين في الركعة الاولى يركع ثم يقوم في الركعة الثانية يقرء بفاتحة الكتاب وشيء من البقره (غنية المستملي ص٤٦٣) . ظفير =

سوال: (٤٨١) **منفرد در نماز قرائت را به جهر بخواند يا به خفيه**؟ اگر كسي باهر كدام عذر به مسجد نرود ودرخانه نماز بخواند براي او بآواز بلند يعني به جهر نمازكردن جائز است يا نه؟

جواب: براي منفرد در نمازهاي جهري مثل شام، خفتن وصبح جهر كردن بهتر است، لهذا در صورت مسئله جهرجائز بلكه افضل است [1] البته ترک جماعت بدون عذرشرعي گناه است. [2]

سوال: (٤٨٢) **درنماز از پاره هاى مختلف قرائت جائز است**؟ من دربسيار فرائض ركوعهاي پاره هاي جدا جدا وآيتهاي پاره ها وسورتهاي مختلف را خوانده ام اين عمل جائز است يا نه؟ اگر جائز نباشد درنماز فرق بيسار آمده نخواهد بود؟

جواب: كدام عمليكه قبلا از شما صادر شده كه آيتهـاي جدا جدا را درنماز فرض خوانده ايد در اين عمل شما گناهكار نشديد ودر نمازهاي شما هم هيچ فرق نيامده البته درآينده در هر ركعت فرائض جدا جدا سورت مكمل بخوانيد كه اين عمل طريقه مسنونه است يک سورت را در دو ركعت نخوانيد ركوعا وآيتهاي متفرق را هم نخوانيد اگر درنفل بخوانيد جائز است. [3]

سوال: (٤٨٣) **حكم خواندن آيتهاى متفرق دروتر وسنت**؟ درسنت مؤكد ووتر خواندن آيتهاي جدا جدا چه حكم دارد؟

جواب: درنماز وتر وسنت مؤكد بهتر اين است كه در هرركعت سورة مكمل خوانده شود بلكه خواندن آيتهاي متفرق در اين نمازها نيز جائز است. [4]

سوال: (٤٨٤) **قرائت در نماز صبح جمعه**: در نماز صبح جمعه سورة جمعه وسوره منافقون

---

(٥) افاد ان التنكيس او الفصل بالقصيرة انما يكره اذا كان عن قصد فلو سهوا فلا كما في شرح المنية (ردالمحتار فصل في القرائت جلد اول ص٥١٠) . ظفير

(١) وان كان منفردا فهو مخير ان شاء جهر واسمع نفسه لانه امام في حق نفسه وان شاء خافت لانه ليس خلفه من يسمعه والافضل هو الجهر ليكون الاداء علي هيئة الجماعة (هدايه فصل في القرائت ج١ ص١٠٥) . ظفير

(٢) والجماعة سنة مؤكدة للرجال قال الزاهدي ارادوا بالتاكيد الوجوب (درمختار) قال في النهر الا ان هذا يقتضى الاتفاق على ان تكرها مرة بلا عذر يوجب اثما الخ (ردالمحتار باب الامامة، ط.س. ج١ ص٥٥٢) . ظفير

(٣) الافضل ان يقرأ في كل ركعة الفاتحة وسورة كاملة في المكتوبة الخ ولو قرأ بعض السورة في ركعة قيل يكره وقيل لايكره وهو الصحيح ولكن لاينبغي ان يفعل ولو فعل لاباس به كذا في الخلاصة ولو قرأ من وسط سورة او من اخر سورة وقراء في الركعة الاخري من وسط سورة اخرى او من اخر سورة اخري لاينبغي له ان يفعل ذلک علي ماهو ظاهر الرواية ولكن لو فعل ذلک لابأس به (الى قوله) هذا كله في الفرائض واما في السنن لا يكره (عالمكيري كشورى فصل رابع في القرائت ص٧٧ ج١، ط. ماجدية ج١ ص٧٨ – ٧٩). ظفير

(٤) عالمكيري كشورى، فصل رابع في القرائت ص٧٧ ج١، ط. ماجدية ج١ ص٧٨ – ٧٩. ظفير

سنت است آيا بدون اين دوسوره خواندن سورتهاي ديگر خلاف سنت نيست؟

جواب: از رسول الله ﷺ اكثرخواندن اين دوسوره ثابت است نه بطور هميشه اگر درنماز مذكور علاوه از اين دوسوره سوره هاي ديگري خوانده شود خلاف سنت نيست [1] بلكه به خواندن سورتهاي ديگر عوام زياتر از غلطي محفوظ ميماند واز همين سبب به نزد احناف تعين سورت براي نماز معين ممنوع است. [2]

سوال: (٤٨٥) **فاتحه خلف الامام:** براي مقتدي به قرائت خلف امام چه حكم است؟ بعض صاحبان ميگويند كه بدون فاتحه نماز مقتدي صحيح نميشود وبعض صاحبان ميگويند كه قرائت امام براي مقتدي كافي است قول كدام شان صحيح است؟

جواب: كدام صاحب كه ميگويد كه قرائت امام براي مقتدی كافي است قولش صحيح است براي مقتدي قرائت خلف الامام جائز نيست اين مذهب امام أبو حنيفة است كه به حديث شريف: واذا قرأ فانصتوا، موافق ميباشد.

سوال: (٤٨٦) **مقدار قرائت درنماز صبح:** در نماز صبح چه مقدار قرائت سنت است؟

جواب: خواندن طوال مفصل درنمازصبح سنت است يعني ازسوره حجرات تاسورة البروج. [3]

سوال: (٤٨٧) (١) **اگر ضاد را به ظا بخواند چه حكم است؟** اگرضاد را درنماز به قسم ظاء بخواند نماز چه قسم ميشود؟

سوال: (٤٨٨) (٢) **كه ضاد را در مخرج ميانه ميخواند امامت او جائز است يانه؟** بكر آمين بالجهر ورفع اليدين نميكند وبه مذهب حنفي كاملا پابند است مگر در ولا الضآلين حرف ضاد را طوري ميخواند كه نه دال ظاهر شود ونه ظاء، آيا اقتداء به اين قسم امام جائز است يانه؟

جواب: (١) كسي كه ازمخرج به خواندن حرف قادر باشد اواز مخرج حرف را اداء كند وقصدا تلفظ ظاء نكند در اين مسئله بيسار احتياط ضرور است در شرح فقه اكبر در بعض روايات ظاء

---

(١) واذا فرغ من الخطبة اقام الصلوة وصلي بالناس ركعتين على ما هو المتوارث المعروف وفي التحفه وغيرها يقرء فيهما قدر ما يقرأ في الظهر لانهما بدل منه ان قرء بسورة الجمعة واذا جاءک المنافقون او سبح اسم او: هل اتٰک حديث الغاشية تبركا بالماثور عنه عليه الصلوة والسلام على مامر في صفة الصلوة كان حسنا، لكن يتركه احيانا لئلا يتوهم العامة وجوبه (غنية المستملي ص٥٢٠). ظفير

(٢) مشكوة ص٧٩. ظفير

(٣) وليسن في الحضر لامام ومنفرد طوال المفصل من الحجرات الى اخر البروج في الفجر والظهر (الدرالمختار على هامش ردالمحتار، ص٥٠٣ ج١ مطلب السنة تكون سنة عين وكفاية) . ظفير

خواندن ضاد را کفر گفته است [۱] اعاذنا الله من ذلک.

جواب: (۲) براي امام جمعه دراین امور احتیاط مناسب چه ضرورت است که او به خلاف عام علماء احناف چنین عمل را اختیار میکند که درعام نماز گذاران تشویش را ایجاد میکند آیا به نزد بکر نماز آن مردم صحیح نمیشود که به الرحمن الرحیم، واهدنا الصراط المستقیم وقف نمیکنند یا ضاد را مثل ظاء نمیخوانند اگر بکر این قسم فکر داشته باشد معنی این است که نماز تمام اهل اسلام عرب وعجم به نزد اوباطل است درحالیکه این قسم فکر وعقیده خودش ظاهرا باطل است شما متوجه شوید که چه قسم علماء محقق ومختار وممتاز دراحناف گذشته است آیا امام مذکور تحقیق خود را از همه آن علماء محققین زیاد میداند که درمقابل تحقیق خود سخن هیچ کس را نمیشنود وبه خلاف همه علماء محققین راي خود را قابل اعتماد وصواب میداند.

سوال: (۴۸۹) **در رکعت سوم وتر سوره ضرور است یانه؟** در رکعت سوم وتر که دعاء قنوت هم درآن خوانده میشود ضم سورة هم در آن لازم است یانه؟

جواب: در هر سه رکعت وت رضم سوره به فاتحه ضرور وفرض است درتمام رکعات وتر همیشه به فاتحه ضم سوره لازم است: هکذا في عامة کتب الفقه. [۲]

سوال: (۴۹۰) **از اصحاب پاک حضرت ﷺ آمین بالجهر وبالاخفاء ثابت است یانه؟** از اصحاب رسول الله آمین بالجهر وآمین بالاخفاء ثابت است ویانه؟

جواب: در آحادیث شریف آمین بالجهر وآمین به خفیه هردو روایت شده است وبعض ایمه مجتهدین آمین بالجهر را وبعض آمین بالاخفاء را را ترجیح داده اند [۳] وامام ابو حنیفة بالخفیة را سنت میگوید وآمین بالجهر رابراي تعلیم ویاضرورت محمول میکند. مثلیکه دربعض وقت رسول

---

(۱) وفي المحیط سئل الامام الفضلي عمن یقرأ الظاء المعجمة مکان الضاد المعجمة هو یقرأ اصحاب الجنة مکان اصحاب النار فقال لایجوز امامته ولو تعمد یکفر قلت اما کون تعمده کفرا فلا کلام فیه اذا لم یکن فیه لغتان ففي ضنین الخلاف. شامی، واما تبدیل الظاء مکان الضاد ففیه تفصیل (شرح فقه اکبر ص۲۵۵) . ظفیر

(۲) وهو ثلاث رکعات بتسلیمة الخ ولکنه یقرأ في کل رکعة منه فاتحة الکتاب وسورة احتیاطا (الدر المختار علی هامش ردالمحتار باب الوتر والنوافل ص۶۶۲ ج۱، ط.س. ج۲ ص۵) . ظفیر

(۳) عن وائل بن حجر قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا قرأ ولا الضالین قال امین رفع بها صوته رواه ابوداؤد والترمذي واخرون وهو حدیث مضطرب وعن ابي هریرة قال کان النبی صلی الله علیه وسلم اذا فرغ من قراءة ام القران رفع صوته وقال امین وقد قال الله تعالی ادعوا ربکم تضرعا وخفیة عن ابي هریرة قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یعلمنا یقول لا تبادروا الامام اذا کبر فکبروا واذا قال ولا الضالین فقولوا امین واذا رکع فارکعوا الخ رواه مسلم قال النیموي یستفاد منه ان الامام لا یجهر بامین واخفی بها صوته رواه احمد والترمذي وابوداؤد واخرون واسناده صحیح وفي متنه اضطراب (اثار السنن باب ترک الجهر بالتامین ص۹۴ ج۱) تفصیل درکتاب مذکور ببین. ظفیر

الله ﷺ درنماز خفیه یک اية را به جهر قرائت نمود تا اینکه به مقتدیان معلوم شود که او فلاني سورة را میخواند وآیه مبارکه: ادعوا ربکم تضرعا وخفية، مذهب امام صاحب را تائید میکند، والبحث فیه طویل فأکتفی علی هذا الدلیل.

سوال: (۴۹۱) **درفرائض ونوافل به ترک یک سوره درمابین قرائت جائز است یا نه؟** در فرائض ویا نوافل ترک سورت درما بین جائز است ویانه؟

جواب: درفرائض ترک یک سورت کوتاه مکروه است ودرنوافل ترک سوره کوتاه مکروه نیست کذا في الدر المختار. [۱]

سوال: (۴۹۲) **حصه اول آیت را ترک نمود وقرائت کرد نماز شد یانه؟** امام بعد ازسوره فاتحه آیت آخري رکوع آخر سورة انا فتحنا کلمات محمد رسول الله، را ترک کرد وبعد از این کلمات آیت متباقي را تا آخر قرائت نمود یعني تا: منهم مغفرة واجرا عظیما، آیت مذکور را تلاوت نمود نماز صحیح شده یانه؟

جواب: نماز صحیح شده مگر ترک ابتداء آیت عمل خوب نشده. [۲]

سوال: (۴۹۳) **اگر در رکعت اول سورة اذا جاء ودر دوم سوره قل هو الله شریف بخواند حکم چیست؟** امام در رکعت اول سوره اذا جاء ودر دوم سوره اخلاص را قرائت نمود دراین صورت اعاده نماز لازم است یا چه قسم؟

جواب: درفرائض قصدا این عمل مکروه است اگر سهوا از پیش کسي این عمل سرزد کدام کراهیت نیست واعاده نماز لازم نمیشود. [۳]

سوال: (۴۹۴) **اگر یک سورت را در مابین ترک کند یا بی موقع وقف کند حکم چیست؟** اگر کسي درقرائت نماز یک سوره را بخواند سوره دوم را ترک کند وسوره سوم را بخواند ودر قرائت بي موقع وقف کند حکم ایت چیست؟

---

(۱) ویکره الفصل بسورة قصیرة وان یقرء منکوسا الخ ولایکره في النفل شيء من ذلک (الدر المختار علی هامش ردالمحتار فصل في القراءة ص ۵۱۰ ج۱، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظفیر

(۲) الافضل ان یقرأ في کل رکعة الفاتحة وسورة کاملة في المکتوبة الخ ولو قرأ في رکعة من وسط سورة اومن اخر سورة وقرأ في الرکعة الاخري من وسط سورة اخري او من اخر سورة اخري لاینبغي له ان یفعل ذلک علی ما هو ظاهر الروایة ولکن لو فعل ذلک لابأس به کذا في الذخیرة (عالمکیري مصري الباب الرابع في صفة الصلوة فصل رابع ص۷۳ ج۱، ط. ماجدیة ج۱ ص۷۸ – ۷۹) . ظفیر

(۳) ویکره الفصل بسورة قصیرة (الدرالمختار علی هامش ردالمحتار، جلد اول ص ۵۱۰، افاد ان التنکیس او الفصل بالقصیرة انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا کما في شرح المنیة (ردالمحتار فصل في القراءة جلد اول ص ۵۱۰، ط.س. ج۱ ص۵۴۶) . ظفیر

جواب: ویکره الفصل بسورة قصیرة الخ ولا یکره في النفل شيء [1] في الدر المختار، حاصل این است که فاصله سورة کوتاه مکروه است مگر درنفل مکروه نیست اگر درمابین آیت نفس اوختم شد واز این جهت وقف کرد دراین صورت اعاده کلمه موقوفه ضرور است واحکام تفصیلي دراین باره از کدام قاري صاحب مناسب است.

سوال: (٤٩٥) **خواندن ترجمه قران درنماز چه حکم دارد؟** یک عالم زبر دست بیان کرده که کدام آیت درنماز خوانده شود نماز اداء میشود چرا که قرآن شریف کلام الله نیست بلکه ترجمه کلام خدا است که رسول مقبول به زبان عربي آن راترجمه کرده است وذریعه نزول را این قسم بیان میکند که خداوند قرآن را درقلب او انداخت واو به زبان خود آن رابیان واظهار نمود، بیان این مولوي صاحب صحیح است یاغلط؟

جواب: کدام مسئله را که شما به حواله این مولوی زبردست نوشته کرده این بالکل غلط است از بیان او معلوم میشود که این صاحب عالم دین نیست بسیار افسوس است که این قسم مسائل غلط بیان یک عالم نامدار باشد به خواندن ترجمه الحمد شریف ویا کدام سوره دیگر نماز جائز نیست چرا که قرآن شریف تام آن کلام الله عربي است که در مابین دفتین یعني در مابین دو وقایه ها میباشد همین قرآن شریف کلام الله است وعقیده اهل سنت والجماعة همین است [2] پس گفتار این مولوي صاحب که گویا این قرآن شریف عربي کلام الله نیست بلکه ترجمه آن است بالکل غلط است وبه خداوند افتراء کرده ودرحکم (ومن أظلم ممن افترى على الله كذبا) شامل است. خداوند پاک فرموده است (إنا أنزلناه قرآناً عربيا) [3] به همین قسم خداوند پاک دربسیار آیت این کلام پاک را به نام کلام عربي یاد کرده ودر ارشاد پاک (ولو جعلناه قرآنا اعجميا لقالوا لو لا فصلت اياته أأعجمي وعربي) یعني الله میفرماید که اگر قرآن را به زبان عربي نازل نمیکردیم وبه زبان عجمي مي بود یعني بدون عربي بکدام زبان دیگري آن را نازل میکردیم

([1]) الدر المختار على هامش ردالمحتار فصل في القراءة جلد اول ص ٥١٠ ، ط.س. ج١ ص٥٤٦. ظفير

([2]) كما صح لوشرع بغير عربية الخ او قرأ بها عاجز فجائز اجماعا قيد القراءة بالعجز لان الاصح رجوعه الى قولهما وعليه الفتوى قلت وجعل العيني الشروع كالقراءة لاسلف له ولاسند له يقويه (درمختار) وانما المنقول انه رجع الى قولهما في اشتراط القراءة بالعربية الا عند العجز الخ لان الامام رجع الى قولهما في اشتراط القراءة بالعربية لان المامور به قراءة القران وهو اسم للمنزل باللفظ العربي المنظوم هذا النظم الخاص المكتوب في المصاحف المنقول الينا نقلا متواترا الخ (ردالمحتار، باب صفة الصلوة فصل تاليف الصلوة ص٤٥١ ج١، ط.س. ج١ ص٤٨٣ — ٤٨٤) . ظفير

([3]) سورة يوسف: ركوع ١. ظفير

پس کافران چنین اعتراضي میکردند که به پیغمبر عربي قرآن عجمي نازل گردیده است این سخن تعجب است ودرکتابهاي فقه واضح گردیده که اگر ترجمه قرآن را در نماز بخوانند نماز صحیح نمیشود واگر بکدام شخص جدید الاسلام که زبان سخت دارد وکلمات عربي را به زبان آورده نمیتواند برای او روا است که در نماز ترجمه قرآن بخواند تا وقتیکه الفاظ عربي نماز را یاد گیرد چرا که او معذور است واین گفتار مولوي صاحب مذکور که گویا الله تعالی قرآن را در دل پیغمبر انداخت وپیغمبر ﷺ به الفاظ عربي أن را بیان کرد این عقیده او بالکل خلاف اهل سنت است ونامبرده معتقد نیچریت ومرزائیت معلوم میشود عقیده اهل سنت این است که قرآن شریف به واسطه جبرئیل علیه السلام نازل شده است ودرخود قرآن کریم آمده است: نزل به الروح الامین، یعني جبرئیل علیه السلام از طرف الله تعالی نازل کرده غرض اینکه شنیدن وقبول کردن کلام صاحب این قسم عقیده براي هیچ مسلمان مناسب نیست.

سوال: (۴۹۶) (۱) **زن در نماز جهری قرائت را به جهر بخواند یا به خفیه**؟ زنان درنماز خفیه وجهري قرائت را به جهری بخوانند ویا به خفیه؟

سوال: (۴۹۷) (۲) مقدار فرض قرائت کدام است؛ چونکه درنماز قرائت فرض است برکدام اندازه ؟

سوال: (۴۹۸) (۳) **اگر در یک رکعت نماز صبح یک رکوع بخواند ودردوم جزء یاکلا یک سورت بخواند حکم چیست**؟ که در نماز صبح وغیره در رکعت اول رکوع یک سورت ودوم جزء یا کلا یک سورت دیگري را بخواند جائز است یانه؟

جواب: (۱) زنان درتمام نمازهای خود قرائت رابه خفیه بخوانند: فی الکبیری قال ابن الهمام خرج بالنوازل بأن نغمة المرأة عورة إلی قوله وعلی هذا لو قیل اذا جهرت بالقرآن في الصلاة فسدت کان متجها. [1]

جواب: (۲) مطلق قرائت باندازه یک آیت فرض است: کما في الشامي اي قرائت آیة من القرآن وهي فرض عمل [2] خواندن الحمد لله شریف وضم سوره یا ضم یک آیه دراز وسه آیات کوتاه بی الحمدلله شریف واجب است وبه ضم سوره کوتاه مثل إنا اعطیناک واجب اداء میشود:

---

(۱) ردالمحتار باب شروط الصلوة مطلب في ستر العورة جلد اول ص۳۷۷، ط.س. ج۱ ص۴۰۶. ظفیر

(۲) ردالمحتار، باب صفة الصلوة مبحث القراءة جلد اول ص۴۱۵، ط.س. ج۱ ص۴۴۶. ظفیر

وتجب قرائة الفاتحه وضم سورة او ما يقوم مقامها من ثلاث آيات قصار او آية طويلة في الاولیين عالمگيري ج۱ ص۶۶.

جواب: (۳) مستحب این است که در هر رکعت سوره مکمل قرائت کند: والافضل أن يقرأ فی کل رکعه سورة تامة ولو قرأ بعض السورة في ركعة وباقيها في ركعة قيل يكره والصحيح انه لا يكره کبیری ص۴۶۲.

سوال: (۴۹۹) **قرائت خلف الامام جائز است یانه؟** قرائت خلف الامام جائز است یا نه ؟ اگر جائز نباشد چه دلیل است؟

جواب: قرائت خلف الامام به نزد امام اعظم صاحب جائز نیست لقوله ﷺ : من كان له امام فقراءة الامام له قراءة، رواه الطحاوي والامام محمد في موطائه واسناده صحيح كما في آثار السنن وقوله ؑ : واذا اقرا فانصتوا الحديث رواه مسلم [1] وغيره، والله تعالى اعلم كتبه عزيز الرحمن مفتي مدرسه عاليه ديوبند. (ويكره عندهما لما فيه من الوعيد ويستمع وينصب، هدايه، قال العلامة بدر الدين العيني في شرح الهداية: وفي شرح التاويلات عن سعد بن ابي وقاص ؓ : من قرأ خلف الامام لا صلاة له، وروى ايضا نهي ذلک عن جماعة من الصحابة ؓ . جميل الرحمن).

سوال: (۵۰۰) **برای مسبوق درقرائت ترتیب امام لازم است یانه؟** به ذمه مسبوق ترتیب امام لازم است ویانه؟ مثلا امام یک سوره را خوانده است آیا مسبوق ما قبل از آن کدام سوره را بدون کراهیت خوانده میتواند یانه؟

جواب: ترتیب امام به ذمه مسبوق لازم نیست چرا که مسبوق درنماز خود درحکم منفرد است: والمسبوق من سبقه الامام بها او ببعضها وهو منفرد فيما يقضيه درالمختار.

سوال: (۵۰۱) **درحدیث مشکوٰة وبخاری راه تطبیق چیست؟** درباره نخواندن سوره فاتحه لفظ خداج آمده ودر بخاری شریف: لا صلاة لمن لم يقرا بفاتحة الكتاب، آمده مطلب این را واضح فرمائید.

جواب: این حکم برای امام ومنفرد است ممانعت قرائت برای مقتدی دراحادیث صحیحه دیگری موجود است مثل حدیث شریف: واذا قرا فانصتوا [2] ، الحديث وحديث شريف: من كان له امام

---

(۱) مشكوة باب القراءة في الصلوة ص۷۹ وص۸۱ او اثار السنن باب فی ترک القراءة خلف الامام جلد اول ص۸۷. ظفير

(۲) مشكوة باب القراءة في الصلوة ص۷۹ وص۸۱. ظفير

فقراءة الامام له قرائت [۱] الحديث وقال الله تعالىٰ: واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا. [۲]

سوال: (۵۰۲) **قرائت خلاف ترتیب چه حکم دارد؟** اگر درقرائت نماز اول سورة الم نشرح لک را بعدا سورة والضحی رابخواند جائز است یانه؟ واگر سهوا این چنین کرده شود سجده سهو لازم است ویانه؟

جواب: قصدا الم نشرح را از والضحی پیش نکند واگر از روی سهو این عمل صادر شده باشد سجده سهو نیست. فی الدر المختار: ویکره الفصل بسورة قصیرة بان یقرأ منکوسا قال الشامی لان ترتیب السور فی القرائت من واجبات الصلاة، الی ان قال: انما یکره اذا کان عن قصد فلو سهوا فلا، شامی ج۱ ص۵۱۰.

سوال: (۵۰۳) **اگر مابین سوره را بخواند بسم الله رابخواند یانه؟ هم چنین درقنوت وجنازه درشروع دعاء گفتن بسم الله چی حکم دارد؟** اگر کسی از مابین کدام سورة قرائت راشروع کند وهکذا در وتر وجنازه که دعاء قنوت ویا دعاء جنازه راشروع میکند در این وقت بسم الله را بگوید یا نه؟

جواب: اگر قرائت را از مابین سورت شروع میکند ویا در وتر دعاء قنوت میخواند ویا درنماز جنازه دعاء ودرود میگوید، وهر کدام آن را به بسم الله شروع کند کدام حرج نیست. [۳]

تمّت بحمد الله تعالی



---

(۱) آثار السنن باب في ترک القراءة ص۸۷. ظفیر

(۲) سورة الاعراف رکوع ۲۴. ظفیر

(۳) یعني اگر چه در تمام این صورتها گفتن بسم الله مسنون نیست لیکن اگر گفته شود حرج هم نیست کما في الشامي ص۴۵۸ ج۱ في بیان مفسدات الصلوة: قوله سمع اسم الله تعالی فقال جل جلاله الخ لان نفس تعظیم الله تعالی والصلوة علی النبی ﷺ لا ینافي الصلوة ویؤیده ما في الدرالمختار في بیان تالیف الصلوة لا تسن البسملة بین الفاتحة والسورة مطلقا ولو سریة ولا تکره اتفاقا الخ. جمیل الرحمٰن غفرله